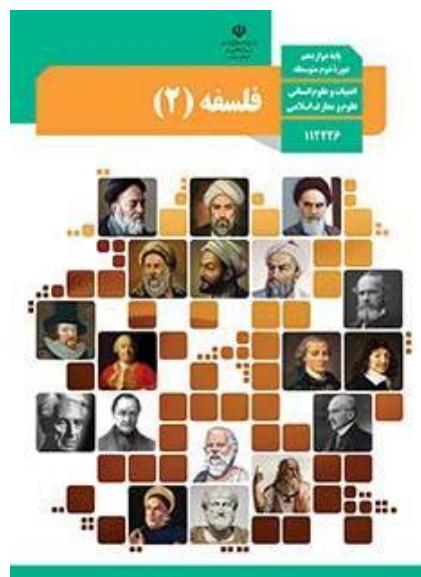


جزوه فلسفه ۲

سال دوازدهم



شامل :

خلاصه مطالب هر درس

سوالات تشریحی

سوالات جای خالی

سوالات صحیح غلط

سوالات تستی

سوالات پاسخ کوتاه و تکمیلی

تهیه و تنظیم: حیدر جلالی

سال تحصیلی: ۹۸ - ۹۹

سخنی با دبیران ارجمند / دانش آموزان گرامی:

پیشنهاد می شود زمانی از این جزو استفاده شود که ابتدا مطالب درسی از طریق کتاب به شکل کامل خوانده شده و سپس از این جزو به عنوان منبع کمک آموزشی و برای مرور مطالب استفاده شود.

در این جزو، علاوه بر خلاصه هر درس ، مجموعه ای از سوالات شامل سوالات تشریحی - سوالات پاسخ کوتاه - سوالات صحیح، غلط - سوالات جای خالی - سوالات تستی و سوالات تکمیلی گنجانده شده است .

در اینجا از کلیه خوانندگان این مجموعه به ویژه دبیران ارجمند این درس، خواهشمندم با ارسال نظرات ، ایده ها و انتقادات سازنده خود ، به ایمیل بندе headerjalaly@yahoo.com این مجموعه را پربارتر نمایند. شایان ذکر است استفاده و تکثیر جزو با ذکر منبع و بدون تغییر نام بنده بلامانع است در غیر اینصورت اشکال شرعی و انسانی دارد .

حیدر جلالی

۱۳۹۸

فهرست مطالب

بخش اول: مسائل پیرامون واقعیت و هستی

درس ۱: هستی و چیستی

درس ۲: جهان ممکنات

درس ۳: جهان علی و معلولی

درس ۴: کدام تصویر از جهان؟

بخش دوم: پیرامون عقل و خدا

درس ۵: خدا در فلسفه (۱)

درس ۶: خدا در فلسفه (۲)

درس ۷: عقل در فلسفه (۱)

درس ۸: عقل در فلسفه (۲)

بخش سوم: نگاهی اجمالی به سیر فلسفه در جهان اسلام

درس ۹: آغاز فلسفه در جهان اسلام (۱)

درس ۱۰: فلسفه در جهان اسلام (۲)

درس ۱۱: دوران متاخر

بخش اول: مسائل پیرامون واقعیت و هستی

- در بخش اوّل کتاب سال یازدهم، چیستی دانش فلسفه و رابطه آن با زندگی و اینکه موضوع دانش فلسفه «وجود» است، بیان شد. فلسفه، مسائل پیرامون «وجود» را بررسی می کند؛ بنابراین، اصل دانش فلسفه را «وجودشناسی» می گویند.

«معرفت‌شناسی» که درباره حقیقت علم صحبت می کند و بخش دوم کتاب یازدهم را تشکیل می دهد، خود بخشی از هستی‌شناسی به معنای عام آن است؛ زیرا حقیقت علم، که «وجود ذهنی» نامیده می شود، خود از اقسام «وجود» است و این هستی است که به وجود ذهنی و وجود خارجی تقسیم می شود.

مباحث اصلی فلسفه علاوه بر تقسیم وجود به وجود خارجی و وجود ذهنی، مباحثی مانند رابطه هستی با چیستی و تقسیم وجود علت و معلول، واجب و ممکن، ثابت و متغیر و مانند اینها را نیز شامل می شود.

▪ درس اول بخش اول: هستی و چیستی

- یکی از مباحث اوگلیه فلسفه، تعیین نسبت دو مفهوم هستی و چیستی (وجود و ماهیت) است؛ زیرا این دو مفهوم از پرکاربردترین مفاهیم میان انسان‌ها هستند و عموماً در کنار هم به کار می‌روند. همواره در اطرافمان «چیزهایی» را یافته و به حسب نیاز، از آنها استفاده کرده‌ایم. گاهی چیزی را واقعی و موجود پنداشته‌ایم، اما اندکی بعد، به اشتباه خود پی برده و متوجه شده‌ایم که آن چیز، خیالی است و واقعیت ندارد؛ مانند غول، دیو، ققنوس، سیمرغ و سراب. وقتی کودکی می‌پرسد «این حیوان چیست؟» می‌داند که آن شی موجود است اما از ماهیت و چیستی آن شی آگاه نیست. او می‌خواهد آن حیوان یا حیوانات دیگر را که همه موجودند، بشناسد و از چیستی شان آگاه شود؛ هر چند که این آگاهی کاملاً نیاشد.

□ مغایرت وجود و ماهیت در ذهن

توضیح معنی مغایرت:

فِعْلَهُمْ بِيُوْدَنْ = يَكِيْ بِيُوْدَنْ = دُوْ چِيزْ بِيُوْدَنْ = مُخْتَلِفُ وَ مُتَفَوِّتُ بِيُوْدَنْ = مُتَمَايِزُ وَ اَزْ هُمْ جَدَا بِيُوْدَنْ

هدف بحث مغایرت وجود و ماهیت :

❖ اثبات اینکه؛ مفهوم وجود و ماهیت در ذهن عینیت و یکسانی ندارند

❖ وجود و ماهیت در ذهن دو چیزند (مختلف و متفاوت، متمایز و از هم جدا هستند).

نکته: چون وجود و ماهیت فقط در خارج پکساند لذا موضوع بحث و اثبات ما نیستند.

۱- انسان در هر چیزی که مشاهده می کند، دو حیثت می یابد:

حیثیت اول: حیثیت موجود بودن
حیثیت دوم: حیثیت چیستی داشتن.

۲- وجود، و حه مشتک موجودات است و ماهیت، و حه اختصاص، آنها.

فارابی، فیلسوف بزرگ مسلمان، به نسبت میان «وجود» و «ماهیت» توجه ویژه‌ای کرد و در تمایز میان این دو مفهوم، نکاتی را مطرح نمود.

ابن سينا، دیگر فیلسوف مسلمان، راه فارابی را ادامه داد.

به عقیده ابن سينا وقتی می گوییم «هستی» و «چیستی» دو جنبه یک چیزند، به این معنا نیست که آنها دو جزء از یک چیزند که با هم ترکیب یا جمع شده اند؛ آن گونه که اکسیژن و هیدروژن دو جزء تشکیل دهنده آب هستند؛ حتی مثل کاغذ و رنگ کاغذ هم نیستند که مثلاً اگر کسی بپرسد چه رنگی است، می گوییم سفید است.

وقتی می گوییم «انسان موجود است» تفاوت «انسان» و «وجود» فقط در ذهن و از جهت مفهوم است، والا در خارج، دو امر جداگانه به نام «وجود» و «انسان» نداریم؛

در خارج از ذهن، واقعیتی است که هر دو مفهوم را به آن نسبت می دهیم به عبارت دیگر «انسان» و «وجود» دو مفهوم مختلف و متفاوت اند نه دو موجود جداگانه

ابن سينا این بحث را ادامه داد و به نتایج دیگری هم رسید.

به عقیده ابن سينا در دو گزاره «انسان حیوان ناطق است» و «انسان موجود است» حمل «وجود» بر «انسان» با حمل «حیوان ناطق» بر «انسان» کاملاً متفاوت است. (دال بر مغایرت ذهنی وجود و ماهیت در ذهن)

در عبارت «انسان حیوان ناطق است»، «حیوان ناطق» که محمول قضیه است، در تعریف انسان آمده است؛ پس «انسان» همان «حیوان ناطق» است

به عبارت دیگر، دو مفهوم «حیوان ناطق» و «انسان» از یکدیگر جدای ناپذیرند. هر انسانی حیوان ناطق است و هر حیوان ناطقی انسان است.

اصولاً لفظ «انسان» برای همین چیزی که «حیوان ناطق» است به کار می رود؛ همان طور که از واژه مثلث برای «شکل سه ضلعی» استفاده می شود و تفاوت آنها صرفا در گستردگی شان است؛ یعنی حیوان ناطق مفهوم گسترده انسان است.

بنابراین، حمل «حیوان ناطق» بر «انسان» یک «حمل ضروری» است و به دلیل نیاز ندارد؛ یعنی نمی توان پرسید چه عاملی باعث شد که شما «حیوان ناطق» را بر «انسان» حمل کنید.

در عبارت «انسان موجود است» مفهوم «وجود» از مفهوم «انسان» جداست و جزء تعریف آن قرار نمی گیرد بنابراین، میان «انسان» به عنوان یک «چیستی» و «وجود» رابطه ضروری برقرار نیست؛ به همین سبب، انسان، می تواند موجود باشد و می تواند موجود نباشد.

بنابراین، حمل «وجود» بر هر «چیستی» از جمله «انسان» نیازمند دلیل است حال این دلیل ممکن است حسی و تجربی باشد یا عقلی محسن.

□ اشاره گذار به تاریخچه مغایرت وجود و ماهیت در ذهن

- توجه ویژه فارابی و بیان دقیق ابن سینا در بحث مغایرت وجود و ماهیت در ذهن بدین معنا نیست که فیلسوفان گذشته به این موضوع توجهی نداشته اند.
- ارسطو در کتاب «مابعدالطبيعه» وجود را از ماهیت جدا می سازد، اما به توضیحات کوتاهی اکتفا می کند.
- به علت توجه خاص ابن سینا، این بحث با عنوان «مغایرت وجود و ماهیت» و یا عنوان هایی مشابه، مقدمه طرح مباحث جدیدی قرار گرفت؛ به گونه ای که گفته اند «فرق بین ماهیت و وجود بی تردید یکی از اساسی ترین آراء و عقاید فلسفی در تفکر اسلامی است»
- این نظر، پایه یکی از برهان های ابن سینا در اثبات وجود خدا به نام برهان «وجوب و امکان» نیز قرار گرفت.
- یکی از فیلسوفان بزرگ اروپا به نام «توماس آکوئیناس» که با فلسفه ابن سینا آشنا بود، این نظر را در اروپا گسترش داد و موجب مناقشات فراوانی در آنجا شد
- توماس آکوئیناس همچون ابن سینا، این نظر را پایه برهان های خود در خداشناسی قرار داد و پایه گذار فلسفه توماسی - تومیسم در اروپا شد که هنوز هم به نام وی در جریان است.
- فلاسفه دیگری مانند آلبرت کبیر و راجر بیکن نیز نظری نزدیک به توماس آکوئیناس داشتند.
- آلبرت کبیر و راجر بیکن در قرن های ۱۳ تا ۱۵ میلادی فلسفه ای را در اروپا ترویج می کردند که بیشتر متکی به دیدگاه های ابن سینا و تا حدودی «ابن رشد» بود. همین امر فرصتی را فراهم کرد تا فلاسفه غرب از طریق ابن سینا و ابن رشد مجدداً با فلاسفه ارسطویی آشنا شوند؛ گرچه از قرن ۱۶ میلادی با رشد تجربه گرایی، این دیدگاه ها جای خود را به فلاسفه های حس گرا و تجربه گرا دادند.
- نظر ابن سینا مورد توجه فلاسفه مسلمان نیز قرار گرفت و گوهای مهم فلسفی فراوانی را فراهم آورد که تا عصر ملاصدرا دنبال شد و تا امروز هم ادامه یافته است.
- نکات پاورقی جهت مطالعه کنکور :
 - فلاسفه، در قضیه «انسان حیوان ناطق است» و «مثلث شکلی سه ضلعی است» حمل را حمل اوّلی ذاتی و در قضیه «انسان موجود است» حمل را حمل شایع صناعی نامیده اند.
 - هرگاه مفهوم موضوع و محمول یکی باشد، حمل اوّلی ذاتی است .
 - هرگاه مفهوم محمول غیر از موضوع باشد، حمل شایع صناعی است.
 - البرت کبیر از پیشگامان رشد ارسطوگرایی در اروپاست.
 - توماس آکوئیناس از شاگردان البرت کبیر بود.

سوالات تشریدی

۱- چرا گفته می شود که یکی از مباحث اویلیه فلسفه، تعیین نسبت دو مفهوم هستی و چیستی (وجود و ماهیت) است؟ زیرا این دو مفهوم از پرکاربردترین مفاهیم میان انسان ها هستند و عواملا در کنار هم به کار می روند.

۱۲- چرا یک کودک به هنگام مواجهه با یک حیوان می پرسد « این حیوان چیست؟

زیرا وی می داند که آن شی موجود است اما از ماهیّت و چیستی آن شی آگاه نیست. لذا می خواهد آن حیوان یا حیوانات دیگر را که همه موجودند، بشناسد و از چیستی شان آگاه شود؛ هر چند که این آگاهی کامل نباشد.

۳- انسان در هر چیزی که مشاهده می کند، دو حیثت می یابد، آن دو حیثت کدامند؟

حیثیت اول : حیثیت موجود بودن **حیثیت دوم : حیثیت چیستی داشتن**

۴- مقصود این سینا از این سخن که «هستی» و «چیستی» دو جنبه یک چیزند، را با ذکر مثال توضیح دهد.

مقصود این است که آنها دو جزء از یک چیز که با هم ترکیب یا جمع شده اند؛ نیستند آن گونه که اکسیژن و هیدروژن دو جزء تشکیل دهنده آب هستند؛ حتی مثل کاغذ و رنگ کاغذ نیستند که اگر کسی بپرسد چه رنگی است، می‌گوییم سفید است.

۵- در عبارت «انسان موجود است» تفاوت «انسان» و «وجود» از چه جهتی است؟

تفاوت «انسان» و «وجود» فقط در ذهن و از جهت مفهوم است، والاً در خارج، دو امر جداگانه به نام «وجود» و «انسان» نداریم؛ بلکه در خارج از ذهن، واقعیتی است که هر دو مفهوم را به آن نسبت می دهیم به عبارتی «انسان» و «وجود» دو مفهوم مختلف و متفاوت اند نه دو موجود جداگانه.

۶- با توجه به عقیده ابن سینا ، توضیح دهید که آیا فهم ما از قضیه «انسان حیوان ناطق است» با فهم ما از قضیه «انسان موجود است» بکسان است ؟ جد؟

به عقیده ابن سینا در دو گزاره «انسان حیوان ناطق است» و «انسان موجود است» «حمل وجود» بر «انسان» با حمل «حیوان ناطق» بر «انسان» کاملاً متفاوت است. زیرا در عبارت «انسان حیوان ناطق است»، «حیوان ناطق» که محمول قضیه است در تعریف انسان آمده است؛ پس «انسان» همان «حیوان ناطق» است و لذا دو مفهوم «حیوان ناطق» و «انسان» از یکدیگر جدایی ناپذیرند. یعنی می‌توان گفت که هر انسانی حیوان ناطق است و هر حیوان ناطقی انسان است. پس حمل «حیوان ناطق» بر «انسان» یک «حمل ضروری» است و به دلیل نیاز ندارد؛ زیرا نمی‌توان پرسید چه عاملی باعث شد که شما «حیوان ناطق» را بر «انسان» حمل کنید. اما در عبارت «انسان موجود است» مفهوم «وجود» از مفهوم «انسان» جداست و جزء تعریف آن قرار نمی‌گیرد. پس میان «انسان» به عنوان یک «چیستی» و «وجود» رابطه ضروری برقرار نیست؛ به همین سبب، انسان، می‌تواند موجود باشد و می‌تواند موجود نباشد. بنابراین، حمل وجود بر هر چیستی از جمله «انسان» نیازمند دلیل است این دلیل ممکن است حسی و تجربی باشد یا عقلی محض.

۷- با توجه به عقیده ابن سینا ، توضیح دهید در دو گزاره « انسان حیوان ناطق است » و « انسان موجود است

حمل « وجود » بر « انسان » ضروری و بی نیاز از دلیل است یا حمل « حیوان ناطق » بر « انسان » ؟

حمل « حیوان ناطق » بر « انسان » یک « حمل ضروری » است و به دلیل نیاز ندارد؛ زیرا نمی توان پرسید چه عاملی

باعث شد که شما « حیوان ناطق » را بر « انسان » حمل کنید . اما در عبارت « انسان موجود است » مفهوم « وجود » از

مفهوم « انسان » جداست و جزء تعریف آن قرار نمی گیرد. پس، میان « انسان » به عنوان یک « چیستی » و « وجود »

رابطه ضروری برقرار نیست؛ به همین سبب، انسان، می تواند موجود باشد و می تواند موجود نباشد. لذا حمل « وجود »

برهه « چیستی » از جمله « انسان » نیازمند دلیل است حال این دلیل ممکن است حسی و تجربی باشد یا عقلی محض.

۸- با توجه به عقیده ابن سینا ، توضیح دهید چرا حمل « حیوان ناطق » بر « انسان » یک « حمل ضروری » است و به

دلیل نیاز ندارد ؟ زیرا نمی توان پرسید چه عاملی باعث شد که شما « حیوان ناطق » را بر « انسان » حمل کنید .

۹- حمل « حیوان ناطق » بر « انسان » چگونه حملی است ؟ و چرا به دلیل نیازمند نیست ؟

حمل « حیوان ناطق » بر « انسان » یک « حمل ضروری » است و به دلیل نیاز ندارد؛ زیرا نمی توان پرسید چه عاملی باعث

شد که شما « حیوان ناطق » را بر « انسان » حمل کنید .

۱۰- با توجه به عقیده ابن سینا ، توضیح دهید ، چرا در عبارت « انسان موجود است » مفهوم « وجود » از مفهوم

« انسان » جداست و جزء تعریف آن قرار نمی گیرد ؟

زیرا میان « انسان » به عنوان یک « چیستی » و « وجود » رابطه ضروری برقرار نیست؛ به همین سبب، انسان، می تواند

موجود باشد و می تواند موجود نباشد. بنابراین، حمل « وجود » بر هر « چیستی » از جمله « انسان » نیازمند دلیل است

حال این دلیل ممکن است حسی و تجربی باشد یا عقلی محض

۱۱- هر یک از موارد سمت راست با کدام یک از گزینه ها در سمت چپ مرتبط است ؟

۱- ذهنی و از جهت مفهوم

الف) وجه مشترک همه موجودات

۲- توماس اکوئیناس،

ب) وجه اختصاصی همه موجودات

۳- وجود

ج) پایه گذار فلسفه توماسی - تومیسم

۴- ماهیت

د) تفاوت وجود و ماهیت

۵- وجوب و امکان

و) برهان خداشناسی ابن سینا

الف : ۳ ب : ۴ ج : ۲ د : ۱ و : ۵

سوالات پاسخ گوایا

- ۱- موضوع دانش فلسفه چیست ؟ وجود
- ۲- چرا اصل دانش فلسفه را « وجودشناسی » می گویند ؟ زیرا فلسفه، مسائل پیرامون « وجود » را بررسی می کند.
- ۳- یکی از مباحث اولیه فلسفه چه بود ؟ تعیین نسبت دو مفهوم هستی و چیستی (وجود و ماهیت)
- ۴- وجه مشترک و وجه اختصاصی همه موجودات را بنویسید. وجود، وجه مشترک و ماهیت، وجه اختصاصی آنها است.
- ۵- کدام فیلسوف مسلمان، به نسبت میان « وجود » و « ماهیت » توجه ویژه ای کرد و در تمایز میان این دو مفهوم، نکاتی را مطرح نمود و کدام فیلسوف راه وی را ادامه داد ؟ فارابی، ابن سینا
- ۶- ارسطو در کدام کتاب خویش، وجود را از ماهیت جدا می سازد ؟ « مابعدالطبعه »
- ۷- نام دو فیلسوفی که نظرات آنان به توماس اکوئیناس نزدیک است را نام ببرید. آلبرت کبیر و راجر بیکن
- ۸- با توجه به عقیده ابن سینا ، حمل « وجود » بر هر « چیستی » از جمله « انسان » ممکن است نیازمند چه نوع دلایلی باشد ؟ حسی ، تجربی و عقلی محض
- ۹- یکی از برهان های ابن سینا در اثبات وجود خدا به چه برهانی معروف است ؟ برهان وجوب و امکان
- ۱۰- کدام یک از فیلسوفان بزرگ اروپا، برهان وجوب و امکان ابن سینا را در اروپا گسترش داد و موجب مناقشات فراوانی در آنجا شد ؟ . « توماس اکوئیناس »
- ۱۱- کدام فیلسوف بزرگ اروپا، پایه گذار فلسفه توماسی - تومیسم در اروپا شد ؟ « توماس اکوئیناس »
- ۱۲- فلسفه ای که « توماس آکوئیناس » پایه گذار آن در اروپا شد به چه فلسفه ای معروف شد ؟ توماسی - تومیسم
- ۱۳- فلسفه ای که آلبرت کبیر و راجر بیکن در قرن های ۱۳ تا ۱۵ میلادی در اروپا ترویج کردند بیشتر متکی به دیدگاه های کدام فلاسفه مسلمان بود ؟ ابن سینا و تا حدودی ابن رشد
- ۱۴- فلاسفه غرب از چه طریقی توانستند مجدداً با فلسفه ارسطویی آشنا شوند؟ از طریق ابن سینا و ابن رشد
- ۱۵- در قرن ۱۶ میلادی ، کدام مکتب غربی در اروپا رشد کرد و باعث ظهور چه نوع فلسفه هایی گردید؟ تجربه گرایی، فلسفه های حس گرا و تجربه گرا

جاهای خالی را با استفاده از کلمات مناسب کامل کنید.

- ۱ موضوع دانش فلسفه است . « وجود »
- ۲ فلسفه، مسائل پیرامون را بررسی می کند؛ بنابراین، اصل دانش فلسفه را می گویند . وجود - وجودشناسی
- ۳ یکی از مباحث اویله فلسفه، تعیین نسبت دو مفهوم و است. هستی - چیستی (وجود و ماهیت)
- ۴ دو مفهوم و از پرکاربردترین مفاهیم میان انسان ها هستند و عموماً در کنار هم به کار می روند.
- ۵ هستی - چیستی (وجود و ماهیت)
- ۶ انسان در هرچیزی که مشاهده می کند، دو حیثیت می یابد، حیثیت اول، حیثیت بودن و حیثیت دوم،
- ۷ حیثیت داشتن. موجود - چیستی
- ۸ ، وجه مشترک موجودات است و ، وجه اختصاصی آنها. وجود - ماهیت
- ۹ در عبارت « انسان موجود است » تفاوت « انسان » و « وجود » فقط در و از جهت است. ذهن - مفهوم
- ۱۰ در عبارت « انسان موجود است » ، « انسان » و « وجود » دو مختلف و متفاوت اند نه دو جداگانه.
- ۱۱ مفهوم - موجود
- ۱۲ در عبارت « انسان حیوان ناطق است »، حمل « حیوان ناطق » بر « انسان » یک حمل.... است و به نیاز ندارد.
- ۱۳ ضروری - دلیل
- ۱۴ در عبارت « انسان موجود است » مفهوم « وجود » از مفهوم « انسان » است و ... تعریف آن قرار نمی گیرد.
- ۱۵ جدا - جزء
- ۱۶ فرق بین و بی تردید یکی از اساسی ترین آرا و عقاید فلسفی در تفکر اسلامی است. ماهیت - وجود
- ۱۷ فرق بین ماهیت و وجود، پایه یکی از برهان های ابن سینا دراثبات وجود خدا به نام برهان و قرار گرفت.
- ۱۸ ارسسطو در کتاب « مابعدالطبیعه » را از جدا می سازد. وجود - ماهیت
- ۱۹ طبقه ۱۳ تا ۱۵ میلادی، فلاسفه غرب از طریق ابن سینا و ابن رشد مجدداً با فلسفه ... آشنا شدند ارسسطوی
- ۲۰ با رشد تجربه گرایی ، در قرن ۱۶ میلادی، فلاسفه ارسسطوی، جای خود را به فلسفه های و داد.
- ۲۱ حس گرا - تجربه گرا

تعیین کنید کدام عبارت صحیح و کدام غلط می باشد.

- ۱- موضوع دانش فلسفه « وجود » است . درست
- ۲- فلسفه، مسائل پیرامون « وجود » را بررسی می کند؛ لذا، اصل دانش فلسفه را « معرفت شناسی » می گویند . نادرست
- ۳- « معرفت شناسی » که درباره حقیقت علم صحبت می کند خود بخشی از هستی شناسی به معنای خاص آن است .
نادرست
- ۴- حقیقت علم، که « وجود خارجی » نامیده می شود، خود از اقسام « وجود » است و این هستی است که به وجود ذهنی و وجود خارجی تقسیم می شود . نادرست
- ۵- مباحث اصلی فلسفه علاوه بر تقسیم وجود به وجود خارجی و وجود ذهنی، مباحثی مانند رابطه هستی با چیستی و تقسیم وجود به علت و معلول، واجب و ممکن، ثابت و متغیر را شامل می شود . درست
- ۶- یکی از مباحث اویله فلسفه، تعیین نسبت دو مفهوم هستی و چیستی (وجود و ماهیت) است . درست
- ۷- دو مفهوم هستی و چیستی از پرکاربردترین مفاهیم میان انسان ها هستند و معمولا در کنار هم به کار می روند . درست
- ۸- گاهی چیزی را واقعی و موجود پنداشته ایم، اما اندکی بعد، به اشتباه خود پی برده و متوجه شده ایم که آن چیز، خیالی است و واقعیت ندارد؛ مانند قفنوس . درست
- ۹- وقتی کودکی می پرسد « این حیوان چیست؟ » می داند که آن شی موجود است اما از ماهیت و چیستی آن شی آگاه نیست . درست
- ۱۰- انسان در هر چیزی که مشاهده می کند، دو حیثیت می یابد : حیثیت موجود بودن و حیثیت چیستی داشتن .
درست
- ۱۱- ماهیت، وجه مشترک موجودات است و وجود، وجه اختصاصی آنها . نادرست
- ۱۲- ابن سینا، فیلسوف بزرگ مسلمان، به نسبت میان « وجود » و « ماهیت » توجه ویژه ای کرد و در تمایز میان این دو مفهوم، نکاتی را مطرح نمود . نادرست
- ۱۳- ابن رشد، فیلسوف مسلمان، راه فارابی را ادامه داد . نادرست
- ۱۴- به عقیده ابن سینا وقتی می گوییم « هستی » و « چیستی » دو جنبه یک چیزند، دقیقا به این معنا است که آنها دو جزء از یک چیزند که با هم ترکیب یا جمع شده اند . نادرست
- ۱۵- وقتی می گوییم « انسان موجود است » تفاوت « انسان » و « وجود » فقط در ذهن و از جهت مفهوم است، والا در خارج، دو امر جداگانه به نام « وجود » و « انسان » نداریم . درست
- ۱۶- در خارج از ذهن، واقعیتی است که هر دو مفهوم را به آن نسبت می دهیم . درست
- ۱۷- « انسان » و « وجود » دو مفهوم مختلف و متفاوت اند نه دو موجود جداگانه . درست
- ۱۸- به عقیده ابن سینا در دو گزاره « انسان حیوان ناطق است » و « انسان موجود است » حمل « وجود » بر « انسان » با حمل « حیوان ناطق » بر « انسان » کاملاً یکسان است . نادرست

- ۱۹- در عبارت « انسان حیوان ناطق است » ، « حیوان ناطق » که محمول قضیه است، در تعریف انسان آمده است؛ پس از جهت فلسفی « انسان » همان « حیوان ناطق » نیست. نادرست
- ۲۰-، دو مفهوم « حیوان ناطق » و « انسان » از یکدیگر جدایی پذیرند. نادرست
- ۲۱-دو عبارت « هر انسانی حیوان ناطق است » و « هر حیوان ناطقی انسان است ». هر دو صادق اند. درست
- ۲۲-حمل « حیوان ناطق » بر « انسان » یک « حمل ضروری » است و به دلیل نیاز ندارد. درست
- ۲۳-در عبارت « انسان موجود است » مفهوم « وجود » از مفهوم « انسان » جداست و جزء تعریف آن قرار نمی گیرد. نادرست
- ۲۴- میان « انسان » به عنوان یک « چیستی » و « وجود » رابطه ضروری برقرار نیست. درست
- ۲۵-حمل « وجود » بر « چیستی » از جمله « انسان » نیازمند دلیل است و این دلیل ممکن است حسی و تجربی باشد یا عقلی محض. درست
- ۲۶-توجه ویژه فارابی و بیان دقیق ابن سینا در بحث مغایرت وجود و ماهیت در ذهن نشان می دهد که فیلسوفان گذشته به این موضوع توجهی نداشته اند. نادرست
- ۲۷- افلاطون در کتاب « مابعدالطیبعه » وجود را از ماهیت جدا می سازد. نادرست
- ۲۸-« فرق بین ماهیت و وجود، بی تردید یکی از اساسی ترین آرا و عقاید فلسفی در تفکر اسلامی است. درست
- ۲۹-فرق بین ماهیت و وجود ، پایه یکی از برهان های فارابی در اثبات وجود خدا به نام برهان « وجوب و امکان » قرار گرفت. نادرست
- ۳۰- یکی از فیلسوفان بزرگ اروپا به نام « آگوستین » از طریق فلسفه ابن سینا برهان « وجوب و امکان » را در اروپا گسترش داد و موجب مناقشات فراوانی در آنجا شد . نادرست
- ۳۱-توماس اکوئیناس پایه گذار فلسفه توماسی- تومیسم در اروپا شد که هنوز هم به نام وی در جریان است. درست
- ۳۲- فلاسفه ای مانند آلبرت کبیر و راجر بیکن نظری نزدیک به آگوستین داشتند. نادرست
- ۳۳- آلبرت کبیر و راجر بیکن در قرن های ۱۳ تا ۱۵ میلادی فلسفه ای را در اروپا ترویج کردند که بیشتر متکی به دیدگاه های ابن سینا و تا حدودی « ابن رشد » بود. درست
- ۳۴- فلاسفه غرب از طریق ابن سینا و ابن رشد مجددًا با فلسفه افلاطونی آشنا شدند. نادرست
- ۳۵-؛ از قرن ۱۶ میلادی با رشد تجربه گرایی، دیدگاه های ارسطویی جای خود را به فلسفه های حس گرا و تجربه گرا دادند. درست
- ۳۶- آراء ابن سینا مورد توجه فلاسفه مسلمان قرار گرفت و زمینه گفت و گوهای مهم فلسفی فراوانی را فراهم آورد که تا عصر ملاصدرا دنبال شد و تا امروز هم ادامه یافته است. درست

سوالات تستی

- ۱- اسناد هستی به یک چیز ، به وسیله کدام مورد انجام می گیرد ؟ (سراسری ۹۷)
- (۱) جملات اسنادی (۲) پرسش از هستی (۳) قضایای دو جزئی (۴) استدلال و برهان
- ۲- وجه مشترک همه اشیاء و موجودات است و وجه اختصاصی آنها..... است و دانشی که درباره حقیقت علم بحث می کند ، نام دارد که بخشی از به معنای عام آن است .
- (۱) ماهیت - وجود - معرفت شناسی - هستی شناسی (۲) وجود - ماهیت - معرفت شناسی - هستی شناسی
- (۳) ماهیت - وجود - وجود شناسی - معرفت شناسی (۴) وجود - ماهیت - وجود شناسی - معرفت شناسی
- ۳- ماهیت و وجود اشیاء در و از جهت از هم جداست و لذا در دو امر جداگانه به نام وجود و ماهیت نداریم .
- (۱) واقعیت - مفهوم - خارج (۲) ذهن - مفهوم - خارج (۳) ذهن - مصدق - ذهن (۴) واقعیت - مصدق - ذهن
- ۴- « عینیت مفهوم وجود و ماهیت در ذهن » ، « اختلاف مفهوم وجود با ماهیت در ذهن » و « عینیت مفهوم وجود و ماهیت در خارج » به ترتیب ، موصوف به چه وصفی می باشند؟
- (۱) مقبول - مردود - مقبول (۲) مردود - مقبول - مقبول (۳) مقبول - مقبول - مردود (۴) مردود - مردود - مقبول
- ۵- با توجه به اینکه فهم ما از قضیه « انسان حیوان ناطق است » با فهم ما از قضیه « انسان موجود است » یکسان نیست کدام نتیجه گیری فلسفی صحیح است .
- (۱) اختلاف وجود و ماهیت در خارج (۲) تلازم وجود و ماهیت در ذهن (۳) عینیت وجود و ماهیت در ذهن (۴) اختلاف وجود و ماهیت در ذهن
- ۶- در قضیه « انسان موجود است » تصور ما از موضوع ، عین تصور ما از محمول آن نیست ، این مطلب مؤید کدام مساله فلسفی است ؟
- (۱) اختلاف وجود و ماهیت در خارج (۲) تلازم وجود و ماهیت در ذهن (۳) عینیت وجود و ماهیت در ذهن (۴) اختلاف وجود و ماهیت در ذهن
- ۷- کدام گزینه در مورد عبارت « انسان موجود است » صحیح نیست ؟
- (۱) انسان و وجود دو مفهوم متفاوت اند نه دو موجود جداگانه
- (۲) انسان و وجود هم دو مفهوم مختلف اند هم دو موجود جداگانه
- (۳) تفاوت انسان و وجود فقط در ذهن و از جهت مفهوم است، و در خارج، دو امر جداگانه به نام وجود و انسان نداریم .
- (۴) در خارج از ذهن، واقعیتی است که هر دو مفهوم را به آن نسبت می دهیم

۸- کدام گزینه در مورد عبارت «انسان حیوان ناطق است» صحیح نیست ؟

۱) دو مفهوم انسان و حیوان ناطق از یکدیگر جایی ناپذیرند و حمل حیوان ناطق بر انسان یک حمل ضروری است و به دلیل نیازنadar.

۲) میان انسان به عنوان یک چیستی و حیوان ناطق رابطه ضروری برقرار است اما مفهوم حیوان ناطق از مفهوم انسان جداست و جزء تعریف آن قرار نمی گیرد .

۳) رابطه بین دو مفهوم انسان و حیوان از نسبت های چهارگانه رابطه تساوی است یعنی هر انسانی حیوان ناطق است و هر حیوان ناطقی انسان است.

۴) همان طور که از واژه مثلث برای «شکل سه ضلعی» استفاده می شود و تفاوت آنها صرفا در گستردگی شان است؛ یعنی حیوان ناطق مفهوم گسترده انسان است.

۹- حمل « حیوان ناطق » بر « انسان » یک حمل است و به دلیل نیاز یعنی پرسید که چه عاملی باعث شد که شما « حیوان ناطق » را بر « انسان » حمل کنید.

۱) ضروری - دارد - می توان ۲) امکانی - ندارد - نمی توان ۳) امکانی - دارد - می توان ۴) ضروری - ندارد - نمی توان

۱۰- در قضیه « انسان حیوان ناطق است » و قضیه « مثلث شکلی سه ضلعی است و قضیه « انسان موجود است » به ترتیب حمل را و و می نامند.

۱) اولی ذاتی - شایع صناعی - اولی ذاتی - شایع صناعی

۲) شایع صناعی - اولی ذاتی - اولی ذاتی - شایع صناعی

۱) اولی ذاتی - شایع صناعی - اولی ذاتی

۲) شایع صناعی - اولی ذاتی - اولی ذاتی

۱۱- هرگاه مفهوم موضوع و محمول یکی باشد، حمل است و هرگاه مفهوم محمول غیر از موضوع باشد، حمل ... است .

۱) شایع ذاتی - اولی صناعی ۲) شایع صناعی - اولی ذاتی ۳) اولی ذاتی - شایع صناعی ۴) اولی صناعی - شایع ذاتی

۱۲- آلبرت کبیر از پیشگامان رشد.....در اروپاست و نظری نزدیک به دارد و بیشتر متکی به اندیشه های و تا حدودی دارد .

۱) ارسطوگرایی - توماس آکوئیناس، - این سینا - این رشد

۲) افلاطون گرایی - توماس آکوئیناس، - این سینا - فارابی

۱) افلاطون گرایی - توماس آکوئیناس، - این سینا - این رشد

۲) ارسطوگرایی - توماس آکوئیناس، - این سینا - فارابی

▪ درس دوم بخش اول: جهان ممکنات

□ تعریف مفاهیم سہ گانہ :

- **ضرورت :** محمول قضایا برای موضوعشان ضروری است .
 - **امکان :** محمول قضایا برای موضوعشان ضروری نیست بلکه ممکن است و هم می توانند این محمول را بپذیرند و هم نپذیرند .
 - **امتناع :** برقراری ارتباط میان موضوع و محمول غیرممکن است؛ یعنی محال و ممتنع است.

□ مثال مفاهیم سہ گانہ :

- ضرورت :** عدد ۴ زوج است. مثلث سه زاویه دارد. اسب جاندار است
امکان : دیوار خانه ما سفید است. خربزه میوه شیرینی است. هوای جنوب کشور گرم است.
امتناع : عدد هشت فرد است. تعداد موجودات روی زمین بی نهایت است. مثلث، دایره است.

سوال: نسبت « وجود» و « هستی » به عنوان یک محمول، با موضوع هایش چگونه نسبتی است؟

امکانی ضروری امتناعی

□ دیدگاه این سینا درباره ممکن الوجود بودن اشیاء:

- وقتی به ذات و ماهیت اشیاء پیرامون خود نگاه می کنیم، می بینیم که میان این ماهیات وجود یک رابطه امکانی برقرار است . یعنی ذات و ماهیت اشیاء :
 - ✓ به گونه ای نیست که حتما باید باشد.
 - ✓ به گونه ای هم نیست که بودن آنها محال باشد.
 - ✓ این اشیاء ذاتا می توانند باشند یا نباشند. به تعبیر دیگر، این اشیاء ممکن الوجودند.

سوال : اگر انسان، گیاه، حیوان و همهٔ چیزهایی که این جهان را تشکیل داده اند، ذاتاً و ماهیتاً نسبت به وجود

حالت «امکان» دارند، چگونه از حالت امکانی خارج شده و موجود شده اند؟ به عبارت دیگر، چرا «موجود بودن» برای این ماهیات «ضرورت» پیدا کرده است؟

پاسخ : درست است که رابطه میان «وجود» و «گیاه» یک **رابطه امکانی** است اما اگر گیاه موجود شد، معلوم می شود که رابطه ضرورت میان وجود و گیاه برقرار شده است؛ یعنی وجود برای گیاه ضرورت پیدا کرده است.

سوال : چرا انسان، گیاه، حیوان و سایر اشیاء که نسبت به وجود رابطه امکانی داشته اند، از این رابطه خارج شده اند و وجود برای آنها ضروری شده است و موجود شده اند؟

□ دیدگاه ابن سینا :

- درست است. نمی شود که چیزی ذاتاً نسبت به وجود حالت امکانی داشته باشد و ممکن الوجود باشد و خود به خود از حالت امکان خارج شود و وجود برایش ضروری گردد و موجود شود.
- به عبارت دیگر، این اشیاء، که ذاتاً ممکن الوجودند، تا واجب الوجود نشوند، موجود نمی شوند و چون ماهیتاً واجب الوجود نیستند، عاملی دیگر این ماهیات را واجب الوجود کرده و به آنها وجود بخشیده است. پس همهٔ ماهیاتی که موجودند، به واسطه عاملی دیگر واجب الوجود شده اند .به عبارت دیگر «واجب الوجود بالغیر» هستند.
- اشیاء جهان، چه تعداد آنها محدود باشد و چه نامحدود، چون ذاتاً ممکن الوجودند، به واجب الوجود بالذاتی نیاز دارند که آنها را نسبت به وجود از حالت امکانی خارج کند و وجود را برای آنها ضروری و واجب نماید. بنابراین، اشیای جهان «واجب الوجود بالغیر» هستند
- واجب الوجود بالذات، همان ذاتی است که وجود برایش ضرورت دارد و این ضرورت، از ناحیه خود آن ذات است نه از ناحیه یک امر بیرونی.
- بی نهایت شدن تعداد اشیاء جهان، نیازشان را به واجب الوجود بالذات برطرف نمی سازد، بلکه آنها را همچنان نیازمند نگه می دارد.

□ اقسام واجب از منظر ابن سينا :

- **واجب الوجود بالذات :** ذاتی است که وجود برایش ضرورت دارد و این ضرورت، از ناحیه خود آن ذات است نه از ناحیه یک امر بیرونی.
- **واجب الوجود بالغیر:** چون ماهیتا واجب الوجود نیستند، عاملی دیگر این ماهیات را واجب الوجود کرده و به آنها وجود بخشیده است همه ماهیاتی که موجودند، به واسطه عاملی دیگر واجب الوجود شده اند.

□ پیام اصلی ابن سينا و پیروان او :

موجودات جهان بر حسب ذات خود ممکن الوجودند اما از این حیث که اکنون موجودند، واجب الوجود بالغیرند؛ یعنی از «واجب الوجود بالذات» نشئت گرفته اند.

□ نگاهی به تاریخچه برهان وجوب و امکان :

- فلاسفه بعد از ابن سينا، هم در جهان اسلام و هم در اروپا، بیان وی در اثبات واجب الوجود را برهانی بسیار قوی برای اثبات وجود خداوند دانسته و آن را «برهان وجوب و امکان» نامیده اند.
- توماس آکوئیناس، که در بحث مغایرت وجود و ماهیت از ابن سينا تبعیت کرده است، برهان وجوب و امکان را در اروپا گسترش داد که مورد قبول بسیاری قرار گرفت.
- در جهان اسلام نیز فلاسفه ای مانند بهمنیار، خواجه نصیرالدین طوسی، میرداماد و شیخ بهایی از برهان وجوب و امکان استفاده کرده اند.
- ملاصدرا و صدرائیان برهان وجوب و امکان ابن سينا را ارتقا بخشیدند و علاوه بر همین بیان، از بیان قوی تری که با دستگاه فلسفی ملاصدرا سازگاری داشت، بهره بردند.
- ملاصدرا می گوید، به جای نگاه کردن به ماهیت و مشاهده حالت امکانی آن نسبت به وجود و عدم، اگر به دو واقعیت نگاه کنیم، می بینیم که این واقعیات، عین وابستگی و نیازند؛ در میان این موجودات، نمی توان موجودی را یافت که وابستگی به غیر و نیازمندی سراسر وجودش را فرا نگرفته باشد
- ملاصدرا «وابستگی» و «فقر و وجودی» را «امکان فقری» نامید تا آن را از «امکان ماهوی» ابن سينا جدا کند.
- ملاصدرا می گوید، این فقر و نیاز ذاتی که در موجودات مشاهده می کنیم، باید به منبعی متصل باشد که از غنای ذاتی و بی نیازی برخوردار است. آن غنی بالذات، همان خداوند متعال است که همه موجودات به او وابسته اند.

□ اقسام واجب از منظر ملاصدرا :

از نظر ملاصدرا وجود دو گونه است:

- وجود بی نیاز و غیروابسته
- وجودهای نیازمند و وابسته

طبق نظریه «امکان فقری» یا «فقر وجودی» ملاصدرا، جهان هستی یکپارچه نیاز و تعلق به ذات الهی است و از خود هیچ استقلالی ندارد. اگر ذات الهی آنی پرتو عنایت خویش را بازگیرد، کل موجودات نابود می گردند و نور آنها خاموش می شود.

ملاصدرا می گوید:

درون مغز او روشن چراغی است	به هرجا دانه ای در باغ و راغی است
و گرنه هیچ ذره نیست بی نور	بود نامحرمان را چشم و دل کور
که چون خورشید یابی جمله ذرات	بخوان تو آیه نور السموات
یکی نوری است تابان گشته، زان پاک	که تا دانی که در هر ذره خاک

نکات پاورقی جهت مطالعه کنکور :

- ابن سینا، برهان وجوب و امکان را برهان صدیقین نامیده است.
- کلمه صدیقین با الهام از آیات قرآن کریم و مقام صدیقین در قرآن بوده است.
- دستگاه فلسفی ملاصدرا که به حکمت متعالیه مشهور است، مبتنی بر اصل اصالت وجود و وحدت تشکیکی وجود است.

سوالات تشرییتی

۱- اصطلاحات زیر را تعریف کنید.

الف) رابطه امکانی ب) واجب الوجود بالذات ج) فقر وجودی

الف) محمول قضایا برای موضوعشان ضروری نیست یعنی هم می توانند این محمول را بپذیرند و هم نپذیرند. مانند اینکه بگوییم «دبیر فلسفه ما حیدر جلالی است.»

ب) واجب الوجود بالذات، همان ذاتی است که وجود برایش ضرورت دارد و این ضرورت، از ناحیه خود آن ذات است نه از ناحیه یک امر بیرونی.

ج) طبق نظریه «امکان فقری» یا «فقر وجودی» «ملاصدرا، جهان هستی یکپارچه نیاز و تعلق به ذات الهی است و از خود هیچ استقلالی ندارد. اگر ذات الهی آنی پرتو عنایت خویش را بازگیرد، کل موجودات نابود می گردند و تور آنها خاموش می شود.

۲- رابطه ضروری، امکانی و امتناعی را با ذکر مثال تعریف کنید.

▪ ضرورت : محمول قضایا برای موضوعشان ضروری است . مانند عدد ۴ زوج است

▪ امکانی : محمول قضایا برای موضوعشان ضروری نیست بلکه ممکن است و هم می توانند این محمول را بپذیرند و هم نپذیرند. دبیر فلسفه ما حیدر جلالی است .

▪ امتناعی : برقراری ارتباط میان موضوع و محمول غیرممکن است؛ یعنی محال و ممتنع است. مثلث، دائرة است.

۳- طبق عقیده ابن سینا ، میان ماهیات و وجود چه نوع رابطه ای برقرار است ؟

وقتی به ذات و ماهیت اشیاء پیرامون خود نگاه می کنیم، می بینیم که میان این ماهیات وجود یک رابطه امکانی برقرار است .

یعنی ذات و ماهیت اشیاء : به گونه ای نیست که حتما باید باشد. به گونه ای هم نیست که بودن آنها محال باشد.

این اشیاء ذاتا می توانند باشند یا نباشند. به تعبیر دیگر، این اشیاء ممکن الوجودند.

۴- طبق عقیده ابن سینا، اگر همه چیزهایی که این جهان را تشکیل داده اند، ذاتا و ماهیتا نسبت به وجود حالت «امکان» دارند، چگونه از حالت امکانی خارج شده و موجود شده اند؟ و چرا «موجود بودن» برای این ماهیات «ضرورت» پیدا کرده است ؟

این اشیاء، که ذاتا ممکن الوجودند، تا واجب الوجود نشوند، موجود نمی شوند و چون ماهیتا واجب الوجود نیستند، عاملی دیگر این ماهیات را واجب الوجود کرده و به آنها وجود بخشیده است. پس همه ماهیاتی که موجودند، به واسطه عاملی دیگر واجب الوجود شده اند به عبارت دیگر «واجب الوجود بالغیر» هستند.

(اشیاء جهان، چه تعداد آنها محدود باشد و چه نامحدود، چون ذاتا ممکن الوجودند، به واجب الوجود بالذاتی نیاز دارند که آنها را نسبت به وجود از حالت امکانی خارج کند و وجود را برای آنها ضروری و واجب نماید. بنابراین، اشیای جهان «واجب الوجود بالغیر» هستند)

۵- پیام اصلی ابن سینا و پیروان او در مورد ماهیات و موجودات جهان را بنویسید.

موجودات جهان بر حسب ذات خود ممکن الوجودند اما از این حیث که اکنون موجودند، واجب الوجود بالغیرند؛ یعنی از «واجب الوجود بالذات» نشئت گرفته اند.

۶- فلاسفه بعد از ابن سینا، هم در جهان اسلام و هم در اروپا، در مورد برهان ابن سینا چه عقیده ای داشته و آن را چه نامیده اند؟

بیان ابن سینا در اثبات واجب الوجود را برهانی بسیار قوی برای اثبات وجود خداوند دانسته و آن را «برهان وجوب و امکان» نامیده اند.

۷- برای اینکه ملاصدرا بتواند دیدگاه خود درباره ماهیات را با دیدگاه ابن سینا جدا و متمایز کند چه نظریه ای مطرح نمود؟

به جای نگاه کردن به ماهیت و مشاهده حالت امکانی آن نسبت به وجود و عدم، اگر به دو واقعیت نگاه کنیم، می بینیم که این واقعیات، عین وابستگی و نیازند، در میان این موجودات، نمی توان موجودی را یافت که وابستگی به غیر و نیازمندی سراسر وجودش را فرا نگرفته باشد. ملاصدرا «وابستگی» و «فقر وجودی» را «امکان فقری» نامید تا آن را از «امکان ماهوی» ابن سینا جدا کند.

۸- به عقیده ملاصدرا، برای مشاهده فقر و نیاز ذاتی در موجودات باید به چه منبعی متصل شد؟

лагаصردا می گوید، این فقر و نیاز ذاتی که در موجودات مشاهده می کنیم، باید به منبعی متصل باشد که از غنای ذاتی و بی نیازی برخوردار است. آن غنی بالذات، همان خداوند متعال است که همه موجودات به او وابسته اند.

۹- موجودات جهان بر حسب ذات خود و از این حیث که اکنون موجودند، به ترتیب چگونه موجودی هستند؟

موجودات جهان بر حسب ذات خود ممکن الوجودند اما از این حیث که اکنون موجودند، واجب الوجود بالغیرند؛ یعنی از «واجب الوجود بالذات» نشئت گرفته اند.

۱۰- نظریه «فقر وجودی» یا امکان فقری ملاصدرا را توضیح دهید

طبق نظریه «امکان فقری» یا «فقر وجودی» ملاصدرا، جهان هستی یکپارچه نیاز و تعلق به ذات الهی است و از خود هیچ استقلالی ندارد. اگر ذات الهی آنی برتولو عنایت خویش را بازگیرد، کل موجودات نابود می گردند و نور آنها خاموش می شود.

۱۱- هر یک از موارد سمت راست با کدام یک از گزینه ها در سمت چپ مرتبط است؟

۱- رابطه ضرورت

الف) رابطه میان ماهیات و وجود

۲- رابطه امکانی

ب) برقراری ارتباط میان موضوع و محمول غیرممکن است.

۳- واجب الوجود بالغیر

ج) مثلث سه زاویه دارد.

۴- واجب الوجود بالذات

د) بواسطه عاملی دیگر واجب شده اند.

۵- رابطه امتناعی

و) ذاتی که ضرورت وجودش از ناحیه ذات خود است.

الف: ۲ ب: ۵ ج: ۱ ۳: ۵ ۴: ۳

۱۲- هر یک از موارد سمت راست با کدام یک از گزینه‌ها در سمت چپ مرتبط است؟

۱- ملاصدرا

الف) گسترش دهنده برهان وجوب و امکان در اروپا

۲- شیخ بهایی

ب) ارتقا دهنده برهان وجوب و امکان ابن سینا

۳- توماس آکوئیناس،

ج) در جهان اسلام از برهان وجوب و امکان استفاده کرده است.

الف: ۳ ب: ۱ ج: ۲

سوالات پاسخ گوشه

۱- در کدام رابطه است که نسبت «وجود» به عنوان یک محمول، با موضوعشان ضروری است؟ رابطه ضرورت

۲- وقتی به ذات و ماهیت اشیاء پیرامون خود نگاه می‌کنیم، میان این ماهیات وجود چه رابطه‌ای می‌یابیم؟ رابطه امکانی

۳- به همه ماهیاتی که وجودشان، به واسطه عاملی دیگر واجب شده است چه می‌گویند؟ واجب الوجود بالغیر

۴- ذاتی که وجود برایش ضرورت دارد و این ضرورت، از ناحیه خود آن ذات است نه از ناحیه یک امر بیرونی

۵- چه نامیده می‌شود؟ واجب الوجود بالذات

۶- آیا بی نهایت شدن تعداد اشیاء جهان، نیازشان را به واجب الوجود بالذات برطرف می‌سازد؟

خیر بلکه آنها را همچنان نیازمند نگه می‌دارد.

۷- از منظر ابن سینا، واجب بر چند قسم است؟ نام ببرید. دو قسم، واجب الوجود بالذات و واجب الوجود بالغیر

۸- در نظر کدام فیلسوف واجب الوجود بر دو گونه واجب الوجود بالذات و واجب الوجود بالغیر است؟ ابن سینا

۹- توماس آکوئیناس به پیروی از چه کسی بحث مغایرت وجود و ماهیت را در اروپا مطرح کرد؟ ابن سینا

۱۰- توماس آکوئیناس به پیروی از ابن سینا کدام بحث فلسفی را در اروپا مطرح کرد؟ مغایرت وجود و ماهیت

۱۱- در جهان اسلام، کدام فلسفه از برهان وجوب و امکان استفاده کرده‌اند؟ نام دو تن از آنها را بنویسید.

بهمنیار، خواجه نصیرالدین طوسی، میرداماد و شیخ بهایی

۱۲- چرا ملاصدرا «وابستگی» و «فقر وجودی» را «امکان فقری» نامید؟ تاآن را از «امکان ماهوی» ابن سینا جدا کند.

۱۳- مقصود ملاصدرا از «غنى بالذات» کیست؟ غنى بالذات، خداوند متعال است که همه موجودات به او وابسته‌اند.

۱۴- از منظر ملاصدرا، وجود بر چند قسم است؟ نام ببرید. دو قسم، وجود بی نیاز و غیروابسته و وجود نیازمند و وابسته

۱۵- در نظر کدام فیلسوف وجود بر دو قسم، وجود غیروابسته و وجود وابسته است؟ ملاصدرا

۱۶- نام دیگر نظریه امکان فقری ملاصدرا چیست؟ فقر وجودی

جاهای خالی را با استفاده از کلمات مناسب کامل کنید.

- در رابطه برقراری ارتباط میان موضوع و محمول غیرممکن است . امتناعی
- به عقیده ابن سینا وقتی به ... و ... اشیاء پیرامون خود نگاه می کنیم، میان این ماهیات وجود یک رابطه امکانی می یابیم . ذات - ماهیت
- رابطه میان « وجود » و « گیاه » یک رابطه است. ضرورت
- چیزی که ... نسبت به وجود، حالت امکانی داشته و باشد، نمی تواند خود به خود از حالت امکان خارج شود و وجود برایش ضروری گردد . ذاتا - ممکن الوجود
- اشیایی که ذاتا ممکن الوجودند، تا ... الوجود نشوند، نمی شوند . واجب - موجود
- همه ماهیاتی که موجودند به واسطه عاملی دیگر... الوجود شده اند و به همین دلیل به واجب الوجود ... معروفند. واجب-بالغیر
- اشیاء جهان، چون ذاتا ... الوجودند، به واجب الوجود ... نیاز دارند که آنها را نسبت به وجود از حالت امکانی خارج کند و وجود را برای آنها ضروری و واجب نماید. ممکن - بالذاتی
- همه اشیای جهان « واجب الوجود» هستند. بالغیر
- وجود برای واجب الوجود بالذات ضرورت دارد و این ضرورت، از ناحیه ... آن ذات است نه از ناحیه یک امر ... خود - بیرونی
- بودن تعداد اشیاء جهان، نیازشان را به واجب الوجود بالذات برطرف نمی سازد، بلکه آنها را همچنان ... نگه می دارد. بی نهایت - نیازمند
- پیام اصلی ابن سینا و پیروان این است که موجودات جهان بر حسب خود ممکن الوجودند اما از این حیث که اکنون ، واجب الوجود ند؛ یعنی از « واجب الوجود ... » نشئت گرفته اند. ذات - موجودند - بالغیر - بالذات
- ، در بحث مغایرت وجود و ماهیت از ابن سینا تبعیت کرده است. توماس آکوئیناس
- برهان وجوب و امکان را در اروپا گسترش داد و مورد قبول بسیاری قرار گرفت. توماس آکوئیناس
- در جهان اسلام فلسفه ای مانند و از برهان وجوب و امکان استفاده کردند. بهمنیار، میرداماد (یا شیخ بهایی و طوسی)
- به عقیده ملاصدرا، به جای نگاه کردن به و مشاهده حالت امکانی آن نسبت به وجود و عدم، باید به دو نگاه کنیم، تا بینیم که این واقعیات، عین و نیازند. ماهیت - واقعیت - وابستگی
- به نظر ملاصدرا، در میان موجودات جهان، نمی توان موجودی را یافت که وابستگی به ... و سراسر وجودش را فرا نگرفته باشد. غیر - نیازمندی
- ملاصدرا « وابستگی » و « فقر وجودی » را « امکان » نامید تا آن را از « امکان » ابن سینا جدا کند. فقری - ماهوی
- به نظر ملاصدرا، فقر و نیاز ذاتی که در موجودات است، باید به منبعی متصل باشد که از ذاتی و برخوردار است. غنای - بی نیازی
- به نظر ملاصدرا، ... بالذات، همان خداوند متعال است که همه موجودات به او اند. غنی - وابسته
- از نظر ابن سینا، وجود دو گونه است ، وجود بی نیاز و و وجودهای نیازمند و.... . غیروابسته - وابسته

تعیین کنید کدام عبارت صحیح و کدام غلط می باشد.

- ۱- در قضیه « تعداد موجودات روی زمین بی نهایت است » برقراری ارتباط میان موضوع و محمول غیرممکن است . درست
- ۲- در قضیه « امروز هوای خوزستان پر از گرد و خاک است » رابطه موضوع و محمول امتناعی است . نادرست
- ۳- در قضیه « غذای امروز شور بود » رابطه موضوع و محمول امتناعی می باشد . (هماهنگ کشوری ۲۴ دی ماه ۸۷) نادرست
- ۴- نسبت « وجود » و « هستی » به عنوان یک محمول، با موضوع آن در قضیه « موبایل وجود دارد » ضروری است . نادرست
- ۵- به عقیده فارابی وقتی به ذات و ماهیت اشیاء پیرامون خود نگاه می کنیم، میان این ماهیات وجود یک رابطه امکانی می یابیم . درست
- ۶- در رابطه امکانی ، ذات و ماهیت اشیاء، به گونه ای نیست که حتما باید باشد. درست
- ۷- رابطه میان « وجود » و « گیاه » یک رابطه ضرورت است. نادرست
- ۸- چیزی که ذاتا نسبت به وجود حالت امکانی داشته و ممکن الوجود باشد، می تواند خود به خود از حالت امکان خارج شود و وجود برایش ضروری گردد و موجود شود. نادرست
- ۹- اشیایی که ذاتا ممکن الوجودند، تا واجب الوجود نشوند، موجود نمی شوند . درست
- ۱۰- اشیایی که ماهیتا، واجب الوجود نیستند، عاملی دیگر این ماهیات را واجب الوجود کرده و به آنها وجود بخشیده است. درست
- ۱۱- همه ماهیاتی که موجودند، به واسطه عاملی دیگر واجب الوجود شده اند و به همین دلیل به واجب الوجود بالذات معروفند.
نادرست
- ۱۲- اشیاء جهان، چون ذاتا ممکن الوجودند، به واجب الوجود بالذاتی نیاز دارند که آنها را نسبت به وجود از حالت امکانی خارج کند و وجود را برای آنها ضروری و واجب نماید. درست
- ۱۳- همه اشیای جهان « واجب الوجود بالذات » هستند. نادرست
- ۱۴- واجب الوجود بالذات، ذاتی است که وجود برایش ضرورت دارد و این ضرورت، از ناحیه خود آن ذات است نه از ناحیه یک امر بیرونی. درست
- ۱۵- محدود بودن تعداد اشیاء جهان، نیازشان را به واجب الوجود بالذات برطرف نمی سازد، بلکه آنها را همچنان نیازمند نگه می دارد. نادرست
- ۱۶- پیام اصلی ملاصدرا و صدرائیان این است که موجودات جهان بر حسب ذات خود ممکن الوجودند اما از این حیث که اکنون موجودند، واجب الوجود بالغیرند؛ یعنی از « واجب الوجود بالذات » نشئت گرفته اند. نادرست
- ۱۷- برهان وجوب و امکان این سینا، اولین برهان فلسفی در پی اثبات وجود خداوند است. نادرست
- ۱۸- فلاسفه بعد از ابن سینا، هم در جهان اسلام و هم در اروپا، بیان وی در اثبات واجب الوجود را برهانی بسیار قوی برای اثبات وجود خداوند دانسته و آن را « برهان صدیقین » نامیده اند . نادرست
- ۱۹- توماس آکوئیناس، در بحث مغایرت وجود و ماهیت از ابن رشد تبعیت کرده است. نادرست
- ۲۰- توماس آکوئیناس برهان وجوب و امکان را در اروپا گسترش داد و مورد قبول بسیاری قرار گرفت. درست
- ۲۱- در جهان اسلام فلاسفه ای مانند بهمنیار، خواجه نصیرالدین طوسی، میرداماد و شیخ بهایی از برهان وجوب و امکان استفاده کردن درست

- ۲۲- ملاصدرا و صدرائیان برهان وجوب و امکان توماس آکوئیناس، را ارتقا بخشیدند و علاوه بر همین بیان، از بیان قوی تری که با دستگاه فلسفی ملاصدرا سازگاری داشت، بهره بردند. نادرست
- ۲۳- به عقیده ملاصدرا، به جای نگاه کردن به ماهیت و مشاهده حالت امکانی آن نسبت به وجود و عدم، باید به دو واقعیت نگاه کنیم، تا بینیم که این واقعیات، عین وابستگی و نیازند. درست
- ۲۴- به نظر ملاصدرا، در میان موجودات جهان، می توان موجودی را یافت که وابستگی به غیر و نیازمندی سراسر وجودش را فرا نگرفته باشد. نادرست
- ۲۵- ملاصدرا «وابستگی» و «فقر وجودی» را «امکان فقری» نامید تا آن را از «امکان ماهوی» ابن سینا جدا کند. درست
- ۲۶- به نظر ملاصدرا، فقر و نیاز ذاتی که در موجودات است، باید به منبعی متصل باشد که از غنای ذاتی و بی نیازی برخوردار است درست
- ۲۷- به نظر ملاصدرا، غنی بالذات، همان خداوند متعال است که همه موجودات به او وابسته اند. درست
- ۲۸- از نظر ابن سینا، وجود دو گونه است، وجود بی نیاز و غیروابسته و وجودهای نیازمند و وابسته. نادرست
- ۲۹- طبق نظریه «امکان ماهوی» ملاصدرا، جهان هستی یکپارچه نیاز و تعلق به ذات الهی است و از خود هیچ استقلالی ندارد. نادرست
- ۳۰- طبق نظریه امکان فقری ملاصدرا، اگر ذات الهی آنی پرتو عنایت خویش را بازگیرد، کل موجودات نابود می گردند و نور آنها خاموش می شود. درست

سوالات قسّتی

۱- کدام عبارت ، رابطه «امکانی» را دقیق تر توضیح داده است ؟

- (۱) ذات و ماهیت اشیاء به گونه ای است که حتما باید باشند.
- (۲) ذات و ماهیت اشیاء ذاتا فقط می توانند باشند.
- (۳) ذات و ماهیت اشیاء به گونه ای نیست که بودن آنها محال باشد.
- (۴) برقراری ارتباط میان ماهیت و ذات اشیاء و محمول ممتنع است .

۲- با توجه به بحث رابطه قضایا کدام عبارت نادرست است ؟

- (۱) در رابطه امتناعی، برقراری ارتباط میان موضوع و محمول محال است .
- (۲) در قضیه «ارتفاع و میانه یکی است» رابطه امکانی برقرار است .
- (۳) رابطه هستی با زمین ، انسان و خدا رابطه ای ضروری است .
- (۴) میان وجود و ماهیت اشیاء پیرامون مان رابطه امکانی برقرار است .

۳- کدام مورد ممتنع الوجود است ؟ کنکور سراسری ۹۸

(۱) اسب آتش خوار (۲) انسان هفت سربالدار (۳) دایره منتظم الاضلاع (۴) فیلی به اندازه مورچه

۴- نسبت «وجود» و «هستی» به عنوان یک محمول، با موضوع هایی مانند خدا ، اجتماع نقیضین و انرژی به ترتیب چگونه نسبتی است؟

(۱) امکانی - ضروری - امتناعی - ضروری - امکانی (۲) ضروری - امتناعی - امکانی - ضروری (۳) ضروری - امتناعی - ضروری

۵- در کدام یک از قضایای زیر به ترتیب، رابطه موضوع با محمول امری ضروری و کدامیک امری امتناعی است ؟

(۱) مجموع دو ضلع مثلث، بزرگ تر از ضلع سوم است . - ارتفاع و میانه یکی است.

(۲) ارتفاع و میانه یکی است .- مجموع زوایای مثلث سه قائمه است.

(۳) مجموع زوایای مثلث سه قائمه است .- مجموع دو ضلع مثلث، بزرگ تر از ضلع سوم است.

(۴) مجموع دو ضلع مثلث، بزرگ تر از ضلع سوم است . - مجموع زوایای مثلث سه قائمه است.

۶- کدام یک از مفاهیم زیر با فرض وجود علت ، واجب الوجود بالغیر می گردد ؟

(۱) ممکن الوجود بالغیر (۲) ممتنع الوجود بالذات (۳) ممکن الوجود بالذات (۴) ممکن الوجود بالذات

۷- هر ممکن چگونه موجودی است ؟

(۱) واجب بالذات (۲) واجب بالغیر (۳) امکان بالذات (۴) امتناع بالغیر

۸- با توجه به عقیده ابن سینا، این عبارت را تکمیل کنید : « همه ماهیانی که موجودند

(۱) به واجب الوجود بالغیری نیاز دارند که آنها را نسبت به وجود از حالت امکانی خارج کند و وجود را برای آنها ضروری کند.

(۲) به واسطه عاملی دیگر ، واجب الوجود شده اند و لذا می توان گفت که همه اشیای جهان واجب الوجود بالغیر هستند.

(۳) از ناحیه خود شان واجب الوجود بالذات شدند نه از ناحیه یک امر بیرونی .

(۴) ذاتا ممکن الوجودند و تا واجب الوجود بالذات نشوند، موجود نمی شوند .

۹- پیام اصلی ابن سینا و پیروان او این است که موجودات جهان بر حسب خود، ممکن الوجودند و از این حیث که اکنون دارند یعنی از نشأت می گیرند.

(۱) ذات - وجود - واجب الوجود بالغير - واجب الوجود بالذات ۲) وجود - ذات - واجب الوجود بالغير - واجب الوجود بالذات

۳) وجود - ذات - واجب الوجود بالذات - واجب الوجود بالغير ۴) ذات - وجود - واجب الوجود بالذات - واجب الوجود بالغير

۱- فلاسفه بعد از ابن سینا، در جهان اسلام و در اروپا، برهان ابن سینا در اثبات واجب الوجود را برهانی بسیار قوی برای دانسته و آن را برهان نامیده اند.

(۱) صدیقین - نفی تسلسل علل - وجود و امكان

(۲) صدیقین - اثبات وجود خداوند - صدیقین

(۳) وجود و امكان - نفی تسلسل علل - صدیقین

۱- کدام فیلسوف ، ارتقا دهنده برهان وجود و امكان ابن سینا بود و توماس آکوئیناس، در کدام بحث فلسفی از ابن سینا، تبعیت کرده است؟

(۱) ملاصدرا - امكان فقری

(۲) ملاصدرا - مغایرت وجود و ماهیت

(۳) شیخ بهایی - مغایرت وجود و ماهیت

۱۲- میان دو متفکر ذکر شده کدام یک متأثر از دیگری بوده است و کدام شخص برهان وجود و امكان ابن سینا را ارتقا بخشید ؟

(۱) توماس آکوئیناس از خواجه نصیر - ملاصدرا

(۲) ابن سینا از توماس آکوئیناس - ملاصدرا

۱۳- با توجه به دیدگاه ابن سینا و ملاصدرا به ترتیب کدام گزینه صحیح است ؟

(۱) امكان ماهوی موجود ← واجب بالغير بودن موجود - امكان فقری موجود

(۲) امكان فقری موجود ← واجب بالغير بودن موجود - امكان ماهوی موجود

(۳) امكان فقری موجود ← عین نیاز و وابستگی به واجب - امكان فقری موجود

(۴) امكان ماهوی موجود ← واجب بالغير بودن موجود - امكان فقری موجود

۱۴- بر اساس اندیشه های فلسفی ابن سینا و ملاصدرا به ترتیب ، نخستین تقسیم درباره وجود ، تقسیم آنها به ...

(۱) واحد و کثیر - بی نیاز و نیازمند

(۲) بالقوه و بالفعل - وابسته و غیروابسته

(۳) بالقوه و بالفعل - بی نیاز و نیازمند

۱۵- دستگاه فلسفی ملاصدرا که بر اصل و مبنی است ، وابستگی و فقر وجودی موجودات را متصل به منبعی می داند که از برخوردار است .

(۱) اصالت ماهیت - وحدت تشکیکی وجود - غنای ذاتی

(۲) اصالت وجود - وحدت تشکیکی ماهیت - امكان فقری

۱۶- ملاصدرا ، وابستگی و نیاز ذاتی را امکان..... نامید تا آن را از امکان.... که مطرح کرده بود، جدا و متمایز کند.

(۱) فقری - ماهوی - ابن سینا ۲) ماهوی - فقری - ابن سینا ۳) فقری - ذاتی - میرداماد ۴) ماهوی - ذاتی - میرداماد

▪ درس سوم بخش اول: جهان علی و معلولی

□ رابطه علیت:

- یکی از کهن ترین مسائل فلسفی، مسئله علت و معلول است .
- نخستین مسئله ای که فکر بشر را به خود متوجه ساخته و او را به تفکر و اندیشه وادار کرده است، مسئله علت و معلول است.
- انسان از همان ابتدای ظهور خود بر روی این کره خاکی به دنبال علت‌یابی بوده و برای یافتن علل پدیده‌ها تلاش کرده است.

□ تعریف علت:

- علت‌چیزی است که وجود معلول متوقف بر آن است و تا آن نباشد، معلول هم پدید نمی‌آید؛ یعنی، در وجود خود بدان نیازمند است .

□ تعریف معلول:

- معلول نیز چیزی است که وجودش را از چیزی دیگر که همان علت‌است می‌گیرد؛ یعنی در وجود خود، نیازمند دیگری است.

□ تعریف رابطه علیت:

- رابطه‌ای وجودی است که در آن یک طرف (علت) به طرف دیگر (معلول) وجود می‌دهد و تا علت نباشد معلول موجود نخواهد شد.
- رابطه علیت رابطه‌ای وجودی است، یعنی یکی وجودش وابسته به وجود دیگری است؛ یعنی مانند رابطه دوستی نیست که در آن ابتدا وجود دو فرد فرض می‌شود و سپس میان آنها دوستی برقرار می‌گردد.
- کلمه «چرا» بازتابی از رابطه علیت است.
- چرا یعنی «به چه علت» یا «علت این حادثه چیست؟»

□ چگونگی درک رابطه علیّت نزد فیلسوفان اروپایی :

الف) نظریه دکارت:

از میان فیلسوفان اروپایی، دکارت معتقد بود که اصل علیّت بدون دخالت تجربه به دست می آید و جزء مفاهیم اوّلیه و بدیهی است که انسان از آن درک فطری دارد.

ب) نظریه تجربه گرایان (امپریست ها) :

- چون هر چیزی را براساس حس و تجربه تحلیل می کنند، معتقدند که انسان از طریق حس به توالی پدیده ها پی می برد و رابطه علیّت را بنا می نهد.
- تجربه گرایان می گویند که مثلاً چون زمین همواره با آمدن خورشید، روشن و با ناپدید شدن آن، تاریک شده است، انسان متوجه رابطه ای میان این دو پدیده شده و دانسته که تا خورشید نیاید، زمین هم روشن نمی شود و اسم این رابطه را «علیّت» گذاشته اند.

نظریه هیوم فیلسوف تجربی گر انگلستان :

- در میان فیلسوفان تجربه گرا، دیویدهیوم فیلسوف قرن هجدهم انگلستان نظر خاصی دارد.
- هیوم که اساساً تجربه گراست و امکان معرفت از طریق استدلال عقلی و بدون تجربه را رد می کند و می گوید درک علیّت از این طریق هم ممکن نیست؛ چون علیّت مفهومی فراتر از حس است
- به عقیده هیوم، حس فقط می تواند اجسام و رنگ ها و شکل ها و اموری از این قبیل را به ما نشان دهد. مثلاً چشم، می بیند که با آمدن خورشید به آسمان زمین روشن می شود اما اینکه خورشید «علت روشنی زمین است چنین چیزی با حس قابل روئیت نیست
- هیوم می گوید، براثر تکرار مشاهده خورشید و روشن شدن، در ذهن ما چنین «تداعی» می شود که خورشید «علت» روشن شدن زمین است و این تداعی چیزی جز یک امر روانی ناشی از توالی پدیده ها نیست. از این طریق است که ما عادت کرده ایم چیزی را علت چیزی دیگر بنامیم

ج) نظریه کانت:

- کانت، فیلسوف آلمانی قرن هجدهم، وقتی نظر هیوم در مورد علیّت را مطالعه کرد، سخت تحت تأثیر نظریه وی قرار گرفت و در صدد برآمد که راهی بباید تا بتواند جایگاه اصل علیّت را حفظ کند.
- کانت چون می دانست که دانش بشر متکی به اصل علیّت است و دانشمندان علوم طبیعی با پذیرش ضمنی این اصل، در جست وجوی علل حوادث برمی آیند، بعد از تأملات فراوان به این نتیجه رسید که مفهوم علیّت و رابطه علت و معلول جزء مفاهیم پایه ای ذهن است و خودش در ذهن بوده و از جایی کسب نشده است؛ یعنی ساختار ذهن بشر به گونه ای است که برخی از مفاهیم، از جمله مفهوم علت و معلول، را نزد خود دارد. به عبارت دیگر، دیدن اشیاء به صورت علت و معلول، امری ذهنی (سوبرژکتیو) است نه عینی (ابژکتیو).

□ چگونگی درک رابطه علیّت نزد فیلسوفان مسلمان :

- فلاسفه مسلمان می گویند، اصل علیّت یک قاعدة عقلی است و از تجربه به دست نمی آید؛ زیرا هر داده تجربی خود مبتنی بر این قاعدة است
- به عقیده فلاسفه مسلمان، همین که ذهن انسان شکل گرفت و متوجه اصل امتناع اجتماع نقیضین شد، درمی یابد که پدیده ها خود به خود وجود نمی آیند؛ زیرا «اینکه چیزی خودش به خودش وجود بدهد، به معنای آن است که چیزی که نیست، باشد و این، همان اجتماع نقیضین است که محال است»
- ابن سینا که حدود شش قرن قبل از هیوم زندگی می کرده است، به گونه ای از علیّت سخن گفته که گویا پاسخی برای هیوم آماده نموده است.
- ابن سینا می گوید: ، درک رابطه علیّت و پی بردن به آن «علیّت» از طریق تجربه امکان پذیر نیست؛ زیرا ما از طریق حس و تجربه، فقط به دنبال هم آمدن یا همراه هم آمدن برخی پدیده ها را می یابیم اما به دنبال هم آمدن دو حادثه به معنای «علیّت» نیست. لذا طبیعی است که کسی که صرفاً تجربه گراست، نمی تواند تبیین قانع کننده ای از علیّت اراده کند.
- بعد از درک علیّت، برای اینکه علّت حوادث طبیعی را بدانیم، باید از حس و تجربه خود استفاده کنیم.
- کشف علل امور طبیعی از طریق حس و تجربه صورت می گیرد. مثلاً وقتی کودک صدایی می شنود، رویش را به سمت صدا برمی گرداند تا عامل آن را شناسایی کند.

□ ساخت علت و معلول

- انسان علاوه بر اینکه درک می کند که هر حادثه ای علت می خواهد، درک می کند که هر معلولی از هر علّتی پدید نمی آید بلکه هر معلولی از علّت خاصی صادر می شود و پدید می آید.
- فیلسوفان می گویند همه انسان ها، طبق اصل ساختی رفتار می کنند؛ مثلاً برای باسوان شدن ، درس می خوانند، برای سلامتی ورزش می کنند و غذای سالم می خورند و برای استحکام ساختمان از آهن یا بتن استفاده می کنند.
- فیلسوفان به جز فیلسوفان تجربه گرا می گویند که اصل ساختی مانند خود اصل «علیّت» یک اصل عقلی است.
- یکی از نتایج اصل ساختی آن است که انسان از هر چیزی انتظار آثار متناسب با خودش را دارد؛ به همین سبب، می کوشد ویژگی های هر شیء را بشناسد و به تفاوت های آن با اشیاء دیگر پی ببرد تا بهتر بتواند آثار ویژه آن را شناسایی کند.
- برای اینکه بدانیم هر علّتی چه معلول خاصی دارد، باید از تجربه کمک بگیریم و از طرق مختلف تجربی آثار و معلول های هر علّتی را شناسایی کنیم.

- با قبول اصل سنتی است که می توان برای نظم دقیق جهان پشتونه‌انه عقلی قائل شد و دانشمندان با تکیه بر همین اصل، تحقیقات علمی خود را پیگیری می کنند.
- دانشمندان وقتی با پدیده ای مواجه می شوند و می خواهند علت آن را بیابند، به سراغ عواملی می روند که تناسب بیشتری با آن پدیده دارد و علت آن پدیده را در میان آن عوامل جست وجو می کنند تا اینکه به علت ویژه آن دست یابند.

□ وجوب علی و معلولی

- در مباحث قبلی بیان شد که اشیاء در ذات و ماهیّت خود، ممکن الوجود بوده اند و اکنون که موجودند، وجود برای آنها ضروری شده است و ضرورت وجود پیدا کرده اند.
- به عقیده ابن سینا «آنچه به معلول ضرورت وجود می دهد، علت است» و معلول با قطع نظر از علت «امکان ذاتی» دارد. یعنی ذات و ماهیّت آن نسبت به وجود و عدم مساوی است. با آمدن علت، وجود معلول ضرورت می یابد و موجود می شود. پس، علت به معلول خود ضرورت وجود می بخشد و معلول را موجود می کند.
- معلول که در ذات خود ممکن الوجود است و فقط امکان موجود شدن را دارد، توسط علت، واجب الوجود می شود و لباس هستی می پوشد. چنین واجب الوجودی را «واجب الوجود بالغير» می نامند.

□ دو کفه ترازو :

- حالت یک معلول را که ذاتاً ممکن الوجود است، می توان به ترازویی تشییه کرد که دو کفه آن به حالت تعادل در برابر یکدیگر ایستاده اند و هیچ کفه ای بر کفه دیگر فزونی ندارد. شئ ممکن الوجود نسبت به وجود و عدم چنین حالتی دارد
- در اینجا عاملی بیرونی لازم است که یکی از کفه های ترازو را بر دیگری فزونی بخشد و ترازو را از تعادل خارج نماید.
- عقلاً محال است که بدون وجود هیچ عاملی، یک کفه بر کفه دیگر سنگینی کند.
- این عامل بیرونی در مورد شئ ممکن الوجود، همان علت است.

□ نکات پاورقی جهت مطالعه کنکور :

- فارابی، ابن سینا و دیگر فیلسوفان مسلمان بیان می کنند که اصل علیّت یعنی هر حادثه ای نیازمند علت است از شاخه های اصل «امتناع اجتماع و ارتفاع دو نقیض» است به این نحو که اصل «امتناع ترجیح بلا مرجح» از اصل «امتناع اجتماع و ارتفاع نقیضین» به دست می آید و اصل علیّت از اصل امتناع ترجیح بلا مرجح حادث آن چیزی است که وجودش از خودش نیست و وجودش نو و حادث است. حال اگر علّتی به او وجود نداده باشد، به معنای این است که بدون مرجح پدیده آمده و این، امری محال است.

سوالات تشرییتی

- ۱- یکی از کهن ترین مسائل فلسفی چیست و با چه تعبیری بیان می شود؟
یکی از کهن ترین مسائل فلسفی، مسئله علت و معلول است که از آن به علیت تعبیر می شود.
- ۲- اصطلاحات زیر را تعریف کنید.
الف) علت ب) معلول ج) اصل ساخت علت و معلول
- الف) علت چیزی است که وجود معلول متوقف برآن است و تا آن نباشد، معلول هم پدید نمی آید؛ یعنی، در وجود خود بدان نیازمند است.
- ب) معلول چیزی است که وجودش را از چیزی دیگری که علت است، می گیرد لذا در وجود خود، نیازمند دیگری است.
- ج) طبق این اصل، هر معلولی از هر علتی پدید نمی آید بلکه هر معلولی از علت خاصی صادر می شود و پدید می آید.
- ۳- علیت چیست و چه تفاوتی میان رابطه علیت با سایر روابط مانند رابطه دوستی وجود دارد؟
رابطه ای وجودی است که در آن یک طرف (علت) به طرف دیگر (معلول) وجود می دهد و تا علت نباشد معلول موجود نمی شود.
- رابطه علیت رابطه ای وجودی است، یعنی یکی وجودش وابسته به وجود دیگری است؛ یعنی مانند رابطه دوستی نیست که در آن ابتدا وجود دو فرد فرض می شود و سپس میان آنها دوستی برقرار می گردد.
- ۴- از میان نظرات فلاسفه غربی درخصوص رابطه علیت، نظریه دکارت را بنویسید.
از میان فیلسوفان اروپایی، دکارت معتقد بود که اصل علیت بدون دخالت تجربه به دست می آید و جزء مفاهیم اولیه و بدیهی است که انسان از آن درک فطری دارد.
- ۵- از میان نظرات فلاسفه غربی درخصوص رابطه علیت، نظر دیوید هیوم را با ذکر مثال توضیح دهید.
هیوم که اساسا تجربه گراست و امکان معرفت از طریق استدلال عقلی و بدون تجربه را رد می کند و می گوید درک علیت از این طریق هم ممکن نیست؛ چون علیت مفهومی فراتر از حس است.
- به عقیده هیوم، حس فقط می تواند اجسام و رنگ ها و شکل ها و اموری از این قبیل را به ما نشان دهد. مثلاً چشم، می بیند که با آمدن خورشید به آسمان زمین روشن می شود اما اینکه خورشید «علت» روشنی زمین چیزی با حس قابل روئیت نیست.
- هیوم می گوید، براثر تکرار مشاهده خورشید و روشن شدن زمین، در ذهن ما چنین «تداعی» می شود که خورشید «علت» روشن شدن زمین است و این تداعی چیزی جز یک امر روانی ناشی از توالی پدیده ها نیست. از این طریق است که ما عادت کرده ایم چیزی را علت چیزی دیگر بنامیم.
- ۶- به عقیده تجربه گریان یا امپریست ها، چرا و از چه طریقی انسان، رابطه علیت را بنا می نهد؟
چون آنان هر چیزی را براساس حس و تجربه تحلیل می کنند، بنابراین معتقدند که انسان از طریق حس به توالی پدیده ها پی می برد و رابطه علیت را بنا می نهد.
- ۷- مفهوم تداعی نزد هیوم چگونه مفهومی است؟
تداعی چیزی جز یک امر روانی ناشی از توالی پدیده ها نیست. از این طریق است که ما عادت کرده ایم چیزی را علت چیزی دیگر بنامیم.

۸- از میان نظرات فلاسفه غربی درخصوص رابطه علیت ، نظر کانت را بنویسید.

کانت چون می دانست که دانش بشر متکی به اصل علیت است و دانشمندان علوم طبیعی با پذیرش ضمنی این اصل، در جست وجودی علل حوادث بر می آیند، بعد از تأملات فراوان به این نتیجه رسید که مفهوم علیت و رابطه علت و معلول جزء مفاهیم پایه ای ذهن است و خودش در ذهن بوده و از جایی کسب نشده است؛ یعنی ساختار ذهن بشر به گونه ای است که برخی از مفاهیم، از جمله مفهوم علت و معلول، را نزد خود دارد. به عبارت دیگر، دیدن اشیاء به صورت علت و معلول، امری ذهنی (سویژکتیو) است نه عینی (ابژکتیو).

۹- از میان نظرات فیلسوفان مسلمان درخصوص رابطه علیت ، نظر ابن سینا را توضیح دهید.

ابن سینا می گوید: درک رابطه علیت و پی بردن به آن از طریق تجربه امکان پذیر نیست؛ زیرا ما از طریق حس و تجربه ، فقط به دنبال هم آمدن یا همراه هم آمدن برخی پدیده ها را می یابیم اما به دنبال هم آمدن دو حادثه به معنای «علیت» نیست. لذا طبیعی است که کسی که صرفاً تجربه گراست، نمی تواند تبیین قانون کننده ای از علیت اراده کند. بعد از درک علیت، برای اینکه علت حوادث طبیعی را بدانیم، باید از حس و تجربه خود استفاده کنیم.

۱۰- یکی از نتایج اصل سنخت را بنویسید.

یکی از نتایج اصل سنخت آن است که انسان از هر چیزی انتظار آثار متناسب با خودش را دارد؛ لذا می کوشد ویژگی های هر شیء را بشناسد و به تفاوت های آن با اشیاء دیگر پی ببرد تا بهتر بتواند آثار ویژه آن را شناسایی کند.

۱۱- دانشمندان وقتی با پدیده ای مواجه می شوند و می خواهند علت آن را بیابند، به سراغ چه عواملی می روند؟ به سراغ عواملی می روند که تناسب بیشتری با آن پدیده دارد و علت آن پدیده را در میان آن عوامل جست وجود می کنند تا اینکه به علت ویژه آن دست یابند.

۱۲- با توجه به عقیده ابن سینا توضیح دهید که آنچه به معلول ضرورت وجود می دهد، چیست؟

به عقیده ابن سینا، آنچه به معلول ضرورت وجود می دهد، علت است و معلول با قطع نظراز علت امکان ذاتی دارد. یعنی ذات و ماهیت آن نسبت به وجود و عدم مساوی است. با آمدن علت، وجود معلول ضرورت می یابد و موجود می شود. پس، علت به معلول خود ضرورت وجود می بخشد و معلول را موجود می کند.

۱۳- با توجه به عقیده ابن سینا توضیح دهید که معلول در ذات خود چگونه وجودی است و چه عاملی سبب می شود که واجب الوجود شده و لباس هستی پوشد؟

معلول که در ذات خود ممکن الوجود است و فقط امکان موجود شدن را دارد، توسط علت، واجب الوجود می شود و لباس هستی می پوشد و بنابراین چنین واجب الوجودی را «واجب الوجود بالغیر» می نامند.

۱۴- هر یک از نظریات زیر متعلق به کدام فیلسوف است؟

الف) اصل علیت جزء مفاهیم اوّلیه و بدیهی است که انسان از آن درک فطری دارد.

ب) تداعی چیزی جز یک امر روانی ناشی از توالی پدیده ها نیست .

ج) دیدن اشیاء به صورت علت و معلول، امری ذهنی (سویژکتیو) است نه عینی (ابژکتیو).

الف) دکارت ب) هیوم ج) کانت

۱۵- هر یک از موارد سمت راست با کدام یک از گزینه ها در سمت چپ مرتبط است؟

- الف) از کهن ترین مسائل فلسفی
ب) وجود معلول متوقف بر آن است.
ج) انسان از طریق حس به توالی پدیده ها پی می برد و رابطه علیت را بنا می نهاد.
د) امکان معرفت از طریق استدلال عقلی و بدون تجربه را رد می کند.
و) قاعده ای عقلی که از طریق تجربه به دست نمی آید.
ه) هر معلولی از علت خاصی صادر می شود و پدید می آید.
ی) اصل علیت را جزء مفاهیم اویله و بدیهی می شمارد که انسان از آن درک فطری دارد.
- ۷- هیوم
- الف: ۵ ب: ۶ ج: ۲ د: ۷ ه: ۴ ی: ۳

سوالات پاسخ گوئا

- ۱) یکی از کهن ترین مسائل فلسفی چیست؟ علت و معلول
- ۲) نخستین مسئله ای که فکر بشر را به خود متوجه ساخته و او را به تفکر و اندیشه وادار کرده است، کدام مسئله است؟ علت و معلول
- ۳) انسان از همان ابتدای ظهور خود بر روی این کره خاکی به دنبال چه چیزی بوده و برای یافتن چه اموری همواره تلاش کرده است؟ علت یا بی - علل پدیده ها
- ۴) چیزی که وجود معلول متوقف بر آن است و تا آن نباشد، معلول هم پدید نمی آید، چه نامیده می شود؟ علت
- ۵) رابطه علیت چگونه رابطه ای است؟ رابطه وجودی
- ۶) مفهوم «چرا» بازتاب چه نوع رابطه ای است و مقصود از آن چیست؟
- کلمه «چرا» بازتابی از رابطه علیت است. و به معنی «به چه علت» یا «علت این حادثه چیست؟» می باشد.
- ۷) کدام فیلسوف قرن هجدهم انگلستان امکان معرفت از طریق استدلال عقلی را رد می کند و چرا؟
دیوید هیوم. زیرا که اساسا تجربه گراست.
- ۸) چرا هیوم معتقد است که درک علیت از طریق حس ممکن نیست؟
چون معتقد است که علیت مفهومی فراتر از حس است.
- ۹) کدام فیلسوف آلمانی قرن هجدهم سخت تحت تأثیر نظریه علیت هیوم قرار گرفت؟ کانت
- ۱۰) به نظر هیوم، علت اینکه ما به ضرورت پیدایش معلول از علت حکم می کنیم، چیست؟ عادت روانی
- ۱۱) کانت بعد از تأملات فراوان در مورد مفهوم علیت به چه تیجه ای رسید؟
- مفهوم علیت و رابطه علت و معلول جزء مفاهیم پایه ای ذهن است و خودش در ذهن بوده و از جایی کسب نشده است.
- ۱۲) طبق دیدگاه فلسفی کانت، دیدن اشیاء به صورت علت و معلول امری ذهنی است یا عینی؟
امری ذهنی (سوبرژکتیو) است نه عینی (ابژکتیو).

- (۱۳) فلاسفه مسلمان ، اصل علیت را چگونه قاعده ای می دانند ؟
بک قاعده عقلی می دانند که از تجربه به دست نمی آید .
- (۱۴) چرا فلاسفه مسلمان معتقدند که اصل علیت یک قاعده عقلی است و از تجربه به دست نمی آید ؟
زیرا معتقدند که هر داده تجربی خود مبتنی براین قاعده عقلی علیت است .
- (۱۵) کدام قاعده عقلی است که مسلمانان آن را محال می دانند ؟ اجتماع نقیضین
- (۱۶) مقصود فلاسفه اسلامی از قاعده عقلی اجتماع نقیضین چیست ؟
اینکه چیزی خودش به خودش وجود بدهد، به معنای آن است که چیزی که نیست، باشد .
- (۱۷) کشف علل امور طبیعی از چه طریق صورت می گیرد ؟ از طریق حس و تجربه
- (۱۸) به عقیده فلاسفه ، همه انسان ها، طبق کدام اصل رفتار می کنند ؟ اصل ساخت
- (۱۹) علاوه بر اصل علیت که یک اصل عقلانی است ، اصل عقلانی دیگری را نام ببرید . اصل ساخت
- (۲۰) با قبول کدام اصل ، می توان برای نظم دقیق جهان پشتونه عقلی قائل شد ؟ اصل ساخت
- (۲۱) دانشمندان با تکیه بر کدام اصل، تحقیقات علمی خود را پیگیری می کنند ؟ اصل ساخت
- (۲۲) مقصود از این سخن که « معلول با قطع نظر از علت » امکان ذاتی » دارد ، چیست ؟
یعنی ذات و ماهیت معلول نسبت به وجود و عدم مساوی است .
- (۲۳) چه زمانی ، وجود معلول ضرورت می باید و معلول موجود می شود ؟
با آمدن علت است که وجود معلول ضرورت می باید و موجود می شود .
- (۲۴) چه عاملی سبب می شود شی ممکن الوجود، وجود را برعدم و نیستی ترجیح دهد و چه نامیده می شود ؟
عامل بیرونی که همان علت است .

جاهای خالی را با استفاده از کلمات مناسب کامل کنید.

- ۱- یکی از کهن ترین مسائل فلسفی، مسئله ... و است . علت - معلوم
- ۲- نخستین مسئله ای که فکر بشر را به خود متوجه ساخته و او را به تفکر و اندیشه وادار کرده ، مسئله ... و..... است. علت - معلوم
- ۳- انسان از همان ابتدای ظهور خود بر روی این کره خاکی به دنبال بوده و برای یافتن پدیده ها تلاش کرده است. علت یابی - علل
- ۴- ... در وجود خود، نیازمند دیگری است اما ... چیزی است که وجود معلوم متوقف بر آن است. معلوم-علت
- ۵- علیت رابطه ای ... است یعنی یکی وجودش به وجود دیگری است. وجودی - وابسته
- ۶- دکارت معتقد بود که اصل علیّت بدون دخالت به دست می آید و جزء مفاهیم و است که انسان از آن درک دارد. تجربه - اوّلیه - بدیهی - فطری
- ۷- چون هر چیزی را براساس حس و تجربه تحلیل می کنند، معتقدند که انسان از طریق حس به پدیده ها پی می برد و رابطه علیّت را بنا می نهد. تجربه گرایان - توالی
- ۸- در میان فیلسوفان گرا، فیلسوف قرن هجدهم انگلستان نظر خاصی دارد. تجربه - هیوم
- ۹- هیوم که اساسا ... گراست، امکان معرفت از طریق استدلال عقلی و بدون تجربه را می کند. تجربه - رد
- ۱۰- به عقیده هیوم درک علیّت از طریق ممکن نیست؛ چون علیّت مفهومی فراتر از ... است. حس - حس
- ۱۱- هیوم را چیزی جز یک امر روانی ناشی از پدیده ها نمی داند. تداعی - توالی
- ۱۲- با آمدن خورشید به آسمان، زمین روشن می شود اما علت روشنی زمین را درک نمی کنند . حواس
- ۱۳- به اعتقاد کانت مفهوم جزء مفاهیم پایه ای است و از جایی کسب نشده است. علیّت - ذهن
- ۱۴- به عقیده کانت دیدن اشیاء به صورت علت و معلوم، امری ذهنی است نه عینی. ابژکتیو - سوبژکتیو
- ۱۵- فلاسفه مسلمان می گویند، اصل علیّت یک قاعدة است و از به دست نمی آید. عقلی - تجربه
- ۱۶- به نظر ابن سینا ، درک رابطه علیّت از طریق امکان پذیر نیست به دنبال هم آمدن دو حادثه به معنای نیست . تجربه - علیّت
- ۱۷- به نظر ابن سینا ، کسی که صرفاً گراست، نمی تواند تبیین قانع کننده ای از اراده کند. تجربه - علیّت
- ۱۸- کشف علل امور طبیعی از طریق و صورت می گیرد. حس - تجربه
- ۱۹- فیلسوفان می گویند همه انسان ها، طبق اصل رفتار می کنند. سنتیت
- ۲۰- فیلسوفان به جز فیلسوفان گرا می گویند که اصل مانند خود اصل «علیّت» یک اصل عقلی است. تجربه - سنتیت
- ۲۱- یکی از نتایج اصل سنتیت آن است که انسان از هر چیزی انتظار آثار با را دارد. متناسب - خودش
- ۲۲- با قبول اصل است که می توان برای نظم دقیق جهان پشتونه قائل شد و دانشمندان با تکیه بر همین اصل، تحقیقات علمی خود را پیگیری می کنند. سنتیت - عقلی
- ۲۳- به عقیده ابن سینا «آنچه به معلوم ضرورت وجود می دهد، است. علت
- ۲۴- معلوم با قطع نظر از علت، امکان ذاتی دارد، یعنی ذات و ماهیت آن نسبت به ... و ... مساوی است. وجود - عدم
- ۲۵- عقلاً است که بدون وجود هیچ عامل، شی ممکن الوجود ، ضرورت وجود پیدا کند. محال - بیرونی

تعیین کنید کدام عبارت صحیح و کدام غلط می باشد.

- ۱- یکی از کهن ترین مسائل فلسفی، مسئله علت و معلول است . درست
- ۲- نخستین مسئله ای که فکر بشر را به خود متوجه ساخته و او را به تفکر واداشته، مسئله علت و معلول است. درست
- ۳- انسان پس از پیدایش فلسفه به دنبال علت یابی بوده و برای یافتن علل پدیده ها تلاش کرد. نادرست
- ۴- معلول چیزی است که وجود علت متوقف بر آن است. نادرست
- ۵- رابطه علیّت رابطه ای وجودی است، یعنی یکی وجودش وابسته به وجود دیگری است. درست
- ۶- در رابطه دوستی، ابتدا وجود دو فرد فرض می شود و سپس میان آنها دوستی برقرار می گردد. درست
- ۷- هیوم معتقد بود که اصل علیّت جزء مفاهیم اوّلیه و بدیهی است که انسان از آن درک فطری دارد. نادرست
- ۸- به عقیده دکارت چون هر چیزی براساس حس و تجربه تحلیل می شود، به همین دلیل، انسان از طریق حس به توالی پدیده ها پی می برد و رابطه علیّت را بنا می نهد. نادرست
- ۹- در میان فیلسوفان تجربه گرا، کانت فیلسوف قرن هجدهم انگلستان نظر خاصی دارد. نادرست
- ۱۰- هیوم هرچند که تجربه گراست اما امکان معرفت از طریق استدلال عقلی و بدون تجربه را اثبات می کند. نادرست
- ۱۱- به نظر هیوم درک علیّت از طریق استدلال عقلی ممکن نیست؛ چون علیّت مفهومی فراتر از عقل است. نادرست
- ۱۲- طبق نظریه هیوم، علیّت رابطه ای نیست که بتوان آن را از طریق تجربه و مشاهده کشف کرد. درست
- ۱۳- با آمدن خورشید به آسمان زمین روشن می شود اما اینکه خورشید، علت روشنی زمین است چنین چیزی با حس قابل روئیت نیست. درست
- ۱۴- به عقیده کانت تداعی چیزی جز یک امر روانی ناشی از توالی پدیده ها نیست. نادرست
- ۱۵- کانت، فیلسوف آلمانی قرن هجدهم، وقتی نظر دکارت در مورد علیّت را مطالعه کرد، سخت تحت تأثیر نظریه وی قرار گرفت. نادرست
- ۱۶- به نظر کانت علیّت ، جزء مفاهیم پایه ای ذهن است و خودش در ذهن بوده و از جایی کسب نشده است. درست
- ۱۷- به نظر کانت، ساختار ذهن بشر به گونه ای است که برخی از مفاهیم، از جمله مفهوم علت و معلول، را نزد خود دارد.
درست
- ۱۸- کانت می گوید ، دیدن اشیاء به صورت علت و معلول، امری عینی (ابژکتیو) است نه امری ذهنی (سوبژکتیو). نادرست
- ۱۹- فلاسفه مسلمان می گویند، اصل علیّت یک قاعده عقلی است و از تجربه به دست نمی آید . درست
- ۲۰- به عقیده فلاسفه اسلامی هر داده تجربی خود مبتنی بر یک قاعده عقلی است . درست
- ۲۱- اینکه چیزی خودش به خودش وجود بدهد، به معنای آن است که چیزی که نیست، باشد و این، همان اجتماع نقیضین است که محال است . درست
- ۲۲- ابن سینا که حدود شش قرن قبل از هیوم زندگی می کرده است، به گونه ای از علیّت سخن گفته که گویا پاسخی برای هیوم آماده نموده است. درست
- ۲۳- به عقیده ابن سینا، درک رابطه علیّت و پی بردن به آن «علیّت» از طریق تجربه امکان پذیر نیست؛ درست
- ۲۴- به عقیده ابن سینا، کسی که صرفاً تجربه گراست، نیز می تواند تبیین قانع کننده ای از علیّت اراده کند. نادرست

- ۲۵- کشف علل امور طبیعی از طریق حس و تجربه صورت می گیرد. درست
- ۲۶- طبق اصل سنتیت هر معلولی از هر علّتی پدید نمی آید بلکه هر معلولی از علّت خاصی صادر می شود و پدید می آید. درست
- ۲۷- فیلسوفان می گویند همه انسان ها، طبق اصل علیت رفتار می کنند. نادرست
- ۲۸- فیلسوفان تجربه گرا می گویند که اصل سنتیت مانند خود اصل «علیت» یک اصل عقلی است. نادرست
- ۲۹- یکی از نتایج اصل ضرورت علی و معلولی آن است که انسان از هر چیزی انتظار آثار متناسب با خودش را دارد. نادرست
- ۳۰- برای اینکه بدانیم هر علّتی چه معلول خاصی دارد، باید از تجربه کمک بگیریم و از طرق مختلف تجربی آثار و معلول های هر علّتی را شناسایی کنیم. درست
- ۳۱- با قبول اصل ضرورت علی و معلولی است که می توان برای نظم دقیق جهان پشتونه عقلی قائل شد . نادرست
- ۳۲- دانشمندان با تکیه بر اصل سنتیت، تحقیقات علمی خود را پیگیری می کنند. درست
- ۳۳- به عقیده ابن سینا «آنچه به معلول ضرورت وجود می دهد، علت است. درست
- ۳۴- به عقیده ابن سینا معلول با قطع نظر از علت، «امکان ذاتی» دارد. درست
- ۳۵- عامل بیرونی در مورد شیء ممکن الوجود، که آن را از حالت تساوی وجود و عدم خارج می کند همان علت است. درست

سوالات تستی

- ۱- مهمترین مسئله ای که انسان را به تفکر و اندیشه و امید دارد است و رابطه ای وجودی است که کلمه بازتابی از همین رابطه وجودی است .
- (۱) مساله علت و معلول - علت - چیستی
(۲) ادراک قانون علت و معلول - علت - چرا
- ۲- درک رابطه علیت در اندیشه دکارت امری است که بدون دخالت به دست می آید و جزء مفاهیم ... و ... است.
- (۱) فطری - تجربه - ثانویه - غیربدیهی
(۲) فطری - عقل - اولیه - بدیهی
(۳) فطری - عقل - ثانویه - غیربدیهی
- ۳- در اندیشه دکارت کدام مورد درست است ؟
- (۱) اصل علیت بدون دخالت تجربه به دست می آید و جزء مفاهیم اولیه و بدیهی است که انسان از آن درک فطری دارد.
(۲) انسان از طریق حس به توالی پدیده ها پی می برد و رابطه علیت را بنا می نهد.
(۳) درک علیت از طریق استدلال عقلی و بدون تجربه ممکن نیست .
(۴) چون علیت مفهومی فراتر از حس است ، با حس قابل روئیت نیست.
- ۴- امپریست ها در خصوص اصل علیت کدام مورد را انکار می کنند ؟
- (۱) وجود رابطه میان پدیده های جهان
(۲) تأثیر مشاهدات بر امکان دستیابی به معرفت
(۳) تأثیر مشاهدات بر باورهای انسان
- ۵- کدام مورد مبنای انکار اصل علیت توسط هیوم شمرده می شود؟ (کنکورسراسی خارج کشور ۹۷ با کمی تعديل)
- (۱) توجه به توالی مکرر برخی حوادث
(۲) یکی دانستن معرفت با تجربه حسی
(۳) محدود کردن محدوده شناخت به عادات ذهنی
- ۶- کدام عبارت، نظر منکران شناخت از طریق استدلال عقلی و بدون تجربه را در مورد « اصل علیت » بیان می کند ؟
- (کنکورسراسی خارج کشور ۹۶ با کمی تعديل)
- (۱) شرط تجربه است. (۲) قرارداد ذهن است. (۳) مشاهده مکرر است. (۴) توالی حوادث است.
- ۷- انکار اصل علیت نزد فیلسوفان تجربه گرا و هیوم در اصل از کدام دیدگاه ناشی می شود؟ (سراسری ۹۴ با کمی تعديل)
- (۱) علیت را در تجربه نمی توان یافت
(۲) علیت تکرار متوالی دو حادثه است
(۳) تجربه مبنای هر نوع شناختی است
- ۸- با توجه به دیدگاه هیوم ، کدام مورد عبارت را به نحو درستی کامل می کند ؟ علیت
- (۱) حاصل توالی پدیده هاست.
(۲) جزء ساختار ذهن انسان هاست.
(۳) یک اصل کاملاً عقلی است.
(۴) یک اصل فطری و جزء مفاهیم بدیهی است .
- ۹- به نظر هیوم ، علت اینکه ما به ضرورت پیدایش معلول از علت حکم می کنیم، چیست ؟
- (۱) عادت روانی. (۲) اصل فطری (۳) مفهومی بدیهی (۴) اصل عقلانی
- ۱۰- نمی توان گفت که چون همیشه با آمدن خورشید به آسمان ، زمین روشن می شود
- (۱) ذهن قادر به درک توالی میان طلوع خورشید و روشن شدن زمین می شود .
(۲) تجربه و حواس علت روشن شدن زمین را تشخیص می دهد.
(۳) انتظار داریم که آمدن خورشید باعث روشن شدن زمین گردد.
(۴) رابطه ای وجودی میان آمدن خورشید و روشن شدن زمین وجود دارد.

- ۱۱ - وقتی با آمدن خورشید به آسمان، زمین روشن می شود
- ۱) حواس علت روشن شدن زمین بواسطه آمدن خورشید به آسمان را درگ نمی کنند. ۲) حواس روشن شدن زمین و تجربه علتش را می فهمد.
- ۳) روشن شدن زمین را عقل می فهمد اما حس درک نمی کند. ۴) تجربه انسان به تدریج و در طی زمان، علت روشن شدن زمین را می فهمد.
- ۱۲ - کانت در رسیدن به دیدگاه انتقادی خود درمورد علیت، تحت تأثیر کدام فیلسوف بود و بعد از تأملات فراوان به چه نتیجه ای رسید؟
- ۱) دکارت - مفهوم علیت، جزء مفاهیم پایه ای ذهن است و خودش در ذهن بوده و از جایی کسب نشده است.
- ۲) هیوم - دیدن اشیاء به صورت علت و معلول، امری ذهنی (سوبرکتیو) است فه عینی (ابزرکتیو).
- ۳) هیوم - دیدن اشیاء به صورت علت و معلول، امری عینی (ابزرکتیو) است نه ذهنی (سوبرکتیو).
- ۴) دکارت - ساختار ذهن بشر به گونه ای است که برخی از مفاهیم، از جمله مفهوم علت و معلول، را نزد خود دارد.
- ۱۳ - سوبرکتیو و ابزرکتیو در فلسفه کانت به ترتیب چگونه شناختی هستند؟
- ۱) عینی - ذهنی. ۲) ذهنی - عینی. ۳) ذهنی - خارجی. ۴) خارجی - عینی.
- ۱۴ - به ترتیب کدام مورد تصویر مناسبتری از علیت نزد کانت و هیوم ارائه می دهد ؟
- ۱) علیت حاصل توالی پدیده هاست - علیت جزء ساختار ذهن انسان هاست
- ۲) علیت جزء ساختار ذهن انسان هاست - علیت اصل فطری و جزء مفاهیم بدیهی است.
- ۳) علیت اصل کاملاً عقلی است - یک اصل فطری و جزء مفاهیم بدیهی است.
- ۴) علیت جزء ساختار ذهن انسان هاست - علیت حاصل توالی پدیده هاست.
- ۱۵ - کدام اصل به اعتقاد فیلسوفان مسلمان، ریشه درک اصل علیت است و کشف علل امور طبیعی از چه طریقی صورت می گیرد؟
- ۱) امتناع اجتماع نقیضین - استدلال عقلی . ۲) امتناع اجتماع ضدین - تجربه و حواس
- ۳) امتناع اجتماع ضدین - استدلال عقلی ۴) امتناع اجتماع نقیضین - تجربه و حواس
- ۱۶ - به نظر ابن سینا، کدام مورد درباره علیت درست است؟
- ۱) علیت حکم ذهن از توالی میان دو پدیده است. ۲) توالی و به دنبال هم آمدن دو حادثه به معنای علیت نیست.
- ۳) درک رابطه علیت، از طریق تجربه امکان پذیر است. ۴) علیت رابطه ای است که میان همه حوادث متواالی برقرار است.
- ۱۷ - آن چیزی است که وجودش از خودش نیست . حال اگر علّتی به او وجود نداده باشد، به معنای این است که بدون پدیده آمده و این، امری است.
- ۱) حادث - مرجح - محال ۲) قدیم - مرجح - محال ۳) حادث - مرجح - ممکن ۴) قدیم - مرجح - ممکن
- ۱۸ - با توجه به نظرات فارابی و ابن سینا ، کدام عبارت در مورد اصل علیت درست نیست؟
- ۱) اصل علیت از شاخه های اصل «امتناع اجتماع و ارتفاع دو نقیض» است.
- ۲) اصل «امتناع ترجیح بلا مرجح» از اصل «امتناع اجتماع و ارتفاع نقیضین» به دست می آید.
- ۳) اصل علیت از اصل امتناع ترجیح بلا مرجح. به دست می آید.
- ۴) اصل «امتناع ترجیح بلا مرجح» از اصل «علیت» به دست می آید.
- ۱۹ - به ترتیب ، در پرتو کدام اصل ، می توان برای نظم دقیق جهان پشتونه عقلی قائل شد و عبارت «هر معلولی از هر علتی پدید نمی آید بلکه هر معلولی از علت خاصی صادر می شود » «بیانگر کدام اصل است ؟
- ۱) ساخت علت و معلول- وجوب علی و معلول ۲) ساخت علت و معلول- ساخت علت و معلول.
- ۳) ضرورت علت و معلول- ساخت علت و معلول ۴) ضرورت علت و معلول- ضرورت علت و معلول

- ۲۰- وجوب علی و معلولی با حضور چه چیز تحقق می یابد و عبارت «اگر علتی به معلولی وجود نداده باشد، به معنای این است که بدون مرجح پدیده آمده و این، امر محال است.» ناظر بر کدام اصل فلسفی است ؟
- ۱) علت ناقصه - امتناع اجتماع و ارتفاع نقیضین.
۲) علت تامه - امتناع اجتماع و ارتفاع نقیضین.
۳) علت قامه - امتناع ترجیح بلا مرجح.
۴) علت تامه - امتناع اجتماع و ارتفاع نقیضین.
- ۲۱- اصطلاح «وجوب علی و معلولی» کجا مطرح می شود و قاعده «امتناع ترجیح بلا مرجح» چه پیامی دارد ؟
- ۱) در واجب الوجود بالذات - خروج از حالت تساوی وجود و عدم نیازمند به یک عامل بیرونی به نام علت است.
۲) در واجب الوجود بالغیر - خروج از حالت تساوی وجود و عدم نیازمند به یک عامل درونی به نام علت است.
۳) در واجب الوجود بالغیر - خروج از حالت تساوی وجود و عدم نیازمند به یک عامل بیرونی به نام علت است.
۴) در واجب الوجود بالذات - خروج از حالت تساوی وجود و عدم نیازمند به یک عامل درونی به نام علت است.
- ۲۲- امکان ذاتی کدام است؟ (کنکور سراسری ۶۸ با کمی تعديل)
- ۱) چیزی که به حسب ذات واجب بوده و عدم بر آن محال باشد.
۲) چیزی که ذات و ماهیت آن نسبت به وجود و عدم مساوی است
۳) چیزی که ذاتاً وجود برایش محال است و عدم برای آن ضروری است .
۴) چیزی که ذاتش اقتضا دارد هستی را .

▪ درس چهارم بخش اول : کدام تصویر از جهان؟

- «اتفاق» از کلماتی است که در گفت و گوهای روزمره همه اقوام و ملل کاربرد دارد.
- مردم برخی امور را «اتفاقی» و «تصادفی» می شمارند و برخی دیگر را نه.

□ نظریه دموکریتوس و مفهوم اتفاق :

- برخی از فیلسوفان نیز گاهی از واژه «اتفاق» استفاده کرده اند؛ مثلًاً دموکریتوس، فیلسوف یونان باستان، معتقد بود که ماده اولیه تشکیل دهنده جهان، اتم ها و ذرات ریز تجزیه ناپذیر و غیر قابل تقسیمی هستند که در فضای غیرمتناهی پراکنده بوده و به شکلی سرگردان حرکت می کرده اند. برخورد اتفاقی این ذرات سرگردان سبب پیدایش عناصر و اشیاء فعلی در جهان شده است.

□ نظریه داروین و مفهوم اتفاق :

- شکل دیگری از اتفاق که در دوره های اخیر مطرح شده در سخنان برخی دانشمندان زیست شناس، از جمله داروین، آمده است.
- آنان می گویند: از ابتدای پیدایش موجود زنده بر روی زمین $\frac{3}{5}$ میلیارد سال می گذرد. طی این سال ها جانداران بی شماری پدید آمده اند اما بیشتر آنها، به علت ناسازگاری اندام ها و اعضای بدنیشان با محیط زندگی، از بین رفته اند.
- فقط آن دسته از جانداران که تغییرات اندامی شان «اتفاق» سازگار با محیط بوده است؛ به حیات خود ادامه داده و رشد کرده اند و اگر در این میان تکاملی رخ داده، اتفاقی بوده است.

□ نظریه بیگ بنگ و مفهوم اتفاق :

- امروزه، برخی از دانشمندان می گویند که جهان کنونی ما، یعنی این میلیاردها کهکشان، با یک انفجار بزرگ بیگ بنگ آغاز شده و به تدریج گسترش یافته است.
- بیان آنان درباره این انفجار به گونه ای است که مفهوم «اتفاق» را به خاطر می آورد.
- از این رو، جای این پرسش هست که آیا چیزی بوده که به طور اتفاقی منفجر شده است یا شرایطش به گونه ای بوده که پذیرای چنین انفجاری شود؟

□ نظریه شانس و مفهوم اتفاق :

- اصطلاح دیگری که برخی از مردم آن را به کار می برد، اصطلاح «شانس» است.
- برخی شانس را عامل موفقیت یا عدم موفقیت می دانند و معتقدند که شانس برخی از افراد بیشتر و شانس بعضی دیگر کمتر است.

□ دیدگاه فیلسفه‌دان در مورد مفهوم اتفاق :

- یکی از اقدامات مؤثر و مهم فیلسفه‌دان، دقت در مفاهیم عامیانه و نقد و تصحیح یا تعمیق آنها بوده است.
- ابن سینا که خود این دقت را دارد و آن را از وظایف فیلسفه‌دان می شمارد، در مهم ترین کتاب فلسفی خود، یعنی «الهیات شفا» هم درباره «اتفاق» و هم درباره «شانس» سخن گفته و تلاش کرده است نظر مردم را در مورد این مفاهیم تصحیح نماید
- امروزه مفهوم اتفاق نه تنها نزد عامه مردم بلکه در علوم نیز کاربرد پیدا کرده است لذا ضروری است که در ادامه بحث علیّت، نظری به این مفاهیم بیندازیم و جنبه فلسفی آنها را روشن کنیم.

□ لوازم علیّت در جهان

- پذیرش اصل «علیّت» زمینه ساز نگاهی ویژه به جهان و اشیاء پیرامونی است.
- با قبول این حقیقت که هر حادثه علتی دارد، به ارتباط اجزای جهان با یکدیگر و پیوستگی شان پی می بریم و با مواجهه با هر پدیده ای در پی کشف منشأ و عامل پیدایش آن برمی آییم.
- اصل «وجوب بخشی علت به معلوم» جهان را تابع رابطه ای ضروری و حتمی نشان می دهد؛ به گونه ای که اگر علت با تمام حقیقت خود تحقق یافت، یقین پیدا می کیم که تحقق معلوم نیز ضروری و حتمی می شود و وجوب وجود پیدا می کند.
- با غبان بر همین اساس بذر می کارد و آن را آبیاری می کند و راننده با همین مبنای خودرویش را روشن و به جلو هدایت می کند.
- اصل «سنخیت میان علت و معلوم» نظم خاصی در جهان برقرار می کند و به ما می فهماند که هر چیزی نمی تواند منشأ هر چیزی شود و هر چیزی از هر چیزی پدید نمی آید
- طبق اصل سنخیت، علتها خاص ، معلوم های خاص دارند و هر معلومی نیز از علت خاص خود سرچشم می گیرد.

لازم و نتیجه اصل	اصل
ارتباط و پیوستگی	اصل علیّت
تخلّف ناپذیری و حتمیّت در نظام هستی	اصل وجوب بخشی علت به معلوم
نظم و قانونمندی میان پدیده ها	اصل سنخیت میان علت و معلوم

□ معانی اتفاق

❖ معنای اوّل اتفاق :

- میان علت و معلول آن رابطه حتمیت وجود ندارد. چه بسا یک علت موجود شود اما معلول آن پدید نیاید؛ مثلاً همه عوامل پیدایش باران موجود باشد، اما باران نبارد و چه بسا یک معلول بدون وجود علت پیدا شود، مثلاً بدون وجود ابر و مانند آن، خودبه خود باران ببارد.

➤ بررسی معنای اوّل اتفاق:

- فیلسوفی یافت نمی شود که به طور صریح و روشن با معنای اوّل اتفاق موافق باشد.
- همه فیلسوفان چنین اتفاقی را انکار می کنند و می گویند هر معلولی به علت نیاز دارد و نمی تواند بدون علت موجود شود.
- برخی از مردم که از تمام اجزای یک علت آگاه نیستند، گاهی فکر می کنند که در برخی موارد، در عین وجود علت، معلول پدید نمی آید و براین اساس، می پندارند، میان علت و معلول، رابطه ضروری وجود ندارد توضیح : در آنجا که معلول ناشی از مجموعه چند عامل است که روی هم، علت پدید آمدن آن معلول اند، هریک از عوامل را «علت ناقصه» و «مجموعه عوامل را «علت تامه» می نامند؛ مثلاً نوشتن روی کاغذ معلول عواملی از قبیل وجود انسان، وجود قلم، گرفتن قلم در دست، اندیشه کردن، اراده کردن و چندین عامل دیگر است .پس، نوشتن وقتی محقق می شود که همه عوامل دخیل در آن موجود باشند .حتی اگر یک عامل هم نباشد، مثلاً فرد اراده نکند، نوشتن پدید نخواهد آمد .حال، ممکن است برخی افراد بدون توجه به «اراده کردن» چنین تصور کنند که همه عوامل نوشتن وجود دارد ولی نوشتن صورت نمی گیرد.

❖ معنای دوم اتفاق :

- ممکن است از هر علتی هر معلولی پدید آید؛ مثلاً حرارت سبب یخ بستن آب و آفتاب سبب تاریکی شود؛ یعنی سنتیتی میان علت و معلول وجود ندارد.

➤ بررسی معنای دوم اتفاق :

- اتفاق به این معنا نیز از نظر بسیاری از فلاسفه، از جمله ابن سینا و ملاصدرا و علامه طباطبائی و برخی فیلسوفان اروپایی، امکان پذیر نیست .
- آنان می گویند اگر کسی به طور جدی و دقیق اصل سنتیت میان علت و معلول را به طور جدی و دقیق انکار کند و پدید آمدن هر چیزی از هر چیزی را ممکن بداند، به هیچ کاری اقدام نخواهد کرد؛ مثلاً نمی تواند برای رفع عطش آب بیاشامد؛ زیرا میان آب و رفع عطش رابطه ای مشاهده نمی کند.
- علاوه بر این، چنین فردی نمی تواند نظم و هماهنگی موجود در طبیعت را تبیین کند و دلیل آن را به دست آورد. او حتی نمی تواند دانشمندان را به کشف علل پدیده ها دعوت کند.
- انکار اصل سنتیت، بی اعتباری همه علوم و پذیرش هرج و مرج در جهان را به دنبال دارد.

❖ معنای سوم اتفاق :

- نبودن غایت و هدف خاص در حرکات و نظم جهان است؛ بدین معنا که این حرکات و نظام‌ها به سمت غایت و هدف معینی به پیش نمی‌روند.

➤ بررسی معنای سوم اتفاق:

- اثبات یا نفی اتفاق به معنای سوم نیازمند دقت و تأمل بیشتر است، بنابراین، آن را با یک مثال بررسی می‌کنیم.
- از پیدایش زمین چند میلیارد سال می‌گذرد. در بد و پیدایش زمین هیچ‌گیاه و حیوان و انسانی روی آن زندگی نمی‌کرد. چند میلیارد سال طول کشید تا بر اثر تحولات پی در پی اولین موجودات زنده و ساده بر روی این کره پدید آمدند. سپس به تدریج با تحول این موجودات زنده، موجودات زنده کامل‌تر و کامل‌تری پدید آمدند تا بالاخره نوبت به خلق کامل‌ترین موجود زنده کره زمین، یعنی انسان رسید و او قدم بر کره خاکی نهاد.

- اکنون جای طرح این سؤال است که آیا جهت گیری تحولات روی زمین از همان ابتدا به سمت پیدایش انسان بوده است یا اینکه این تحولات، به طور اتفاقی منجر به پیدایش انسان شده‌اند؟
- به عبارت دیگر، آیا می‌توان گفت که هدف و غایت این تحولات و منتهای این مسیر طولانی حقیقتاً انسان بوده است؟
- در پاسخ به این سؤال، فلاسفه به دو دسته تقسیم شده‌اند:
 - آن دسته از فلاسفه که علاوه بر لوازم «اصل علیت» به «عله العلل معتقدند و برای مجموعه هستی یک علت حقیقی قائل‌اند، می‌گویند هر فرایند طبیعی و هر سیر تحولی در طبیعت، هدف خاصی را تعقیب می‌کند و سرمنزلی تعیین شده دارد؛ گرچه انسان‌ها به علت محدودیت‌های علمی نتوانند همه این اهداف را کشف کنند.
 - آن دسته از فیلسوفان که معمولاً به عله‌العل معتقد نیستند، غایتمندی زنجیره‌حوادث را انکار می‌کنند و وجود برخی از فرایندهای تکاملی را در جهان امری اتفاقی به حساب می‌آورند که از پیش تعیین و پیش‌بینی نشده است.

❖ معنای چهارم اتفاق :

- معنای چهارم اتفاق که بی ارتباط با اصل علیت نیست، رخدادن حادثه پیش‌بینی نشده است؛ مثلاً، شخصی برای خرید روزانه به سمت بازار حرکت می‌کند اما در بین راه دوست خود را می‌بیند و از دیدن او خوشحال می‌شود. این شخص وقتی به منزل بازمی‌گردد، به اعضای خانواده اش می‌گوید: من امروز اتفاقی دوستم را دیدم و با او درباره‌فلان موضوع گفت و گو کردم.

سوالات تشرییتی

- ۱- کدام یک از فیلسوفان یونان باستان از واژه «اتفاق» استفاده کرده و عقیده او را در این باره بنویسید.
دموکریتوس، معتقد بود که ماده اولیه تشکیل دهنده جهان، اتم ها و ذرات ریز تجزیه ناپذیر و غیر قابل تقسیمی هستند که در فضای غیرمتناهی پراکنده بوده و به شکلی سرگردان حرکت می کرده اند. برخورد اتفاقی این ذرات سرگردان سبب پیدایش عناصر و اشیاء فعلی در جهان شده است.
- ۲- نظریه برخی دانشمندان زیست شناس و از جمله داروین درمورد پیدایش موجودات بر اساس اتفاق را توضیح دهد.
آنان می گویند که از ابتدای پیدایش موجود زنده بر روی زمین $\frac{3}{5}$ میلیارد سال می گذرد. طی این سال ها جانداران بی شماری پدید آمده اند اما بیشتر آنها، به علت ناسازگاری اندام ها و اعضای بدنشان با محیط زندگی از بین رفته اند. فقط آن دسته از جانداران که تغییرات اندامی شان «اتفاق» سازگار با محیط بوده است؛ به حیات خود ادامه داده و رشد کرده اند و اگر در این میان تکاملی رخ داده، اتفاقی بوده است.
- ۳- به نظر برخی دانشمندان زیست شناس، از جمله داروین، چرا بیشتر جانداران از بین رفته اند؟
به علت ناسازگاری اندام ها و اعضای بدنشان با محیط زندگی، از بین رفته اند.
- ۴- به نظر برخی دانشمندان زیست شناس، از جمله داروین، کدام دسته از جانداران توانستند به حیات خود ادامه داده و رشد کنند؟
فقط آن دسته از جانداران که تغییرات اندامی شان «اتفاق» سازگار با محیط بوده است
- ۵- یکی از اقدامات مؤثر و مهم فیلسوفان، در مورد مفاهیم عامیانه چه بوده است؟
یکی از اقدامات مؤثر و مهم فیلسوفان، دقت در مفاهیم عامیانه و نقد و تصحیح یا تعمیق آنها بوده است.
- ۶- کدام فیلسوف، دقت در مفاهیم عامیانه و نقد و تصحیح یا تعمیق آنها را از وظایف فیلسوفان شمرده و در کتاب الهیات شفا خویش در مورد چه مفاهیمی سخن گفته است؟
ابن سینا - هم درباره «اتفاق» و هم درباره «شانس» سخن گفته و تلاش کرده است نظر مردم را در مورد این مفاهیم تصحیح نماید .
- ۷- فرق اصل علیت و اصل سنتیت را در یک الی دو سطر بطور مختصر توضیح دهد.(هماهنگ کشوری ۲۴ دی ۸۷)
اصل علیت ارتباط و پیوستگی موجودات جهان را بیان می کند و اصل سنتیت نیز نظم و قانونمندی میان پدیده ها را آشکار می سازد.
- ۸- به ترتیب بگویید از سه اصل علیت، اصل وجوب بخشی علت به معلول و اصل سنتیت میان علت و معلول چه نتایجی حاصل می شود؟
ارتباط و پیوستگی - تخلّف ناپذیری و حتمیّت در نظام هستی - نظم و قانونمندی میان پدیده ها
- ۹- علت تامه و علت ناقصه را تعریف کنید.
در آنجا که معلول ناشی از مجموعه چند عامل است که روی هم، علت پدید آمدن آن معلول اند، هریک از عوامل را «علت ناقصه» و مجموعه عوامل را «علت تامه» می نامند.

۱۰- اصطلاحات ذیل را تعریف کنید:

الف) اصل سنتیت: ب) اصل وجوب بخشی به علت و معلول: ج) علت ناقصه: د) علت تامه:

الف) طبق این اصل، علت های خاص، معلول های خاص دارند و هر معلولی نیز از علت خاص خود سرچشمه می گیرد.

ب) اصل «وجوب بخشی» جهان را تابع رابطه ای ضروری و حتمی نشان می دهد؛ به گونه ای که اگر علت با تمام

حقیقت خود تحقق یافتد، یقین پیدا می کنیم که تحقق معلول ضروری و حتمی می شود و وجوب وجود پیدا می کند.

ج) در آنجا که معلول ناشی از مجموعه چند عامل است که روی هم، علت پدید آمدن آن معلول اند، هر یک از عوامل را «علت ناقصه» می گویند.

د) مجموعه عواملی که روی هم، علت پدید آمدن آن معلول اند را «علت تامه» می نامند.

۱۱- دو مورد از معانی اتفاق را بنویسید.

الف) میان علت و معلول آن رابطه حتمیت وجود ندارد.

ب) ممکن است از هر علتی هر معلولی پدید آید و سنتیتی میان علت و معلول وجود ندارد.

۱۲- یک مورد از معانی اتفاق را با ذکر مثال بنویسید.

میان علت و معلول آن رابطه حتمیت وجود ندارد. چه بسا یک علت موجود شود اما معلول آن پدید نیاید؛ مثلاً همه عوامل پیدایش باران موجود باشند، اما باران نبارد و چه بسا یک معلول بدون وجود علت پیدا شود، مثلاً بدون وجود ابر و مانند آن، خود به خود باران بیارد.

۱۳- یکی از معانی اتفاق این است که میان علت و معلول آن رابطه حتمیت وجود ندارد. این بیان را نقد کنید.

فلسفی یافت نمی شود که به طور صریح و روشن با این معنا موافق باشد. همه فیلسوفان چنین اتفاقی را انکار می کنند و می گویند هر معلولی به علت نیاز دارد و نمی تواند بدون علت موجود شود. برخی از مردم که از تمام اجزای یک علت آگاه نیستند، گاهی فکر می کنند که در برخی موارد، در عین وجود علت، معلول پدید نمی آید و براین اساس، می پندارند، میان علت و معلول، رابطه ضروری وجود ندارد.

۱۴- چرا برخی از فیلسوفان اسلامی این معنی از اتفاق که «ممکن است از هر علتی هر معلولی پدید آید و سنتیتی میان علت و معلول وجود ندارد» را انکار کرده اند؟

زیرا آنان می گویند اگر کسی به طور جدی و دقیق اصل سنتیت میان علت و معلول را به طور جدی و دقیق انکار کند و پدید آمدن هر چیزی از هر چیزی را ممکن بداند، به هیچ کاری اقدام نخواهد کرد؛ مثلاً نمی تواند برای رفع عطش آب بیاشامد؛ زیرا میان آب و رفع عطش رابطه ای مشاهده نمی کند. علاوه بر این، چنین فردی نمی تواند نظم و هماهنگی موجود در طبیعت را تبیین کند و دلیل آن را به دست آورد. او حتی نمی تواند دانشمندان را به کشف علل پدیده ها دعوت کند. انکار اصل سنتیت، بی اعتباری همه علوم و پذیرش هرج و مرج در جهان را به دنبال دارد.

۱۵- به عقیده فیلسوفان اسلامی، پذیرش این معنی از اتفاق که «ممکن است از هر علتی هر معلولی پدید آید» چه آثار و پیامدهایی به همراه خواهد داشت؟

هر کس به این معنی از اتفاق معتقد باشد، به هیچ کاری اقدام نخواهد کرد. علاوه بر این، چنین فردی نمی تواند نظم و هماهنگی موجود در طبیعت را تبیین کند و دلیل آن را به دست آورد. او حتی نمی تواند دانشمندان را به کشف علل پدیده ها دعوت کند. و بالاخره اینکه انکار اصل سنتیت، بی اعتباری همه علوم و پذیرش هرج و مرج در جهان را به دنبال دارد.

۱۶- در پاسخ این سؤال که آیا جهت گیری تحولات روی زمین از همان ابتدا به سمت پیدایش انسان بوده است یا اینکه این تحولات، به طور اتفاقی منجر به پیدایش انسان شده اند، فلاسفه به چند دسته تقسیم شده اند و عقیده هر یک را بیان کنید؟

در پاسخ به این سؤال، فلاسفه به دو دسته تقسیم شده اند:

یک دسته از فلاسفه که علاوه بر لوازم «اصل علیت» به «عله العلل معتقدند و برای مجموعه هستی یک علت حقیقی قائل اند، می گویند هر فرایند طبیعی و هر سیر تحولی در طبیعت، هدف خاصی را تعقیب می کند و سرمنزلی تعیین شده دارد؛ گرچه انسان ها به علت محدودیت های علمی نتوانند همه این اهداف را کشف کنند.

دسته دیگر از فیلسوفان که معمولاً به عله العلل معتقد نیستند، غایتمندی زنجیره حوادث را انکار می کنند و وجود برخی از فرایندهای تکاملی را در جهان امری اتفاقی به حساب می آورند که از پیش تعیین و پیش بینی نشده است.

۱۷- عقیده آن دسته از فلاسفه که علاوه بر لوازم «اصل علیت» به «عله العلل معتقدند و برای مجموعه هستی یک علت حقیقی قائل اند، را در مورد غایت جهان توضیح دهید.

یک دسته از فلاسفه که علاوه بر لوازم «اصل علیت» به «عله العلل معتقدند و برای مجموعه هستی یک علت حقیقی قائل هستند، می گویند هر فرایند طبیعی و هر سیر تحولی در طبیعت، هدف خاصی را تعقیب می کند و سرمنزلی تعیین شده دارد؛ گرچه انسان ها به علت محدودیت های علمی نتوانند همه این اهداف را کشف کنند

۱۸- عقیده آن دسته از فلاسفه که معمولاً به عله العلل معتقد نیستند، در مورد غایت جهان را بیان کنید.

غایتمندی زنجیره حوادث را انکار می کنند و وجود برخی از فرایندهای تکاملی را در جهان امری اتفاقی به حساب می آورند که از پیش تعیین و پیش بینی نشده است.

۱۹- کدام دسته از فیلسوفان معتقدند که هر فرایند طبیعی و هر سیر تحولی در طبیعت، هدف خاصی را تعقیب می کند؟
فلاسفه ای که علاوه بر لوازم اصل علیت به عله العلل معتقدند و برای مجموعه هستی یک علت حقیقی قائل اند.

۲۰- کدام دسته از فیلسوفان غایتمندی زنجیره حوادث را انکار می کنند؟

فلاسفه ای که معمولاً به عله العلل معتقد نیستند و وجود برخی از فرایندهای تکاملی را در جهان امری اتفاقی به حساب می آورند که از پیش تعیین و پیش بینی نشده است .

۲۱- هر یک از موارد سمت راست با کدام یک از گزینه ها در سمت چپ مرتبط است؟

۱- داروین

الف) از فیلسوفان یونان باستان معتقد به نظریه اتفاق

۲- اتفاق

ب) نویسنده کتاب الهیات شفا.

۳- اصل سنخیت

ج) پذیرش آن زمینه ساز نگاهی ویژه به جهان و اشیاء پیرامونی است .

۴- اصل علیت

د) قبول اصل علیت با نفی آن هماهنگی دارد.

۵- ابن سینا

و) بیانگر نظم و قانونمندی میان پدیده ها

۶- اصل وجوب بخشی

ه) بیانگر تخلف ناپذیری و حتمیت در نظام هستی

۷- دموکریتوس

ی) از دانشمندان زیست شناس معتقد به نظریه اتفاق

الف: ۷ ب: ۵ ج: ۴ د: ۲ و: ۳ ه: ۶ ی: ۱

سوالات پاسخ گویا

- ۱- کدام یک از فیلسفان یونان باستان از واژه «اتفاق» استفاده کرده بود؟ دموکریتوس
- ۲- اینکه تمام اشیای پیرامون ما از اتم‌ها و ذرات بسیار ریز تجزیه ناپذیر و غیرقابل تقسیم تشکیل شده اند نظریه چه کسی است؟ دموکریتوس
- ۳- کدام یک از فیلسفان یونان باستان، برخورد اتفاقی ذرات سرگردان در فضای غیرمتناهی را سبب پیدایش عناصر و اشیاء فعلی در جهان می‌داند؟ دموکریتوس
- ۴- کدام فیلسوف، دقت در مفاهیم عامیانه و نقد و تصحیح یا تعمیق آنها را از وظایف فیلسفان می‌شمارد؟ ابن سینا
- ۵- در مهم ترین کتاب فلسفی ابن سینا چه نام دارد؟ الهیات شفا
- ۶- ابن سینا در کتاب الهیات شفا در صدد بود نظر مردم را در مورد کدام مفاهیم تصحیح نماید؟ شناسی و اتفاق
- ۷- پذیرش کدام اصل زمینه ساز نگاهی ویژه به جهان و اشیاء پیرامونی است؟ اصل علیت
- ۸- دو اصل از لوازم و فروع اصل علیت را نام ببرید. اصل سنخت میان علت و معلول و اصل وجوب بخشی علت به معلول
- ۹- در پرتو کدام اصل، اگر علت با تمام حقیقت خود تحقق یافت، یقین پیدا می‌کنیم که تحقق معلول نیز ضروری و حتمی می‌شود و وجوب وجود پیدا می‌کند؟ اصل وجوب بخشی علت به معلول
- ۱۰- در پرتو کدام اصل، نظم خاصی در جهان برقرار می‌شود و به ما می‌فهماند که هر چیزی نمی‌تواند منشأ هر چیزی شود و هر چیزی از هر چیزی پدید نمی‌آید؟ اصل سنخت میان علت و معلول
- ۱۱- قبول اصل علیت با نفی کدام موضوع هماهنگی دارد؟ اتفاق
- ۱۲- دو اصلی که ارتباط و پیوستگی موجودات جهان و نظم و قانونمندی میان پدیده‌ها را معلوم می‌سازند به ترتیب کدامند؟ اصل علیت - اصل سنخت میان علت و معلول
- ۱۳- عبارت «هر چیزی نمی‌تواند منشأ هر چیزی شود و هر چیزی از هر چیزی پدید نمی‌آید» بیانگر چه اصلی است؟ اصل سنخت میان علت و معلول
- ۱۴- جمله «هر معلولی از علت خاص خود سرچشمه می‌گیرد». بیانگر چه اصلی است؟ اصل سنخت
- ۱۵- نام دو تن از فلاسفه اسلامی، را نام ببرید که نظریه اتفاق را انکار می‌کنند. ابن سینا، ملاصدرا، علامه طباطبائی
- ۱۶- انکار اصل سنخت چه نتیجه‌ای می‌تواند در جهان به دنبال داشته باشد؟
بی اعتباری همه علوم و پذیرش هرج و مرج در جهان.
- ۱۷- چرا برخی از مردم می‌پندازند، میان علت و معلول، رابطه ضروری وجود ندارد؟
زیرا از تمام اجزای یک علت آگاه نیستند.

جاهای خالی را با استفاده از کلمات مناسب کامل کنید.

- ۱- به نظر دموکریتوس، ماده اولیه تشکیل دهنده جهان، و ذرّات ریز تجزیه ناپذیر و غیر قابل تقسیم و پراکنده در فضای هستند. اتم‌ها - غیرمتناهی
- ۲- به عقیده ، فقط آن دسته از جانداران که تغییرات اندامی شان « » سازگار با محیط بوده است؛ به حیات خود ادامه داده و رشد کردند. داروین - اتفاقا
- ۳- ابن سینا در « الهیات شفا» مهم ترین کتاب فلسفی خود، تلاش کرد نظر مردم را در مورد دو مفهوم و تصحیح نماید. اتفاق-شانس
- ۴- لوازم و فروع اصل علیت، عبارت است از و (هماهنگ کشوری ۲۴ دی ماه ۸۷) وجوب علی و معلولی - ساختیت علت و معلول
- ۵- پذیرش اصل زمینه ساز نگاهی ویژه به جهان و اشیاء پیرامونی است. علیت
- ۶- با قبول این حقیقت که هر حادثه علتی دارد، به ... اجزای جهان با یکدیگر و...پی می بریم. ارتباط-پیوستگی شان
- ۷- اصل «وجوب بخشی علت به معلول» جهان را تابع رابطه ای ... و ... نشان می دهد. ضروری - حتمی
- ۸- اصل «ساختیت میان علت و معلول» خاصی در جهان برقرار می کند. نظم
- ۹- طبق اصل ساختیت ، ... های خاص ، ... های خاص دارند و هر ... نیز از ... خاص خود سرچشمه می گیرد.
- ۱۰- علت - معلول - معلولی - علت
- ۱۱- و میان پدیده ها در جهان نتیجه و ثمره اصل ساختیت میان علت و معلول است . نظم - قانونمندی
- ۱۲- ناپذیری و نظام هستی از « اصل ضرورت علی و معلولی » استنتاج می شود . تخلف - حتمیت
- ۱۳- به هریک از عوامل که روی هم، علت پدید آمدن یک معلول را تشکیل می دهد، « علت » و به مجموعه عوامل در پدید آمدن معلول، « علت » می گویند . ناقصه - تامه
- ۱۴- معنی دوم اتفاق این است که میان علت و معلول وجود ندارد و معنی سوم آن ، نبودن و هدف خاص در حرکات و نظم جهان است؛ ساختیتی - غایت
- ۱۵- بسیاری از فلاسفه مسلمان، از جمله و اتفاق به این معنا که ساختیتی میان علت و معلول وجود ندارد را قبول نمی کنند. ابن سینا - ملاصدرا (علامه طباطبائی)
- ۱۶- نفی اصل علیت = قبول و نفی (هماهنگ کشوری ۲۴ دی ماه ۸۷) اتفاق - نظم
- ۱۷- انکار اصل ... ، بی اعتباری همه و پذیرش هرج و مرج در جهان را به دنبال دارد. ساختیت - علوم،
- ۱۸- آن دسته از فلاسفه که علاوه بر لوازم « اصل علیت » به « معتقدند و برای مجموعه هستی یک علت قائل اند، می گویند هر فرایند طبیعی و هر سیر تحولی در طبیعت، هدف خاصی را تعقیب می کند. عله العلل - حقیقی
- ۱۹- آن دسته از فیلسوفان که معمولاً به عله العلل معتقد نیستند، زنجیره حوادث را می کنند . غایتمندی - انکار
- ۲۰- به عقیده فیلسوفان منکر عله العلل ، وجود برخی از فرایندهای تکاملی در جهان امری است که از پیش و پیش بینی نشده است. اتفاقی - تعیین

تعیین کنید کدام عبارت صحیح و کدام غلط می باشد.

- (۱) همه اقوام و ملل در گفت و گوهای روزمره، برخی امور را «اتفاقی» و «تصادفی» می شمارند. درست
- (۲) هیچ یک از فیلسوفان جهان از واژه «اتفاق» استفاده نکرده اند. نادرست
- (۳) به عقیده دموکریتوس ماده اولیه تشکیل دهنده جهان، اتم ها و ذرات ریز تجزیه ناپذیر و غیر قابل تقسیم هستند. درست
- (۴) به عقیده هراکلیتوس، برخورد اتفاقی ذرات ریز تجزیه ناپذیر و غیر قابل تقسیم و سرگردان، سبب پیدایش عناصر و اشیاء فعلی در جهان شده است. نادرست
- (۵) شکل دیگری از اتفاق در سخنان برخی دانشمندان زیست شناس، از جمله داروین، آمده است. درست
- (۶) به عقیده داروین، جانداران بی شماری در جهان به علت سازگاری اندام ها و اعضای بدنشان با محیط زندگی، از بین رفته اند. نادرست
- (۷) به نظر داروین، فقط آن دسته از جانداران که تغییرات اندامی شان «اتفاق» سازگار با محیط بوده است؛ به حیات خود ادامه داده و رشد کرده اند و اگر در این میان تکاملی رخ داده، اتفاقی بوده است. درست
- (۸) امروزه، برخی از دانشمندان می گویند که جهان کنونی ما با یک انفجار بزرگ بیگ بنگ آغاز شده و به تدریج گسترش یافته است. درست
- (۹) دیدگاه برخی از دانشمندان درباره انفجار بزرگ بیگ بنگ، مفهوم «اتفاق» را تداعی می کند. درست
- (۱۰) برخی شانس را عامل موفقیت یا عدم موفقیت انسان ها می دانند. درست
- (۱۱) برخی معتقدند که شانس برخی از افراد بیشتر و شانس بعضی دیگر کمتر است. درست
- (۱۲) یکی از اقدامات مؤثر فیلسوفان، دقت در مفاهیم عامیانه و نقد و تصحیح یا تعییق آنها بوده است. درست
- (۱۳) فارابی در «الهیات شفا» مهم ترین کتاب فلسفی خود، تلاش کرده است نظر مردم را در مورد دو مفهوم «اتفاق» و «شانس» تصحیح نماید. نادرست
- (۱۴) پذیرش اصل «علیت» زمینه ساز نگاهی ویژه به جهان و اشیاء پیرامونی است. درست
- (۱۵) با قبول اصل سنتیت، به ارتباط اجزای جهان با یکدیگر و پیوستگی شان پی می بریم. نادرست
- (۱۶) اصل «علیت» جهان را تابع رابطه ای ضروری و حتمی نشان می دهد. نادرست
- (۱۷) اگر علت با تمام حقیقت خود تحقق یابد، تحقق معلوم ضروری شده و وجود پیدا می کند. درست
- (۱۸) یک باغبان بر اساس اصل علیت بذر می کارد و آن را آبیاری می کند. نادرست
- (۱۹) اصل «ضرورت علت و معلول» نظم خاصی در جهان برقرار می کند. نادرست
- (۲۰) طبق اصل سنتیت، هر چیزی نمی تواند منشأ هر چیزی شود و هر چیزی از هر چیزی پدید نمی آید. درست
- (۲۱) طبق اصل ضرورت، علت های خاص، معلوم های خاص دارند و هر معلولی نیز از علت خاص خود سرچشمه می گیرد. نادرست
- (۲۲) نظم و قانونمندی میان پدیده ها در جهان ناشی از اصل وجود بخشی علت به معلوم است. نادرست

(۲۳) تخلف ناپذیری و حتمیت در نظام هستی، نتیجه و ثمره اصل ساختیت میان علت و معلول است . نادرست

(۲۴) تخلف ناپذیری و حتمیت نظام هستی از «اصل ضرورت علی و معلولی» استنتاج می شود.(هماهنگ کشوری ۵ اسفند ۸۷

درست

(۲۵) یکی از معانی اتفاق این است که میان علت و معلول آن رابطه حتمیت وجود دارد. نادرست

(۲۶) فیلسوفی یافت نمی شود که به طور صریح و روشن با معنای اول اتفاق با این بیان که میان علت و معلول آن رابطه حتمیت وجود دارد موافق باشد. نادرست

(۲۷) برخی از مردم که از تمام اجزای یک علت آگاه نیستند، گاهی فکر می کنند که در برخی موارد، در عین وجود علت معلول پدید نمی آید . درست

(۲۸) برخی از مردم که از تمام اجزای یک علت آگاه نیستند، می پندارند، میان علت و معلول، رابطه ضروری وجود ندارد درست

(۲۹) به هریک از عوامل که روی هم، علت پدید آمدن یک معلول را تشکیل می دهند، «علت ناقصه» می گویند. درست

(۳۰) مجموعه عوامل در پدید آمدن معلول را «علت تامه» می نامند. درست

(۳۱) یکی از معانی اتفاق این است که ممکن است از هر علتی هر معلولی پدید آید . درست

(۳۲) یکی از معانی اتفاق این است که ساختیت میان علت و معلول وجود ندارد. درست

(۳۳) اتفاق به این معنا که ساختیت میان علت و معلول وجود ندارد ، از نظر همه فلاسفه و دانشمندان جهان قابل قبول است . نادرست

(۳۴) بسیاری از فلاسفه، از جمله ابن سینا و ملاصدرا و علامه طباطبایی ، اتفاق به این معنا که ساختیت میان علت و معلول وجود ندارد را قبول نمی کنند. درست

(۳۵) انکار اصل ساختیت، بی اعتباری همه علوم و پژوهش هرج و مرج در جهان را به دنبال دارد. درست

(۳۶) ، نبودن غایت و هدف خاص در حرکات و نظم جهان است؛ یکی از معانی اتفاق است. درست

(۳۷) اثبات یا نفی اتفاق به معنای نبودن غایت و هدف خاص در حرکات و نظم جهان نیازمند دقت و تأمل بیشتر است، درست

(۳۸) فلاسفه ای که برای مجموعه هستی یک علت حقیقی قائل اند، اتفاق به معنای نبودن هدف خاص در حرکات و نظم جهان را انکار می کنند. درست

(۳۹) آن دسته از فلاسفه که علاوه بر لوازم «اصل علیت» به «عله العلل» معتقدند به اتفاق به معنای نبود غایت در جهان معتقد نیستند. درست

(۴۰) به نظر فلاسفه معتقد به عله العلل ، هر فرایند طبیعی و هر سیر تحولی در طبیعت، هدف خاصی را تعقیب می کند . درست

(۴۱) آن دسته از فیلسوفان که معمولاً به عله العلل معتقد نیستند، غایتمندی زنجیره حوادث را انکار می کنند. درست

(۴۲) به نظر فلاسفه معتقد به عله العلل ، وجود برخی از فرایندهای تکاملی در جهان، امری اتفاقی است که از پیش تعیین و پیش بینی نشده است. نادرست

سوالات تستی

۱- کدام یک از فیلسوفان یونان باستان از واژه «اتفاق» استفاده کرده بود و کدام فیلسوف ، دقت در مفاهیم عامیانه و نقد و تصحیح یا تعمیق آنها را از وظایف فیلسوفان می شمارد؟

- ۱) دموکریتوس - فارابی ۲) هراکلیتوس - ابن سینا ۳) دموکریتوس - ابن سینا ۴) هراکلیتوس - فارابی

۲- کدام گزینه بیانگر نظر دموکریتوس درخصوص ماده اولیه تشکیل دهنده جهان است ؟

- ۱) جهان با یک انفجار بزرگ بیگ - بنگ آغاز شده و به تدریج گسترش یافته است.

۲) برخورد اتفاقی اتم ها و ذرات ریز و غیرقابل تقسیم سرگردان در فضای غیرمتناهی سبب پیدایش عناصر و اشیاء فعلی در جهان است

۳) بر اثر تحولات پی در پی اولین موجودات زنده و ساده بر روی این کره پدید آمدند . سپس به تدریج با تحول این موجودات زنده، نوبت به خلق کامل ترین موجود زنده کره زمین، یعنی انسان رسید.

۴) تحولات روی زمین از همان ابتدا به سمت پیدایش انسان بوده است .

۳- ابن سینا در در مهم ترین کتاب فلسفی یعنی در صدد بود نظر مردم را در مورد مفاهیم ... و.... تصحیح نماید.

- ۱) الهیات شفا - شناس - اتفاق ۲) اشارات و تنبیهات - اتفاق - شناس

- ۳) الهیات شفا- شناس- غایتمندی ۴) اشارات و تنبیهات - اتفاق- غایتمندی

۴- پذیرش کدام اصل زمینه ساز نگاهی ویژه به جهان و اشیاء پیرامونی است و قبول اصل علیت با نفی کدام موضوع هماهنگی دارد؟

- ۱) اصل سنخیت - شناس ۲) اصل علیت - اتفاق ۳) اصل سنخیت - شناس ۴) اصل علیت - اتفاق

۵- انکار اصل سنخیت چه نتیجه ای می تواند در جهان به دنبال داشته باشد و کدام فلاسفه ، نظریه اتفاق را انکار می کند ؟

- ۱) بی اعتباری همه علوم و پذیرش هرج و مرج در جهان- داروین - دموکریتوس

- ۲) بی اعتباری اصل علیت و پذیرش هرج و مرج در جهان- دموکریتوس - ابن سینا

- ۳) بی اعتباری همه علوم و پذیرش هرج و مرج در جهان- ابن سینا - میرداماد

- ۴) بی اعتباری اصل سنخیت و پذیرش هرج و مرج در جهان- فارابی- داروین

۶- جمله « هر معلولی از علت خاص خود سرچشمه می گیرد.» بیانگر چه اصلی است و چرا برخی از مردم می پندارند، میان علت و معلول، رابطه ضروری وجود ندارد؟

- ۱) اصل سنخیت- زیرا از تمام اجزای یک علت آگاه نیستند.

- ۲) اصل ضرورت- زیرا از تمام اجزای یک علت آگاه نیستند.

- ۳) اصل ضرورت - زیرا می پندارند که هر معلولی به علت نیاز دارد و نمی تواند بدون علت موجود شود.

- ۴) اصل سنخیت - زیرا می پندارند که هر معلولی به علت نیاز دارد و نمی تواند بدون علت موجود شود.

۷- یکسانی آثار و خواص پدیده های طبیعی به اصل..... و تخلف ناپذیری و حتمیت نظام هستی به اصل..... و ارتباط و پیوستگی بین پدیده ها به اصلمربوط می شود .

- (۱) ساخت - ساخت - علیت
(۲) ساخت - علیت - وجوب علی
(۳) ساخت - وجوب علی - علیت
(۴) وجوب - وجوب علی - علیت

۸- با توجه به « اصل ضرورت علی و معلولی »، « اصل ساخت » و « اصل علیت » به ترتیب کدام نتیجه استخراج می شود؟
(سراسری ۸۷)

- (۱) نظام معین هستی - تخلف ناپذیری و حتمیت نظام هستی - ارتباط و پیوستگی موجودات جهان .
(۲) ارتباط و پیوستگی موجودات جهان - تخلف ناپذیری و حتمیت نظام هستی - نظام معین هستی .
(۳) تخلف ناپذیری و حتمیت نظام هستی - ارتباط و پیوستگی موجودات جهان - نظام معین هستی.
(۴) تخلف ناپذیری و حتمیت نظام هستی - نظام معین هستی - ارتباط و پیوستگی موجودات جهان .

۹- هر یک از مفاهیم « تناسب »، « تخلف ناپذیری » و « ارتباط » به ترتیب با کدام گزینه هماهنگی و تطابق دارد ؟

- (۱) ساخت علت و معلول - وجوب علی و معلولی - علیت . ۲) وجوب علی و معلولی - ساخت علت و معلول - علیت
(۳) علیت - وجوب علی و معلولی - ساخت علت و معلول . ۴) علیت - ساخت علت و معلول - وجوب علی و معلولی.

۱۰- هر یک از قضایای زیر به ترتیب با کدام معنی از معانی اتفاق هماهنگی و تطابق دارد ؟

همه عوامل پیدایش باران موجود باشند، اما باران نبارد - حرارت سبب یخ بستن آب شود - آفات سبب تاریکی شود

- (۱) میان علت و معلول رابطه حتمیت وجود ندارد - ممکن است از هر علتی هر معلولی پدید آید. - نبودن غایت و هدف خاص
(۲) رخدادن حادثه پیش بینی نشده است - ممکن است از هر علتی هر معلولی پدید آید. - نبودن غایت و هدف خاص در جهان
(۳) رخدادن حادثه پیش بینی نشده است - نبودن غایت و هدف خاص در جهان - ممکن است از هر علتی هر معلولی پدید آید.
(۴) میان علت و معلول رابطه حتمیت وجود ندارد - ممکن است از هر علتی هر معلولی پدید آید - ممکن است از هر علتی هر معلولی پدید آید.

۱۱- اگر گفته شود، من امروز اتفاقی دوستم را دیدم و با او درباره فلان موضوع گفت و گو کردم معنای اتفاق این عبارت این است که

- (۱) رخدادن حادثه پیش بینی نشده است .
(۲) ممکن است از هر علتی هر معلولی پدید آید.
(۳) غایت و هدف خاص در حرکات جهان وجود ندارد . ۴) میان علت و معلول رابطه حتمیت وجود ندارد.

۱۲- به ترتیب کدام معنای اتفاق را همه فیلسوفان انکار می کنند و کدامیک را بسیاری از فلاسفه مسلمان و برخی از فیلسوفان اروپایی ؟

- (۱) ممکن است از هر علتی هر معلولی پدید آید - میان علت و معلول رابطه حتمیت وجود ندارد .
(۲) رخدادن حادثه پیش بینی نشده است . - نبودن غایت و هدف خاص در جهان
(۳) میان علت و معلول رابطه حتمیت وجود ندارد - ممکن است از هر علتی هر معلولی پدید آید.
(۴) رخدادن حادثه پیش بینی نشده است . - میان علت و معلول رابطه حتمیت وجود ندارد

۱۳- کدام دسته از فیلسوفان ، غایتمندی زنجیره حوادث را انکار می کنند ؟

- (۱) فیلسوفانی که معمولاً به عله العلل معتقد هستند .
(۲) فیلسوفانی که معمولاً به علیت و لوازم آن معتقدند .
(۳) فیلسوفانی که معمولاً برای مجموعه هستی یک علت حقیقی قائل اند . ۴) فیلسوفانی که معمولاً به عله العلل معتقد نیستند .

بخش دوم : درس پنجم : خدا در فلسفه (۱)

- تاریخ فلسفه نشان می دهد که از همان ابتدای شکل گیری فلسفه و تفکر فلسفی، بحث و گفت و گو درباره خدا در جریان بوده و این موضوع در صدر مسائلی قرار داشته است که فیلسوفان بررسی کرده اند.
- در مباحث قبلی بخش اول و جوب و امکان و علت و معلول به این نقطه رسیده ایم که موجودات ممکن و معلول متکی به واجب الوجودی بالذات و غیر معلول اند.
- در این بخش (بخش دوم) به دیدگاه فیلسوفان درباره خدا نظری می افکنیم و تا آنجا که مقدور و ممکن است، ارتباط دیدگاه هر فیلسوف در این باره را با سایر دیدگاه های وی به دست می آوریم.

□ عهد ایران و یونان باستان

❖ عهد ایران باستان :

- گزارش های اسطوره ای و نمادینی که از ایران باستان به دست ما رسیده است و نیز نظر فیلسوفانی مانند سهروردی نشان می دهد که حکما در عهد ایران باستان، شناختی روشن از مبدأ هستی داشته اند.
- حکما در عهد ایران باستان، خدا را نور هستی می دانستند که با پرتو و اشراق خود پدیده ها را ظاهر می سازد و خلق می کند.
- حکما در عهد ایران باستان از نخستین پرتو و مخلوق سخن گفته و او را « بهمن » نامیده اند.
- بهمن از نظر حکمای ایران باستان وجودی مجرد دارد.
- با اینکه آثار مدون و مکتوب چندانی از دوره ایران باستان به دست ما نرسیده است، اما گزارش های مختصر حکایت از آن دارند که حکیمان دوره باستان ایران، جهان را مخلوق خداوندی حکیم می دانسته اند.

❖ عهد یونان باستان :

- فیلسوفان بزرگ یونان، از جمله سقراط و افلاطون و ارسطو، در جامعه ای زندگی می کردند که مردم آن به خدایان متعدد اعتقاد داشتند و هر کدام را مبدأ و منشأ یک حقیقت در جهان می شمردند.
- از نظر فیلسوفان بزرگ یونان، « زئوس » خدای آسمان و باران، « آپولون » خدای خورشید و هنر و موسیقی و « آرتمیس » خدای عفت و خویشتن داری بود.
- اعتقاد به این خدایان، که تعدادشان به ده ها مورد می رسید، چنان عمیق بود که انکار آنها، طرد از جامعه یونان و گاه از دست دادن جان را به دنبال داشت. حاکمان و بزرگان جامعه یونان اجازه نمی دادند که کسی با اندیشه شرک آلودشان مخالفت کند و به خدایان توهین نماید.
- اتهام اصلی سقراط : « او خدایانی را که همه به آنها معتقدند، انکار می کند و از خدایی جدید سخن می گوید » در چنین شرایطی، افلاطون تصمیم گرفت با دقتی فلسفی واستدلالی درباره خدا صحبت کند و پندرارها را اصلاح نماید.

□ دیدگاه های «تیلور» یکی از افلاطون شناسان مشهور اروپایی :

- «افلاطون ابداع کننده خداشناسی فلسفی است.»
- «از نظر افلاطون، کار خداوند هدف دار است»
- «خدا نزد افلاطون یک خدای معین با ویژگی های روشن است و این نظر، با چند خدایی یونان تفاوت دارد؛ زیرا در چند خدایی، خلقت آگاهانه معنا ندارد و چند خدایی شکل دیگری از همان کفر و بی خدایی است که افلاطون از آن یاد کرده است.»

□ خداوند در اندیشه افلاطون :

- «در سوی دیگر، نوعی از هستی وجود دارد که پیوسته ثابت است؛ نه می زاید و نه از میان می رود و نه چیز دیگری را به خود راه می دهد و نه خود در چیزی دیگری فرو می شود .
- او نه دیدنی است و نه از طریق حواس دریافتی است .
- فقط با تفکر و تعقل می توان به او دست یافت و از او بهره مند شد»

□ خداوند در اندیشه ارسسطو :

- ارسسطو که از قدرت استدلال و منطق قوی برخوردار بود، تلاش کرد ، برهان هایی بر وجود خدا و مبدأ نخستین جهان ارائه کند.
- استدلال های ارسسطو بر وجود خدا ، گرچه قدم های اوّلیه بوده اند، اما از استحکام خاصی برخوردارند و زمینه قدم های بعد را فراهم می کنند.
- ارسسطو در یکی از نوشتة های خود می گوید: «به طور کلی، هرجا که یک خوب تر و بهتر وجود دارد، خوب تر و بهترینی نیز هست. حال، در میان موجودات برخی خوب تر و بهتر از برخی دیگرند. پس، حقیقتی هم که خوب ترین و بهترین است وجود دارد که از همه برتر است و این، همان واقعیت الهی است»
- ارسسطو در جای دیگری از کتاب خود می گوید: «نمی شود که یک نظم و انتظام برجهان حاکم باشد، بدون اینکه موجودی جاویدان و برتر از ماده در کار باشد.»

□ خدا در اندیشه های فیلسفه‌ان دوره جدید اروپا :

با شکل گیری دوره جدید اروپا از قرن های ۱۴ و ۱۵ و پیدایش دو جریان عقل گرا، و حس گرا / تجربه گرا در فلسفه، درباره خدا نیز دیدگاه های مختلفی ظهور کرد که به گونه ای ریشه در این دو جریان داشتند.

❖ خدا در اندیشه دکارت (فیلسوف عقل گرای قرن هفدهم) :

دکارت، در یکی از استدلال های خود می گوید: « من از حقیقتی نامتناهی و علیم و قدیر که خود من و هر چیز دیگری به وسیله او خلق شده ایم، تصوری دارم. این تصور نمی تواند از خودم باشد؛ زیرا من موجودی متناهی ام. پس، این تصور از من و هر موجود متناهی دیگری نیست بلکه از وجود نامتناهی است؛ اوست که می تواند چنین ادراکی به من بدهد. »

❖ خدا در اندیشه هیوم (فیلسوف حس گرا و تجربه گرای قرن هجدهم) :

دیوید هیوم، می گوید: « نه تنها دلایل دکارت، بلکه دلایل گذشتگان نیز قابل نقدند. »

از نظر هیوم، دلایلی که صرفاً متکی بر عقل باشند مردودند؛ زیرا عقل اساساً ادراک مستقل از حس و تجربه ندارد.

به نظر هیوم، مهم ترین برهان فیلسفه‌ان الهی، برهان نظم است که از تجربه گرفته شده اماً این برهان نیز توانایی اثبات یک وجود ازلی و ابدی و نامتناهی را ندارد.

به عقیده هیوم، یکی از دلایل این ناتوانی این است که براساس نظم موجود جهان، شما حداکثر می توانید یک نظام و مدبر را اثبات کنید اماً نمی توانید به یک خالق نامتناهی و واجب الوجود بالذات برسید.

❖ خدا در اندیشه کانت (فیلسوف عقل گرای قرن ۱۸ آلمان) :

کانت، راهی متفاوت با دکارت و دیگر فیلسفه‌ان عقل گرای پیشین برای پذیرش خدا پیمود.

کانت به جای اثبات وجود خدا از طریق مخلوقات یا برهان علیت و یا وجوب و امکان، ضرورت وجود خدا را از طریق اخلاق و وظایف اخلاقی اثبات کرد.

خلاصه یکی از توضیحات کانت چنین است:

✓ زندگی جمعی انسان بدون اصول اخلاقی و رعایت آنها امکان پذیر نیست.

✓ اگر انسان ها در زندگی اجتماعی حدودی از اخلاق را رعایت نکنند و مسئول کارهای خود نباشند، هرج و مرچ پدید می آید و زندگی متلاشی می شود.

✓ مسئولیت پذیری و رعایت اخلاق تنها در جایی معنا دارد که انسان خود را صاحب اراده و اختیار ببیند.

✓ برای موجودات بدون اختیار، وظیفه اخلاقی معنا ندارد.

✓ اختیار و اراده نمی تواند ویژگی بدن باشد که ماده ای مانند سایر مواد است بلکه باید ویژگی نفسی غیرمادی باشد که فناناً پذیر است و با مرگ بدن از بین نمی رود.

✓ روح و نفس مجرد که سعادتش در کسب فضیلت و رعایت اصول اخلاقی است، چون موجودی جاودانه است، برای سعادت دائمی خود به جهانی ماوراء دنیا می نیاز دارد و چنین جهانی نیز مشروط به وجود خدایی جاودان و نامتناهی است.

□ خدا و معناداری زندگی

- بعد از کانت، فیلسوفان حس گرا و تجربه گرا که جریان غالب فلسفی در اروپا را تشکیل می دادند و با توجه به مبنای خود نمی توانستند از برهان عقلی محض استفاده کنند، براساس نظرشان درباره خدا دو دسته شدند :
 - ❖ دیدگاه هیوم و اوگوست کنت :
 - ✓ چون ما ابزاری جز حس و تجربه برای شناخت نداریم، یا خدایی نیست و یا نمی توانیم او را اثبات کنیم.
 - ❖ دیدگاه ویلیام جیمز (فیلسوف آمریکایی قرون نوزدهم و بیستم) و برگسون (فیلسوف فرانسوی قرن بیستم) :
 - ✓ این دو فیلسوف از تجربه های معنوی درونی و عشق و عرفان برای اثبات خداوند استفاده کردند.
 - ✓ ویلیام جیمز می گوید : « من معتقدم که دلیل وجود خداوند عمدتاً در تجربه های شخصی درونی ما نهفته است »

- بدین ترتیب، در قرن بیستم و بیست و یکم فیلسوفانی ظهور کردند که در عین اعتقاد راسخ به خدا، به جای ذکر دلایل اثبات وجود او، به رابطه میان « اعتقاد به خدا » و « معناداری زندگی » توجه کردند و نشان دادند که زندگی بدون اعتقاد به خدایی که مبدأ خیر و زیبایی و ناظر بر انسان است، دچار خلاً معنایی و پوچی آزاردهنده ای می شود.
- زندگی معنادار عبارت از یک زندگی دارای غایت و هدف و سرشار از ارزش های اخلاقی است که انسان را نسبت به آینده مطمئن می کند و آرامشی برتر به او می دهد.
- کِرکگور، فیلسوف دانمارکی قرن بیستم معتقد است که ایمان هدیه ای الهی است که خداوند به انسان عطا می کند . خدا انسان مؤمن را برمی گزیند و به او ایمان هدیه می کند و اگر کسی شایسته این بخشش نشود، زندگی تاریکی را سپری خواهد کرد .
- کاتینگهام ، از نویسندهای این حوزه، می گوید: قبول خداوند « زندگی ما را در بستری قرار می دهد که آن را با ارزش و با اهمیت می سازد و این امید را می دهد که به جای اینکه احساس کنیم در جهان بیگانه ای افتاده ایم که در آن هیچ امری در نهایت، اهمیت ندارد، می توانیم مأمن و پناهگاهی بیابیم.»
- این فیلسوف در کتاب خود به این مسئله اشاره می کند که پس از سیر نزولی استدلال های عقلی و فلسفی در اروپا بر اثبات وجود خدا، برخی از فیلسوفان به این سمت حرکت کردند که خدا را عامل اصلی معنابخشی به زندگی معرفی کنند.

نکات پاورقی جهت مطالعه کنکور :

- بیان ملتوس در دادگاه، که به نمایندگی از شاکیان سخن می گفت، سقراط تلاش می کرد اندیشه آتنی ها را درباره خدا اصلاح کند؛ به گونه ای که آنان متوجه حقیقتی برتر در هستی شوند که اداره کننده اصلی جهان است.
- آراء افلاطون :
 - ✓ برای ما معیار هر چیزی خداست. نه آن طور که برخی می گویند، این یا آن فرد؛ بنابراین هر که بخواهد محبوب خدا شود، باید با همه نیرو بکوشد تا در حد امکان شبیه او شود.
 - ✓ بنابراین، از میان ما تنها کسی محبوب خداست که خویشتن دار (اعفیف) باشد و از دایره اعتدال پا بیرون نگذارد؛ زیرا چنین کسی شبیه خداست .
- یگر، مورخ برجسته فلسفه یونان می گوید : « استدلال واقعی بر وجود خدا، نخستین بار در آثار او لیه ارسطو یافت می شود .
- ✓ او در کتاب سوم خود با یک استدلال و قیاس « برترین و والاترین موجود » را اثبات می کند و به این ترتیب، به موضوع شکلی روشن و گویا می بخشد؛ به طوری که در طول قرون بعد، پیوسته متفکران مشتاق را به سمت تلاش هایی تازه به این سو و امیدارد.
- ✓ ارسطو در توصیفاتی که از خدا و مبدأ نخستین جهان می کند، از عباراتی چون شریف ترین موجود، خیر و جمال و زیبایی، ضرورتاً موجود، محرک غیرمتحرک، دارای حیات، تغییرناپذیر، دارای عالی ترین اندیشه و فعلیت تام و کامل و بالذات استفاده می کند.
- ✓ توصیفات ارسطو بیانگر آن است که وی علاوه بر قبول موجودات غیرمادی، در میان آنها یک موجود را برتر می داند و او را مبدأ همه امور تلقی می کند و بدین ترتیب، قدمی بزرگ در راه خداشناسی فلسفی برمی دارد.
- قبل از هیوم، فیلسوفان تجربه گرایی وجود داشتند که به خدا اعتقاد داشتند و می خواستند او را اثبات کنند اما به علت نوع تفکر تجربه گرای خود، از براهین فیلسوفان گذشته کمتر استفاده می کردند.
 - این فیلسوفان، یا می خواستند از نظم جهان به خدا برسند یا از طریق شهود خود به عنوان یک موجود متناهی.
 - از جمله این فیلسوفان، جان لاک و بارکلی فیلسوفان تجربه گرای قبل از کانت بودند که از این راه ها استفاده می کردند.
- خدا و روح و اختیار انسان در فلسفه کانت یک وجود عینی و واقعی (**objective**) نیست بلکه امری ذهنی (**subjective**) است که بشر نیاز دارد آن را مفروض بگیرد.

سوالات تشرییتی

- ۱- گزارش های اسطوره ای و نمادینی که از ایران باستان به دست ما رسیده است بیانگر چیست؟
نشان می دهد که حکما در آن زمان شناختی روش از مبدأ هستی داشته اند.
- ۲- چگونه می توان به این باور رسید که حکما در عهد ایران باستان، شناختی روش از مبدأ هستی داشته اند؟
از طریق گزارش های اسطوره ای و نمادینی که از ایران باستان به دست ما رسیده است و نیز نظر فیلسفانی مانند سهروردی .
- ۳- حکمای ایران باستان چه تصویری از خداوند ارائه کرده بودند؟
آنان خدا را نور هستی می دانستند که با پرتو و اشراق خود پدیده ها را ظاهر می سازد و خلق می کند.
- ۴- حکمای ایران باستان ، نخستین پرتو و مخلوق را چه نامیده بودند و از نظر آنها ، این مخلوق چه ویژگی داشت؟
نخستین پرتو و مخلوق را «بهمن» نامیده اند که از نظر آنان وجودی مجرد دارد.
- ۵- فیلسفان بزرگ یونان، از جمله سقراط و افلاطون و ارسسطو، در چه نوع جامعه ای زندگی می کردند؟
در جامعه ای زندگی می کردند که مردم آن به خدایان متعدد اعتقاد داشته و هر کدام را مبدأ و منشأ یک حقیقت درجهان می شمردند
- ۶- از نظر فیلسفان بزرگ یونان «زئوس» ، «آپولون» و «آرتیمیس» چگونه خدایانی بودند؟
زئوس خدای آسمان و باران ، آپولون خدای خورشید و هنر و موسیقی ، آرتیمیس خدای عفت و خویشن داری بود.
- ۷- انکار خدایان متعدد در دوره یونان باستان، چه نتایج و پیامدهایی می تواند در پی داشته باشد؟
اعتقاد به وجود این خدایان چنان عمیق بود که انکار آنها، طرد از جامعه یونان و گاه از دست دادن جان را به دنبال داشت .
- ۸- در دوره یونان باستان اتهام اصلی سقراط چه بود؟
«او خدایانی را که همه به آنها معتقدند، انکار می کند و از خدایی جدید سخن می گوید»
- ۹- افلاطون برای مقابله با اندیشه حاکمان و بزرگان جامعه یونان در مورد خدا چه تصمیمی اتخاذ کرد؟
افلاطون تصمیم گرفت با دقیقی فلسفی واستدلالی درباره خدا صحبت کند و پندارها را اصلاح نماید.
- ۱۰- تیلور چه کسی بود؟ عقیده وی در مورد افلاطون را بنویسد.
از افلاطون شناسان مشهور اروپایی که عقیده داشت «افلاطون ابداع کننده خداشناسی فلسفی است.»
- ۱۱- خدای افلاطون چه ویژگی هایی داشت؟
خدا نزد افلاطون یک خدای معین با ویژگی های روشن است و این نظر، با چند خدایی یونان تفاوت دارد؛ زیرا در چند خدایی، خلقت آگاهانه معنا ندارد و چند خدایی شکل دیگری از همان کفر و بی خدایی است که افلاطون از آن یاد کرده است.
- ۱۲- جرا خدای افلاطونی با چند خدای یونانی تفاوت داشت؟
زیرا در چند خدایی، خلقت آگاهانه معنا ندارد و چند خدایی شکل دیگری از همان کفر و بی خدایی است که افلاطون از آن یاد کرده است.
- ۱۳- افلاطون خداوند را چگونه توصیف می کند؟
در سوی دیگر، نوعی از هستی وجود دارد که پیوسته ثابت است؛ نه می زاید و نه از میان می رود و نه چیز دیگری را به خود راه می دهد و نه خود در چیزی دیگری فرو می شود . او نه دیدنی است و نه از طریق حواس دریافتی است فقط با تفکر و تعقل می توان به او دست یافت و از او بهره مند شد .
- ۱۴- ارسسطو فیلسوف بزرگ یونان از چه ویژگی برخوردار بود و درخصوص وجود خداوند چه تلاشی نمود؟
ارسطو از قدرت استدلال و منطق قوی برخوردار بود و تلاش کرد برهان هایی بر وجود خدا و مبدأ نخستین جهان ارائه کند.

۱۵- مشخصه استدلال های ارسسطو بر وجود خدا چه بود ؟

استدلال های ارسسطو بر وجود خدا ، گرچه قدم های اویلیه بوده اند، اما از استحکام خاصی برخوردارند و زمینه قدم های بعد را فراهم می کنند.

۱۶- ارسسطو فیلسوف بزرگ یونان ، خداوند را چگونه توصیف می کرد ؟

« به طور کلی، هرجا که یک خوب تر و بهتر وجود دارد، خوب تر و بهترینی نیز هست. ، در میان موجودات برخی خوب تر و بهتر از برخی دیگرند. پس، حقیقتی هم که خوب ترین و بهترین است وجود دارد که از همه برتر است و این، همان واقعیت الهی است» نمی شود که یک نظم و انتظام برجهان حاکم باشد، بدون اینکه موجودی جاویدان و برتر از ماده در کار باشد.»

۱۷- دوره جدید اروپا در چه قرن هایی شکل گرفت و سبب پیدایش چه مکاتبی در فلسفه شد ؟

قرن های ۱۴ و ۱۵ و سبب پیدایش دو جریان عقل گرا، و حس گرا/ تجربه گرا در فلسفه شد .

۱۸- با شکل گیری دوره جدید اروپا ، چه دیدگاه هایی درباره خداوند ظهور کرد؟ این دیدگاه ها ریشه در کدام مکاتب فلسفی داشتند؟

دیدگاه های مختلفی ظهور کرد که به گونه ای ریشه در دو جریان عقل گرا، و حس گرا/ تجربه گرا در فلسفه داشتند.

۱۹- نظریه و استدلال دکارت درباره اثبات وجود خداوند را بنویسید؟

« من از حقیقتی نامتناهی و علیم و قدیر که خود من و هر چیز دیگری به وسیله او خلق شده ایم، تصوری دارم. این تصور نمی تواند از خودم باشد؛ زیرا من موجودی متناهی ام. پس، این تصور از من و هر موجود متناهی دیگری نیست بلکه از وجود نامتناهی است؛ اوست که می تواند چنین ادراکی به من بدهد. »

۲۰- دیوید هیوم بر اساس فلسفه تجربی خود درباره اعتقاد به وجود خداوند چه تعبیری داشت ؟

هیوم، می گوید: « نه تنها دلایل دکارت، بلکه دلایل گذشتگان نیز قابل نقدند. » و بطور کلی وجود خداوند را انکار می کرد .

۲۱- چرا هیوم دلایلی را که صرفاً متکی به عقل هستند را مورد انکار قرار می دهد ؟

از نظر هیوم، دلایلی که صرفاً متکی بر عقل باشند مردودند؛ زیرا عقل اساساً ادراک مستقل از حس و تجربه ندارد.

۲۲- به نظر هیوم، مهم ترین برهان فیلسوفان الهی، کدام برهان است و چرا این برهان، توانایی اثبات یک وجود ازلی و ابدی و نامتناهی را ندارد ؟

برهان نظم است که از تجربه گرفته شده و یکی از دلایل این ناتوانی این است که براساس نظم موجود جهان، شما حداقل می توانید یک نظام و مدبر را اثبات کنید اما نمی توانید به یک خالق نامتناهی و واجب الوجود بالذات برسید .

۲۳- کدام فیلسوف، راهی متفاوت با دکارت و دیگر فیلسوفان عقل گرای پیشین برای پذیرش خدا پیمود؟ و آن راه چه بود ؟

کانت - به جای اثبات وجود خدا از طریق مخلوقات یا برهان علیت و یا وجوب و امکان، ضرورت وجود خدا را از طریق اخلاق و وظایف اخلاقی اثبات کرد.

۲۴- دلیل اخلاقی بر اثبات وجود خداوند توسط چه کسی مورد طرح و پذیرش قرار گرفت ؟ این دلیل را توضیح دهید.

کانت - زندگی جمعی انسان بدون اصول اخلاقی و رعایت آنها امکان پذیر نیست. اگر انسان ها در زندگی اجتماعی حدودی از اخلاق را رعایت نکنند و مسئول کارهای خود نباشند، هرج و مرج پدید می آید و زندگی متلاشی می شود. مسئولیت پذیری و رعایت اخلاق تنها در جایی معنا دارد که انسان خود را صاحب اراده و اختیار بینند. برای موجودات بدون اختیار، وظیفه اخلاقی معنا ندارد. اختیار و اراده نمی تواند ویژگی بدن باشد که ماده ای مانند سایر مواد است بلکه باید ویژگی نفسی غیرمادی باشد که فناناً پذیر است و با مرگ بدن از بین نمی رود. روح و نفس مجرد که سعادتش در کسب فضیلت و رعایت اصول اخلاقی است، چون موجودی جاودانه است، برای سعادت دائمی خود به جهانی ماوراء دنیای ما نیاز دارد و چنین جهانی نیز مشروط به وجود خدایی جاودان و نامتناهی است .

- ۲۵- به عقیده کانت، اگر انسان ها در زندگی اجتماعی حدودی از اخلاق را رعایت نکنند و مسئول کارهای خود نباشند این عمل آنان چه پیامدهایی به همراه خواهد داشت؟ هرج و مرج پدید می آید و زندگی متلاشی می شود.
- ۲۶- به عقیده کانت، اختیار و اراده ویژگی بدن است یا نفس و چرا؟
- اختیار و اراده نمی تواند ویژگی بدن باشد که ماده ای مانند سایر مواد است بلکه باید ویژگی نفسی غیرمادی باشد که فناپذیر است و با مرگ بدن از بین نمی رود.
- ۲۷- بعد از کانت، فیلسفان حس گرا و تجربه گرا که جریان غالب فلسفی در اروپا را تشکیل می دادند و با توجه به مبنای خود نمی توانستند از برهان عقلی محض استفاده کنند، براساس نظرشان درباره خدا چند دسته شدند؟ آنها را توضیح دهید.
- دو دسته - دسته ای مانند هیوم و اوگوست کنت بر این باور بودند که چون ما ابزاری جز حس و تجربه برای شناخت نداریم، یا خدایی نیست و یا نمی توانیم او را اثبات کنیم.
- دسته ای دیگر مانند ویلیام جیمز (فیلسوف آمریکایی قرون نوزدهم و بیستم) و برگسون (فیلسوف فرانسوی قرن بیستم) از تجربه های معنوی درونی و عشق و عرفان برای اثبات خداوند استفاده کردند.
- ۲۸- چرا هیوم و اوگوست کنت با توجه به مبنای خود نمی توانستند از برهان عقلی محض استفاده کنند؟
- زیرا بر این باور بودند که چون ما ابزاری جز حس و تجربه برای شناخت نداریم یا خدایی نیست یا نمی توانیم او را اثبات کنیم
- ۲۹- ویلیام جیمز و برگسون برای اثبات وجود خداوند چه راهی را در پیش گرفتند؟
- از تجربه های معنوی درونی و عشق و عرفان برای اثبات خداوند استفاده کردند.
- ۳۰- با توجه به گفته های ویلیام جیمز؛ وی دلیل وجود خداوند را در کجا جست و جو می کرد؟
- ویلیام جیمز می گوید: من معتقدم که دلیل وجود خداوند عمدتاً در تجربه های شخصی درونی ما نهفته است.
- ۳۱- در قرن بیست و یکم چه نوع فیلسفانی ظهور کردند و برای اثبات وجود خداوند به کدام رابطه توجه داشتند؟
- در قرن بیست و یکم فیلسفانی ظهور کردند که در عین اعتقاد راسخ به خدا، به جای ذکر دلایل اثبات وجود او، به رابطه میان «اعتقاد به خدا» و «معناداری زندگی» توجه کردند و نشان دادند که زندگی بدون اعتقاد به خدایی که مبدأ خیر و زیبایی و ناظر بر انسان است، دچار خلاً معنایی و پوچی آزاردهنده ای می شود.
- ۳۲- چه نوع زندگی ای را می توان زندگی معنادار دانست؟
- زندگی معنادار یک زندگی دارای غایت و هدف و سرشار از ارزش های اخلاقی است که انسان را نسبت به آینده مطمئن می کند و آرامشی برتر به او می دهد.
- ۳۳- کرکگور، فیلسوف دانمارکی قرن بیست در مورد ایمان چه عقیده ای دارد؟
- معتقد است که ایمان هدیه ای الهی است که خداوند به انسان عطا می کند. خدا انسان مؤمن را برمی گزیند و به او ایمان هدیه می کند و اگر کسی شایسته این بخشش نشود، زندگی تاریکی را سپری خواهد کرد.
- ۳۴- عقیده کاتینگهام در مورد آثار و پیامدهای قبول خداوند در زندگی را بیان کنید.
- قبول خداوند «زندگی ما را در بستری قرار می دهد که آن را با ارزش و با اهمیت می سازد و این امید را می دهد که به جای اینکه احساس کنیم در جهان بیگانه ای افتاده ایم که در آن هیچ امری در نهایت، اهمیت ندارد، می توانیم مأمن و پناهگاهی بیاییم.»
- ۳۵- به عقیده کاتینگهام، پس از سیر نزولی استدلال های عقلی و فلسفی در اروپا بر اثبات وجود خدا، برخی از فیلسفان به کدامیں سمت حرکت کردند؟
- به این سمت حرکت کردند که خدا را عامل اصلی معنابخشی به زندگی معرفی کنند.

-۳۶- هر یک از موارد سمت راست با کدام یک از گزینه ها در سمت چپ مرتبط است؟

- ۱ - مهمترین برهان فیلسوفان الهی الف) زئوس
- ۲ - کانت ضرورت وجود خدا را از طریق این برهان اثبات نکرد. ب) بهمن
- ۳- خدای خورشید و هنر و موسیقی ج) برهان نظم
- ۴- نخستین پرتو و مخلوق د) آپولون
- ۵- خدای آسمان و باران و) برهان علیت یا وجوب و امکان

الف : ۵ ب : ۴ ج : ۱ د : ۵ ه : ۲

-۳۷- هر یک از عقاید سمت راست با کدام یک از فلاسفه در سمت چپ مرتبط است؟

- ۱- کرکگور الف) افلاطون ابداع کننده خداشناسی فلسفی است.
- ۲- ویلیام جیمز ب) نوعی از هستی وجود دارد که پیوسته ثابت است؛ نه می زاید و نه از میان می رود.
- ۳- تیلور ج) حقیقتی که خوب ترین و بهترین است وجود دارد که از همه برتر است و این، همان واقعیت الهی است.
- ۴- افلاطون د) من از حقیقتی نامتناهی و علیم و قدیر که خود من و هر چیز دیگری به وسیله او خلق شده ایم، تصویری دارم.
- ۵- دکارت و) شما می توانید یک نظام و مدبر را اثبات کنید اما نمی توانید به یک خالق نامتناهی و واجب الوجود بالذات بررسید.
- ۶- هیوم ه-) من معتقدم که دلیل وجود خداوند عمدتا در تجربه های شخصی درونی ما نهفته است.
- ۷- ارسسطو ی-) ایمان هدیه ای الهی است که خداوند به انسان عطا می کند.

الف : ۳ ب : ۴ ج : ۷ د : ۵ ه : ۶ ی : ۱

سوالات پاسخ گوایا

- ۱- کدام موضوع در صدر مسائلی قرار داشت که فیلسفان از همان ابتدای شکل گیری فلسفه و تفکر فلسفی به آن پرداخته بودند؟ خدا
- ۲- با توجه به گزارش های مختصر موجود ، حکیمان دوره باستان ایران، جهان را مخلوق چه کسی می دانسته اند؟ مخلوق خداوندی حکیم می دانستند.
- ۳- از نظر فیلسفان بزرگ یونان ، خدای آسمان و باران ، خدای خورشید و هنر و موسیقی و خدای عفت و خویشن داری به ترتیب چه نامیده می شدند؟ زئوس - آپولون - آرتمیس
- ۴- در دوره یونان چه کسانی اجازه نمی دادند که کسی با اندیشه شرک آلودشان مخالفت کند و به خدایان توهین نماید؟ حاکمان و بزرگان جامعه یونان
- ۵- به عقیده تیلور، ابداع کننده خداشناسی فلسفی چه کسی بود ؟ افلاطون
- ۶- از نظر افلاطون ، کار خداوند چگونه است؟ « از نظر افلاطون، کار خداوند هدف دار است »
- ۷- کدامیک از فلاسفه یونانی معتقد بود که کار خدا هدف دار است؟ افلاطون
- ۸- کدام فیلسوف یونانی از قدرت استدلال و منطق قوی برخوردار بود و تلاش کرد برهان هایی بر وجود خدا و مبدأ نخستین جهان ارائه کند؟ ارسطو
- ۹- یکی از فلاسفه عقل گرای قرن هفدهم و یکی از فلاسفه عقل گرای قرن هجدهم را نام ببرید . دکارت - کانت
- ۱۰- دکارت در میان صفات خداوند ، علاوه بر صفت علیم و قدری، بر کدام صفت او بیشتر تاکید می ورزد ؟ صفت نامتناهی بودن
- ۱۱- کدام فیلسوف راهی متفاوت با دکارت و دیگر فیلسفان عقل گرای پیشین برای پذیرش خدا پیمود ؟ کانت
- ۱۲- دلیل اخلاقی بر اثبات وجود خداوند توسط چه کسی مورد طرح و پذیرش قرار گرفت ؟ کانت
- ۱۳- به نظر کانت، مسئولیت پذیری و رعایت اخلاق تنها چه زمانی معنا دارد ؟ زمانی که انسان خود را صاحب اراده و اختیار ببیند
- ۱۴- کانت برای کدام موجودات معتقد بود که وظیفه اخلاقی معنا ندارد؟ برای موجودات بدون اختیار
- ۱۵- به عقیده کانت، سعادت روح و نفس مجرد در چیست ؟ سعادتش در کسب فضیلت و رعایت اصول اخلاقی است،
- ۱۶- چرا کانت بر این باور است که روح و نفس مجرد برای سعادت دائمی خود به جهانی ماوراء دنیای ما نیاز دارد ؟ چون موجودی جاودانه است،
- ۱۷- کانت معتقد است که پذیرش جهان ماوراء دنیای ما، مشروط به چیست ؟ مشروط به وجود خدایی جاودان و نامتناهی است .
- ۱۸- کدام دو فیلسوف بر این باور بودند که چون ما ابزاری جز حس و تجربه برای شناخت نداریم، یا خدایی نیست و یا نمی توانیم او را اثبات کنیم؟ هیوم و اوگوست کنت
- ۱۹- کدام دو فیلسوف از تجربه های معنوی درونی و عشق و عرفان برای اثبات خداوند استفاده کردند؟ ویلیام جیمز و برگسون
- ۲۰- کدام فیلسوف قرن بیست معتقد است که ایمان هدیه ای الهی است که خداوند به انسان عطا می کند ؟ کرکگور

جاهای خالی را با استفاده از کلمات مناسب کامل کنید.

- ۱- فیلسوفانی مانند نشان می دهند که حکمای ایران باستان ، شناختی روشن از مبدأ داشته اند. سهروردی - هستی
- ۲- حکمای ایران باستان ، خدا را هستی می دانستند که با خود پدیده ها را ظاهر می سازد و خلق می کند. نور - اشراق
- ۳- بسیاری از حکمای ایرانی از نخستین پرتو و مخلوق سخن گفته و او را نامیده اند که از نظر آنان وجودی دارد. بهمن- مجرّد
- ۴- حکیمان دوره باستان ایران، جهان را مخلوق خداوندی می دانسته اند. حکیم
- ۵- از نظر فیلسوفان بزرگ یونان ، ... خدای آسمان و باران ، خدای خورشید و هنر و موسیقی و خدای عفت و خویشتن داری بود. زئوس - آپولون - آرتیمیس
- ۶- اتهام اصلی این بود که « او خدایانی را که همه به آنها معتقدند، انکار می کند و از خدایی جدید سخن می گوید . سقراط
- ۷- افلاطون تصمیم گرفت با دقیقی و.... درباره خدا صحبت کند و پندارها را اصلاح نماید. فلسفی - استدلالی
- ۸- به عقیده ... یکی از افلاطون شناسان مشهور اروپایی، افلاطون ابداع کننده خداشناسی است. تیلور - فلسفی
- ۹- به عقیده.... از نظر افلاطون، کار خداوند است . تیلور- هدف دار
- ۱۰- افلاطون می گوید که نوعی از هستی وجود دارد که پیوسته است و فقط با می توان به او دست یافت و از او بهره مند شد ثابت - تفکر (تعقل)
- ۱۱- ارسطو که از قدرت استدلال و منطق قوی برخوردار بود، تلاش کرد ، برهان هایی بر وجود ... و نخستین جهان ارائه کند. خدا - مبدأ
- ۱۲- ارسطو بر وجود خدا ، گرچه قدم های اولیه بوده اند، اما از خاصی برخوردارند و زمینه قدم های بعد را فراهم می کنند. استدلال های - استحکام
- ۱۳- ارسطو می گوید، حقیقتی که خوب ترین و بهترین است، وجود دارد که از همه.... است و این همان واقعیت ...است. برتر- الهی
- ۱۴- به نظر ارسطو، نمی شود، یک نظم و انتظام برجهان حاکم باشد، بدون اینکه موجودی ... و برتر از در کار باشد. جاویدان- ماده
- ۱۵- دکارت، در یکی از استدلال های خود می گوید: « من از حقیقتی و و قدیر که خود من و هر چیز دیگری به وسیله او خلق شده ایم، تصویری دارم. نامتناهی - علیم
- ۱۶- دکارت می گوید تصور من از حقیقتی نامتناهی و علیم و قدیر نمی تواند از باشد زیرا من موجودی هستم. خودم- متناهی
- ۱۷- دیوید هیوم، می گوید: نه تنها دلایل ، بلکه دلایل گذشتگان درباره اثبات نیز قابل نقدند. دکارت - خداوند
- ۱۸- از نظر هیوم، دلایلی که صرفاً متکی بر عقل باشند هستند زیرا عقل اساساً ادراک از حسن و تجربه ندارد. مردود- مستقل
- ۱۹- به نظر هیوم، مهم ترین برهان فیلسوفان الهی، برهان است که از گرفته شده است. نظم- تجربه
- ۲۰- به عقیده هیوم ، برهان نظم توانایی اثبات یک وجود و و نامتناهی را ندارد. ازلی - ابدی
- ۲۱- کانت ، راهی متفاوت با و دیگر فیلسوفان پیشین برای پذیرش خدا پیمود. دکارت - عقل گرای
- ۲۲- کانت به جای اثبات وجود خدا از طریق برهان ، ضرورت وجود خدا را از طریق و وظایف اخلاقی اثبات کرد. علیت (یا وجوب و امکان) - اخلاق
- ۲۳- به نظر کانت، مسئولیت پذیری و رعایت اخلاق تنها در جایی معنا دارد که انسان خود را صاحب و بیند. اراده - اختیار
- ۲۴- اختیار و اراده باید ویژگی غیرمادی باشد که است و با مرگ بدن از بین نمی رود. نفسی- فنانپذیر
- ۲۵- دیدگاه هیوم و اوگوست کنت برخلاف دیدگاه فیلسوف آمریکایی قرون نوزدهم و فیلسوف فرانسوی قرن بیستم است. جیمز - برگسون

-۲۶- به عقیده و چون ما ابزاری جز حس و تجربه برای شناخت نداریم، یا خدایی نیست و یا نمی توانیم او را اثبات کنیم.

هیوم- کنت

-۲۷- عقیده هیوم و اوگوست کنت، چون ما ابزاری جز حس و تجربه براینداریم، یا نیست و یا نمی توانیم او را اثبات کنیم.

شناخت - خدایی

-۲۸- ویلیام جیمز و برگسون از تجربه های معنوی درونی و و برای اثبات خداوند استفاده کردند. عشق- عرفان

-۲۹- ویلیام جیمز می گوید : «من معتقدم که دلیل وجود عمدتا در تجربه های شخصی ما نهفته است . خداوند - درونی

-۳۰- زندگی عبارت از یک زندگی دارای غایت و هدف و سرشار از ارزش های اخلاقی است که انسان را نسبت به آینده

مطمئن می کند و برتر به او می دهد. معنادار - آرامشی

-۳۱- کرکگور، معتقد است که هدیه ای است که خداوند به انسان عطا می کند. ایمان - الهی

-۳۲- به عقیده کرکگور ، خدا انسان را برمی گزیند و به او ایمان هدیه می کند و اگر کسی شایسته این بخشش نشود، زندگی

.... را سپری خواهد کرد. مؤمن - تاریکی

-۳۳- معتقد است پس از سیر نزولی استدلال های عقلی و فلسفی در اروپا بر اثبات وجود خدا ، برخی فیلسوفان خدا را عامل

اصلی به زندگی معرفی کنند. کاتینگهام - معنابخشی

تعیین کنید کدام عبارت صحیح و کدام غلط می باشد.

۱- تاریخ فلسفه نشان می دهد که از ابتدای شکل گیری فلسفه و تفکر فلسفی، بحث و گفت و گو درباره خدا در جریان بود. درست

۲- تاریخ فلسفه نشان می دهد که بحث و گفت و گو درباره خدا در صدر مسائلی قرارداشت که فیلسوفان بررسی کرده اند. درست

۳- گزارش های اسطوره ای و نمادینی نشان می دهد که حکما در ایران باستان،شناختی روشن از مبدأ هستی داشته اند. درست

۴- حمکای ایران باستان، خدا را نور هستی می دانستند که با پرتو و اشراق خود پدیده ها را ظاهر می سازد و خلق می کند. درست

۵- حمکای ایران باستان نخستین پرتو و مخلوق را «مهر» نامیده اند. نادرست

۶- از نظر حمکای ایران باستان ، «مهر» نخستین پرتو و مخلوق، وجودی مجرد دارد. نادرست

۷- آثار مدون و مکتوب چندانی قابل توجهی از دوره ایران باستان به دست ما رسیده است. نادرست

۸- گزارش های مفصل،حکایت از آن دارند که حکیمان دوره باستان ایران،جهان را مخلوق خداوندی حکیم می دانستند. نادرست

۹- فیلسوفان بزرگ یونان، در جامعه ای زندگی می کردند که مردم آن به خدایان متعدد اعتقاد داشتند . درست

۱۰- مردم یونان باستان به خدایان متعدد اعتقاد داشتند و هر کدام را مبدأ و منشأ یک حقیقت در جهان می شمردند. درست

۱۱- از نظر فیلسوفان بزرگ یونان ، «زئوس » خدای خورشید و هنر و موسیقی ، «آپولون» خدای آسمان و باران بود. نادرست

۱۲- از نظر فیلسوفان بزرگ یونان «آرتمیس» خدای عفت و خویشن داری بود. درست

۱۳- اتهام اصلی سocrates این بود که خدایانی را که همه به آنها معتقدند، انکار می کند و از خدایی جدید سخن می گوید. درست

۱۴- بعد از محاكمه سocrates، افلاطون تصمیم گرفت با دقیقی فلسفی واستدلالی درباره خدا صحبت کند و پندارها را اصلاح نماید درست

۱۵- «تیلور» یکی از افلاطون شناسان مشهور اروپایی می گوید : «سocrates ابداع کننده خداشناسی فلسفی است». نادرست

۱۶- به عقیده تیلور، «از نظر ارسسطو، کار خداوند هدف دار است» نادرست

۱۷- خدا نزد افلاطون یک خدای معین با ویژگی های روشن است و این نظر، با چند خدایی یونان تفاوت زیادی ندارد. نادرست

۱۸- چند خدایی که ارسسطو از آن یاد کرده،شکل دیگری از کفر و بی خدایی است که خلقت آگاهانه درآن معنا ندارد نادرست

۱۹- به عقیده افلاطون، نوعی از هستی وجود دارد که پیوسته ثابت است؛ نه می زاید و نه از میان می رود. درست

- ۲۰- به عقیده افلاطون، نوعی از هستی وجود دارد که هم چیز دیگری را به خود راه می دهد و هم خود در چیزی دیگری فرمی شود. نادرست
- ۲۱- به عقیده افلاطون، نوعی از هستی وجود دارد که نه دیدنی است و نه از طریق حواس دریافتی است. درست
- ۲۲- به عقیده ارسسطو، نوعی از هستی وجود دارد که فقط با تفکر و تعقل می توان به او دست یافت و از او بهره مند شد. نادرست
- ۲۳- ارسسطو ، تلاش کرد ، برهان هایی بر وجود خدا و مبدأ نخستین جهان ارائه کند. درست
- ۲۴- استدلال های افلاطون بر وجود خدا ، گرچه قدم های اویله بوده اند، اما از استحکام خاصی برخوردارند و زمینه قدم های بعد را فراهم می کنند. نادرست
- ۲۵- ارسسطو می گوید: به طور کلی، هرجا که یک خوب تر و بهتر وجود دارد، خوب تر و بهترینی نیز هست. درست
- ۲۶- به عقیده ارسسطو، حقیقتی که خوب ترین و بهترین است وجود دارد که از همه برتر است و این، همان واقعیت الهی است. درست
- ۲۷- به عقیده سocrates ، نمی شود که یک نظم و انتظام برجهان حاکم باشد، بدون اینکه موجودی جاویدان و برتر از ماده در کار باشد. نادرست
- ۲۸- با پیدایش دو جریان عقل گرا و حس گرا/ تجربه گرا در دوره جدید اروپا از قرن های ۱۴ و ۱۵ ، درباره خدا دیدگاه های مختلفی ظهور کرد که به گونه ای ریشه در این دو جریان داشتند. درست
- ۲۹- هیوم از فیلسوفان عقل گرای قرن هجدهم به شمار می رود. نادرست
- ۳۰- کانت می گوید، من از حقیقتی نامتناهی و علیم و قادر که خود من و هر چیز دیگری به وسیله او خلق شده ایم، تصویری دارم. نادرست
- ۳۱- به نظر دکارت، تصویر او از حقیقتی نامتناهی و علیم و قادر، تصویر از خود او یا هر موجود متناهی دیگری نیست بلکه تصویری است از وجود نامتناهی : که می تواند چنین ادراکی به او دهد. درست
- ۳۲- دکارت از فیلسوفان حس گرا و تجربه گرای قرن هجدهم به شمار می رود . نادرست
- ۳۳- به عقیده هیوم، نه تنها دلایل دکارت، بلکه دلایل گذشتگان در مورد خدا نیز قابل نقدند. درست
- ۳۴- از نظر هیوم، دلایلی که صرفاً متکی بر عقل باشند قابل پذیرش اند؛ زیرا عقل اساساً ادراک مستقل از حس و تجربه دارد. نادرست
- ۳۵- به نظر هیوم، مهم ترین برهان فیلسوفان الهی، برهان نظم است که از تجربه گرفته شده و بخوبی توانایی اثبات یک وجود از لی و ابدی و نامتناهی را دارد. نادرست
- ۳۶- به عقیده هیوم، براساس نظم موجود جهان، همانگونه که می توان یک نظام و مدبر را اثبات کرد باز می توان به یک خالق نامتناهی و واجب الوجود بالذات برسید . نادرست
- ۳۷- کانت ، راهی متفاوت با دکارت و دیگر فیلسوفان عقل گرای پیشین برای پذیرش خدا پیمود. درست
- ۳۸- کانت به جای اثبات وجود خدا از طریق مخلوقات یا برهان علیت و یا وجوب و امکان، ضرورت وجود خدا را از طریق اخلاق و وظایف اخلاقی اثبات کرد. درست
- ۳۹- به عقیده کانت ، زندگی جمعی انسان بدون اصول اخلاقی و رعایت آنها امکان پذیر نیست. درست
- ۴۰- به نظر کانت، اگر انسان ها در زندگی اجتماعی حدودی از اخلاق را رعایت نکنند و مسئول کارهای خود نباشند، هرج و مرچ پدید می آید و زندگی متلاشی می شود. درست

- ۴۱- به عقیده دکارت، مسئولیت پذیری و رعایت اخلاق تنهای درجایی معنا دارد که انسان خود را صاحب اراده و اختیار بیند.
- نادرست
- ۴۲- هیوم بر این باور بود که برای موجودات بدون اختیار، وظیفه اخلاقی معنا ندارد. نادرست
- ۴۳- به عقیده کانت، اختیار و اراده، ویژگی نفسی غیرمادی و فناناپذیر است و با مرگ بدن از بین نمی رود. درست
- ۴۴- نزد کانت، روح و نفس مجرد برای سعادت دائمی خود به جهانی ماوراء این جهان نیاز دارد و چنین جهانی نیز مشروط به وجود خدایی جاودان و نامتناهی است. درست
- ۴۵- نزد کانت، سعادت در کسب فضیلت و رعایت اصول اخلاقی است. درست
- ۴۶- به عقیده ویلیام جیمز و برگسون، چون ما ابزاری جز حس و تجربه برای شناخت نداریم، یا خدایی نیست و یا نمی توانیم او را اثبات کنیم. نادرست
- ۴۷- ویلیام جیمز و برگسون، از تجربه های معنوی درونی و عشق و عرفان برای اثبات خداوند استفاده کردند. درست
- ۴۸- هیوم و اوگوست کنت برخلاف ویلیام جیمز و برگسون در صدد اثبات وجود خداوند از طریق تجربه های معنوی درونی بودند.
- نادرست
- ۴۹- ویلیام جیمز می گوید: من معتقدم که دلیل وجود خداوند عمدتاً در تجربه های شخصی درونی ما نهفته است. درست
- ۵۰- در قرن بیست و یکم فیلسوفانی ظهور کردند که در عین اعتقاد راسخ به خدا، به جای ذکر دلایل اثبات وجود او، به رابطه میان «اعتقاد به خدا» و «معناداری زندگی» توجه کردند. درست
- ۵۱- به عقیده برخی فیلسوفان قرن بیست و یکم، بدون اعتقاد به خدایی که مبدأ خیر و زیبایی و ناظر بر انسان است، دچار خلاً معنایی و پوچی آزاردهنده ای می شود. درست
- ۵۲- زندگی معنادار، یک زندگی دارای غایت و هدف و سرشار از ارزش های اخلاقی است که انسان را نسبت به آینده مطمئن می کند و آرامشی برتر به او می دهد. درست
- ۵۳- کِرکگور معتقد است که ایمان هدیه ای الهی است که خداوند به انسان عطا می کند. درست
- ۵۴- به نظر کِرکگور، خدا انسان مؤمن را برمی گزیند و به او ایمان هدیه می کند و اگر کسی شایسته این بخشش نشود، زندگی تاریکی را سپری خواهد کرد. درست
- ۵۵- کاتینگهام می گوید: قبول خداوند «زندگی ما را در بستری قرار می دهد که آن را با ارزش و با اهمیت می سازد. درست
- ۵۶- به عقیده کاتینگهام، قبول خداوند این امید را می دهد که به جای اینکه احساس کنیم در جهان بیگانه ای افتاده ایم که در آن هیچ امری در نهایت، اهمیت ندارد، می توانیم مأمن و پناهگاهی بیاییم.» درست
- ۵۷- به عقیده کاتینگهام، پس از سیر نزولی استدلال های عقلی و فلسفی در اروپا بر اثبات وجود خدا، برخی از فیلسوفان خدا را عامل اصلی معنابخشی به زندگی معرفی کردند درست.

سوالات تستی

۱- منظور حکمای ایران باستان از خدا کدام است؟

(۱) هستی مطلق (۲) حقایق مجرد (۳) نورهستی (۴) نخستین پرتو

۲- تعبیر حکمای ایران باستان از بهمن، کدام است و از نظر آنان ، بهمن چگونه وجودی است ؟

(۱) نخستین پرتو و مخلوق - مجرد (۲) نورهستی - مادی (۳) نخستین پرتو و مخلوق - مادی

۳- با توجه به گزارش های اسطوره ای و نمادینی رسیده از ایران باستان و نظر سهوروردی، کدام عبارت در مورد خداوند صحیح نیست ؟

(۱) حکمای ایران باستان ، شناختی روشن از مبدأ هستی داشته اند.

(۲) حکمای ایران باستان ، خدا را نور هستی می دانستند که با پرتو و اشراق خود پدیده ها را ظاهر می سازد و خلق می کند.

(۳) حکیمان دوره باستان ایران، جهان را مخلوق خداوندی حکیم می دانسته اند.

(۴) حکما و فلسفه ایوان باستان، از خداوند به عنوان نخستین پرتو یاد کرده و آن را بهمن نامیده اند.

۴- در بررسی خدایان یونانی ، خدای آسمان و باران ، خدای خورشید و هنر و موسیقی و خدای عفت و خویشتن داری به ترتیب در کدام گزینه آمده است؟

(۱) آپولون - زئوس - آرتیس - آپولون - آرتیس (۲) زئوس - آپولون - آرتیس - آپولون

۵- با توجه به سخنان ملتون در دادگاه ، اتهام اصلی سقراط در کدام گزینه آمده است ؟

(۱) سخن گفتن از خدای جدید و نافرمانی از سروش (۲) فاسد کردن جوانان و رشوه خواری

(۳) فاسد کردن جوانان و نافرمانی از سروش معبد دلفی (۴) انکار خدایان یونان و سخن گفتن از خدای جدید

۶- کدام عبارت بیانگر تلاش سقراط درباره اندیشه آتنی ها درخصوص خداوند است ؟

(۱) اندیشه آتنی ها را درباره خدا اصلاح کند؛ به گونه ای که آنان متوجه حقیقتی بورتر در هستی شوند که اداره کننده اصلی جهان است.

(۲) با دقیقی فلسفی و استدلای درباره خدا صحبت کند و پندارها را اصلاح نماید.

(۳) تلاش کرد تا به آتنی ها نشان دهد که هر کدام از خدایان متعدد، را باید مبدأ و منشأ یک حقیقت در جهان شمرد.

(۴) تلاش کرد تا به آتنی ها نشان دهد که اجازه ندهند، کسی به خدایان آنها توهین نماید .

۷- مطابق با دیدگاه تیلور

(۱) فلسفه افلاطون مادر همه فلسفه های الهی است. (۲) ارسطو اولین کسی است که برهان هایی بر وجود خدا و مبدأ نخستین جهان ارائه کرد.

(۳) افلاطون ابداع کننده خداشناسی فلسفی است . (۴) ارسطو اولین فیلسوف الهی است .

۸- کدام عبارت با نظرات افلاطون در مورد توصیف خداوند سازگار نیست ؟

(۱) نوعی از هستی وجود دارد که پیوسته ثابت است که نه دیدنی است و نه از طریق تعلق دریافتی است.

(۲) برای ما معیار هر چیزی خداست. نه آن طور که برخی می گویند، این یا آن فرد .

(۳) هر که بخواهد محبوب خدا شود، باید با همه نیرو بکوشد تا در حد امکان شبیه او شود .

(۴) از میان ما تنها کسی محبوب خداست که خویشتن دار باشد و از دایره اعتدال پا بیرون نگذارد؛ زیرا چنین کسی شبیه خداست .

۹- گزینه نادرست درباره دیدگاه ارسسطو درخصوص خداوند کدام است؟

(۱) هر جا که یک خوب تر و بهتر وجود دارد، خوب تر و بهترینی نیز هست. حال، در میان موجودات برخی خوب تر و بهتر از برخی دیگرند.

(۲) حقیقتی هم که خوب ترین و بهترین است وجود دارد که از همه برتر است و این، همان واقعیت الهی است.

(۳) نمی شود که یک نظم و انتظام برجهان حاکم باشد، بدون اینکه موجودی جاویدان و برتر از ماده در کار باشد.

(۴) خدا تعريف شدنی و توصیف پذیر است و آنچه ما را به وجود خدا می رساند دانستن است نه ایمان

۱۰- کدام گزینه بیانگر نظر ییگر، مورخ برجسته فلسفه یونان است؟

(۱) استدلال واقعی بر وجود خدا، نخستین بار در آثار او لیه افلاطون یافت می شود.

(۲) ارسسطو در کتاب سوم خود با یک استدلال و قیاس «برترین و الاترین موجود» را اثبات می کند.

(۳) افلاطون ابداع کننده خداشناسی فلسفی است

(۴) فلسفه ارسسطو مادر همه فلسفه های الهی است.

۱۱- دکارت در میان صفات خداوند علاوه بر صفت علم و قدرت بر کدام صفت او نیز تاکید می ورزید؟

(۱) حکیم بودن (۲) فعالیت بالذات بودن (۳) تغییرناپذیر بودن (۴) نامتناهی بودن

۱۲- به موجب استدلال دکارت درباره اثبات وجود خداوند، کدام گزینه درست نیست؟

(۱) تصور خدا حاکی از یک وجود نامتناهی است و من به عنوان یک موجود متناهی نمی توانم علت آن باشم.

(۲) من از حقیقتی نامتناهی و علیم و قدیر که خود من و هر چیز دیگری به وسیله او خلق شده ایم، تصوری دارم.

(۳) تصور خدا حاکی از یک وجود نامتناهی است و تنها اوست که می تواند چنین ادراکی به من بدهد.

(۴) تصور خدا حاکی از یک وجود متناهی است و این تصور نمی تواند از من و یا هر موجود متناهی دیگری صورت گیرد.

۱۳- به عقیده دکارت تصور ما از نامتناهی چگونه حاصل می شود؟

(۱) از اشیای متناهی حاصل می شود. (۲) می تواند ساخته و پرداخته ذهن باشد.

(۳) امری است که به ما داده شده و گواه و علامت وجود الهی است. (۴) از هیچ طریقی حاصل نمی شود.

۱۴- مناسب ترین توصیف برای تعیین دیدگاه هیوم درباره خدا چیست؟

(۱) اثبات خدا (۲) انکار خدا (۳) امتناع از نظر (۴) اعتقاد به خداشناسی طبیعی

۱۵- هیوم بر اساس فلسفه تجربی خود درباره اعتقاد به وجود خداوند چه تعییری داشت؟

(۱) به خداشناسی طبیعی معتقد بود (۲) خدای دینی را باور داشت (۳) موضع لاادری داشت (۴) ملحد و منکر وجود خدا بود.

۱۶- کدام گزینه ایراد هیوم به برهان نظم را نشان می دهد؟

(۱) برای ناظم این جهان اثبات علم نامتناهی میسر است.

(۲) با حدوث پدیده های جهان وجود خدا را مبهم ثابت می کند.

(۳) بر اساس نظم موجود جهان، این برهان توانایی اثبات یک وجود ازلی و ابدی و نامتناهی را ندارد.

(۴) بر اساس نظم موجود جهان، شما حداکثر می توانید یک نظام را اثبات کنید اما نمی توانید به یک خالق نامتناهی و واجب الوجود بالذات برسید.

۱۷- کدام عبارت مورد عقیده هیوم نیست؟

- (۱) نه تنها دلایل دکارت، بلکه دلایل گذشتگان درباره اثبات وجود خدا همه قابل نقدند.
- (۲) دلایلی که صرفاً متکی بر عقل باشند مردودند؛ زیرا عقل اساساً ادراک مستقل از حس و تجربه ندارد.
- (۳) برهان نظم توانایی اثبات یک وجود ازیز و ابدی و نامتناهی را ندارد.

(۴) به جای اثبات وجود خدا از طریق برهان نظم یا برهان علیت، ضرورت وجود خدا را از طریق وظایف اخلاقی باید اثبات کرد.

۱۸- کدام فیلسوف عقل گرا، راهی متفاوت با دکارت و دیگر فیلسوفان عقل گرای پیشین برای پذیرش خدا پیمود و به جای اثبات وجود خدا از طریق مخلوقات یا برهان علیت از چه طریقی به اثبات وجود خدا پرداخت؟

- (۱) برگسون- عشق و عرفان (۲) کانت- وظایف اخلاقی (۳) کرکگور - ایمان (۴) ولیام جیمز- نجربه های معنوی درونی.
- (۵) بنابر اندیشه کانت، کدام یک از موارد زیر، ملاک تعیین مسئولیت پذیری و رعایت اخلاق به شمار می رود؟

(۱) کسب فضیلت (۲) رای اکثریت و نخبگان (۳) اختیار و اراده انسان (۴) وجود

۲۰- اندیشه اخلاقی کانت مبتنی بر چه اصلی است و مشخصه جامعه ای که انسان ها در زندگی اجتماعی آن، حدودی از اخلاق را رعایت نکنند و مسئول کارهای خود نباشند، چیست؟

(۱) مسئولیت پذیری و رعایت اخلاق - هرج و مرج

(۲) کسب فضیلت و رعایت اصول اخلاقی - منفعت طلبی

۲۱- دلیل اخلاقی بر اثبات وجود خداوند توسط چه کسی مورد طرح و پذیرش قرار گرفت؟ و مفاهیم خدا، روح و اختیار انسان در فلسفه او چگونه وجودی به حساب می آید؟

(۱) دکارت - وجود عینی و واقعی یا ابژکتیو

(۲) کانت - وجود ذهنی یا سوبژکتیو

(۱) دکارت - وجود عینی و واقعی یا ابژکتیو

(۲) کانت - وجود ذهنی یا سوبژکتیو

۲۲- نظر کانت درباره اختیار و اراده انسان در همه گزینه آمده است بجز گزینه

(۱) اختیار و اراده انسان نمی تواند ویژگی بدن باشد که ماده ای مانند سایر مواد است.

(۲) اختیار و اراده انسان باید ویژگی نفسی غیرمادی باشد که فناناپذیر است و با مرگ بدن از بین نمی رود.

(۳) اختیار و اراده انسان مشروط به وجود خدایی جاودان و نامتناهی است.

(۴) وظیفه اخلاقی، فقط در موجودات مختار معنی دارد و برای موجودات بدون اختیار، وظیفه اخلاقی معنا ندارد.

۲۳- به عقیده روح و نفس مجرد که سعادتش در کسب فضیلت و رعایت اصول اخلاقی است، چون موجودی است، برای سعادت دائمی خود به جهانی ماوراء دنیای ما نیاز دارد و چنین جهانی نیز مشروط به وجود خدایی جاودان و است.

(۱) برگسون- جاودانه - نامتناهی (۲) کانت - جاودانه - نامتناهی (۳) برگسون - فناناپذیر - علیم (۴) کانت - فناناپذیر - علیم

۲۴- انکار خداوند در فلسفه هیوم و او گوست کنت در اصل از کدام دیدگاه زیر ناشی نمی شود؟

(۱) از این دیدگاه که دلایلی که صرفاً متکی بر عقل باشند مردودند؛ زیرا عقل اساساً ادراک مستقل از حس و تجربه ندارد.

(۲) چون ما ابزاری جز حس و تجربه برای شناخت نداریم، یا خدایی نیست و یا نمی توانیم او را اثبات کنیم.

(۳) چون این فیلسوفان، یا می خواستند از نظم جهان به خدا برسند یا از طریق شهود خود به عنوان یک موجود متناهی

(۴) زیرا با توجه به مبنای خود نمی توانستند از برهان عقلی محض استفاده کنند.

۲۵-در مورد جان لاک و بارکلی کدام گزینه نادرست است ؟

(۱) فیلسوفان تجربه گوای قبل از هیوم، بودند که به خدا اعتقاد داشتند اما در پی اثبات او نبودند.

(۲) این فیلسوفان به علت نوع تفکر تجربه گرای خود، از برآهین فیلسوفان گذشته در اثبات وجود خداوند، کمتر استفاده می کردند

(۳) این فیلسوفان، یا می خواستند از نظر جهان به خدا برسند یا از طریق شهود خود به عنوان یک موجود متناهی.

(۴) این فیلسوفان، فیلسوفان تجربه گرای قبل از کانت بودند.

۲۶-کدام عبارت زیر بیانگر رویکرد ویلیام جیمز به مسئله خداوند است؟

(۱) من معتقدم که دلیل وجود خداوند عمدتاً در تجربه های شخصی درونی ما نهفته است.

(۲) من معتقدم که قبول خداوند، زندگی ما را در بستری قرار می دهد که آن را با ارزش و با اهمیت می سازد.

(۳) قبول خداوند این امید را می دهد که به جای اینکه احساس کنیم در جهان بیگانه ای افتاده ایم ، می توانیم مأمن و پناهگاهی بیابیم.

(۴) من معتقدم که خدا عامل اصلی معنابخشی به زندگی است.

۲۷-کدامیک از فیلسوفان زیر، از تجربه های معنوی درونی و عشق و عرفان برای اثبات خداوند استفاده کردند ؟

(۱) برگسون - ویلیام جیمز (۲) کانت - برگسون (۳) برگسون - کاتینگکهام (۴) کاتینگکهام - ویلیام جیمز

۲۸-نظر برگسون درباره اثبات وجود خداوند چیست؟

(۱) از طریق برهان عقلانی اثبات می شود

(۲) وجود خداوند نیازی به استدلال و برهان ندارد .

(۳) عقیده کرکگور درباره « ایمان » کدام است؟

(۴) ایمان امری درونی و نوعی التزام و تعهد است .

(۱) ایمان هدیه ای الهی است که خداوند به انسان عطا می کند.

۲۹-مقصود از زندگی معنادار چیست؟

(۱) یک زندگی دارای غایت و هدف و سوشاراز ارزش های اخلاقی است که انسان را نسبت به آینده مطمئن کرده و آرامشی بوقت به او می دهد.

(۲) زندگی معنادار زندگی است که در آن ایمان همراه با بیم و امید وجود دارد.

(۳) یک زندگی همراه با تعهد و مسئولیت پذیری که در آن، خدا عامل اصلی معنابخشی به زندگی معرفی می شود.

(۴) یک زندگی دارای اعتقاد به خدایی که مبدأ خیر و زیبایی و ناظر بر انسان تلقی می شود

۳۱-در قرن بیستم و بیست و یکم فیلسوفانی ظهور کردند که به جای ذکر دلایل اثبات وجود او، به رابطه و توجه کردند .

(۱) اعتقاد به اخلاق - خلاً معنایی و پوچی آزاردهنده (۲) زندگی بدون خدا - خلاً معنایی و پوچی آزاردهنده

(۳) اعتقاد به خدا - معناداری زندگی (۴) زندگی بدون اخلاق - معناداری زندگی

۳۲-در قرن بیستم و بیست و یکم فیلسوفانی ظهور کردند که نشان دادند زندگی که مبدأ خیر و زیبایی و ناظر بر انسان است دچار....می شود

(۱) بدون اعتقاد به خدایی - خلاً معنایی و پوچی آزاردهنده

(۲) همراه با اعتقاد به خدایی - خلاً معنایی و پوچی آزاردهنده

(۳) همراه با اعتقاد به خدایی - معناداری ارزش های اخلاقی

۳۳-از دیدگاه ، پس از سیر نزولی استدلال های عقلی و فلسفی در اروپا بر اثبات وجود خدا، برخی از فیلسوفان به این سمت حرکت کردند ک

.... را عامل اصلی معنابخشی به زندگی معرفی کنند.

(۱) کاتینگکهام - اخلاق (۲) کرکگور - خدا (۳) کاتینگکهام - خدا (۴) کرکگور - اخلاق

بخش دوم : درس ششم: خدا در فلسفه (۲)

□ یادآوری نکته مهم:

- بحث فیلسوف، خواه مسلمان، خواه مسیحی و خواه پیرو هر مسلک دیگر درباره خدا، تا وقتی فلسفی است که از روش فلسفه، یعنی استدلال عقلی محسن، تجاوز نکند و نتایج تفکر خود را به صورت استدلالی عرضه نمایند.
- فیلسوف کسی نیست که عقیده ای نداشته باشد، بلکه کسی است که براساس قواعد فلسفی عقیده ای را پذیرفته و با قواعد فلسفی از عقیده خود دفاع کند.
- فیلسوف معتقد به خدا، از طریق استدلال به خدا اعتقاد پیدا کرده است و از همین طریق هم از خدا دفاع می کند.

□ اثبات وجود خدا از طریق عقل و استدلال:

- برخی از فلاسفه اروپایی به این نتیجه رسیده بودند که وجود خدا را نمی توان از طریق عقل و استدلال عقلی اثبات کرد.
- برخلاف فلاسفه اروپایی، فیلسوفان مسلمان، از فارابی تا ملاصدرا و فلاسفه معاصر، به این نتیجه رسیدند که اثبات وجود خدا از طریق استدلال عقلی امکان پذیر است.
- هر کدام از فلاسفه اسلامی تلاش کرده اند با بیانی بسیار دقیق، استدلال های طرح شده درباره اثبات وجود خدا را توضیح دهند یا استدلالی جدید ارائه کنند.
- در این درس استدلال های فارابی و ابن سینا را مورد بررسی قرار می دهیم.

□ استدلال فارابی درباره اثبات وجود خدا :

- در جهان پیرامون ما اشیایی هستند که وجودشان از خودشان نیست و معلول چیزهای دیگرند.
- وجود علت بر وجود معلول مقدم است و وجود معلول مشروط به وجود علت است. یعنی، فقط در صورتی که علت موجود باشد، معلول هم موجود خواهد بود.
- اگر معلولی که اکنون موجود است علتی داشته باشد که آن علت هم خودش معلول باشد، به ناچار، این معلول هم علت دیگری دارد. حال اگر این علت دوم هم معلول باشد، برای موجود شدن به علت سومی نیازمند است.

❖ تعریف تسلسل علل نامتناهی :

اکنون اگر سلسله علت ها بخواهد تا بی نهایت پیش برود، یعنی منتهی به علتی نشود که معلول دیگری نباشد، تسلسل علل نامتناهی پیش می آید و چنین تسلسلی محال است؛ زیرا اگر سلسله علت ها بخواهد تا بی نهایت به عقب برود، اصلاً نوبت به معلولی که هم اکنون پیش روی ماست، نمی رسد. به عبارت دیگر، ابتدا داشتن سلسله بی نهایت، خود متناقض و غیرممکن است.

❖ مثال تسلسل علل نامتناهی :

- شخصی می خواهد تعدادی آجر را به صورت مایل و با تکیه یکی بر دیگری، روی یک سطح صاف بچیند.
- برای این کار، ابتدا یک ستون عمودی روی زمین نصب می کند و آجر اوّل را به صورت مایل به آن تکیه می دهد.
- آنگاه آجر دوم را به آجر اوّل تکیه می دهد و بقیه آجرها را به همین ترتیب می چیند.
- در این میان، اگر کسی بگوید به آن ستون ثابت نیازی نیست، علاً نمی تواند هیچ سلسله ای از آجرهای مایل، حتی یک آجر را روی زمین قرار دهد و همان آجر اوّل هم خواهد افتاد.
- معلوم بودن هر موجود و نیاز آن به علت مانند متکی بودن هر آجر به آجر دیگر است.
- همان طور که سلسله آجرهای متکی به هم باید به ستونی ختم شوند که نگه دارنده همه آجرهای دارای اتكاست، سلسله موجودات معلوم نیز نیازمند موجودی است که معلوم نباشد.
- پس، در ابتدای سلسله علت ها و معلوم ها علتی وجود دارد که وجودش وابسته به دیگری نیست؛ یعنی خودش «واجب الوجود» و «علة العلل» موجودات دیگر است .

□ استدلال ابن سینا درباره اثبات وجود خدا :

- در درس «جهان ممکنات» که بحث از وجوب و امکان بود، برهان ابن سینا برای اثبات واجب الوجود بالذات را خواندیم.
- ❖ خلاصه برهان «وجوب و امکان» :
- وقتی به موجودات این جهان نگاه می کنیم، می بینیم که این موجودات در ذات خود نسبت به وجود و عدم (بودن و نبودن) مساوی اند؛ هم می توانند باشند و هم می توانند نباشند. به عبارت دیگر، این موجودات ذاتاً ممکن الوجودند.
 - ممکن الوجود بالذات، برای اینکه از تساوی میان وجود و عدم درآید و موجود شود، نیازمند واجب الوجود بالذات است؛ موجودی که وجود، ذاتی او باشد.
 - پس، موجودات این جهان به واجب الوجودی بالذات وابسته اند که آنها را از حالت امکانی خارج کرده و پدید آورده است

□ فلاسفه مسلمان و معناداری حیات :

- بحث دیگری که فلاسفه مسلمان در کنار اثبات وجود خدا داشته اند، بحث درباره تأثیر این اعتقاد در زندگی انسان و نقش آن در معنابخشی به حیات بشری است. در مقام مثال، آنان وجود خدا و تأثیر آن در حیات انسانی را شبیه به وجود آب و نقش آن در حیات جسمانی بشر می دانند.
- فلاسفه مسلمان می گویند که بشر ابتدا از طریق حواس به وجود آب پی می برد و آن را یک امر واقعی می یابد؛ آنگاه این آب واقعی را می نوشد. آب واقعی است که نیاز او را برطرف می کند و سیرابش می سازد. خدا نیز همین گونه است.

اعتقاد به خدایی، می‌تواند به زندگی معنا دهد و انسان را وارد مرتبه‌ای برتر از زندگی کند که به کمک عقل و منطق یا هر راه دیگری وجود او را پذیرفته باشد و در ارتباط روحی و معنوی با او زندگی کند.

از نظر یک فیلسوف الهی، پذیرش وجود خداوند با صفاتی که دارد، به فیلسوف این امکان را می‌دهد که بتواند معیارهای یک زندگی معنادار را به دست آورد:

- ✓ جهان را غایتمند بیابد و آن را توضیح دهد.
 - ✓ انسان را موجودی هدفمند بشناسد و این هدف را مشخص کند.
 - ✓ برای گرایش فطری انسان به خیر و زیبایی مبازِائی واقعی قائل شود.
 - ✓ آرمان‌های مقدس و فراتر از زندگی مادی را معتبر و درست بداند.
 - ✓ در برابر یک وجود متعالی و برتر احساس تعهد و مسئولیت داشته باشد.

اگر فیلسفی نتواند وجود چنین خدایی را اثبات کند، امکان پذیرش پنج گزاره فوق را از دست می‌دهد.

ابن سینا که وجود خداوند را با دلایل فلسفی اثبات کرده است، در عین حال توصیفی مبتنی بر عشق از رابطه خدا و جهان و انسان

ارائه می دهد که می تواند در بردارنده برعی از عناصر پنج گانه باشد. او در رساله ای که درباره عشق نوشته است، می گوید:

«هریک از ممکنات به واسطه حقیقت وجودش، همیشه مشتاق کمالات و خیرات است و بر حسب فطرت خود از بدی‌ها گریزان.

هmin اشتیاق ذاتی و ذوق فطری را که سبب بقای ممکنات و مخلوقات است، عشق می نامیم «

ابن سینا معتقد است که عشق و محبت میان انسان و جهان از جاذبه عشق الهی ناشی می شود که در کنه و ذات جهان هستی به ودیعت نهاده شده است.

جهان بی خاکِ عشق، آبی ندارد

فلک جز عشق محرابی ندارد

گرش صد جانب و د، ب ی عشق مرده سرت

کسی کز عشق خالی شد، فسرده ست

حکیمان این کشش را عشق خوانند

طبایع جز کشش کاری ندانند

به عشق است ایستاده آفرینش

گر اندیشه کنی از راه بینش

نکات پاورقی جهت مطالعه کنکور :

❖ اصطلاح «تسلسل» از کلمه «سلسله» به معنای زنجیر است. فلاسفه ترتیب معلول ها بر علت ها را به حلقه های زنجیر تشبيه می کنند که به ترتیب، پشت سر یکدیگر قرار گرفته اند و هر کدام، از یک طرف به حلقه قبلی و از طرف دیگر به حلقه بعدی مربوط می شوند.

❖ جان استوارت میل، فیلسوف انگلیسی قرن نوزدهم است. وی در علوم طبیعی، مانند شیمی و جانورشناسی و علوم ریاضی و نیز فلسفه تحصیل کرد. میل در فلسفه، پیرو مکتب اصالت فایده است و در تعلیم و تربیت نیز نظریاتی دارد.

سوالات تشرییتی

۱- چه زمانی بحث یک فیلسوف در مورد خدا ، بحثی فلسفی قلمداد می شود ؟

بحث فیلسوف، خواه مسلمان، خواه مسیحی و خواه پیرو هر مسلک دیگر درباره خدا، تا وقتی فلسفی است که از روش فلسفه، یعنی استدلال عقلی محض، تجاوز نکند و نتایج تفکر خود را به صورت استدلالی عرضه نماید.

۲- فیلسوف بر اساس چه قواعدی ، عقیده ای را می پذیرد یا از آن دفاع می کند ؟

فیلسوف کسی است که براساس قواعد فلسفی عقیده ای را پذیرفته و با قواعد فلسفی از عقیده خود دفاع کند.

۳- فیلسوف معتقد به خدا ، از چه طریقی به خدا اعتقاد پیدا می کند یا از آن دفاع می کند ؟

فیلسوف معتقد به خدا، از طریق استدلال به خدا اعتقاد پیدا کرده است و از همین طریق هم از خدا دفاع می کند.

۴- میان امکان یا عدم امکان اثبات وجود خداوند، چه تفاوتی بین نگرش برخی فیلسوفان اروپایی و فیلسوفان اسلامی وجود دارد؟

برخی از فلاسفه اروپایی به این نتیجه رسیده بودند که وجود خدا را نمی توان از طریق عقل و استدلال عقلی اثبات کرد.

برخلاف فلاسفه اروپایی، فیلسوفان مسلمان، از فارابی تا ملاصدرا و فلاسفه معاصر، به این نتیجه رسیدند که اثبات وجود خدا از طریق استدلال عقلی امکان پذیر است.

۵- استدلال فارابی درباره اثبات وجود خدا را بطور مختصر توضیح دهید.

به عقیده فارابی ، در جهان پیرامون ما اشیایی هستند که وجودشان از خودشان نیست و معلول چیزهای دیگرند. در این برهان فارابی تاکید می کند که وجود علت بر وجود معلول مقدم است و وجود معلول مشروط به وجود علت است. یعنی، فقط در صورتی که علت موجود باشد، معلول هم موجود خواهد بود.

حال اگر معلولی که اکنون موجود است علتی داشته باشد که آن علت هم خودش معلول باشد، به ناچار، این معلول هم علت دیگری دارد. حال اگر این علت دوم هم معلول باشد، برای موجود شدن به علت سومی نیازمند است و اگر سلسله علتها خواهد تا بی نهایت پیش برود، تسلسل علل نامتناهی پیش می آید و چنین تسلسلی محال است؛ زیرا اگر سلسله علتها بخواهد تا بی نهایت به عقب برود، اصلًا نوبت به معلولی که هم اکنون پیش روی ماست، نمی رسد. پس، درابتدا سلسله علتها و معلولها علت وجود دارد که وجودش وابسته به دیگری نیست؛ یعنی خودش واجب الوجود و «عله العلل» موجودات دیگر است

۶- مقصود از تسلسل علل نامتناهی چیست؟ چرا تسلسل علل نامتناهی محال است؟

اگر سلسله علت ها بخواهد تا بی نهایت پیش برود، یعنی منتهی به علتی نشود که معلول دیگری نباشد ، تسلسل علل نامتناهی پیش می آید و چنین تسلسلی محال است؛ زیرا اگر سلسله علت ها بخواهد تا بی نهایت به عقب برود، اصلاً نوبت به معلولی که هم اکنون پیش روی ماست، نمی رسد. به عبارت دیگر، ابتدا داشتن سلسله بی نهایت، خود متناقض و غیرممکن است.

۷- برهان وجوب و امكان این سینا درباره اثبات وجود خدا را بطور مختصر توضیح دهید.

وقتی به موجودات این جهان نگاه می کنیم، می بینیم که این موجودات در ذات خود نسبت به وجود و عدم (بودن و نبودن) مساوی اند؛ هم می توانند باشند و هم می توانند نباشند. به عبارت دیگر، این موجودات ذاتاً ممکن الوجودند. ممکن الوجود بالذات، برای اینکه از تساوی میان وجود و عدم درآید و موجود شود، نیازمند واجب الوجود بالذات است؛ موجودی که وجود، ذاتی او باشد.

پس، موجودات این جهان به واجب الوجودی بالذات وابسته اند که آنها را از حالت امکانی خارج کرده و پدید آورده است
- رابطه بین اثبات وجود خدا و معناداری حیات نزد فلاسفه مسلمان را بنویسید.

اعتقاد به خدا، می تواند به زندگی معنا دهد و انسان را وارد مرتبه ای برتر از زندگی کند که به کمک عقل و منطق یا هر راه دیگری وجود او را پذیرفته باشد و در ارتباط روحی و معنوی با او زندگی کند. در مقام مثال، آنان وجود خدا و تأثیر آن در حیات انسانی را شبیه به وجود آب و نقش آن در حیات جسمانی بشر می دانند.

۹- از نظر یک فیلسوف الهی، پذیرش وجود خداوند با صفاتی که دارد، چه تأثیری می تواند بر فیلسوف داشته باشد؟
به فیلسوف این امکان را می دهد که بتواند معیارهای یک زندگی معنادار را به دست آورد .

۱۰- از نظر یک فیلسوف الهی، پذیرش وجود خداوند با صفاتی که دارد، به فیلسوف این امکان را می دهد که بتواند معیارهای یک زندگی معنادار را به دست آورد . سه نمونه از این معیارها را بنویسید.

جهان را غایتمند بباید و آن را توضیح دهد. انسان را موجودی هدفمند بشناسد و این هدف را مشخص کند. برای گرایش فطری انسان به خیر و زیبایی مبازایی واقعی قائل شود. آرمان های مقدس و فراتر از زندگی مادی را معتبر و درست بداند. در برابر یک وجود متعالی و برتر احساس تعهد و مسئولیت داشته باشد . (ذکر سه مورد کافی است)

۱- به نظریک فیلسوف الهی، چه زمانی یک فیلسوف نمی تواند جهان را غایتمند و انسان را موجودی هدفمند بشناسد؟

۲- به نظریک فیلسوف الهی، چه زمانی یک فیلسوف نمی تواند برای گرایش فطری انسان به خیر و زیبایی مابازایی واقعی
قابل شود؟

۳- به نظریک فیلسوف الهی، چه زمانی یک فیلسوف نمی تواند در برابر یک وجود متعالی و برتر، احساس تعهد و
مسئولیت داشته باشد؟

۴- به نظریک فیلسوف الهی، چه زمانی یک فیلسوف نمی تواند آرمان های مقدس و فراتر از زندگی مادی را معتبر و
درست بداند؟

پاسخ سوالات ۱۱ تا ۱۴ یکی است: اگر فیلسوفی نتواند وجود خدا یا صفات او را اثبات کند.

۱۵- به عقیده ابن سینا در رساله درباره عشق، هریک از ممکنات به چه واسطه‌ای همیشه مشتاق کمالات و خیرات هستند و
بر حسب چه امری از بدی‌ها گریزان‌اند؟

هریک از ممکنات به واسطه حقیقت وجودش، همیشه مشتاق کمالات و خیرات است و بر حسب فطرت خود از بدی‌ها گریزان.

۱۶- به عقیده ابن سینا در رساله درباره عشق، محبت میان انسان و جهان ناشی از چیست؟
ابن سینا معتقد است که عشق و محبت میان انسان و جهان از جاذبه عشق الهی ناشی می‌شود که در کنه و ذات جهان هستی به
و دیعت نهاده شده است.

۷- هر یک از موارد سمت راست با کدام یک از گزینه‌ها در سمت چپ مرتبط است؟

- | | |
|-------------|---|
| ۱- ابن سینا | الف) اشتیاق ذاتی و ذوق فطری که سبب بقای ممکنات است. |
| ۲- فارابی | ب) توصیفی مبتنی بر عشق از رابطه خدا و جهان و انسان ارائه می‌دهد. |
| ۳- فطرت | ج) با توجه به استدلال او در اثبات وجود خدا، وجود معلول مشروط به وجود علت است. |
| ۴- عشق | د) به عقیده ابن سینا، هریک از ممکنات بر حسب از بدی‌ها گریزان‌اند. |

الف: ۴ ب: ۱ ج: ۲ د: ۳

سوالات پاسخ گوآتا

- ۱- ابن سینا وجود خداوند را با چه دلایلی اثبات کرده است؟ دلایل فلسفی
- ۲- کدام فیلسوف اسلامی، توصیفی مبتنی بر عشق از رابطه خدا و جهان و انسان ارائه می‌دهد؟ ابن سینا
- ۳- ابن سینا در رساله‌ای که درباره عشق نوشته است، عشق را چگونه تعریف می‌کند؟
اشتیاق ذاتی و ذوق فطری که سبب بقای ممکنات و مخلوقات است، عشق می‌نامیم.

جاهای خالی را با استفاده از کلمات مناسب کامل کنید.

- ۱- فیلسوف معتقد به خدا، از طریق به خدا اعتقاد پیدا کرده است و از همین طریق هم از خدا ... می کند. استدلال - دفاع
- ۲- برخی از فلاسفه اروپایی به این نتیجه رسیده بودند که وجود خدا را نمی توان از طریق و اثبات کرد. عقل - استدلال
- ۳- فیلسوفان مسلمان، از تا به این نتیجه رسیدند که اثبات وجود خدا از طریق استدلال عقلی امکان پذیر است. فارابی - ملاصدرا
- ۴- با توجه به استدلال فارابی، در جهان پیرامون ما اشیایی هستند که از خودشان نیست و چیزهای دیگرند. وجودشان - معلول
- ۵- به نظر فارابی وجود بر وجود مقدم است. علت - معلول
- ۶- به عقیده فارابی، وجود مشروط به وجود است. معلول - علت
- ۷- اگر سلسله علل بخواهد تا پیش برود، یعنی منتهی به علتی نشود که معلول دیگری نباشد ، علل نامتناهی پیش می آید. بی نهایت - تسلسل
- ۸- تسلسل علل نامتناهی است؛ زیرا اگر سلسله علت ها بخواهد تا به عقب برود، اصلًاً نوبت به معلولی که اکنون پیش روی ماست، نمی رسد
محال - بی نهایت
- ۹- داشتن سلسله بی نهایت، خود و است. متناقض - غیرممکن
- ۱۰- درابتدا سلسله علت ها و معلول ها علتی وجود دارد که وابسته به دیگری نیست؛ یعنی خودش واجب الوجود و موجودات دیگر است.
وجودش - عله العلل
- ۱۱- مطابق برهان وجوب و امكان ابن سينا، وقتی به موجودات این جهان نگاه کنیم، می بینیم که این موجودات در ذات خود نسبت به و مساوی اند. وجود - عدم
- ۱۲- مطابق برهان و ابن سينا، وقتی به موجودات این جهان نگاه کنیم، می بینیم که این موجودات در ذات خود نسبت به وجود و عدم مساوی هستند. وجود - امكان
- ۱۳- موجودات این جهان به واجب الوجودی وابسته اند که آنها را از حالت خارج کرده و پدید آورده است. بالذات - امكانی
- ۱۴- فلاسفه در کنار اثبات وجود خدا، بحثی درباره تأثیر این اعتقاد در زندگی انسان و نقش آن در به حیات بشری دارند. مسلمان - معنابخشی
- ۱۵- فلاسفه مسلمان، وجود خدا و تأثیر آن در حیات انسانی را شبیه به وجود و نقش آن در جسمانی بشر می دانند. آب - حیات
- ۱۶- اعتقاد به خدا، می تواند به زندگی دهد و انسان را وارد مرتبه ای از زندگی کند. معنا - برتر
- ۱۷- از نظر فیلسوف، پذیرش وجود خداوند با صفاتی که دارد، این امكان را می دهد که فیلسوف بتواند معیارهای یک زندگی را به دست آورد. الهی - معنادار
- ۱۸- از نظر فیلسوف الهی، با پذیرش وجود خداوند، می توان برای گرایش انسان به خیر و زیبایی مبازاًی قائل شد. فطری - واقعی
- ۱۹- از نظر فیلسوف الهی، با پذیرش وجود خداوند می توان آرمان های و فراتر از زندگی را معتبر و درست دانست. مقدس - مادی
- ۲۰- از نظر فیلسوف الهی، با پذیرش وجود خداوند می توان، در برابر یک وجود متعالی و برتر احساس و داشت. تعهد - مسئولیت
- ۲۱- توصیفی مبتنی بر از رابطه خدا و جهان و انسان ارائه می دهد ابن سينا - عشق
- ۲۲- ابن سينا در رساله ای که درباره عشق نوشته است، می گوید: «هریک از ممکنات به واسطه وجودش، همیشه مشتاق و خیرات است و بر حسب خود از بدی ها گریزان. حقیقت - کمالات - فطرت
- ۲۳- ابن سينا، اشتیاق و ذوق را که سبب بقای ممکنات و مخلوقات است، عشق می نامیم. ذاتی - فطری
- ۲۴- ابن سينا معتقد است که عشق و محبت میان انسان و جهان از جاذبه عشق ناشی می شود که در کنه و جهان هستی به ودیعت نهاده شده است. الهی - ذات

تعیین کنید کدام عبارت صحیح و کدام غلط می باشد.

- ۱- بحث فیلسوف درباره خدا، تا وقتی فلسفی است که از روش فلسفه، یعنی استدلال عقلی محض، تجاوز نکند و نتایج تفکر خود را به صورت استدلالی عرضه نماید. درست
- ۲- فیلسوف کسی است که براساس قواعد فلسفی، عقیده ای را پذیرفته و با قواعد فلسفی از عقیده خود دفاع کند. درست
- ۳- فیلسوف معتقد به خدا، از طریق استدلال به خدا اعتقاد پیدا کرده است و از همین طریق هم از خدا دفاع می کند. درست
- ۴- برخی از فلاسفه مسلمان به این نتیجه رسیده بودند که وجود خدا را نمی توان از طریق عقل و استدلال عقلی اثبات کرد. نادرست
- ۵- فیلسوفان مسلمان، همانند همه فلاسفه اروپایی، به این نتیجه رسیدند که اثبات وجود خدا از طریق استدلال عقلی امکان پذیر است. نادرست
- ۶- همه فلاسفه اروپایی تلاش کردن با بیانی بسیار دقیق، استدلال های موجود در مورد خدا را توضیح دهند یا استدلالی جدید ارائه کنند. نادرست
- ۷- به عقیده فارابی در جهان پیرامون ما اشیایی هستند که وجودشان از خودشان نیست و معلول چیزهای دیگرند. درست
- ۸- به نظر فارابی وجود علت بر وجود معلول مقدم است و وجود معلول مشروط به وجود علت است. درست
- ۹- اگر معلولی که اکنون موجود است علتی داشته باشد که آن علت هم خودش معلول باشد، به ناقار، این معلول هم علت دیگری دارد. درست
- ۱۰- اگر سلسله علت ها بخواهد تا بی نهایت پیش برودو منتهی به علتی نشود که معلول دیگری نباشد، تسلسل علل نامتناهی پیش می آید. درست
- ۱۱- تسلسل علل نامتناهی محال است؛ زیرا اگر سلسله علت ها بخواهد تا بی نهایت به عقب برود، اصلًاً نوبت به معلولی که هم اکنون پیش روی ماست، نمی رسد درست.
- ۱۲- داشتن سلسله بی نهایت، خود متناقض و غیرممکن است. درست
- ۱۳- درابتدا سلسله علت ها و معلول ها علتی وجود دارد که وجودش وابسته به دیگری نیست؛ یعنی خودش واجب الوجود و «علة العلل» موجودات دیگر است. درست
- ۱۴- به عقیده ابن سینا وقتی به موجودات این جهان نگاه کنیم، می بینیم که این موجودات در ذات خود نسبت به وجود و عدم مساوی اند. درست
- ۱۵- به نظر ابن سینا، موجودات ذاتاً ممکن الوجودند. درست
- ۱۶- ممکن الوجود بالذات، برای اینکه از تساوی میان وجود و عدم درآید و موجود شود، نیازمند واجب الوجود بالذات است. درست
- ۱۷- موجودات این جهان به واجب الوجودی بالذات وابسته اند که آنها را از حالت امکانی خارج کرده و پدید آورده است. درست
- ۱۸- از نظر یک فیلسوف الهی، پذیرش وجود خداوند با صفاتی که دارد، به فیلسوف این امکان را می دهد که بتواند معیارهای یک زندگی معنادار را به دست آورد. درست
- ۱۹- از نظر فیلسوف الهی، پذیرش خداوند این امکان را می دهد که فیلسوف بتواند معیارهای یک زندگی معنادار را به دست آورد. درست
- ۲۰- از نظر فیلسوف الهی ، با پذیرش وجود خداوند ، می توان برای گرایش فطری انسان به خیر و زیبایی مبازاًی ذهنی قائل شد. نادرست
- ۲۱- از نظر فیلسوف الهی ، با پذیرش وجود خداوند می توان آرمان های مقدس و فراتر از زندگی معنوی را معتبر و درست دانست. نادرست
- ۲۲- از نظر فیلسوف الهی ، با پذیرش وجود خداوند می توان ، در برابر یک وجود متعالی و برتر احساس تعهد و مسئولیت داشت. درست
- ۲۳- ابن سینا توصیفی مبتنی بر عشق از رابطه خدا و جهان و انسان ارائه می دهد. درست
- ۲۴- فارابی در رساله ای که درباره عشق نوشته است، می گوید: «هریک از ممکنات به واسطه حقیقت وجودش، همیشه مشتاق کمالات و خیرات است و بر حسب فطرت خود از بدی ها گریزان. نادرست
- ۲۵- به عقیده ابن سینا، اشتیاق ذاتی و ذوق فطری را که سبب بقای ممکنات و مخلوقات است، ایمان می نامیم . نادرست
- ۲۶- به نظر ابن سینا، عشق میان انسان و جهان از جاذبه عشق الهی ناشی می شود که در ذات جهان هستی به ودیعت نهاده شده است. درست

سوالات قس蒂

- ۱- در کدام برهان از اصل «تقدم علت بر معلول» استفاده شده است؟
- ۱) وجوب و امکان ابن سینا
۲) نفی تسلسل نامتناهی علل ابن سینا
۳) نفی تسلسل نامتناهی علل فارابی
- ۲- برهان فارابی بر امتناع تسلسل علل مبتنی بر کدام اصل فلسفی است؟ (کنکور سراسری ۷۳)
- ۱) تقدم علت بر معلول.
۲) سنتیت علت و معلول.
۳) وجوب و ضرورت.
۴) وجوب مشروط.
- ۳- علت نهایی محال بودن «تسلسل» این است که :
- ۱) اگر سلسله علت ها بخواهد تا بی نهایت به عقب برود، اصلًاً نوبت به معلولی که هم اکنون پیش روی ماست، نمی رسد.
۲) یک موجود، نمی تواند هم علت خودش باشد و هم معلول خودش.
۳) در تحلیل عقلی، به تقدم شیء بر نفس خویش می رسد.
۴) معلول، نمی تواند علت علت خود باشد.
- ۴- کدام یک در مورد تسلسل، در اصطلاح فلسفی آن نادرست است؟ (خارج کشور ۹۲)
- ۱) مشهورترین حکماء مسلمان، براهین مستقلی در ابطال آن ارائه کرده اند
۲) برهان فارابی در این مورد، از اصل تأخیر معلول از علت استفاده می کند.
۳) برخی از براهین ابطال آن، به طور مستقل برای اثبات خدا به کار می رود.
۴) زنجیره‌ی موجودات نامتناهی است که در هر صورت محال است.
- ۵- از نظر یک فیلسوف الهی، معیارهای یک زندگی معنادار در صورت پذیرش وجود خداوند در کدام گزینه مطرح نشده است؟
- ۱) غایتمند بودن جهان
۲) معتبر دانستن آرمان های مقدس زندگی مادی
۳) هدفمند بودن انسان
- ۶- از دیدگاه ابن سینا عشق و محبت میان انسان و جهان ناشی از کدام مورد است؟
- ۱) داشتن اشتیاق به کمالات و خیرات
۲) جاذبه عشق الهی
۳) عشق انسان به تصرف در طبیعت
۴) فطرت به ودیعت نهاده شده در دات انسان
- ۷- به اعتقاد ابن سینا شوق به کمالات و اشتیاق به خیرات در ممکنات برخاسته از جنبه....آن ها و سبب بقای آنها.....است و راه برقراری محبت میان انسان و جهاناست. (کنکور سراسری ۸۸ با کمی تعديل)
- ۱) وجودی - عشق - جاذبه عشق الهی
۲) امکانی - عشق - اطاعت و بندگی
۳) وجودی - وجود - روشن نگه داشتن جلوه های عشق
۴) امکانی - وجود - روشن نگه داشتن جلوه های عشق

۸- با توجه به رساله درباره عشق، کدام یک، از آثار عشق الهی به ممکنات شمرده نمی شود؟

- ۱) هر ممکنی به واسطه حقیقت وجودش، مشتاق کمالات و خیرات است.
 - ۲) میان انسان و جهان نوعی محبت و عشق برقرار است.
 - ۳) آدمی بر حسب فطرت خود از بدی گریزان است
 - ۴) ریاضت انسان را با نظام جهان مأتوس می سازد.

۹- با توجه به افکار کدام عبارت نادرست است ؟

- ١) عشق و محبت میان انسان و جهان از جاذبه عشق الهی ناشی می شود .
 - ٢) موجودات ذاتاً ممکن الوجودند.
 - ٣) ممکن الوجود بالذات، برای اینکه از تساوی میان وجود و عدم درآید و موجود شود، نیازمند واجب الوجود بالذات است .
 - ٤) موجودات این جهان به واجب الوجود بالغیری وابسته اند که آنها را از حالت امکانی خارج کرده و پدید آورده است.

۰- کدام عبارت برای تعریف اصطلاح «عشق» نزد این سینا مناسب است؟

- ۱) جاذبه عشق الهی است که در کنه و ذات جهان هستی به ودیعت نهاده شده است.
 - ۲) هریک از ممکنات به واسطه حقیقت وجودش. مشتاق کمالات است.
 - ۳) استیاق ذاتی و ذوق فطری که سبب بقای ممکنات و مخلوقات است.
 - ۴) هریک از ممکنات بر حسب فطرت خویش از بدی ها گریزان است.

۱۱- از عبارت «اشتیاق ذاتی و ذوق فطری که سبب بقای ممکنات و مخلوقات است» کدام مفهوم زیر قابل استنباط است؟

- ٤) جاذبه عشق الهي ٣) اشتياق به خيرات و كمالات ٢) عشق ١) فطرت

بخش دوم : درس هفتم: عقل در فلسفه (۱)

□ عقل در فلسفه :

- همان طور که مفهوم « دین » ما را به یاد « ایمان » می اندازد و مفهوم « عرفان » ، « شهود و عشق » را تداعی می کند، مفهوم فلسفه نیز با « عقل » و « عقلانیت» گره خرده است .
- معمولا از فیلسوفان به عنوان مهم ترین مدافعان عقل یاد می کنند.
- فیلسوفان وجه تمایز انسان از حیوان را عقل می دانند و معتقدند که منظور ارسطو از ناطق وقتی که انسان را به « حیوان ناطق » تعریف می کند، همان « عقل » است.
- تاریخ فلسفه با تاریخ عقل نیز پیوندی ناگرسختی دارد و تحولات معنا و محدوده عقل، با تحولات فلسفه گره خورده است.

□ مباحث این درس :

- مقصود فیلسوفان از عقل چیست؟
- محدوده و قلمرو عقل چه اندازه است و این قلمرو چه تحولاتی را در طول تاریخ طی کرده است؟
- امروزه عقل چه جایگاهی در فلسفه دارد؟

□ تعریف عقل

- عقل توانمندی ای است که به کمک آن استدلال می کنیم واز این طریق به دانش ها و حقایقی دست می یابیم.

□ توانمندی های عقل

- انسان با عقل خود استدلال می کند و می تواند دریابد که چه چیزهایی هست و چه چیزهایی نیست .
- انسان با عقل خود، می تواند بفهمد که کدام کار خوب است و باید انجام دهد و کدام کار بد است و نباید انجام دهد.
- انسان با عقل خود می تواند پی ببرد که کدام سخن درست و کدام نادرست، و کدام رفتار پسندیده و کدام ناپسند است.
- از نظر فیلسوفان، توانمندی در کودک به صورت بالقوه است؛ با تربیت و تمرین به فعلیت می رسد و تقویت می شود به همین سبب، در افراد مختلف، متفاوت است.
- برخی از انسان ها قدرت عقلی بیشتر و بعضی قدرت عقلی کمتری دارند.

□ مصدق وجودی عقل

کاربرد دیگر عقل در فلسفه برای موجوداتی است که از ماده و جسم مجردند و در قید زمان و مکان نیستند.
این موجودات در افعال خود به ابزار مادی هم نیاز ندارند.

بسیاری از فلاسفه معتقدند که علاوه بر عالم طبیعت، عوالم دیگری هم وجود دارد که با حواس ظاهری نمی توان آنها را درک کرد. یکی از این عوالم، « عالم عقل » است.

فیلسوفان الهی می گویند بسیاری از فرشتگان که در کتاب های آسمانی، از جمله قرآن کریم، از آنها یاد شده است، همین موجودات عقلانی، یعنی موجودات مجرد از ماده و جسم که فیلسوفان با دلیل و برهان وجود آنها را اثبات می کنند. یلسوفان الهی معتقدند که علم این قبیل موجودات، از طریق استدلال و کنار هم گذاشتن مفاهیم نیست بلکه عقول (فرشتگان) حقایق اشیا را « شهود » می کنند و به مفاهیم و استدلال مفهومی نیازی ندارند.

فیلسوفان الهی معتقدند که روح هر انسانی، استعداد رسیدن به چنین مرتبه‌ای از عقل را دارد؛ یعنی می‌تواند با تهذیب نفس به مرتبه‌ای برسد که کاملاً از ماده و جسم مجرد باشد و در عین حال که از قوه استدلال برخوردار است، همچون عقول، بسیاری از حقایق را شهود کند.

فیلسوفان الهی، قوه استدلال را مرتبه نازل و پایین عقل مجرد می شمارند و می گویند توانایی بشر در ساختن مفاهیم کلی، خود پرتوی از همان عقل است که در وجود هر انسانی هست. پس از شکل گرفتن مفاهیم کلی است که انسان توانایی صورت بندی استدلال را پیدا می کند و قیاس های مختلف را، آن گونه که در منطق گفته شده است، می سازد.

□ عقل نزد حکماء ایران باستان

از عهد باستان تاکنون، از چین در شرق آسیا تا یونان و روم در اروپا، گزارش هایی درباره عقل و تحلیل و تبیین فیلسوفان از آن وجود دارد. یکی از کانون های اویله عقل گرایی، ایران باستان است که اندیشمندان آن به خردورزی و فرزانگی شهرت داشتند. گزارش هایی مانند گزارش فردوسی در شاهنامه و برخی نقل های تاریخی و آثار مكتوب مربوط به آن دوره از چنین توجهی به عقل و خردورزی حکایت می کنند؛ به گونه ای که می توان گفت آنان هم از عقل به عنوان یک وجود نورانی و مجرد آگاه بوده اند و هم به عقل به عنوان تعقل و خردورزی و پرهان اهمیت می داده اند.

در اندیشه حکیمان ایران باستان، خرد با وجود آفریدگار متعدد و یگانه است و آفریدگار، کل جهان را با خرد و عقل رهبری می‌کند. آنان عقیده داشتند که «خدا براساس خرد می‌آفریند» و می‌گفتند که «مزدا» که همان خداست، با خرد و اندیشه خود جهانیان و وجودان‌ها و خدّها را آفریده است.

به نظر می‌رسد که این خرد و عقل که آفریننده آفرینیده عقلانی است، وجودی عقلانی است که خرد و عقل انسان پرتو و مظهر اوست. به همین سبب، فردوسی که شاهنامه خود را با پیت زیر آغاز کرده، در حکایات خویش از فرزانگانی خبر می‌دهد که از خرد و عقل بهره داشته و

حکیمانه زندگی نموده اند. به نام خداوند جان و خرد کنین پرتر اندیشه پرنگذرد

□ عقل در یونان باستان :

❖ عقل نزد هراکلیتوس :

در میان فیلسوفان یونان باستان، هراکلیتوس از حقیقتی به نام «لوگوس» سخن می‌گوید که به معنای «عقل» است و «نطق» «هراکلیتوس» به هر دو معنای عقل توجه داشته است و «كلمه» و «سخن» نزد او ظهور و پرتو عقل محسوب می‌شوند.

عقل نزد هراکلیتوس، همان حقیقتی است که هم جهان و اشیاء ظهور او هستند، هم کلمات و سخن. بنابراین، از نظر هراکلیتوس اشیاء عالم، همان کلماتِ عقل و بیان علم و حکمت اویند.

❖ عقل نزد پارمنیدس و افلاطون :

پارمنیدس، دیگر فیلسوف یونانی پیش از سocrates، معتقد به وجود عقلی بود که عقل انسان برای فهم امور باید به آن متصل شود.

افلاطون نیز به چنین عقلی، که آن را «عقل جهانی» یا «عقل کلی» می‌نامید، اعتقاد داشت و انسان را نیز دارای مراتبی از عقل می‌دانست.

❖ عقل نزد ارسطو :

ارسطو به عقل به عنوان قوه استدلال انسان، توجه ویژه ای داشت و توضیح می‌داد که قوه عقل براساس کاری که انجام می‌دهد، به عقل نظری و عقل عملی تقسیم می‌شود و براساس آن، دانش بشری نیز دو قسم می‌گردد : علم نظری و علم عملی

ارسطو انواع استدلال‌ها را در بخش منطق آثار خود تدوین کرد؛ استدلال تجربی را از استدلال عقلی محض جدا کرد و کاربرد هر کدام را روشن ساخت.

ارسطو، انسان را با مفهوم «حيوان ناطق» تعریف کرد که در آن، مقصود از نطق، همان تفکر بود.

ارسطو عقل را ذاتی انسان می‌دانست. بدین ترتیب، او تصویر روشن تری از عقل عرضه کرد .

□ عقل نزد فیلسوفان اروپایی

عقل در دوره جدید اروپا، یعنی از رنسانس تاکنون، تحولاتی را از سرگذرانده که عمدتاً مربوط به حدود توانایی‌های عقل است.

در ابتدای رنسانس که تحولات اجتماعی و فکری معمولاً در تقابل با حاکمیت کلیسا رقم می‌خورد، عقل جایگاه ممتازی پیدا کرد و یگانه معیار و مرجع درستی و نادرستی افکار و عقاید تلقی شد؛ درحالی که قبل از آن، به خصوص در دوره اول حاکمیت مسیحیت در اروپا (حدود قرن ۳ تا ۹) بزرگان کلیسا دخالت و چون وچرا کردن عقل را عامل تضعیف ایمان می‌دانستند.

حتی برخی از بزرگان کلیسا عقل را امری شیطانی می‌پنداشتند و در برابر استدلال‌های عقلی می‌ایستادند و می‌گفتند که ایمان قوی از آن کسی است که در برابر شباهه‌های عقل باشد و در ایمان خود استوار بماند.

در دوره دوم حاکمیت کلیسا، به خصوص در قرن‌های یازدهم تا سیزدهم، فیلسوفان و حکماء مسیحی تحت تأثیر مطالعه کتاب‌های ابن سینا و ابن رشد و سایر فیلسوفان مسلمان، به عقل و تبیین عقلانی مسائل دینی روی آوردند اما از آنجا که این توجه با مبانی اویله کلیسای کاتولیک سازگاری نداشت، منجر به حاکمیت عقل در مقابل دین شد؛ به تدریج، در دوره رنسانس عقل جای دین را گرفت و دین را در گوشه‌ای از زندگی انسان‌ها به حاشیه راند.

- در همان ابتدای توجه به عقل در اروپا، اختلافی میان فلسفه آغاز شد و به تدریج رشد کرد؛ به گونه‌ای که فیلسوفان اروپا به دو دسته «عقل گرا» و «تجربه گرا» تقسیم شدند.
- «فرانسیس بیکن» که روش تجربی را بهترین روش برای پیشرفت زندگی بشر می‌دانست، از فیلسوفان خواست که از بت هایی که فلسفه قدیم برای ما ساخته اند، دست بردارند و فقط به آنچه از طریق تجربه به دست می‌آید تکیه کنند.
- دکارت که با ریاضیات به خوبی آشنا بود، به همه توانایی‌های عقل، مانند داشتن بدیهیات عقلی، استدلال‌های عقلی محض و نیز تجربه توجه داشت.
- دکارت معتقد بود که عقل می‌تواند وجود خدا و نفس مجرد انسان و اختیار او را، با استدلال اثبات کند.
- دکارت به عقل به عنوان یک حقیقت برتر و متعالی در جهان و در انسان، آن گونه که برخی فیلسوفان یونان و فلسفه مسلمان معتقد بودند، عقیده‌ای نداشت و عقل را صرفاً یک دستگاه منطقی استدلال می‌دانست.
- کانت در داوری میان عقل گرایان و تجربه گرایان، این بخش از نظر تجربه گرایان را پذیرفت که عقل نمی‌تواند وجود اموری مانند خدا و نفس مجرد انسان را اثبات کند، اما برخلاف آنان، راهی دیگر برای پذیرش اموری مانند خدا و نفس مجرد انسانی پیشنهاد کرد.
- کانت درباره مفاهیم فلسفی، مانند «وجود»، «ضرورت»، «امکان» و «علیت» نظری متفاوت با فیلسوفان گذشته داشت.
- فیلسوفان گذشته مانند ارسطو و ابن سینا، عقیده داشتند که عقل این مفاهیم فلسفی را از واقعیت گرفته و انتزاع کرده است اما کانت معتقد بود که این مفاهیم ساختار ذهن انسان اند و عقل و ذهن، اشیای خارجی را در این ساختار درک می‌کند.
- این بیان کانت، تحولی عظیم در کارکرد عقل به وجود آورد و عقل را به عنوان ابزار شناخت واقعیات خارجی، به امری بدل کرد که مفاهیم «ذهنی» را شناسایی می‌کند.
- او گوست کنت در قرن نوزدهم با تأثیرپذیری از دیدگاه کانت درباره عقل، به طور کلی عقل فلسفی و کار عقل در تأسیس فلسفه را کاملاً ذهنی خواند.
- او گوست کنت گفت که فیلسوفان، دستگاهی فلسفی از جهان ارائه می‌دهند ولی حقیقتاً این دستگاه، ناظر بر واقعیت نیست بلکه ناظر بر ساخته ذهن آنان و حاصل تأملات ذهنی است.
- از نظر او گوست کنت، عقل صرفاً آنگاه که با روش تجربی و حسی وارد عمل می‌شود، به واقعیت دست می‌یابد و به «علم» می‌رسد. بنابراین، از نظر کنت فقط عقل از طریق علم تجربی می‌تواند به شناخت واقعیت نائل شود.
- این دیدگاه به تدریج در میان فیلسوفان اروپایی گسترش یافت و در مسائل مختلف، از قبیل نسبت عقل و دین، توانایی عقل در اثبات موارء الطبیعه و نگاه انسان به خود و جهان آثاری برجای گذاشت.

□ نکات پاورقی جهت مطالعه کنکور :

تعريف عقل به توانمندی ای که به کمک آن استدلال می کنیم واز این طریق به دانش ها و حقایقی دست می یابیم. را می توان جامع ترین تعريف ها به شمار آورد، عموم استدلال ها، اعم از تجربی، ریاضی، فلسفی، کلامی، فقهی، اخلاقی و حقوقی را که در حوزه عقل نظری و عقل عملی قرار دارند، فرامی گیرد و شامل می شود .

در شاهنامه حکایت پهلوانانی آمده است که میان شجاعت و خرد جمع کرده اند؛ مانند زال و رستم و گیو، و نیز حکایت پادشاهانی که به خرد و فرزانگی نیز آراسته بوده اند؛ مانند کیخسرو. زال وقتی نزد کیخسرو می آید تا او را پند دهد، در ضمن سخنان خود می گوید:

خرد باد جان تو را رهنمای به پاکی بماناد مغزت به جای

فیلسوف و حکیم چینی به نام « لائوتسه » که هم زمان با هراکلیتوس می زیسته و مانند هراکلیتوس معتقد بوده که همه چیز ظهور « ائو » است.

لوگوس (Logic) معنای دانش منطق نیز از همین کلمه گرفته شده است)

انسان فقط یک عقل دارد، اما این عقل، از جهت کارهایی که انجام می دهد، به دو عقل نظری و عملی تقسیم می شود . عقل از آن جهت که درباره هست و نیست ها بحث می کند و مثلاً اثبات می کند که خدا هست، کهکشان هست، آب در اثر حرارت بخار می شود، عقل نظری نامیده می شود . اما از جهت کارهای اختیاری انسان، که مثلاً باید راست بگوید، نباید ظلم کند، باید قانون را رعایت کند، عقل عملی نام گرفته است.

علت اصلی مقابله رهبران کلیسا با عقل این بود که آنها به اموری اعتقاد داشتند که از نظر استدلال عقلی ناممکن بود؛ مانند آمدن خدا روی زمین و تجسد او در مسیح، سه تا بودن خدا در عین یکی بودن او، کشته شدن مسیح و زنده شدن دوباره او و رفتنش به آسمان و تولد انسان ها با گناه او لیه.

ترتولیانوس، که از مدافعان سرسخت مسیحیت بوده و در حدود ۲۳۰ میلادی از دنیا رفته است، فلسفه را کفر می دانست و می گفت « ایمان می آورم؛ از آن جهت که امری محال است » وی گفته است پسر خدا مرد و زنده شد و ما باید به او ایمان آوریم؛ زیرا محال است کسی بمیرد و زنده شود.

تقابل تاریخی عقل و دین در اروپا چنان گسترده بود که حتی در نام گذاری ادوار تاریخی نیز خود را نشان داد؛ مثلاً جلد چهارم تاریخ تمدن ویل دورات که مربوط به دوره حاکمیت کلیساست « عصر ایمان » نام گرفته است و جلد های پنجم تا هفتم، به ترتیب « رنسانس »، « اصلاح دین » و « آغاز عصر خرد » نامیده شده است .

به نظر می رسد که اصل تقابل « عقل » و « دین » از ابتدای قرون وسطی محور اصلی تحولات فکری، فلسفی و اجتماعی در اروپا بوده است؛ با این توضیح که در قرون وسطی و حاکمیت کلیسای کاتولیک، دین حاکمیت داشته و عقل تابع دین بوده است و از دوره رنسانس، عقل حاکمیت یافته و دین به صورت تابعی از عقل درآمده است.

علم از نظر اوگوست کنت منحصر به همین علم تجربی است و فلسفه، علم به حساب نمی آید

سوالات تشرییتی

- ۱- هریک از مفاهیم « دین » ، « عرفان » و « فلسفه » به ترتیب با چه موضوعاتی گرہ خورده است؟
« ایمان » - « شهود و عشق » - « عقل » و « عقلانیت »
- ۲- مقصود فیلسوفان از عقل چیست؟
عقل توانمندی ای است که به کمک آن استدلال می کنیم واز این طریق به دانش ها و حقایقی دست می یابیم.
- ۳- محدوده و قلمرو عقل چه اندازه است ؟
انسان با عقل خود استدلال می کند و می تواند دریابد که چه چیزهایی هست و چه چیزهایی نیست .
انسان با عقل خود می تواند بفهمد که کدام کار خوب است و باید انجام دهد و کدام کار بد است و نباید انجام دهد.
انسان با عقل خود می تواند پی ببرد که کدام سخن درست و کدام نادرست، و کدام رفتار پسندیده و کدام ناپسند است .
- ۴- از نظر فیلسوفان، توانمندیهای کودک چگونه است و از چه طریقی به فعلیت می رسد ؟
از نظر فیلسوفان، توانمندی در کودک به صورت بالقوه است؛ با تربیت و تمرین به فعلیت می رسد و تقویت می شود و به همین سبب، در افراد مختلف، متفاوت است. برخی از انسان ها قدرت عقلی بیشتر و بعضی قدرت عقلی کمتری دارند.
- ۵- فیلسوفان الهی، علاوه بر عقل انسان، از عقل دیگری سخن گفته اند ؟ مقصود آنان از این نوع عقل چیست و چگونه موجوداتی را شامل می شود ؟
کاربرد دیگر عقل در فلسفه برای موجوداتی است که از ماده و جسم مجردند و در قید زمان و مکان نیستند. این موجودات در افعال خود به ابزار مادی هم نیاز ندارند. فیلسوفان الهی می گویند بسیاری از فرشتگان که در کتاب های آسمانی، از جمله قرآن کریم، از آنها یاد شده، همین موجودات عقلانی، یعنی موجودات مجرد از ماده و جسم که فیلسوفان با دلیل و برهان وجود آنها را اثبات می کنند. فیلسوفان الهی معتقدند که علم این قبیل موجودات، از طریق استدلال و کنار هم گذاشتן مفاهیم نیست بلکه عقول (فرشتگان) حقایق اشیا را « شهود » می کنند و به مفاهیم و استدلال مفهومی نیازی ندارند .
- ۶- به عقیده فیلسوفان الهی ، بسیاری از فرشتگان که در کتاب های آسمانی، از جمله قرآن کریم، از آنها یاد شده است کدام نوع موجودات هستند و فیلسوفان ، آنها را چگونه اثبات می کنند ؟
مقصود همین موجودات عقلانی، یعنی موجودات مجرد از ماده و جسم که فیلسوفان با دلیل و برهان وجود آنها را اثبات می کنند.
- ۷- به عقیده فیلسوفان الهی، علم عقول یا موجودات مجرد یا فرشتگان چگونه به دست می آید ؟
فیلسوفان الهی معتقدند که علم این قبیل موجودات، از طریق استدلال و کنار هم گذاشتן مفاهیم نیست بلکه عقول (فرشتگان) حقایق اشیا را « شهود » می کنند و به مفاهیم و استدلال مفهومی نیازی ندارند .
- ۸- به نظر فیلسوفان الهی ، روح انسان چگونه می تواند همچون عقول بسیاری از حقایق را مشاهده نماید ؟
فیلسوفان الهی معتقدند که روح هر انسانی، استعداد رسیدن به چنین مرتبه ای از عقل را دارد؛ یعنی می تواند با تهذیب نفس به مرتبه ای برسد که کاملا از ماده و جسم مجرد باشد و در عین حال که از قوه استدلال برخوردار است، همچون عقول، بسیاری از حقایق را شهود کند.

۹- فیلسوفان الهی ، کدام قوه را مرتبه نازل و پایین عقل مجرد می شمارند . عقیده آنها را در این باره بنویسید.

فیلسوفان الهی ، قوه استدلال را مرتبه نازل و پایین عقل مجرد می شمارند و می گویند توانایی بشر در ساختن مفاهیم کلی، خود پرتوی از همان عقل است که در وجود هر انسانی هست. پس از شکل گرفتن مفاهیم کلی است که انسان توانایی صورت بندی استدلال را پیدا می کند و قیاس های مختلف را، آن گونه که در منطق گفته شده است، می سازد .

۱۰- گزارش فردوسی در شاهنامه و برخی نقل های تاریخی و آثار مكتوب مربوط به ایران باستان، حکایتگر چیست؟

این گزارش ها از توجه به عقل و خردورزی حکایت می کنند؛ به گونه ای که می توان گفت حکیمان ایران باستان هم از عقل به عنوان یک وجود نورانی و مجرد آگاه بوده اند و هم به عقل به عنوان تعقل و خردورزی و برهان اهمیت می داده اند.

۱۱- ارتباط خرد و آفریدگار در اندیشه حکیمان ایران باستان را توضیح دهید.

در اندیشه حکیمان ایران باستان، خرد با وجود آفریدگار متحد و یگانه است و آفریدگار، کل جهان را با خرد و عقل رهبری می کند. آنان عقیده داشتند که « خدا براساس خرد می آفریند » و می گفتند که « مزدا » که همان خداست، با خرد و اندیشه خود جهانیان و وجودان ها و خردها را آفریده است. به نظر می رسد که این خرد و عقل که آفریده آفریننده است، وجودی عقلانی است که خرد و عقل انسان پرتو و مظہر اوست.

۱۲- مقصود حکیمان ایران باستان از مفهوم مزدا چیست و از چه طریقی جهانیان ، وجودان ها و خردها را آفریده است ؟

« مزدا » همان خداست و با خرد و اندیشه خود جهانیان ، وجودان ها و خردها را آفریده است.

۱۳- این بیت فردوسی در آغاز شاهنامه « به نام خداوند جان و خرد کزین برتر اندیشه برنگذرد » بیانگر چیست؟

۱۴- بیانگر وجود فرزانگانی است که از خرد و عقل بهره داشته و حکیمانه زندگی نموده اند.

۱۵- در میان فیلسوفان یونان باستان، هراکلیتوس از چه حقیقتی سخن می گوید و معنای آن چیست ؟

از حقیقتی به نام « لوگوس » سخن می گوید که به معنای « عقل » و « نطق » است.

۱۶- عقل و اشیاء عالم، به ترتیب نزد هراکلیتوس چه چیزی هستند ؟

عقل نزد هراکلیتوس ، همان حقیقتی است که هم جهان و اشیاء ظهور او هستند، هم کلمات و سخن. و اشیاء عالم، همان کلمات عقل و بیان علم و حکمت اویند.

۱۷- وچه نشابه معنای عقل نزد پارمنیدس و افلاطون چیست؟ آن را بیان کنید.

پارمنیدس، معتقد به وجود عقلی بود که عقل انسان برای فهم امور باید به آن متصل شود. افلاطون نیز به چنین عقلی، که آن را « عقل جهانی » یا « عقل کلی » می نامید ، اعتقاد داشت و انسان را نیز دارای مراتبی از عقل می دانست.

۱۸- چرا ارسسطو به عقل توجه ویژه ای داشت و بر چه اساسی آن را به دو بخش نظری و عملی تقسیم کرده بود ؟

ارسطو به عقل به عنوان قوه استدلال انسان، توجه ویژه ای داشت و توضیح می داد که قوه عقل براساس کاری که انجام می دهد، به عقل نظری و عقل عملی تقسیم می شود.

۱۹- ارسسطو کدام نوع استدلال ها را در بخش منطق آثار خود از هم جدا ساخت ؟

استدلال تجربی را از استدلال عقلی محض جدا کرد و کاربرد هر کدام را روشن ساخت.

۲۰- تعریف انسان نزد ارسسطو را بنویسید . ارسسطو، انسان را با مفهوم « حیوان ناطق » تعریف کرد .

۲۱- تحولاتی که عقل از رنسانس تاکنون پشت سرگذرانده است، بیشتر مربوط به کدام حیطه و قلمرو عقل است؟

عقل در دوره جدید اروپا، یعنی از رنسانس تاکنون، تحولاتی را از سرگذرانده که عمدتاً مربوط به حدود توانایی‌های عقل است.

۲۲- جایگاه عقل در دوره جدید اروپا و ابتدای رنسانس را با دوره اول و دوره دوم حاکمیت کلیسا مقایسه کنید؟

در ابتدای رنسانس که تحولات اجتماعی و فکری معمولاً در تقابل با حاکمیت کلیسا رقم می‌خورد، عقل جایگاه ممتازی پیدا کرد و یگانه معیار و مرجع درستی و نادرستی افکار و عقاید تلقی شد؛ در حالی که قبل از آن، به خصوص در دوره اول حاکمیت مسیحیت در اروپا (حدود قرن ۳ تا ۹) بزرگان کلیسا دخالت و چون و چرا کردن عقل را عامل تضعیف ایمان می‌دانستند. حتی برخی از بزرگان کلیسا عقل را امری شیطانی می‌پنداشتند و در برابر استدلال‌های عقلی می‌ایستادند و می‌گفتند که ایمان قوی از آن کسی است که در برابر شبه‌های عقل باشد و در ایمان خود استوار بماند.

در دوره دوم حاکمیت کلیسا، به خصوص در قرن‌های یازدهم، فیلسوفان و حکماء مسیحی تحت تأثیر مطالعه کتاب‌های ابن سینا و ابن رشد و سایر فیلسوفان مسلمان، به عقل و تبیین عقلانی مسائل دینی روی آوردن اما از آنجا که این توجه با مبانی اویله کلیسای کاتولیک سازگاری نداشت، منجر به حاکمیت عقل در مقابل دین شد؛ به تدریج، در دوره رنسانس عقل جای دین را گرفت و دین را در گوشه‌ای از زندگی انسان‌ها به حاشیه راند.

۲۳- عقل در دوره جدید اروپا و ابتدای رنسانس چه جایگاهی در فلسفه پیدا کرد؟

در ابتدای رنسانس که تحولات اجتماعی و فکری معمولاً در تقابل با حاکمیت کلیسا رقم می‌خورد، عقل جایگاه ممتازی پیدا کرد و یگانه معیار و مرجع درستی و نادرستی افکار و عقاید تلقی شد.

۲۴- در دوره اول حاکمیت کلیسا، در مورد عقل چه دیدگاهی حاکم بود؟

در دوره اول حاکمیت مسیحیت در اروپا (حدود قرن ۳ تا ۹) بزرگان کلیسا دخالت و چون و چرا کردن عقل را عامل تضعیف ایمان می‌دانستند. حتی برخی از بزرگان کلیسا عقل را امری شیطانی می‌پنداشتند و در برابر استدلال‌های عقلی می‌ایستادند و می‌گفتند که ایمان قوی از آن کسی است که در برابر شبه‌های عقل باشد و در ایمان خود استوار بماند.

۲۵- در دوره دوم حاکمیت کلیسا، اندیشه‌های فلیلسوفان مسیحی تحت تأثیر اندیشه‌های کدام فلسفه واقع گردید و چه نتایجی به همراه داشت؟

در دوره دوم حاکمیت کلیسا، به خصوص در قرن‌های یازدهم، فیلسوفان و حکماء مسیحی تحت تأثیر مطالعه کتاب‌های ابن سینا و ابن رشد و سایر فیلسوفان مسلمان، به عقل و تبیین عقلانی مسائل دینی روی آوردن اما از آنجا که این توجه با مبانی اویله کلیسای کاتولیک سازگاری نداشت، منجر به حاکمیت عقل در مقابل دین شد؛ به تدریج، در دوره رنسانس عقل جای دین را گرفت و دین را در گوشه‌ای از زندگی انسان‌ها به حاشیه راند.

۲۶- ویژگی اصلی دوره دوم حاکمیت کلیسا در مورد تقابل عقل و دین چه بود؟

در این دوره فلسفه مسیحی به تبیین عقلانی مسائل دینی روی آوردن اما از آنجا که این توجه با مبانی اویله کلیسای کاتولیک سازگاری نداشت، منجر به حاکمیت عقل در مقابل دین شد و به تدریج، در دوره رنسانس عقل جای دین را گرفت و دین را در گوشه‌ای از زندگی انسان‌ها به حاشیه راند.

۲۷- فرانسیس بیکن، کدام روش را بهترین روش برای پیشرفت زندگی بشر می دانست ؟

« فرانسیس بیکن » که روش تجربی را بهترین روش برای پیشرفت زندگی بشر می دانست.

۲۸- فرانسیس بیکن، چه درخواستی از فیلسوفان اروپایی زمان خویش نمود ؟

از فیلسوفان خواست که از بت هایی که فلاسفه قدیم برای ما ساخته اند ، دست بردارند و فقط به آنچه از طریق تجربه به دست می آید تکیه کنند.

۲۹- دکارت به کدام یک از توانایی های عقل توجه داشت ؟

دکارت به همه توانایی های عقل، مانند داشتن بدیهیات عقلی، استدلال های عقلی محض و نیز تجربه توجه داشت.

۳۰- تفاوت اصلی دیدگاه دکارت در مورد اثبات وجود خدا و نفس مجرد از طریق عقل با دیدگاه کانت چیست ؟

دکارت معتقد بود که عقل می تواند وجود خدا و نفس مجرد انسان و اختیار او را، با استدلال اثبات کند. اما کانت بر این باور بود که عقل نمی تواند وجود اموری مانند خدا و نفس مجرد انسان را اثبات کند، و لذا راهی دیگر برای پذیرش اموری مانند خدا و نفس مجرد انسانی پیشنهاد کرد.

۳۱- دیدگاه دکارت در مورد عقل چه تفاوتی با دیدگاه برخی فیلسوفان یونان و فلاسفه مسلمان داشت ؟

دکارت به عقل به عنوان یک حقیقت برتر و متعالی در جهان و در انسان، آن گونه که برخی فیلسوفان یونان و فلاسفه مسلمان معتقد بودند، عقیده ای نداشت و عقل را صرفاً یک دستگاه منطقی استدلال می دانست.

۳۲- کانت از میان دو دیدگاه عقل گرایان و تجربه گرایان در خصوص اثبات خدا و نفس مجرد ، کدام یک را پذیرفت ؟

کانت در داوری میان عقل گرایان و تجربه گرایان، این بخش از نظر تجربه گرایان را پذیرفت که عقل نمی تواند وجود اموری مانند خدا و نفس مجرد انسان را اثبات کند، اما برخلاف آنان، راهی دیگر برای پذیرش اموری مانند خدا و نفس مجرد انسانی پیشنهاد کرد

۳۳- دیدگاه کانت درباره مفاهیم فلسفی همچون « وجود »، « ضرورت »، « امکان » و « علیت » با دیدگاه فلاسفه ای مانند ارسسطو و ابن سینا چه تفاوت و تمایزی داشت ؟

کانت درباره مفاهیم فلسفی، مانند « وجود »، « ضرورت »، « امکان » و « علیت » نظری متفاوت با فیلسوفان گذشته داشت. فیلسوفان گذشته مانند ارسسطو و ابن سینا، عقیده داشتند که عقل این مفاهیم فلسفی را از واقعیت گرفته و انتزاع کرده است اما کانت معتقد بود که این مفاهیم ساختار ذهن انسان اند و عقل و ذهن، اشیای خارجی را در این ساختار درک می کند.

۳۴- دیدگاه کانت درباره مفاهیم فلسفی همچون « وجود »، « ضرورت »، « امکان » و « علیت » چه تاثیری در تاریخ فلسفه برجای گذاشت ؟

این بیان کانت، تحولی عظیم در کار کرد عقل به وجود آورد و عقل را به عنوان ابزار شناخت واقعیات خارجی، به امری بدل کرد که مفاهیم « ذهنی » را شناسایی می کند.

۳۵- اوگوست کنت از نظریات کدام فیلسوف درباره عقل تاثیرپذیرفته است ؟ عقیده او را بیان کنید.

اوگوست کنت در قرن نوزدهم با تأثیرپذیری از دیدگاه کانت درباره عقل، به طور کلی عقل فلسفی و کار عقل در تأسیس فلسفه را کاملاً ذهنی خواند. به عقیده وی، فیلسوفان، دستگاهی فلسفی از جهان ارائه می دهند ولی حقیقتاً این دستگاه، ناظر بر واقعیت نیست بلکه ناظر بر ساخته ذهن آنان و حاصل تأملات ذهنی است. از نظر اوگوست کنت، عقل صرفاً آنگاه که با روش تجربی و حسی وارد عمل می شود، به واقعیت دست می یابد و به « عقل » می رسد. بنابراین، از نظر کنت فقط عقل از طریق علم تجربی می تواند به شناخت واقعیت نائل شود.

۳۶- از نظر اوگوست کنت ، عقل از چه روشی می تواند به علم برسد ؟

از نظر کنت، عقل صرفا آنگاه که با روش تجربی و حسی وارد عمل می شود، به واقعیت دست می یابد و به «علم» می رسد.

۳۷- از نظر اوگوست کنت ، چه ابزاری و چگونه می تواند به شناخت واقعیت نائل شود ؟

از نظر کنت فقط عقل از طریق علم تجربی می تواند به شناخت واقعیت نائل شود.

۳۸- اثرات دیدگاه اوگوست کنت در مورد عقل در میان فیلسفان اروپایی و مسائل مختلف را بنویسید.

دیدگاه اوگوست در مورد عقل به تدریج در میان فیلسفان اروپایی گسترش یافت و در مسائل مختلف، از قبیل نسبت عقل و دین،

توانایی عقل در اثبات ماوراء الطبيعه و نگاه انسان به خود و جهان آثاری برجای گذاشت.

۳۹- هر یک از موارد سمت راست با کدام یک از گزینه ها در سمت چپ مرتبط است؟

۱- عقل کلی

الف) مهمترین مدافعان عقل

۲- قوه استدلال

ب) وجه متمایز انسان از حیوان

۳- سخن و کلمه

ج) مرتبه نازل و پایین عقل مجرد

۴- فرزانگی و خردورزی

د) ویژگی حکیمان ایران باستان

۵- عقل

و) به معنای عقل و نطق است.

۶- فیلسوفان

ه) ظهور و پرتو عقل

۷- لوگوس

ی) عقل جهانی

الف: ۶ ب: ۵ ج: ۳ د: ۴ ه: ۹ ی: ۱

سوالات پاسخ گویا

- ۱- از چه کسانی به عنوان مهم ترین مدافعان عقل یاد می کنند؟ فیلسوفان
- ۲- فیلسوفان وجه تمایز انسان از حیوان را چه چیزی می دانند؟ عقل
- ۳- مقصود فلاسفه از مفهوم « ناطق » در تعریف ارسطوی انسان به عنوان « حیوان ناطق » چیست؟ عقل
- ۴- بسیاری از فلاسفه معتقدند که علاوه بر عالم طبیعت، عوالم دیگری هم وجود داردیکی از این عوالم را نام ببرید.
عالمند
- ۵- آیا می توان عالم عقل را با حواس درک کرد؟ خیر با حواس ظاهری نمی توان آن را درک کرد.
- ۶- فیلسوفان الهی ، کدام قوه را مرتبه نازل و پایین عقل مجرد می شمارند؟ قوه استدلال
- ۷- یکی از کانون های اوئلیه عقل گرایی را نام ببرید ایران باستان
- ۸- اندیشمندان ایران باستان به چه ویژگی هایی شهرت داشتند؟ خردورزی و فرزانگی
- ۹- مقصود هراکلیتوس از لوگوس چیست؟ مقصود همان « عقل » و « نطق » است.
- ۱۰- چه چیزی نزد هراکلیتوس ظهور و پرتو عقل محسوب می شوند؟ « کلمه » و « سخن »
- ۱۱- مقصود افلاطون از عقل جهانی کدام عقل است؟ عقل کلی
- ۱۲- ارسطو قوه عقل را بر اساس کاری که انجام می دهد به دو قسم، تقسیم کرده بود. آن دو قسم کدامند؟ عقل نظری و عقل عملی
- ۱۳- علم نزد ارسطو دو قسم است؟ آن دو قسم کدامند؟ علم نظری و علم عملی
- ۱۴- ارسطو انواع استدلال را در کدام بخش از آثار خود تدوین کرده است؟ در بخش منطق
- ۱۵- مقصود ارسطو از نطق در تعریف انسان « حیوانی است ناطق » چه بود؟ مقصود از نطق، همان تفکر بود.
- ۱۶- کدام فیلسوف عقل را ذاتی انسان می دانست و تصویر روش تری از عقل عرضه کرد؟ ارسطو
- ۱۷- اختلاف میان فیلسوفان در ابتدای توجه به عقل در اروپا، فیلسوفان اروپایی را به دو دسته تقسیم کرد؟ آن دو دسته را نام ببرید. فیلسوفان « عقل گرا » و « تجربه گرا »

جاهای خالی را با استفاده از کلمات مناسب کامل کنید.

۱- اگر مفهوم «دین» ما را به یاد «ایمان» می اندازد ، مفهوم فلسفه نیز با و گره خرده است. عقل - عقلانیت

۲- معمولاً از فیلسوفان به عنوان مهم ترین مدافعان یاد می کنند. عقل

۳- فیلسوفان وجه تمایز انسان از حیوان را می دانند و معتقدند که منظور ارسسطو از ناطق وقتی که انسان را به «حیوان ناطق» تعریف می کند، همان است. عقل - عقل

۴- عقل توانمندی ای است که به کمک آن می کنیم واژ این طریق به دانش ها و دست می یابیم. استدلال - حقایقی

۵- از نظر فیلسوفان، توانمندی در کودک به صورت است؛ با تربیت و تمرین به می رسد و تقویت می شود. بالقوه- فعلیت

۶- یکی از کاربردهای عقل در فلسفه برای موجوداتی است که از ماده و جسم.... هستند و در قید زمان و مکان.... مجرد- نیستند

۷- بسیاری از فلاسفه معتقدند که علاوه بر عالم طبیعت، عالم دیگری مانند عالم.... وجود دارد که با ... نمی توان آنها را درک کرد.

عقل - حواس ظاهری

۸- فیلسوفان الهی معتقدند عقول یا حقایق اشیا را می کنند و به مفاهیم و استدلال مفهومی نیازی ندارند . فرشتگان - شهود

۹- فیلسوفان الهی ، قوه را مرتبه نازل و پایین عقل می شمارند . استدلال - مجرد

۱۰- به عقیده فیلسوفان الهی، توانایی بشر در ساختن مفاهیم ، خود پرتوی از همان است که در وجود هر انسانی هست.

کلی - عقل

۱۱- پس از شکل گرفتن مفاهیم ... است که انسان توانایی صورت بندی را پیدا می کند و قیاس های مختلف را، آن گونه که در منطق گفته شده است، می سازد . کلی - استدلال

۱۲- یکی از کانون های اولیه عقل گرایی، ایران باستان است که اندیشمندان آن به و شهرت داشتند. خردورزی - فرزانگی

۱۳- می توان گفت حکماء ایران از عقل به عنوان یک وجود و آگاه بوده اند. نورانی - مجرد

۱۴- در اندیشه حکیمان ایران باستان، خرد با وجود آفریدگار و یگانه است و آفریدگار، کل جهان را با رهبری می کند. متحد - خرد

۱۵- در اندیشه حکیمان ایران باستان که همان خداست، با خرد و خود جهانیان و وجودان ها و خردها را آفریده است.

مزدا - اندیشه

۱۶- در اندیشه حکیمان باستان خدا براساس می آفریند. ایران - خرد

۱۷- در میان فیلسوفان یونان باستان، هراکلیتوس از حقیقتی به نام سخن می گوید که به معنای «عقل» است و

لوگوس - نطق

۱۸- نزد هراکلیتوس و نزد او ظهور و پرتو عقل محسوب می شوند. کلمه - سخن

۱۹- عقل نزد، همان حقیقتی است که هم جهان و اشیاء او هستند، هم کلمات و سخن. هراکلیتوس- ظهور

۲۰- از نظر هراکلیتوس اشیاء عالم، همان کلمات و بیان علم و اویند. عقل - حکمت

۲۱- افلاطون به عقلی، که آن را «عقل» یا «عقل» می نامید ، اعتقاد داشت و انسان را نیز دارای مراتبی از عقل می دانست.

جهانی - کلی

۲۲- به عقیده ارسسطو قوه عقل براساس کاری که انجام می دهد، به دو قوه ، عقل و عقل تقسیم می شود. نظری - عملی

۲۳- به عقیده ارسسطو، دانش بشری به دو قسم علم و علم تقسیم می گردد. نظری - عملی

۲۴- ارسسطو استدلال را از استدلال محض جدا کرد و کاربرد هر کدام را روشن ساخت. تجربی - عقلی

۲۵- ارسسطو عقل را انسان می دانست. بدین ترتیب، او تصویر روش تری از ... عرضه کرد . ذاتی - عقل

- ۲۶- در ابتدای که تحولات اجتماعی و فکری معمولاً در تقابل با حاکمیت کلیسا رقم می خورد، ...جایگاه ممتازی پیدا کرد.
- رنسانس - عقل
- ۲۷- در دوره اوّل حاکمیت مسیحیت در اروپا ، بزرگان کلیسا دخالت و چون و چرا کردن را عامل تضعیف می دانستند.
- عقل - ایمان
- ۲۸- برخی از بزرگان کلیسا را امری می پنداشتند و در برابر استدلال های عقلی می ایستادند . عقل - شیطانی
- ۲۹- به عقیده برخی از بزرگان کلیسا ، قوی از آن کسی است که در برابر های عقل بایستد و در ایمان خود استوار بماند
- ایمان - شبهه
- ۳۰- در دوره دوم حاکمیت کلیسا، فیلسوفان مسیحی، تحت تأثیر مطالعه کتاب های ... و به تبیین عقلانی مسائل دینی روی آوردند.
- ابن سینا - ابن رشد
- ۳۱- به تدریج، در دوره رنسانس جای را گرفت و دین را در گوشه ای از زندگی انسان ها به حاشیه راند. عقل - دین
- ۳۲- در ابتدای توجه به عقل در اروپا اختلاف میان فلاسفه سبب شد فیلسوفان اروپا به دو دسته و تقسیم شدند.
- عقل گرا - تجربه گرا
- ۳۳- فرانسیس بیکن که روش را بهترین روش برای زندگی بشر می دانست. تجربی - پیشرفت
- ۳۴- فرانسیس بیکن از فیلسوفان خواست که از هایی که فلاسفه ساخته اند، دست بردارند و فقط به آنچه از طریق تجربه به دست می آید تکیه کنند. بت - قدیم
- ۳۵- دکارت به همه توانایی های عقل، مانند داشتن عقلی، استدلال های عقلی محض و نیز توجه داشت. بدیهیات - تجربه
- ۳۶- دکارت معتقد بود که عقل می تواند وجود و نفس مجرد انسان و او را، با استدلال اثبات کند. خدا - اختیار
- ۳۷- دکارت به عقل به عنوان یک برتر و متعالی در جهان و در انسان، آن گونه که برخی فیلسوفان یونان و فلاسفه مسلمان معتقد بودند، عقیده ای نداشت و عقل را صرفاً یک دستگاه استدلال می دانست. حقیقت - منطقی
- ۳۸- کانت در داوری میان عقل گرایان و تجربه گرایان، این بخش از نظر تجربه گرایان را پذیرفت که عقل نمی تواند وجود اموری مانند و مجرد انسان را اثبات کند . خدا - نفس
- ۳۹- کانت راهی دیگر برای پذیرش اموری مانند و مجرد انسانی پیشنهاد کرد . خدا - نفس
- ۴۰- کانت درباره مفاهیم فلسفی، مانند « وجود » ، « » ، « امکان » و « » نظری متفاوت با فیلسوفان گذشته داشت. ضرورت- علیت
- ۴۱- فیلسوفان گذشته مانند ارسسطو و، عقیده داشتند که عقل مفاهیم فلسفی را از گرفته و انتزاع کرده است. ابن سینا - واقعیت
- ۴۲- کانت معتقد بود که مفاهیم فلسفی مانند وجود ، ضرورت ، امکان و علیت ، ساختار انسان اند و عقل و ذهن، اشیای خارجی را در این ساختار می کند. ذهن - درک
- ۴۳- دیدگاه کانت، عقل را به عنوان ابزار شناخت خارجی، به امری بدل کرد که مفاهیم را شناسایی می کند. واقعیات - ذهنی
- ۴۴- اوگوست کنت در قرن نوزدهم با تأثیرپذیری از دیدگاه درباره عقل، به طور کلی عقل فلسفی و کار عقل در تأسیس فلسفه را کاملاً خواند. کانت - ذهنی
- ۴۵- به عقیده اوگوست کنت، فیلسوفان، دستگاهی فلسفی از جهان ارائه می دهند ولی حقیقتاً این دستگاه، ناظر بر نیست بلکه ساخته ذهن آنان و حاصل تأملات است . واقعیت - ذهنی
- ۴۶- از نظر اوگوست کنت، عقل صرفاً آنگاه که با روش و وارد عمل می شود، به واقعیت دست می یابد و به « علم» می رسد.
- تجربی - حسی
- ۴۷- از نظر کنت فقط از طریق علم می تواند به شناخت واقعیت نائل شود. عقل - تجربی

تعیین کنید کدام عبارت صحیح و کدام غلط می باشد.

- ۱- مفهوم «دین» ما را به یاد «ایمان» می اندازد. درست
- ۲- مفهوم «عرفان»، «ایمان» را تداعی می کند. نادرست
- ۳- مفهوم فلسفه با «عقل» و «عقلانیت» گره خرده است. درست
- ۴- معمولا از عارفان به عنوان مهم ترین مدافعان عقل یاد می کنند. نادرست
- ۵- فیلسوفان وجه تمایز انسان از حیوان را عقل می دانند و معتقدند که منظور ارسسطو از ناطق همان «عقل» است. درست
- ۶- تاریخ فلسفه با تاریخ ایمان پیوندی ناگسستنی دارد و تحولات معنا و محدوده ایمان با تحولات فلسفه گره خورده است. نادرست
- ۷- عقل توانمندی ای است که به کمک آن استدلال می کنیم واز این طریق به دانش ها و حقایقی دست می یابیم. درست
- ۸- انسان با عقل خود استدلال می کند و می تواند دریابد که چه چیزهایی هست و چه چیزهایی نیست . درست
- ۹- انسان با عقل خود، می تواند بفهمد که کدام کار خوب است و باید انجام دهد و کدام کار بد است و نباید انجام دهد. درست
- ۱۰- انسان با عقل خود می تواند پی ببرد که کدام سخن درست و کدام نادرست، و کدام رفتار پسندیده و کدام ناپسند است. درست
- ۱۱- از نظر فیلسوفان، توانمندی در کودک به صورت بالفعل است و با تربیت و تمرین به قوه می رسد و تقویت می شود. نادرست
- ۱۲- بسیاری از فلاسفه معتقدند، علاوه بر عالم طبیعت، عالم دیگری مانند عالم مثل وجود دارد که با حواس ظاهری نمی توان آنها را درک کرد. درست
- ۱۳- فیلسوفان الهی معتقدند که علم موجودات مجرد، از طریق استدلال و کنار هم گذاشتن مفاهیم نیست بلکه عقول (فرشتگان) حقایق اشیا را «شهود» می کنند و به مفاهیم و استدلال مفهومی نیازی ندارند . درست
- ۱۴- فیلسوفان الهی معتقدند که روح انسان می تواند با تهذیب نفس به مرتبه ای برسد که کاملا از ماده و جسم مجرد شود . درست
- ۱۵- فیلسوفان الهی معتقدند که روح انسان می تواند با تهذیب نفس می تواند بسیاری از حقایق را شهود کند. درست
- ۱۶- فیلسوفان الهی ، قوه استدلال را مرتبه عالی تر عقل مجرد می شمارند . نادرست
- ۱۷- به عقیده فیلسوفان الهی توانایی بشر در ساختن مفاهیم کلی، خود پرتوی از همان عقل است که در وجود هر انسانی هست. درست
- ۱۸- به عقیده فیلسوفان الهی، پس از شکل گیری مفاهیم کلی ، انسان توانایی صورت بندی استدلال را پیدا می کند و قیاس های مختلف را، آن گونه که در منطق گفته شده است، می سازد . درست
- ۱۹- از عهد باستان تاکنون، گزارش هایی درباره عقل و تحلیل و تبیین فیلسوفان از آن وجود دارد. درست
- ۲۰- یکی از کانون های اویلیه عقل گرایی، ایران باستان است که اندیشمندان آن به خردورزی و فرزانگی شهرت داشتند. درست
- ۲۱- گزارش هایی مانند گزارش فردوسی در شاهنامه نشان می دهد در ایران باستان توجهی به عقل و خردورزی وجود دارد. درست
- ۲۲- حکمای ایران باستان از عقل به عنوان یک وجود نورانی و مجرد آگاه نبودند. نادرست
- ۲۳- حکمای ایران باستان به عقل به عنوان عنصر تعلق و خردورزی و برهان اهمیت می داده اند. درست
- ۲۴- در اندیشه حکیمان ایران باستان، خرد با وجود آفریدگار متعدد و یگانه نیست بلکه آفریدگار، کل جهان را با خرد رهبری می کند. نادرست
- ۲۵- حکمای ایران باستان عقیده داشتند که «خدا براساس خرد می آفریند ». درست
- ۲۶- به عقیده حکمای یونان باستان «مزدا» که همان خداست، با خرد و اندیشه خود جهانیان و وجودان ها و خردها را آفرینده است. نادرست
- ۲۷- در میان فیلسوفان یونان باستان، پارمنیدس از حقیقتی به نام «لوگوس» سخن می گوید که به معنای «عقل» است و «نطق» نادرست
- ۲۸- «کلمه» و «سخن» نزد هراکلیتوس ظهور و پرتو عقل محسوب می شوند. درست
- ۲۹- عقل نزد سقراط ، حقیقتی است که هم جهان و اشیاء ظهور او هستند، هم کلمات و سخن. نادرست
- ۳۰- از نظر پارمنیدس اشیاء عالم، همان کلماتِ عقل و بیان علم و حکمت اویند. نادرست
- ۳۱- هراکلیتوس معتقد به وجود عقلی بود که عقل انسان برای فهم امور باید به آن متصل شود. نادرست

- ۳۲- افلاطون مانند سقراط به عقلی، که آن را «عقل جهانی» یا «عقل کلی» می نامید ، اعتقاد داشت. نادرست
- ۳۳- افلاطون ، انسان را نیز دارای مراتبی از عقل می دانست. درست
- ۳۴- ارسطو به عقل به عنوان قوه استدلال انسان، توجه ویژه ای داشت . درست
- ۳۵- افلاطون معتقد بود که قوه عقل براساس کاری که انجام می دهد، به عقل نظری و عقل عملی تقسیم می شود . نادرست
- ۳۶- به عقیده ارسطو، دانش بشری به دو قسم علم نظری و علم عملی تقسیم می شود . درست
- ۳۷- افلاطون انواع استدلال ها را در بخش منطق آثار خود تدوین کرد. نادرست
- ۳۸- این افلاطون بود که اولین بار، استدلال تجربی را از استدلال عقلی محض جدا کرد و کاربرد هرکدام را روشن ساخت. نادرست
- ۳۹- ارسطو، انسان را با مفهوم «حیوان ناطق» تعریف کرد که در آن، مقصود از نطق، همان تفکر بود. درست
- ۴۰- ارسطو عقل را ذاتی انسان می دانست. بدین ترتیب، او تصویر روشن تری از عقل عرضه کرد . درست
- ۴۱- عقل در دوره جدید اروپا، تحولات اجتماعی و فکری معمولاً در تقابل با حاکمیت کلیسا رقم می خورد، عقل جایگاه ممتازی پیدا کرد.درست
- ۴۲- در ابتدای رنسانس که تحولات اجتماعی و فکری معمولاً در تقابل با حاکمیت کلیسا رقم می خورد، عقل یگانه ممتازی پیدا کرد. درست
- ۴۳- در دوره اوّل حاکمیت مسیحیت در اروپا که تحولات اجتماعی و فکری معمولاً در تقابل با حاکمیت کلیسا رقم می خورد ، عقل یگانه معیار و مرجع درستی و نادرستی افکار و عقاید تلقی شد. نادرست
- ۴۴- در ابتدای رنسانس، بزرگان کلیسا دخالت و چون و چرا کردن عقل را عامل تضعیف ایمان می دانستند. نادرست
- ۴۵- برخی از فیلسوفان اروپایی، عقل را امری شیطانی می پنداشتند و در برابر استدلال های عقلی می ایستادند. نادرست
- ۴۶- برخی از بزرگان کلیسا معتقدند. ایمان قوی از آن کسی است که در برابر شببه های عقل باشد و در ایمان خود استوار بماند. درست
- ۴۷- درقرن های ۱۱ تا ۱۳، فیلسوفان مسیحی تحت تأثیر مطالعه کتاب های ابن سینا وابن رشد به تبیین عقلانی مسائل دینی روی آوردند. درست
- ۴۸- از آنجا که درقرن های ۱۱ تا ۱۳ توجه به عقل و تبیین عقلانی مسائل دینی با مبانی اوّلیه کلیسای کاتولیک سازگاری نداشت، منجر به حاکمیت عقل در مقابل دین شد. درست
- ۴۹- به تدریج، در دوره رنسانس عقل جای دین را گرفت و دین را در گوشه ای از زندگی انسان ها به حاشیه راند. درست
- ۵۰- در همان ابتدای توجه به عقل در اروپا، اختلافی میان فلسفه آغاز شد و به تدریج رشد کرد؛ به گونه ای که فیلسوفان اروپا به دو دسته «عقل گرا» و «تجربه گرا» تقسیم شدند . درست
- ۵۱- «فرانسیس بیکن» روش عقلانی را بهترین روش برای پیشرفت زندگی بشر می دانست. نادرست
- ۵۲- «فرانسیس بیکن» از فیلسوفان خواست که از بت هایی که فلسفه قدیم برای ما ساخته اند، دست بردارند و فقط به آنچه از طریق تجربه به دست می آید تکیه کنند. درست
- ۵۳- «بیکن» به همه توانایی های عقل، مانند داشتن بدیهیات عقلی، استدلال های عقلی محض و نیز تجربه توجه داشت. نادرست
- ۵۴- دکارت معتقد بود که عقل می تواند وجود خدا و نفس مجرد انسان و اختیار او را، با استدلال اثبات کند. درست
- ۵۵- دکارت همانند برخی فیلسوفان یونان و فلسفه مسلمان به عقل به عنوان یک حقیقت برتر و متعالی در جهان اعتقاد داشت. نادرست
- ۵۶- دکارت عقل را صرفاً یک دستگاه منطقی استدلال می دانست. درست
- ۵۷- کانت در داوری میان عقل گرایان و تجربه گرایان، با این نظر تجربه گرایان موافق بود که عقل می تواند وجود اموری مانند خدا نفس مجرد انسان را اثبات کند . نادرست
- ۵۸- کانت همانند تجربه گرایان راهی دیگر برای پذیرش اموری مانند خدا و نفس مجرد انسانی پیشنهاد کرد . نادرست
- ۵۹- کانت درباره مفاهیم فلسفی، مانند «وجود»، «ضرورت»، «امکان» و «علیت» نظری متفاوت با فیلسوفان گذشته نداشت. نادرست

- ۶۰- کانت برخلاف ارسسطو و ابن سینا، معتقد بود که عقل مفاهیم فلسفی مانند « وجود »، « ضرورت »، « امکان » و « علیت » را از واقعیت گرفته و انتزاع کرده است. نادرست
- ۶۱- ارسسطو و ابن سینا، برخلاف کانت عقیده داشتند که مفاهیم فلسفی مانند « وجود »، « ضرورت »، « امکان » و « علیت » ساختار ذهن انسان اند و عقل و ذهن، اشیای خارجی را در این ساختار درک می کند. نادرست
- ۶۲- کانت، تحولی عظیم در کارکرد عقل به وجود آورد و عقل را به عنوان ابزار شناخت واقعیات خارجی، به امری بدل کرد که مفاهیم « ذهنی » را شناسایی می کند. درست
- ۶۳- در قرن نوزدهم، کانت با تأثیرپذیری از دیدگاه اوگوست کنت درباره عقل، به طور کلی عقل فلسفی و کار عقل در تأسیس فلسفه را کاملاً ذهنی خواند. نادرست
- ۶۴- اوگوست کنت بر این عقیده بود که فیلسوفان، دستگاهی فلسفی از جهان ارائه می دهند ولی حقیقتاً این دستگاه، ناظر بر واقعیت نیست بلکه بر ساخته ذهن آنان و حاصل تأملات ذهنی است. درست
- ۶۵- از نظر کنت، عقل صرفاً آنگاه که با روش استدلال عقلی وارد عمل می شود، به واقعیت دست می یابد و به « علم » می رسد. نادرست
- ۶۶- از نظر کنت فقط عقل از طریق فلسفه می تواند به شناخت واقعیت نائل شود. نادرست
- ۶۷- دیدگاه اوگوست کنت به تدریج در میان فیلسوفان اروپایی گسترش یافت . درست
- ۶۸- دیدگاه اوگوست کنت در مسائل مختلف، از قبیل نسبت عقل و دین، توانایی عقل در اثبات ماوراء الطیعه و نگاه انسان به خود و جهان آثاری برجای گذاشت. درست

سوالات تستی

۱- در مورد حقیقت عقل و خردورزی نزد حکمای ایران باستان، از نظر فردوسی، کدام مورد مناسیتر است؟

(۱) یکی از کانون های او لیه عقل گرایی، ایران است که پهلوانان آن به خردورزی و فرزانگی شهرت داشتند.

(۲) گزارش فردوسی در شاهنامه از توجه حکمای ایران باستان به عقل و خردورزی حکایت می کند.

(۳) در حکایات خویش از آزادگانی رهیده از دام و سواں شیطانی خبر می دهد که از خرد و عقل بهره داشته و حکیمانه زندگی نموده اند.

(۴) گزارش فردوسی در شاهنامه از توجه حکمای ایران باستان به جمع میان ایمان و خرد حکایت می کند.

۲- فردوسی یکی از مصادیق خردورزی و فرزانگی را می داند که

(۱) پهلوانانی مانند زال و رستم و گیو - میان شجاعت و خرد جمع کرده اند.

(۲) آزادگانی رهیده از دام و سواں شیطانی مانند کیخسرو و زال - میان شجاعت و خرد جمع کرده اند.

(۳) آزادگانی رهیده از دام و سواں شیطانی مانند کیخسرو و زال - از عقل و خردورزی بهره داشته و حکیمانه زندگی نموده اند.

(۴) پهلوانانی مانند مانند زال و رستم و گیو - میان ایمان و خرد جمع کرده اند.

۳- مطابق نظر فیلسفان الهی کدام توصیف مربوط به موجودات عقلانی نمی باشد؟

(۱) موجودات مجرد از ماده و جسم که در قید زمان و مکان نیستند و فیلسفان با دلیل و برهان، وجود آنها را اثبات می کنند.

(۲) این موجودات در افعال خود به ابزار مادی نیاز ندارند و از این رو با حواس ظاهری نمی توان آنها را درک کرد.

(۳) علم این موجودات، از طریق استدلال و کنار هم گذاشت مفاهیم حاصل می شود و در کتاب های آسمانی از جمله قرآن از آنها یاد شده است.

(۴) عقول که همان فرشتگان اند، حقایق اشیا را «شهود» می کنند و به مفاهیم و استدلال مفهومی نیازی ندارند.

۴- با توجه به اندیشه حکمای ایران باستان کدام مطلب را نمی توان برداشت کرد؟

(۱) آنان از عقل به عنوان یک وجود نورانی و مجرد آگاه بوده و به عقل به عنوان تعقل و خردورزی و برهان اهمیت می دانند.

(۲) در اندیشه آنان، خرد با وجود آفریدگار متعدد و یگانه است و آفریدگار، کل جهان را با خرد و عقل رهبری می کند.

(۳) به عقیده آنان، خدا برآساس خرد می آفریند و خردی که وجود عقلانی است و عقل کلی پرتو و مظہر اوست، عقل انسان است.

(۴) در اندیشه آنان، «مزا» که همان خداست، با خرد و اندیشه خود جهانیان و وجودان ها و خردها را آفریده است.

۵- «مزا»، «لوگوس» و «عقل جهانی» به ترتیب معادلند با :

(۱) عقل کلی در اندیشه حکمای ایران باستان - خدا در اندیشه هر اکلیتوس - عقل کلی در اندیشه افلاطون

(۲) خداوند در اندیشه حکمای ایران باستان - عقل کلی در اندیشه افلاطون - عقل در اندیشه هر اکلیتوس

(۳) عقل کلی در اندیشه حکمای ایران باستان - خدا در اندیشه هر اکلیتوس - عقل کلی در اندیشه افلاطون

(۴) خداوند در اندیشه حکمای ایران باستان - عقل در اندیشه هر اکلیتوس - عقل کلی در اندیشه افلاطون

۶- کدام فیلسوف تعبیر لوگوس را به کار برد و معنای آن چیست؟

(۱) هر اکلیتوس - عقل و نطق (۲) پارمیندس - کلمه و سخن (۳) پارمیندس - عقل و نطق (۴) هر اکلیتوس - کلمه و سخن

۷- هر اکلیتوس به کدامیک از معانی لوگوس توجه داشت و کدام تعبیر نزد او ظهور و پرتو عقل محسوب می شوند؟

(۱) کلمه و سخن - عقل و نطق (۲) عقل و نطق - عقل و نطق (۳) عقل و نطق - کلمه و سخن (۴) کلمه و سخن - کلمه و سخن

- تفاوت نگرش هر اکلیتوس با پارمیندوس در مورد عقل در کدام گزینه آمده است؟
- (۱) عقل نزد هر اکلیتوس، حقیقتی است که هم جهان و اشیاء ظهور او هستند، هم کلمات و سخن اما از نظر پارمیندوس اشیاء عالم، همان کلماتِ عقل و بیان علم و حکمت اویند
 - (۲) عقل نزد هر اکلیتوس، حقیقتی است که هم جهان و اشیاء ظهور او هستند، هم کلمات و سخن اما پارمیندوس معتقد به وجود عقلی بود که عقل انسان برای فهم امور باید به آن متصل شود.
 - (۳) هر اکلیتوس معتقد به وجود عقلی بود که عقل انسان برای فهم امور باید به آن متصل شود اما پارمیندوس به عقلی، که آن را «عقل جهانی» یا «عقل کلی» می‌نامید، اعتقاد داشت.
 - (۴) هر اکلیتوس به وجود عقلی، که آن را «عقل جهانی» یا «عقل کلی» می‌نامید، اعتقاد داشت اما معتقد به وجود عقلی بود که عقل انسان برای فهم امور باید به آن متصل شود.
- فیلسوفان الهی، قوه استدلال را مرتبه نازل و پایین می‌شمارند و می‌گویند توانایی بشر در ساختن مفاهیم، خود پرتوی از همان عقل است که در وجود هر انسانی هست.

۱) عقل مجرد - جزئی ۲) عقل جهانی - جزئی ۳) عقل جهانی - کلی ۴) عقل مجرد - کلی

- ۰- تعبیر افلاطون از «عقل کلی» کدام است و لائوتسه جایگاه «أئو» را چگونه می‌داند؟
- (۱) عقل جهانی - «أئو» پرتوی از همان عقل است که در وجود هر انسانی هست.
 - (۲) عقل مجرد - همه چیز ظهور «أئو» است.
 - (۳) عقل جهانی - همه چیز ظهور «أئو» است.
 - (۴) عقل مجرد - «أئو» پرتوی از همان عقل است که در وجود هر انسانی هست.

- ۱۱- ارسسطو عقل را انسان می‌دانست و در بخش منطق آثار خود، استدلال را از جدا کرد و هر کدام را روش ساخت.
- (۱) ذاتی - قیاسی - استدلال عقلی محض - موضوع
 - (۲) عرضی - قیاسی - استدلال عقلی محض - موضوع
 - (۳) عرضی - تجربی - استدلال عقلی محض - کاربرد
 - (۴) ذاتی - تجربی - استدلال عقلی محض - کاربرد

- ۱۲- کدام ویژگی تفاوت اصلی دوره اول حاکمیت کلیسا را نسبت به دوره دوم حاکمیت کلیسا بیان می‌کند؟
- (۱) در دوره دوم حاکمیت مسیحیت در اروپا، بزرگان کلیسا دخالت و چون وچرا کردن عقل را عامل تضعیف ایمان می‌دانستند.
 - (۲) در دوره دوم حاکمیت کلیسا، برخی از بزرگان آن عقل را امری شیطانی می‌پنداشتند و در برابر استدلال های عقلی می‌ایستادند.
 - (۳) در دوره دوم حاکمیت کلیسا، برخی از بزرگان آن معتقد بودند که ایمان قوی از آن کسی است که در برابر شباهی های عقل بایستد و در ایمان خود استوار بماند.
 - (۴) در دوره دوم حاکمیت کلیسا، حکماء مسیحی تحت تأثیر مطالعه کتاب های ابن سینا و ابن رشد به تبیین عقلانی مسائل دینی روی آوردند که منجر به حاکمیت عقل در مقابل دین شد.

- ۱۳- کدام عبارت با ویژگی های دوره رنسانس سازگار نیست؟
- (۱) در ابتدای رنسانس عقل جایگاه ممتازی پیدا کرد و یگانه معیار و مرجع درستی و نادرستی افکار و عقاید تلقی شد.
 - (۲) عقل در دوره جدید اروپا، یعنی از رنسانس تاکنون، تحولاتی را از سرگذرانده که عمدتاً مربوط به حدود توانایی های عقل است.
 - (۳) در ابتدای رنسانس ایمان یگانه معیار و مرجع درستی و نادرستی افکار و عقاید تلقی شد و عقل عامل تضعیف ایمان تلقی شد.
 - (۴) در دوره رنسانس عقل جای دین را گرفت و دین را در گوشه ای از زندگی انسان ها به حاشیه راند.

- ۱۴- کدام عبارت نظر فرانسیس بیکن را درباره « روش تجربی » توضیح می دهد ؟
- (۱) وی روش تجربی را بهترین روش برای پیشرفت زندگی بشر می دانست.
 - (۲) به عقیده وی عقل صرفا آنگاه که با روش تجربی و حسی وارد عمل می شود، به واقعیت دست می یابد و به علم می رسد.
 - (۳) از نظر وی، فقط عقل از طریق علم تجربی می تواند به شناخت واقعیت نائل شود.
 - (۴) بر اساس اندیشه وی ، نباید فقط به آنچه از طریق تجربه به دست می آید تکیه کرد.
- ۱۵- کدام عبارت با نظرات دکارت در مورد عقل سازگار نیست ؟
- (۱) دکارت به عقل به عنوان یک حقیقت برترو و متعالی در جهان و در انسان عقیده ای داشت.
 - (۲) دکارت به عقل به عنوان یک حقیقت برترو و متعالی در جهان و در انسان عقیده ای نداشت.
 - (۳) دکارت عقل را صرفاً یک دستگاه منطقی استدلال می دانست .
 - (۴) دکارت به همه توانایی های عقل، مانند داشتن بدیهیات عقلی، استدلال های عقلی محض و نیز تجربه توجه داشت.
- ۱۶- کدام مطلب ، وجه اختلاف یا اشتراک اندیشه دکارت با اندیشه های کانت در مورد اثبات وجود خدا و نفس مجرد را نشان می دهد ؟
- (۱) دکارت و کانت هر دو معتقد بودند که عقل می تواند وجود خدا و نفس مجرد انسان و اختیار او را، با استدلال اثبات کند.
 - (۲) دکارت و کانت هر دو معتقد بودند که عقل نمی تواند وجود اموری مانند خدا و نفس مجرد انسان را اثبات کند.
 - (۳) کانت برخلاف دکارت، به جای اثبات خدا و نفس مجرد از طریق عقل، راهی دیگر برای پذیرش اموری مانند خدا و نفس مجرد انسانی پیشنهاد کرد .
 - (۴) دکارت برخلاف کانت، به جای اثبات خدا و نفس مجرد از طریق عقل، راهی دیگر برای پذیرش اموری مانند خدا و نفس مجرد انسانی پیشنهاد کرد .
- ۱۷- کدام مورد بیانگر وجه اختلاف اندیشه کانت با اندیشه های ارسطو و ابن سینا است ؟
- (۱) به نظر ارسطو و ابن سینا، عقل مفاهیم فلسفی همچون « وجود »، « ضرورت »، « امکان » و « علیت » را از واقعیت گرفته و انتزاع کرده است اما کانت معتقد بود که این مفاهیم ساختار ذهن انسان اند .
 - (۲) به عقیده کانت ، عقل مفاهیم فلسفی، مانند « وجود »، « ضرورت »، « امکان » و « علیت » را از واقعیت گرفته و انتزاع کرده است اما ارسطو و ابن سینا معتقد بودند که این مفاهیم ساختار ذهن انسان اند .
 - (۳) ارسطو و ابن سینا برخلاف کانت عقل را به عنوان ابزار شناخت واقعیات خارجی، به امری بدل کردند که مفاهیم « ذهنی » را شناسایی می کند .
 - (۴) کانت برخلاف ابن سینا و ارسطو، عقل را به عنوان ابزار شناخت مفاهیم ذهنی، به امری بدل کرد که واقعیات « خارجی » را شناسایی می کند .
- ۱۸- میان دو متفکر ذکر شده کدام یک متأثر از دیگری بوده است و کدام مطلب، پیامد این اثرپذیری را بیان می کند ؟
- (۱) کانت از اوگوست کنت - عقل فلسفی و کار عقل در تأسیس فلسفه کاملاً ذهنی تلقی شد.
 - (۲) اوگوست کنت از کانت - عقل فلسفی و کار عقل در تأسیس فلسفه کاملاً ذهنی تلقی شد.
 - (۳) کانت از اوگوست کنت - تحولی عظیم در کارکرد عقل به وجود آورد.
 - (۴) اوگوست کنت از کانت - تحولی عظیم در کارکرد عقل به وجود آورد.
- ۱۹- مطابق نظر اوگوست کنت ، دستگاهی فلسفی که فیلسوفان از جهان ارائه می دهند چگونه است ؟
- (۱) این دستگاه، ناظر بر واقعیت نیست بلکه ناظر بر ساخته ذهن آنان و حاصل تأملات ذهنی است .
 - (۲) این دستگاه، ناظر بر واقعیت است و نه ناظر بر ساخته ذهن آنان و حاصل تأملات ذهنی نیست .
 - (۳) این دستگاه، نه حاصل تأملات ذهنی آنان است و نه ناظر بر واقعیت .
 - (۴) این دستگاه مفاهیم ذهنی را به واقعیات خارجی مبدل می کند .

- ۲۰- با توجه به تعریف عقل، به توانمندی که به کمک آن استدلال می کنیم واز این طریق به دانش ها و حقایقی دست می یابیم. کدام عبارت درست نیست؟
- (۱) این تعریف را می توان جامع ترین تعریف ها به شمار آورد.
 - (۲) این تعریف عموم استدلال ها، اعم از تجربی ریاضی، فلسفی، کلامی، فقهی، اخلاقی و حقوقی را که در حوزه عقل نظری و عقل عملی قرار دارند شامل می شود.
 - (۳) این تعریف برخی استدلال ها، از جمله فقط استدلال تجربی، ریاضی و فلسفی، را شامل می شود.
 - (۴) بر اساس این تعریف ما می توانیم به برخی توانمندی های عقل پی ببریم و دریابیم که چه چیزهایی هست و چه چیزهایی نیست.
- ۲۱- به ترتیب، موضوع عقل نظری و عقل عملی را کدام مورد تشکیل می دهد و این تقسیم بندی ناشی از چیست؟
- (۱) هست ها و نیست ها - بایدها و نبایدها - از جهت کارهایی که انجام می دهد.
 - (۲) بایدها و نبایدها - هست ها و نیست ها - از جهت هدف هایی که در پی دارد.
 - (۳) بایدها و نبایدها - هست ها و نیست ها - از جهت کارهایی که انجام می دهد.
 - (۴) هست ها و نیست ها - بایدها و نبایدها - از جهت هدف هایی که در پی دارد.
- ۲۲- کدام عبارت دیدگاه اوگوست کنت را در باب «علم» بیان می کند؟
- (۱) علم از نظر اوگوست کنت منحصر به علم تجربی نیست و فلسفه، نزد او نیز علم به حساب می آید.
 - (۲) علم از نظر اوگوست کنت منحصر به علم تجربی است و فلسفه، علم به حساب نمی آید.
 - (۳) علم از نظر اوگوست کنت منحصر به فلسفه است و علم تجربی، علم به حساب نمی آید.
 - (۴) علم از نظر اوگوست کنت منحصر به علم تجربی نیست و فلسفه و معرفت شهودی نیز علم به حساب می آید.
- ۲۳- در کدام مورد همگی موضوعات از جمله اموری است که از نظر استدلال عقلی ناممکن شمرده می شوند؟
- (۱) آمدن خدا روی زمین و تجسد او در مسیح - سه تا بودن خدا در عین یکی بودن او - کشته شدن مسیح و زنده شدن دوباره او
 - (۲) کشته شدن مسیح و زنده شدن دوباره او - رفتن مسیح به آسمان و تولد انسان ها با گناه اویله - یکی بودن خدا در عین کثیر بودن او
 - (۳) آمدن مسیح روی زمین و تجسد او در خدا - سه تا بودن خدا در عین یکی بودن او - کشته شدن مسیح و زنده شدن دوباره او
 - (۴) کشته شدن مسیح و زنده شدن دوباره او - آمدن مسیح روی زمین و تجسد او در خدا - یکی بودن خدا در عین کثیر بودن او
- ۲۴- کدام مورد عبارت را به نحو درستی کامل می کند؟ تقابل تاریخی عقل و دین در اروپا چنان گسترده بود.....
- (۱) که حتی در نام گذاری ادوار تاریخی نیز خود را نشان داد.
 - (۲) که سبب بروز جنگ های عقیدتی در میان مسیحیان شد.
 - (۳) که علت اصلی مقابله رهبران کلیسا با عقل شد.
 - (۴) که باعث شد برخی فلسفه را کفر بدانند.
- ۲۵- کدام مورد درباره افکار «ترتولیانوس» درست نیست؟
- (۱) ترتولیانوس، از مدافعان سرسخت مسیحیت بوده است.
 - (۲) ترتولیانوس فلسفه را کفر می دانست.
 - (۳) ترتولیانوس می گفت: «ایمان می آورم؛ از آن جهت که امری محال است»
 - (۴) ترتولیانوس می گفت: «پسر خدا مرد و زنده شد و ما باید به او ایمان آوریم؛ زیرا محال نیست کسی بمیرد و زنده شود.»
- ۲۶- هر یک از جلد های کتاب تاریخ تمدن ویل دورانت «جلد چهارم»، «جلد پنجم»، «جلد ششم» «جلد هفتم» به ترتیب ، ، و نامیده شده است.
- (۱) رنسانس - عصر ایمان - آغاز عصر خرد - اصلاح دین
 - (۲) عصر ایمان - رنسانس - اصلاح دین - آغاز عصر خود
 - (۳) رنسانس - عصر ایمان - آغاز عصر خرد - اصلاح دین
 - (۴) رنسانس - عصر ایمان - اصلاح دین - آغاز عصر خرد

▪ بخش دوم: درس هشتم: عقل در فلسفه (۲)

یکی از عوامل مهم توجه به عقل و عقلانیت در جهان اسلام، پیام الهی و سخنان پیامبر اکرم (ص) و عترت گرامی ایشان بود. کمتر شخصیتی را در تاریخ اسلام مشاهده می کنیم که در بزرگداشت عقل سخن نگفته و یا با عقل ستیز کرده باشد. عقل، در فرهنگ عمومی مسلمانان، جایگاه ممتاز و ویژه ای به دست آورده و همواره از عقل به تجلیل یاد شده است. جایگاه ممتاز عقل، سبب حرکت عمومی مسلمانان به سوی علم و دانش در حوزه های مختلف شد.

▪ شکل های عمدۀ مخالفت با عقل :

مخالفت برخی از جریانات فکری اسلامی با عقل، در شکل های دیگری ظهر کرد که دو شکل عمدۀ آن عبارت اند از:

- ✓ تنگ کردن محدوده اعتبار و کارآمدی عقل در عین پذیرش آن
- ✓ مخالفت با فلسفه و منطق، تحت عنوان دستاوردهای یونانی و غیراسلامی.

► در شکل اول، این جریان ها می کوشیدند نشان دهند که برخی روش های عقلی در مسائل دینی کاربردی ندارند و کسانی که از این روش ها استفاده می کنند، مرتكب خطای شوند.

► شکل دوم مخالفت با عقل، به صورت مخالفت با فلسفه ظهر کرد:

از ابتدای رشد فلسفه در جهان اسلام تاکنون، همواره کسانی گفته اند که دانش فلسفه از یونان وارد جهان اسلام شده و در بردارنده عقاید کسانی مثل سقراط، افلاطون و ارسطوست و با عقاید اسلامی سازگار نیست.

در پاسخ به این سخن، فلاسفه می گویند جدا از اینکه بسیاری از آراء فلسفانی مانند سقراط و افلاطون و ارسطو با آموزه های اسلامی سازگاری دارد، باید توجه کنیم که فلسفه دانش و شاخه ای از معرفت است که هر فردی از هر ملت و نژادی می تواند وارد این شاخه از دانش بشود و درباره مسائل آن، که مربوط به هستی و حقیقت اشیاست، بیندیشد و تولید دانش کند.

همان طور که در سایر شاخه های دانش می توان از آرآ و نظرات دیگران استفاده کرد، در این دانش نیز بهره گیری از دستاوردهای متفکران دیگر ضروری است و با تقدیم و بررسی این دستاوردها می توان قدم های بیشتری در جهت این دانش برداشت.

اگر ما بپذیریم که عقل می تواند درباره هستی بما هو هستی و حقیقت پدیده ها بیندیشد و دانشی به ارمنان آورد، این دانش، فلسفه است.

در درستی و نادرستی یک دانش نیز فقط استدلال است که داوری می کند، نه یونانی یا ایرانی و یا چینی بودن.

□ دو مصدق عقل نزد فیلسوفان مسلمان

فلسفان مسلمان، از فارابی تا علامه طباطبائی و سایر فیلسوفان عصر حاضر، درباره هر دو مصدق عقل سخن گفته و پیرامون هر دو کتاب ها نوشته اند:

- (۱) عقل، به عنوان وجودی برتر و متعالی در هستی
- (۲) عقل، به عنوان قوّه استدلال و شناخت.

□ عقل، به عنوان وجودی برتر

- فیلسوفان مسلمان، روشن تر و دقیق تر از هر اکلیتوس و افلاطون مرتبه ای از موجودات را که حقیقت وجودشان عقلی است، اثبات کرده اند.
- فیلسوفان مسلمان، اوّلین مخلوق خدا را عقل می دانند که موجودی کاملاً روحانی و غیرمادی است و عقول دیگری نیز به ترتیب از آن به وجود آمده اند.
- این موجودات مجرد که فوق عالم طبیعت اند و فیض خداوند از طریق آنها به عالم دیگر می رسد، عالم عقول را تشکیل می دهند.
- این عقول هم علم حضوری به خود دارند، هم خالقشان را با علم حضوری درک می کنند و هم به مخلوقات پایین تر از خود علم دارند و آنها را درک حضوری می کنند و هر دم در کار اداره و فیض رساندن به آنها هستند.

غیر این عقلِ تو، حق را عقل هاست که بدان تدبیر اسباب سماست

- فیلسوفان مسلمان، می گویند عقلی که در انسان هست و به او توانمندی اندیشیدن می دهد نیز پرتوی از همان عالم عقول است که اگر تربیت شود و رشد کند، علاوه بر استدلال کردن، می تواند حقایق را آن گونه که عقول درک می کنند، بیابد و مشاهده کند. یکی از عقول عالم عقل « عقل فعال » نام دارد، عقل فعال، عامل فیض رسانی به عقل انسان هاست.

فارابی می گوید:

مقام و منزلت عقل فعال نسبت به انسان، مانند آفتاب است نسبت به چشم. همان طور که آفتاب نوربخشی می کند تا چشم انسان ببیند و بینای بالفعل شود، عقل فعال نیز نخست چیزی در قوه عقلی آدمی افاضه می کند؛ به طوری که فعالیت عقلی برای انسان ممکن می شود و در نتیجه، عقل شروع به فعالیت می کند و به ادراک حقایق نائل می شود.

□ عقل به عنوان قوه استدلال و شناخت

- فیلسوفان مسلمان را نمی توان به دو گروه عقل گرا و تجربه گرا تقسیم کرد؛ زیرا عموم آنان عقیده دارند که همه کارکرد های عقل و انواع استدلال ها، از جمله استدلال تجربی، تمثیل و برهان عقلی محض، هر کدام در جایگاه خود روشی درست برای کسب دانش به حساب می آیند.
- استدلال های عقلی معیار اوّلیه قبول یا رد هر حکم و هر نظر علمی و فلسفی هستند. از این رو گفته اند که « ما فرزندان دلیل هستیم »
- ابن سینا می گوید : « هر کس که عادت کرده سخنی را بدون دلیل پذیرد، از حقیقت انسانی خارج شده است»

➢ با توجه به این مبنای مشترک، عموم فیلسوفان مسلمان عقیده دارند که :

- ❖ پذیرش هر اعتقاد و آینینی نیازمند استدلال عقلی است؛ هرچند این استدلال عقلی برای سطوح مختلف جامعه متفاوت است و حجت و دلیل هر کس به اندازه توان و قدرت فکری اوست. بنابراین، ایمانی ارزشمند است که پشتونه عقلی داشته باشد. ایمانی که از چنین پشتونه ای تهی است، ارزش چندانی ندارد و چه بسا انسان را به سوی کارهای غلط و اشتباه بکشاند.
- ❖ فلاسفه مسلمان عقل را در کنار حس و قلب، یکی از ابزار معرفت می دانند.
- ❖ فلاسفه مسلمان، معتقدند که ما می توانیم به کمک این ابزار در آیات و روایات بیندیشیم و احکام و معارف آنها را به دست آوریم.
- ❖ فلاسفه مسلمان همچنین عقل را در کنار قرآن و سنت، یکی از منابع کسب احکام و معارف دین معرفی می کنند و از محققان و مجتهدان می خواهند که از این منبع نیز برای رسیدن به حقایق دین بهره ببرند.
- ❖ فیلسوفان مسلمان با اینکه اساس پذیرش هر اعتقاد و آینینی را استدلال عقلی می دانند، راه کسب معرفت را به عقل منحصر نمی کنند بلکه حس و شهود را هم معتبر می دانند. از این رو، برخی از آنان تلاش می کردند با تربیت خود و تهذیب نفس به معرفت شهودی دست یابند.

فلسفه مسلمان، همچنین وحی را عالی ترین مرتبه شهود می شمارند که به پیامبران الهی اختصاص دارد. انبیای الهی از این طریق به برترین دانش ها و معارف دست می یابند و آن دانش ها را در اختیار انسان های دیگر قرار می دهند.

- از نظر فیلسفه مسلمان، استدلال عقلی، شهود و وحی هر سه ما را به حقیقت می رسانند و لذا در موضوعات مشترک حتماً به یک نتیجه خواهند رسید و مؤید یکدیگر خواهند بود.
- البته ما انسان ها چون توانمندی های عقلی محدود و متفاوتی داریم، ممکن است از استدلال عقلی درست استفاده نکنیم، به نتیجه های نادرست و اشتباه برسمیم و احساس کنیم میان دستاوردهای عقلی ما و داده های وحی تعارض هایی وجود دارد، در این قبیل موارد باید تلاش علمی خود را افزایش دهیم، از دانش دیگران بهره ببریم و از تعارض های ظاهری بکاهیم. از این رو، ملاصدرا می گوید:
- « امکان ندارد که احکام و قوانین دین حق و روشن الهی با دانش و معرفت یقینی و قطعی در تقابل باشد و نفرین بر آن فلسفه ای که قوانینش با قرآن و سنت مخالف و متضاد باشد و با آنها مطابقت نکند. »

□ نکات پاورقی جهت مطالعه کنکور :

- اشعاره گروهی از متكلمین هستند که بین قرن سوم و چهارم هجری به صورت یک جریان فکری بزرگ در میان مسلمانان اهل سنت درآمدند.
- شخصیت بارز آنها ابوالحسن اشعری است که در حدود ۳۳۰ هجری وفات یافته است.
- در مقابل این گروه، جریان دیگری به نام معتزله قرار دارد که قبل از اشعاره پیدا شدند و شکل گرفتند. اوّلین رهبر آنان واصل بن عطاست که در سال ۱۳۱ هجری درگذشته است. دیگر رهبر مشهور آنان قاضی عبدالجبار است که در سال ۴۱۵ هجری از دنیا رفته است.

سوالات تشرییتی

- یکی از عوامل مهم توجه به عقل و عقلانیت در جهان اسلام چه بود؟ پیام الهی و سخنان پیامبر اکرم (ص) و عترت گرامی ایشان.
- جایگاه ممتاز عقل، سبب حرکت عمومی مسلمانان به کدام سمت شد؟ سبب حرکت عمومی مسلمانان به سوی علم و دانش در حوزه های مختلف شد.
- مخالفت برخی از جریانات فکری اسلامی با عقل، در دو شکل عمدۀ آن را بنویسید.
- تنگ کردن محدوده اعتبار و کارآمدی عقل در عین پذیرش آن مخالفت با فلسفه و منطق، تحت عنوان دستاورده یونانی و غیراسلامی.
- مخالفت برخی از جریانات فکری اسلامی با عقل و تنگ کردن محدوده اعتبار و کارآمدی عقل در عین پذیرش آن را توضیح دهید.
- در این شکل ، جریان های فکری اسلامی می کوشیدند نشان دهند که برخی روش های عقلی در مسائل دینی کاربردی ندارند و کسانی که از این روش ها استفاده می کنند، مرتكب خطا می شوند.
- مخالفت برخی از جریانات فکری اسلامی با عقل منجر به مخالفت با کدام دانش ها و تحت چه نوع عنوانی شد؟
- مخالفت با فلسفه و منطق، تحت عنوان دستاورده یونانی و غیراسلامی.
- چرا برخی از جریانات فکری اسلامی با عقل و فلسفه و منطق مخالفت کردند؟ زیرا از آنها به عنوان دستاورده یونانی و غیراسلامی یاد می کردند.
- شکل دوم مخالفت با عقل، به صورت مخالفت با فلسفه ظهور کرد. مقصود از این عبارت را توضیح دهید.
- از ابتدای رشد فلسفه در جهان اسلام تاکنون، همواره کسانی گفته اند که دانش فلسفه از یونان وارد جهان اسلام شده و در بردارنده عقاید کسانی مثل سocrates، افلاطون و ارسسطوست و با عقاید اسلامی سازگار نیست.
- فیلسوفان در پاسخ به این ایراد که دانش فلسفه از یونان وارد جهان اسلام شده و در بردارنده عقاید کسانی مثل سocrates، افلاطون و ارسسطوست و با عقاید اسلامی سازگار نیست، چه پاسخ هایی داده اند؟ ذکر دو پاسخ کافی است.
- در پاسخ به این سخن، فلاسفه می گویند جدا از اینکه بسیاری از آراء فلسفه ایمانند سocrates و افلاطون و ارسسطو با آموزه های اسلامی سازگاری دارد، باید توجه کنیم که فلسفه دانش و شاخه ای از معرفت است که هر فردی از هر ملت و نژادی می تواند وارد این شاخه از دانش بشود و درباره مسائل آن، که مربوط به هستی و حقیقت اشیاست، بیندیشد و تولید دانش کند.
- همان طور که در سایر شاخه های دانش می توان از آراء و نظرات دیگران استفاده کرد، در این دانش نیز بهره گیری از دستاوردهای متفکران دیگر ضروری است و با نقد و بررسی این دستاوردها می توان قدم های بیشتری در جهت این دانش برداشت.
- اگر ما پیدیریم که عقل می تواند درباره هستی بما هوهستی و حقیقت پدیده ها بیندیشد و دانشی به ارمغان آورد، این دانش، فلسفه است.
- در درستی و نادرستی یک دانش نیز فقط استدلال است که داوری می کند، نه یونانی یا ایرانی و یا چینی بودن.

- ۹- به عقیده فیلسوفان اسلامی ، ملاک پذیرش یک نظریه و داوری در درستی یا نادرستی یک دانش چیست؟
- در درستی و نادرستی یک دانش نیز فقط استدلال است که داوری می کند، نه یونانی یا ایرانی و یا چینی بودن.
- ۱۰- فیلسوفان مسلمان، از فارابی تا علامه طباطبایی و سایر فیلسوفان عصر حاضر، درباره کدام دو مصداق عقل سخن گفته و پیرامون آنها کتاب ها نوشته اند؟
- عقل، به عنوان وجودی برتر و متعالی در هستی - عقل، به عنوان قوه استدلال و شناخت.
- ۱۱- فیلسوفان مسلمان، اوّلین مخلوق خداوند را چه دانسته و چه ویژگی هایی برای آن در نظر گرفته اند؟
- فیلسوفان مسلمان، اوّلین مخلوق خدا را عقل می دانند که موجودی کاملاً روحانی و غیرمادی است و عقول دیگری نیز به ترتیب از آن به وجود آمده اند.
- ۱۲- مقصود فیلسوفان اسلامی از عالم عقول چیست؟
- موجودات مجرّد که فوق عالم طبیعت اند و فیض خداوند از طریق آنها به عوالم دیگر می رسد، عالم عقول را تشکیل می دهند.
- ۱۳- علم عقول به خود ، خالق خویش و مخلوقات دیگر چگونه علمی است؟
- این عقول هم علم حضوری به خود دارند، هم خالقشان را با علم حضوری درک می کنند و هم به مخلوقات پایین تر از خود علم دارند و آنها را درک حضوری می کنند و هر دم در کار اداره و فیض رساندن به آنها هستند.
- ۱۴- به نظر فیلسوفان مسلمان، عقلی که در انسان هست و به او توانمندی اندیشیدن می دهد پرتوی از کدام عالم است؟ و چگونه می تواند حقایق را درک کند؟
- پرتویی از عالم عقول است که اگر تربیت شود و رشد کند، علاوه بر استدلال کردن، می تواند حقایق را آن گونه که عقول درک می کنند، بیابد و مشاهده کند. یکی از عقول عالم عقل « عقل فعال » نام دارد.
- ۱۵- به عقیده فارابی مقام و منزلت عقل فعال نسبت به انسان، مانند کدام نسبت است؟ توضیح دهید.
- ۱۶- مانند آفتاب است نسبت به چشم. همان طور که آفتاب نوربخشی می کند تا چشم انسان ببیند و بینای بالفعل شود، عقل فعال نیز نخست چیزی در قوه عقلی آدمی افاضه می کند؛ به طوری که فعالیت عقلی برای انسان ممکن می شود و در نتیجه، عقل شروع به فعالیت می کند و به ادراک حقایق نائل می شود.
- ۱۷- چرا فیلسوفان مسلمان را نمی توان به دو گروه عقل گرا و تجربه گرا تقسیم کرد؟
- زیرا عموم آنان عقیده دارند که همه کارکردهای عقل و انواع استدلال ها، از جمله استدلال تجربی، تمثیل و برهان عقلی محض، هر کدام در جایگاه خود روشی درست برای کسب دانش به حساب می آیند.
- ۱۸- چرا فیلسوفان مسلمان به این عبارت که « ما فرزندان دلیل هستیم» اعتقاد دارند؟
- زیرا معتقدند که استدلال های عقلی معیار اوّلیه قبول یا رد هر حکم و هر نظر علمی و فلسفی هستند.
- ۱۹- به عقیده ابن سینا چه انسانی از حقیقت انسانی خارج می شود؟ هر کس که عادت کرده سخنی را بدون دلیل پذیرد.
- ۲۰- به نظر عموم فیلسوفان مسلمان پذیرش هر اعتقاد و آیینی نیازمند چیست؟
- نیازمند استدلال عقلی است؛ هر چند این استدلال عقلی برای سطوح مختلف جامعه متفاوت است و حجت و دلیل هر کس به اندازه توان و قدرت فکری اوست.

۲۱- به نظر عموم فیلسفان مسلمان ، ایمان ارزشمند چگونه ایمانی است؟

بنابراین، ایمانی ارزشمند است که پشتوانه عقلی داشته باشد. ایمانی که از چنین پشتوانه‌ای تهی است، ارزش چندانی ندارد و چه بسا انسان را به سوی کارهای غلط و اشتباه بکشاند.

۲۲- فلاسفه مسلمان ، کدام منابع را منابع کسب احکام و معارف دین معرفی می کنند ؟

فلاسفه مسلمان عقل را در کنار قرآن و سنت، یکی از منابع کسب احکام و معارف دین معرفی می کنند .

۲۳- آیا راه کسب معرفت نزد فلاسفه مسلمان منحصر عقل است؟

خیر آنان راه کسب معرفت را به عقل منحصر نمی کنند بلکه حس و شهود را هم معتبر می دانند. از این رو، برخی از آنان تلاش می کردند با تربیت خود و تهذیب نفس به معرفت شهودی دست یابند.

۲۴- عالی ترین مرتبه شهود نزد فلاسفه مسلمان چیست و این مرتبه مختص چه کسانی است؟

فلاسفه مسلمان ، وحی را عالی ترین مرتبه شهود می شمارند که به پیامبران الهی اختصاص دارد. انبیای الهی از این طریق به برترین دانش‌ها و معارف دست می یابند و آن دانش‌ها را در اختیار انسان‌های دیگر قرار می دهند.

۲۵- از نظر فیلسفان مسلمان، از چه طریقی می توان به حقیقت دست یافت ؟

از نظر فیلسفان مسلمان، استدلال عقلی، شهود و وحی هر سه ما را به حقیقت می رسانند و لذا در موضوعات مشترک حتماً به یک نتیجه خواهند رسید و مؤید یکدیگر خواهند بود.

۲۶- به عقیده فیلسفان مسلمان ، چه زمانی ممکن است احساس کنیم میان دستاوردهای عقلی ما و داده‌های وحی تعارض هایی وجود دارد؟

ما انسان‌ها چون توانمندی‌های عقلی محدود و متفاوتی داریم، ممکن است از استدلال عقلی درست استفاده نکنیم، به نتیجه های نادرست و اشتباه برسیم و احساس کنیم میان دستاوردهای عقلی ما و داده‌های وحی تعارض هایی وجود دارد، در این قبیل موارد باید تلاش علمی خود را افزایش دهیم، از دانش دیگران بهره ببریم و از تعارض های ظاهری بکاهیم.

۲۷- نظر ملاصدرا در مورد امکان تعارض میان عقل و دین چیست؟

« امکان ندارد که احکام و قوانین دین حق و روشن الهی با دانش و معرفت یقینی و قطعی در تقابل باشد و نفرین بر آن فلسفه ای که قوانینش با قرآن و سنت مخالف و متضاد باشد و با آنها مطابقت نکند. »

هر یک از موارد سمت راست با کدام یک از گزینه‌ها در سمت چپ مرتبط است؟

- | | |
|---|-----------------|
| الف) عامل فیض رسانی به عقل انسان | ۱- استدلال عقلی |
| ب) اساس پذیرش هر اعتقاد و آیینی | ۲- وحی |
| ج) عالی ترین مرتبه شهود نزد فیلسفان مسلمان . | ۳- عقل فعال |
| د) اوّلین مخلوق خداوند نزد فیلسفان مسلمان | ۴- موجودات مجرد |
| و) فوق عالم طبیعت اند و رساننده فیض به عوالم دیگر | ۵- عقل |
| ه) علم عقول به خود ، خالق خویش و مخلوقات دیگر | ۶- حضوری |
- الف: ۳ ب: ۱ ج: ۲ د: ۵ و: ۴ ه: ۶

سوالات پاسخ گویا

- ۱- کدام عنصر، در فرهنگ عمومی مسلمانان ، جایگاه ممتاز و ویژه ای به دست آورده و همواره از آن به تجلیل یاد شده است؟ عقل
- ۲- فیلسوفان مسلمان، روشن تر و دقیق تر از کدام دو فیلسوف یونانی ، مرتبه ای از موجودات را که حقیقت وجودشان عقلی است، اثبات کرده اند؟ هراکلیتوس و افلاطون
- ۳- فیلسوفان مسلمان، روشن تر و دقیق تر از هراکلیتوس و افلاطون، کدام مرتبه از موجودات را اثبات کرده اند؟
- ۴- مرتبه ای که حقیقت وجودشان عقلی است
- ۵- به عقیده فیلسوفان مسلمان، یکی از غقول عالم عقل کدام است؟ عقل فعال
- ۶- به عقیده فیلسوف اسلامی ، مقام و منزلت عقل فعال نسبت به انسان هاست ؟ عقل فعال
- ۷- به عقیده کدام فیلسوف اسلامی ، مانند آفتاپ است نسبت به چشم؟ فارابی
- ۸- این سخن از کیست؟ هر کس که عادت کرده سخنی را بدون دلیل پذیرد ، از حقیقت انسانی خارج شده است» ابن سينا
- ۹- ابزارهای معرفت نزد فلاسفه مسلمان را نام ببرید . عقل ، حس و قلب
- ۱۰- به عقیده فلاسفه مسلمان ، ما می توانیم به کمک کدام ابزار در آیات و روایات بیندیشیم و احکام و معارف آنها را به دست آوریم؟ ابزار عقل
- ۱۱- فیلسوفان مسلمان ، از محققان و مجتهدان می خواهند از کدام منبع نیز برای رسیدن به حقایق دین بهره ببرند؟ عقل
- ۱۲- فیلسوفان مسلمان ، اساس پذیرش هر اعتقاد و آیینی را چه می دانند ؟ استدلال عقلی

جاهای خالی را با استفاده از کلمات مناسب کامل کنید.

- ۱- یکی از عوامل مهم توجه به ... در جهان اسلام، پیام الهی و سخنان پیامبر اکرم (ص) و عترت گرامی ایشان بود. عقل - عقلانیت
- ۲- یکی از اشکال عمدۀ مخالفت برخی از جریانات فکری اسلامی عقل، تنگ کردن محدوده ... و ... عقل در عین پذیرش آن است. اعتبار - کارآمدی
- ۳- یکی از اشکال عمدۀ مخالفت برخی از جریانات فکری اسلامی با عقل، مخالفت با و تحت عنوان دستاوردهای یونانی و غیراسلامی است. فلسفه - منطق
- ۴- شکل دوم مخالفت با عقل، به صورت مخالفت با ظهر کرد. فلسفه
- ۵- فیلسوفان مسلمان، از فارابی تا علامه طباطبایی درباره عقل، به عنوان وجودی و در هستی سخن گفته اند. برتر - متعالی
- ۶- فیلسوفان مسلمان، از فارابی تا علامه طباطبایی درباره عقل، به عنوان قوه' و سخن گفته اند. استدلال - شناخت
- ۷- فیلسوفان مسلمان، روش تر و دقیق تر از و مرتبه ای از موجودات را که حقیقت وجودشان عقلی است، اثبات کرده اند. هراکلیتوس - افلاطون
- ۸- فیلسوفان مسلمان، اوّلین مخلوق خدا را می دانند که موجودی کاملاً و غیرمادی است. عقل - روحانی
- ۹- به عقیده فیلسوفان مسلمان، موجودات مجرد که فوق عالم اند و فیض خداوند از طریق آنها به عوالم دیگر می رسد، عالم را تشکیل می دهد. طبیعت - عقول

- ۱۰- به عقیده فیلسوفان مسلمان، عقول هم علم به خود دارند، هم خالقشان را با علم درک می کنند. حضوری - حضوری
- ۱۱- به عقیده فیلسوفان مسلمان، عقلی که در انسان هست و به او توانمندی می دهد، پرتوی از عالم است. اندیشیدن - عقول
- ۱۲- به عقیده فیلسوفان مسلمان، یکی از عقول عالم عقل « عقل نام دارد که عامل رسانی به عقل انسان هاست. فعال - فیض
- ۱۳- به عقیده فارابی، مقام و منزلت عقل نسبت به انسان، مانند است نسبت به چشم. فعال - آفتاب
- ۱۴- فیلسوفان مسلمان را نمی توان به دو گروه گرا و گرا تقسیم کرد. عقل - تجربه
- ۱۵- عموم فیلسوفان مسلمان عقیده دارند که همه کارکردهای عقل و انواع استدلال‌ها، از جمله استدلال ، و برهان عقلی محض، هر کدام در جایگاه خود روشی درست برای کسب دانش به حساب می آیند. تجربی - تمثیل
- ۱۶- استدلال‌های عقلی اوّلیه قبول یا رد هر حکم و هر نظر علمی و فلسفی هستند. لذا گفته اند که ما فرزندان هستیم. معیار - دلیل
- ۱۷- ابن سینا می گوید: هر کس که عادت کرده سخنی را بدون پذیرد، از انسانی خارج شده است. دلیل - حقیقت
- ۱۸- ایمانی ارزشمند است که پشتونه داشته باشد. ایمانی که از چنین پشتونه‌ای تهی است، چندانی ندارد. عقلی - ارزش
- ۱۹- فلاسفه مسلمان عقل را در کنار و، یکی از ابزار معرفت می دانند. حس - قلب
- ۲۰- فلاسفه مسلمان معتقدند که ما می توانیم به کمک عقل در ... و بیندیشیم و احکام و معارف آنها را به دست آوریم. آیات، روایات
- ۲۱- فلاسفه مسلمان، عقل را در کنار و، یکی از منابع کسب احکام و معارف دین معرفی می کنند. قرآن - سنت
- ۲۲- فیلسوفان مسلمان راه کسب معرفت را به عقل منحصر نمی کنند بلکه و را هم معتبر می دانند. حس - شهود
- ۲۳- برخی از فیلسوفان مسلمان تلاش می کردند با تربیت خود و نفس به معرفت دست یابند. تهذیب - شهودی
- ۲۴- فلاسفه مسلمان، را عالی ترین مرتبه شهود می شمارند که به الهی اختصاص دارد. وحی - پیامبران
- ۲۵- از نظر فیلسوفان مسلمان، استدلال عقلی، و هر سه ما را به حقیقت می رسانند. شهود - وحی
- ۲۶- به عقیده ملاصدرا « امکان ندارد که احکام و قوانین ... حق و روش الهی با یقینی و قطعی در تقابل باشد. دین - معرفت
- ۲۷- به عقیده ملاصدرا، نفرین بر آن فلسفه‌ای که قوانینش با و مخالف و متضاد باشد و با آنها مطابقت نکند. قرآن - سنت

تعیین کنید کدام عبارت صحیح و کدام غلط می باشد.

- ۱- یکی از عوامل مهم توجه به عقل و عقلانیت در جهان اسلام، پیام الهی و سخنان پیامبر اکرم (ص) و عترت گرامی ایشان بود. درست
- ۲- کمتر شخصیتی را در تاریخ اسلام مشاهده می کنیم که دربزرگداشت عقل سخن نگفته و یا با عقل ستیز کرده باشد. درست
- ۳- عقل، در فرهنگ عمومی مسلمانان، جایگاه ممتاز و ویژه ای به دست آورده و اما بندرت از عقل به تجلیل یاد شده است. نادرست
- ۴- جایگاه ممتاز عقل، هیچگاه سبب حرکت عمومی مسلمانان به سوی علم و دانش در حوزه های مختلف نشد. نادرست
- ۵- مخالفت برخی از جریانات فکری اسلامی با عقل، سبب تنگ کردن محدوده اعتبار و کارآمدی عقل در عین پذیرش آن شد. درست
- ۶- حمایت برخی از جریانات فکری اسلامی از عقل، مخالفت با فلسفه و منطق، تحت عنوان دستاوردی یونانی و غیراسلامی را به همراه داشت. نادرست
- ۷- دسته ای از جریان های فکری اسلامی می کوشیدند نشان دهند که برخی روش های عقلی در مسائل دینی کاربردی ندارند. درست
- ۸- شکل دوم مخالفت با عقل، به صورت مخالفت با فلسفه ظهور کرد. درست
- ۹- از ابتدای رشد فلسفه در جهان اسلام تاکنون، همواره کسانی گفته اند که دانش فلسفه از یونان وارد جهان اسلام شده و در بردارنده عقاید کسانی مثل سocrates، افلاطون و ارسطوست و با عقاید اسلامی سازگار نیست. درست
- ۱۰- اگر ما پذیریم که عقل می تواند درباره هستی و حقیقت پدیده ها بیندیشد و دانشی به ارمغان آورد، این دانش، فلسفه است. درست
- ۱۱- در درستی و نادرستی یک دانش، فقط استدلال است که داوری می کند، نه یونانی یا ایرانی و یا چینی بودن. درست
- ۱۲- فیلسوفان مسلمان، از فارابی تا علامه طباطبائی و سایر فیلسوفان عصر حاضر، درباره عقل فقط به عنوان وجودی برتر و متعالی در هستی سخن گفته اند. نادرست
- ۱۳- فیلسوفان مسلمان، از فارابی تا علامه طباطبائی و سایر فیلسوفان عصر حاضر، درباره عقل فقط به عنوان قوه استدلال و شناخت سخن گفته اند. نادرست
- ۱۴- فیلسوفان مسلمان، روشن تر و دقیق تر از هراکلیتوس و افلاطون مرتبه ای از موجودات را که حقیقت وجودشان عقلی است، اثبات کرده اند. درست
- ۱۵- فیلسوفان مسلمان، اوئین مخلوق خدا را عقل می دانند که موجودی کاملاً روحانی و غیرمادی است و عقول دیگری به ترتیب از آن به وجود آمده اند. درست
- ۱۶- به عقیده فیلسوفان مسلمان، موجودات مجرد که فوق عالم طبیعت اند و فیض خداوند از طریق آنها به عالم دیگر می رسد، عالم عقول را تشکیل می دهند. درست
- ۱۷- به عقیده فیلسوفان مسلمان، عقول مجرد هم علم حضوری به خود دارند، هم خالقشان را با علم حضوری درک می کنند. درست
- ۱۸- به عقیده فیلسوفان مسلمان، عقول مجرد هم به مخلوقات پایین تر از خود علم دارند و آنها را درک حضوری می کنند و هر دم در کار اداره و فیض رساندن به آنها هستند. درست
- ۱۹- فیلسوفان مسلمان می گویند عقلی که در انسان هست و به او توانمندی اندیشیدن می دهد پرتوی از عالم عقول است. درست

- ۲۰- به عقیده فلاسفه اسلامی ، عقل انسان اگر تربیت شود و رشد کند، علاوه بر استدلال کردن، می تواند حقایق را آن گونه که عقول درک می کنند، بباید و مشاهده کند. درست
- ۲۱- عقل فعال، عامل فیض رسانی به عقل انسان هاست. درست
- ۲۲- به نظر ابن سینا، مقام و منزلت عقل فعال نسبت به انسان، مانند آفتاب است نسبت به چشم. نادرست
- ۲۳- به نظر فارابی، عقل فعال ، نخست چیزی در قوّه عقلی آدمی افاضه می کند؛ به طوری که فعالیت عقلی برای انسان ممکن می شود و در نتیجه، عقل شروع به فعالیت می کند و به ادراک حقایق نائل می شود. درست
- ۲۴- فیلسوفان مسلمان را نیز می توان به دو گروه عقل گرا و تجربه گرا تقسیم کرد . نادرست
- ۲۵- عموم فیلسوفان مسلمان عقیده دارند که همه کارکردهای عقل و انواع استدلال ها، از جمله استدلال تجربی، تمثیل و برهان عقلی محض، هر کدام در جایگاه خود روشی درست برای کسب دانش به حساب می آیند . درست
- ۲۶- استدلال های عقلی معیار اوّلیه قبول یا رد هر حکم و هر نظر علمی و فلسفی هستند. درست
- ۲۷- عبارت « ما فرزندان دلیل هستیم» بیانگر این است که استدلال های عقلی معیار اوّلیه قبول یا رد هر حکم و هر نظر علمی و فلسفی هستند . درست
- ۲۸- به عقیده ملاصدرا هر کس که عادت کرده سخنی را بدون دلیل پذیرد، از حقیقت انسانی خارج شده است. نادرست
- ۲۹- عموم فیلسوفان مسلمان عقیده دارند که پذیرش هر اعتقاد و آینینی نیازمند استدلال عقلی نیست. نادرست
- ۳۰- به عقیده عموم فیلسوفان مسلمان ، ایمانی ارزشمند است که پشتونه عقلی داشته باشد. درست
- ۳۱- به عقیده عموم فیلسوفان غربی ، ایمانی که از پشتونه عقلی تهی است، ارزش چندانی ندارد و چه بسا انسان را به سوی کارهای غلط و اشتباه بکشاند. نادرست
- ۳۲- فلاسفه مسلمان عقل را در کنار حس و قلب، یکی از ابزار معرفت می دانند. درست
- ۳۳- به نظر فلاسفه مسلمان ما می توانیم به کمک ابزار عقل در آیات و روایات بیندیشیم و احکام و معارف آنها را به دست آوریم. درست
- ۳۴- فلاسفه مسلمان عقل را در کنار قرآن و سنت، یکی از منابع کسب احکام و معارف دین معرفی می کنند . درست
- ۳۵- فلاسفه مسلمان از محققان و مجتهدان می خواهند که از عقل برای رسیدن به حقایق دین بهره ببرند. درست
- ۳۶- فیلسوفان مسلمان اساس پذیرش هر اعتقاد و آینینی را استدلال عقلی می دانند و راه کسب معرفت را فقط به عقل منحصر می کنند نادرست
- ۳۷- فیلسوفان مسلمان ، حس و شهود را معتبر می دانند. لذا تلاش می کرند با تربیت خود و تهذیب نفس به معرفت شهودی دست یابند.درست
- ۳۸- فلاسفه مسلمان ، وحی را عالی ترین مرتبه شهود می شمارند که به پیامبران الهی اختصاص دارد. درست
- ۳۹- به عقیده فیلسوفان مسلمان، انبیای الهی از طریق وحی به برترین دانش ها و معارف دست می یابند. درست
- ۴۰- از نظر فیلسوفان مسلمان، استدلال عقلی، شهود و وحی هر سه ما را به حقیقت می رسانند . درست
- ۴۱- از نظر فیلسوفان مسلمان، استدلال عقلی، شهود و وحی در موضوعات مشترک حتماً به یک نتیجه نخواهند رسید و همواره مؤید یکدیگر نخواهند بود. نادرست
- ۴۲- به عقیده ملاصدرا « امکان ندارد که احکام و قوانین دین حق و روشن الهی با دانش و معرفت یقینی و قطعی در تقابل باشد. درست
- ۴۳- به نظر ملاصدرا، نفرین بر آن فلسفه ای که قوانینش با قرآن و سنت مخالف و متضاد باشد و با آنها مطابقت نکند. » درست

سوالات قسمی

۱- با توجه به تاریخ عقل نزد فیلسوفان اسلامی، کدام مورد نادرست است؟

(۱) عقل، در فرهنگ عمومی مسلمانان، جایگاه ممتاز و ویژه‌ای به دست آورده و همواره از عقل به تجلیل یاد شده است.

(۲) جایگاه ممتاز عقل، سبب حرکت عمومی مسلمانان به سوی فلسفه و منطق شد.

(۳) کمتر شخصیتی را در تاریخ اسلام مشاهده می‌کنیم که در بزرگداشت عقل سخن نگفته و یا با عقل ستیز کرده باشد.

(۴) یکی از عوامل مهم توجه به عقل و عقلانیت در جهان اسلام، پیام الهی و سخنان پیامبر اکرم (ص) و عترت گرامی ایشان بود.

۲- شکل‌های عمدۀ مخالفت با عقل نزد برخی جریانات فکری اسلامی در کدام کزینه آمده است؟

(۱) افزایش و توسعه محدوده کارآمدی عقل در عین پذیرش آن - مخالفت با فلسفه و منطق، تحت عنوان دستاوردي مخالف و ناسازگار با دین

(۲) تنگ کردن محدوده اعتبار و کارآمدی عقل در عین پذیرش آن - مخالفت با فلسفه و منطق، تحت عنوان دستاوردي یونانی و غیراسلامی.

(۳) تنگ کردن محدوده اعتبار و کارآمدی عقل در عین رد آن - مخالفت با فلسفه و منطق، تحت عنوان دستاوردي یونانی و غیراسلامی.

(۴) افزایش و توسعه محدوده کارآمدی عقل در عین رد آن - مخالفت با فلسفه و منطق، تحت عنوان دستاوردي مخالف و ناسازگار با دین

۳- دلیل اصلی مخالفت برخی جریانات فکری اسلامی با فلسفه کدام است؟

(۱) دافش فلسفه از یونان وارد جهان اسلام شده و با عقاید اسلامی سازگار نیست.

(۲) برخی روش‌های عقلی در مسائل دینی کاربردی ندارند.

(۳) کسانی که از این روش‌ها استفاده می‌کنند، مرتكب خطأ می‌شوند.

(۴) در این دانش بهره‌گیری از دستاوردهای متفکران دیگر ضروری نیست.

۴- با توجه به عقیده فیلسوفان مسلمان، کدام بیان در مورد عقل، به عنوان وجودی برتر و متعالی در هستی درست نیست؟

فیلسوفان مسلمان، روش‌تر و دقیق‌تر از هر اکلیتوس و افلاطون مرتبه‌ای از موجودات را که حقیقت وجودشان عقلی است، اثبات کرده‌اند.

فیلسوفان مسلمان، اوّلین مخلوق خدا را عقل می‌دانند که موجودی کاملاً روحانی و غیرمادی است و عقول دیگری نیز به ترتیب از آن به وجود آمده‌اند.

به عقیده فیلسوفان اسلامی موجودات مجرد که فوق عالم طبیعت اند و فیض خداوند از طریق آنها به عوالم دیگر می‌رسد عالم عقول را تشکیل می‌دهند.

به عقیده فیلسوفان اسلامی عقول، علم حصولی به خود دارند اما خالقشان را با علم حضوری درک می‌کنند و هم به مخلوقات پایین تر از خود علم دارند و آنها را درگ حضوری می‌کنند و هر دم در کار اداره و فیض رساندن به آنها هستند.

۵- با توجه به مضمون بیت زیر کدام بیان مناسب‌تر است؟

غیر این عقل تو حق را عقل هاست که بدان تدبیر اسباب سماست

(۱) جهان منحصر به موجودات محسوس و مادی نیست و حواس ما از درگ بسیاری از حقایق جهان ناتوان است

(۲) فیلسوفان مسلمان، اوّلین مخلوق خدا را وحی می‌دانند که موجودی کاملاً روحانی و غیرمادی است.

(۳) علل و عوامل طبیعی در حوادث جهان موثرند و فیض خداوندی از طریق آنها و از طریق عقول به عالم طبیعت می‌رسد.

(۴) موجودات مجرد که فوق عالم طبیعت اند، فیض خداوند را به عوالم دیگر منتقل می‌کنند و عالم عقول را تشکیل می‌دهند.

۶- در اندیشه فیلسوفان مسلمان، وساطت در رساندن فیض به عوالم دیگر به عهده..... است و عامل فیض رسانی به عقل انسان همان..... است.

۱) موجودات مجرد - عقل فعال

۲) اراده و مشیت باریتعالی - عقل فعال

۳) اراده و مشیت باریتعالی - عقل فعال

۷- واسطه فیض حق تعالی به عوالم دیگر به اعتقاد فلاسفه مسلمان کدام است؟ و جمله « هر کس که عادت کرده سخنی را بدون دلیل پذیرد، از حقیقت انسانی خارج شده است» از کیست؟

۱) فرشتگان و ملائک - ابن سینا.

۲) فرشتگان و ملائک - فارابی

۳) عقول مجرد - ابن سینا.

۴) عقول مجرد - فارابی

۸- درنظر فارابی، مقام و منزلت «عقل فعال» نسبت به «انسان» مانند کدام مورد است؟

- ۱) صورت به ماده ۲) قلب به بدن ۳) آفتاب نسبت به چشم ۴) عقل اول به طبیعت

۹- درنظر کدام فیلسوف، مقام و منزلت عقل فعال نسبت به انسان، مانند آفتاب نسبت به چشم است؟

- ۱) ابن سینا ۲) خواجه نصیر ۳) شیخ اشراق ۴) فارابی

۱۰- با توجه به عقیده فیلسوفان مسلمان، کدام بیان در مورد عقل، به عنوان قوه استدلال و شناخت درست نیست؟

۱) استدلال های عقلی معيار اولیه قبول یا رد هر حکم و هر نظر علمی و فلسفی هستند.

۲) عقل را باید در کنار قرآن و سنت، یکی از منابع کسب احکام و معارف دین لحاظ کرد.

۳) از طریق عقل می توان به معرفت شهودی و حقایق دین رسید.

۴) می توان به کمک ابزار عقل در آیات و روایات بیندیشیم و احکام و معارف آنها را به دست آوریم.

۱۱- با توجه به آراء فیلسوفان اسلامی، کدام مورد نادرست است؟

۱) از نظر فیلسوفان مسلمان، استدلال عقلی، شهود و وحی هر سه ما را به حقیقت می رسانند.

۲) عقل و شهود و وحی در موضوعات مختلف نیز حتماً به یک نتیجه خواهند رسید و مؤید یکدیگر خواهند بود.

۳) فلاسفه مسلمان، وحی را عالی ترین مرتبه شهود می شمارند که به پیامبران الهی اختصاص دارد.

۴) فیلسوفان مسلمان راه کسب معرفت را به عقل منحصر نمی کنند بلکه حس و شهود را هم معتبر می دانند.

۱۲- کدام عبارت بیانگر نظر ملاصدرا است؟ کنکور سراسری ۹۸

۱) وحی فقط همان را می گوید که عقل بدان رسیده باشد.

۲) هرچه را که وحی گفته باشد، باید بتوان با عقل اثبات کرد.

۳) عقل دو وظیفه دارد؛ اداره امور زندگی و اثبات حقایق دین

۴) کدام مورد عبارت را به درستی کامل می کند؟

۱) به اعتقاد ملاصدرا که احکام و قوانین دین حق و روشن الهی با دانش و معرفت یقینی و قطعی ... باشد و نفرین بر آن ... که قوانین

..... مخالف و متضاد باشد و با آنها مطابقت نکند.

۱) امکان دارد - در توافق - دانشی - ضروریات عقلی

۲) ضرورت ندارد - در تقابل - فلسفه ای - ضروریات عقلی

۳) ضرورت دارد - در تقابل - دانشی - قرآن و سنت

۱۴- به عقیده فیلسوفان اسلامی، ایمانی ارزشمند است که پشتونه داشته باشد. ایمانی که از چنین پشتونه ای تھی است،

چندانی ندارد و چه بسا انسان را به سوی کارهای بکشاند.

۱) عقلی - ارزش - اشتباه ۲) دینی - مصدقیت - اشتباه ۳) دینی - ارزش - اشتباه ۴) عقلی - مصدقیت - اشتباه

۱۵- راجع به معتزله از متكلمين اسلامی کدام مورد صحیح است؟

۱) بین قرن سوم و چهارم هجری به صورت یک جریان فکری بزرگ در میان مسلمانان اهل سنت درآمدند.

۲) قبل از اشعاره پیدا شدن و شکل گرفتند. اوّلین رهبر آنان واصل بن عطاست که در سال ۱۳۱ هجری درگذشته است.

۳) بین قرن سوم و چهارم هجری پیدا شدن و شکل گرفتند که رهبر مشهور آنان قاضی عبدالجبار است که در سال ۴۱۵ هجری از دنیا رفت.

۴) بعد از اشعاره به صورت یک جریان فکری بزرگ در میان مسلمانان اهل سنت پیدا شدن و شکل گرفتند.

بخش سوم : درس نهم : آغاز فلسفه در جهان اسلام (۱)

- از ورود فلسفه به جهان اسلام در حدود سیزده قرن می گذرد.
- در حقیقت سیزده قرن است که مسلمانان نوعی « حیات علمی » دارند که از آن به « حیات فلسفی » تعبیر می کنیم.
- « حیات علمی و فلسفی » در جامعه ای جوانه می زند و رشد می کند که « حیات عقلی » وجود داشته باشد.
- حیات علمی و حیات فلسفی از میوه ها و ثمرات « حیات عقلی » است.
- پس از گذشت حدود دو قرن از ظهور اسلام، حیات فلسفی به مرحله ای از رشد رسید که اولین فیلسوف مشهور مسلمان به نام « ابویوسف یعقوب بن اسحاق » ظهور کرد و حدود ۲۷۰ کتاب و رساله از خود به یادگار گذاشت .

□ زمینه های رشد فلسفه

- اگر رشد و شکوفایی علم در جامعه را به رشد گیاهان در یک مزرعه تشبیه کنیم، می توان گفت اولین شرط آن وجود زمین آماده و حاصلخیز است.
- وجود « حیات عقلی » در یک جامعه و حضور عقلانیت و احترام به عقل، همان زمین آماده ای است که دانه هر شاخه از دانش در آن کاشته شود، درخت تناوری خواهد شد و ثمر خواهد داد.
- مورخان علم گزارش داده اند که حیات تعلقی مسلمانان با ظهور اسلام و تشکیل جامعه اسلامی مقارن بوده است.
- پیامبر اکرم (ص) و قرآن کریم « حیات عقلی » جامعه اسلامی را پایه گذاری کردند.
- پیامبر اکرم (ص) برای ایجاد چنین حیاتی از روش هایی خاص و بدیع استفاده کرد؛ به طوری که جامعه اسلامی عصر اودر زمانی کوتاه به مرتبه ای ممتاز از « حیات عقلی » نائل آمد.
- پیامبر اکرم، قرآن کریم و پیشوایان بزرگوار، برای حیات عقلی که همان فضای فرهنگی و اجتماعی جهت بحث و گفت و گوی عقلانی است، زمینه سازی کرده، فرصت تفکراندیشه ورزی برای مردم فراهم آمد و بسیاری از مردم وارد مباحثات علمی شدند.
- برخی از این زمینه سازی ها که در قرآن کریم و گفتار و رفتار رسول خدا مشاهده می شود، عبارت اند از:
 - ارزش قائل شدن برای اصل تفکر و خردورزی.
 - تکریم علم به عنوان ثمره تفکر و خردورزی.
 - تکریم پیوسته عالمان و دانشمندان.
 - طرح مباحث علمی و عقلی و فلسفی و به کار گرفتن شیوه های مختلف استدلال.
 - مذمت پیوسته نادانی و جهل، به طوری که در جامعه یک ویژگی منفی تلقی شود.
 - دعوت به یادگیری علوم دیگر ملت ها و تمدن ها و استفاده از آنها.
- از عصر رسول خدا بحث و گفت و گوی عقلی در مسائل اعتقادی آغاز شد.
- در قرن اوّل هجری، دانشمندانی تربیت شدند که در روش عقلی و استدلالی در مسائل اعتقادی مانند اثبات وجود خدا، صفات خداوند، ضرورت معاد و نیز مسائلی مانند جبر و اختیار متبحر بودند و به تعلیم و کتابت اشتغال داشتند.
- این دسته از دانشمندان، که موضوعات اعتقادی دین را با استدلال و منطق مورد بحث قرار می دهند، متكلم نامیده می شوند.
- حیات عقلی مسلمانان از همان ابتدای ظهور اسلام آغاز شد و بعد از دو قرن، به حیات فلسفی انجامید.

□ نهضت ترجمه

- نهضت ترجمه متون که از قرن دوم هجری آغاز شد، یکی دیگر از زمینه های شکل گیری «حیات فلسفی» در جهان اسلام بود.
- نهضت ترجمه منحصر به دانش فلسفه نبود بلکه علوم گوناگون از قبیل منطق، فلسفه، نجوم، ریاضیات، طب، ادب و سیاست را هم شامل می شد و در نتیجه آن، کتاب های فراوانی از زبان های یونانی، پهلوی، هندی و سریانی و در رشتہ های مختلف علمی ترجمه شدند.
- در آن عصر، نهضت ترجمه و یادگیری از دیگران آنقدر اهمیت داشت که گفته اند حنین بن اسحاق، مترجم معروف و زیردست آن زمان، گاهی معادل وزن کتابی که ترجمه کرده بود، زر دریافت می کرد.

- در چنین شرایطی، مسلمانان به زودی معارف پیشینیان را فرا گرفتند و در تمامی رشتہ های دانش سرآمد ملت های زمان خود شدند.
- در فلسفه یادگارهای فیلسوفان بزرگ یونان را آموختند و با نقد و بررسی آراء آن حکیمان، نظام فلسفی نوینی را سامان بخشیدند که ضمن برخورداری از آراء افلاطون و به خصوص ارسطو، در بردارنده اندیشه های جدیدی بود که تا آن روزگار سابقه نداشت.

□ حکمای مشاء

- فلسفه اسلامی در آغاز سرشتی کاملاً استدلالی داشت و متکی بر آراء ارسطو بود.
- از آنجا که ارسطو در مباحث فلسفی بیش از هر چیز به قیاس برهانی تکیه می کرد، فلسفه اسلامی نیز صورت استدلالی قوی به خود گرفت و نبوغ استدلالی ابن سینا، این صورت را با ظریف ترین موشکافی ها آراست.
- این شیوه تفکر فلسفی به خاطر مؤسس اوی آن، ارسطو، به « حکمت مشاء » معروف شد.
- فارابی و ابن سینا بزرگ ترین حکمای مشاء محسوب می شوند.

□ معلم ثانی

- حکیم ابونصر محمد فارابی در ناحیه فاراب خراسان در حدود سال ۲۶۰ هجری متولد شد. از جوانی تحصیل در فقه و حدیث و تفسیر قرآن را آغاز کرد. سپس، به بغداد رفت و از محضر ابو بشیر متی بن یونس که از حکیمان و مترجمان نامدار بود، بهره برد و فلسفه آموخت.
- فارابی برای تکمیل مطالعتش به حرّان رفت و به آموختن ادامه داد. پس از آن، به بغداد بازگشت و از آنجا عازم دمشق شد که سیف الدوله حَمْدانی در آنجا حاکم بود. او تا آخر عمر نزد حمدانی زندگی کرد و در سال ۳۳۹ در هشتاد سالگی درگذشت. عالمان و مورخان فلسفه، فارابی را بنیان گذار و مؤسس حکمت مشائی می دانند.

□ مقام علمی و فلسفی فارابی

- فارابی علاوه بر فلسفه که در آن سرآمد روزگار بود، در حقوق، نجوم و سیاست نیز شهرت داشت و به درجه استادی رسیده بود. پژوهشکی را به خوبی می دانست و در مداوای بیماران تبحر داشت.
- فارابی در فلسفه سیاست نظریه پرداز بود و دیدگاه ویژه ای را مطرح کرد که به دیدگاه افلاطون نزدیک است.
- فارابی با میراث فلسفی یونان، به خصوص آراء افلاطون و ارسطو، به خوبی آشنا بود و توانست نقاط مشترک اندیشه های آن دو را بیابد و در کتابی با عنوان «الجمع بین رأى الحكيمين» (جمع میان نظرات دو حکیم) ارائه کند.
- فارابی در کتابی به نام «اغراض ارسطو فى كتاب مابعد الطبيعة» با دقت و توانایی بسیار، نظرات ارسطو را شرح می کند و نکات پیچیده آن را آشکار می سازد؛ چنان که بعدها راهنمای ابن سینا در فهم کتاب ارسطو می شود.
- فارابی به علت آشنایی عمیق با تعالیم اسلام، توانست آموخته های خود از افلاطون و ارسطو و سایر فیلسوفان گذشته را در یک نظام فلسفی جدید عرضه کند و فلسفه مشائی را در جهان اسلام بنا نهاد.
- فارابی پس از ارسطو لقب «معلم» گرفت و به «معلم ثانی» شهرت یافت.

□ فلسفه سیاسی فارابی

- فارابی هرگز مشاغل سیاسی را نپذیرفت و با اهل سیاست معاشرت نداشت.
- فارابی در سیاست بسیار اندیشید و آثار متعددی در این زمینه نوشت.
- فارابی انسان را مدنی بالطبع می داند و معتقد است که به حسب فطرت و طبع خود به جامعه گرایش دارد و می خواهد با همنوعان خویش زندگی کند.
- به نظر فارابی، مسیر سعادت و کمال انسان از زندگی اجتماعی می گذرد؛ لذا هدف اصلی جامعه و مدینه، سعادت در دنیا و آخرت است.

□ تعریف مدینه فاضله:

- بهترین مدینه ها، مدینه ای است که مردم آن به اموری مشغول و به فضایلی آراسته اند که مدینه را به سوی سعادت می برد.
- فارابی مدینه فاضله را به بدن سالم تشبيه می کند که هر عضو آن متناسب با ویژگی خود وظیفه ای دارد که به نحو احسن انجام می دهد.
- به عقیده فارابی همان گونه که در اعضای بدن، برخی بر برخی تقدیم دارند، برخی از اعضای جامعه نیز بر برخی دیگر مقدم اند؛ همان طور که قلب برهمه اعضای بدن ریاست دارد، در مدینه فاضله هم کسی باید بر دیگران برتری داشته باشد و بر آنان ریاست کند.

□ ویژگی های رئیس مدینه فاضله:

- ریاست جامعه باید بر عهده کسی باشد که روحی بزرگ و سرشتی عالی دارد.
- ریاست جامعه باید به عالی ترین درجات تعقل رسیده است که بتواند احکام و شرایع را دریافت کند؛ یعنی رهبر جامعه کسی جز پیامبر خدا نیست.
- پیامبر می تواند با ملک وحی اتصال دائمی داشته باشد.
- این ویژگی برای امامان و جانشینان او هم هست و همین اتصال پیوسته با عالم بالا به پیامبران امکان می دهد که جامعه را به درستی و در جهت نیل به سعادت حقیقی رهبری کنند.

□ تعریف مدینه جاهله:

- فارابی مدینه جاهله را در مقابل مدینه فاضله، قرار می دهد و معتقد است که مهم ترین تفاوت آن با مدینه فاضله در هدف آن است.
- در مدینه جاهله هدف مردم فقط سلامت جسم و فراوانی لذت هاست.
- آنها گمان می برنند که اگر به چنین لذت هایی دست یافتد، به سعادت رسیده و اگر دست نیافتد، به بدبخشی افتاده اند.

نکات پاورقی جهت مطالعه کنکور :

- الحکمه ضاله المون فاطلبوها و لَوْ عندَ المشرک.
- این حکمت را بدین خاطر مشاء گفته اند که ارسسطو در هنگام تدریس، معمولاً راه می رفت و قدم می زد.
- برخی گفته اند که چون عقل و اندیشه این فلاسفه پیوسته در مشی و حرکت بوده و دائمًا میان مقدمات و نتایج در رفت و آمد است، فلسفه آنان را مشاء نامیده اند.

سوالات تشرییتی

- ۱- حیات عقلی مسلمانان از چه زمانی آغاز شد؟
مورخان علم گزارش داده اند که حیات تعقّلی مسلمانان با ظهور اسلام و تشکیل جامعه اسلامی مقارن بوده است.
- ۲- سه مورد از زمینه های رشد فلسفه که در قرآن کریم و گفتار و رفتار رسول خدا مشاهده می شود، را بنویسید .
- ارزش قائل شدن برای اصل تفکر و خردورزی. تکریم علم به عنوان ثمره تفکر و خردورزی. تکریم پیوسته عالمان و دانشمندان.
- (طرح مباحث علمی و عقلی و فلسفی و به کار گرفتن شیوه های مختلف استدلال. مذمت پیوسته نادانی و جهل، به طوری که در جامعه یک ویژگی منفی تلقی شود. دعوت به یادگیری علوم دیگر ملت ها و تمدن ها و استفاده از آنها).
- ۳- در قرن اوّل هجری، متکلمان اسلامی ، کدام یک از مسائل اعتقادی دین را با استفاده از روش عقلی و استدلالی مورد بحث قرار می دادند؟ اثبات وجود خدا، صفات خداوند، ضرورت معاد و مسئله جبر و اختیار
- آیا نهضت ترجمه منحصر به دانش فلسفه بود؟ توضیح دهید.
- خیر، نهضت ترجمه منحصر به دانش فلسفه نبود بلکه علوم گوناگون از قبیل منطق، فلسفه، نجوم، ریاضیات، طب، ادب و سیاست را هم شامل می شد و در نتیجه آن، کتاب های فراوانی از زبان های یونانی، پهلوی، هندی و سریانی و در رشته های مختلف علمی ترجمه شدند.
- ۴- یکی از موارد اهمیت نهضت ترجمه و یادگیری از دیگران را بنویسید .
- در آن عصر، نهضت ترجمه و یادگیری از دیگران آن قدر اهمیت داشت که گفته اند حُنین بن اسحاق، مترجم معروف و زبردست آن زمان، گاهی معادل وزن کتابی که ترجمه کرده بود، زر دریافت می کرد.
- ۵- پیامدها و نتایج نهضت ترجمه را بنویسید .
- از این طریق، مسلمانان به زودی معارف پیشینیان را فرا گرفتند و در تمامی رشته های دانش سرآمد ملت های زمان خود شدند.
- در فلسفه یادگارهای فیلسوفان بزرگ یونان را آموختند و با نقد و بررسی آراء آن حکیمان، نظام فلسفی نوینی را سامان بخشیدند که ضمن برخورداری از آراء افلاطون و به ویژه ارسطو، در بردارنده اندیشه های جدیدی بود که تا آن روزگار سابقه نداشت.
- ۶- کدام کتاب فارابی نوعی شرح فلسفی به شمار می رود و موضوع اصلی آن چیست ؟
- «الجمع بین رأى الحكيمين» (جمع میان نظرات دو حکیم) - فارابی با میراث فلسفی یونان، به خصوص آراء افلاطون و ارسطو، به خوبی آشنا بود و توانست نقاط مشترک اندیشه های آن دو را بیابد و در این کتاب ارائه کند.
- ۷- موضوع کتاب «اغراض ارسطو فی کتاب مابعدالطبیعه» فارابی چیست؟
- فارابی در این کتاب با دقت و توانایی بسیار، نظرات ارسطو را شرح می کند و نکات پیچیده آن را آشکار می سازد؛ چنان که بعدها راهنمای ابن سینا در فهم کتاب ارسطو می شود.
- ۸- فارابی چگونه توانست فلسفه مشائی را در جهان اسلام بنا نهد؟
- فارابی به علت آشنایی عمیق با تعالیم اسلام، توانست آموخته های خود از افلاطون و ارسطو و سایر فیلسوفان گذشته را در یک نظام فلسفی جدید عرضه کند و فلسفه مشائی را در جهان اسلام بنا نهد.
- ۹- با توجه به فلسفه سیاسی فارابی انسان چگونه موجودی است؟
- فارابی انسان را مدنی بالطبع می داند و معتقد است که به حسب فطرت و طبع خود به جامعه گرایش دارد و می خواهد با همنوعان خویش زندگی کند.

۱۱- مدینه فاضله از نظر فارابی

بهترین مدینه ها، مدینه ای است که مردم آن به اموری مشغول و به فضایلی آراسته اند که مدینه را به سوی سعادت می برد

۱۲- مدینه فاضله را تعریف کنید و بنویسید فارابی آن را به چه تشییه می کند؟

مدینه ای که مردم آن به اموری مشغول و به فضایلی آراسته اند که در نهایت آن مدینه را به سوی سعادت رهنمون می سازد-

بدن انسان سالم

۱۳- دو شبهات مدینه فاضله و بدن انسان را از دیدگاه فارابی بنویسید.

در بدنه قلب ریاست دارد. مثل رئیس در مدینه فاضله - در هر دو میان اجزاء ، سلسله مراتب وجود دارد.

۱۴- فارابی مدینه فاضله را به چه چیزی تشییه کرده است ؟ وجود تشابه آنها را بنویسید. بدن انسان سالم -

تشابه: در بدنه قلب ریاست دارد. مثل رئیس در مدینه فاضله - در هر دو میان اجزاء ، سلسله مراتب وجود دارد.

۱۵- ویژگی های رئیس مدینه فاضله از نظر فارابی چیست و این ویژگی ها در چه کسانی وجود دارد؟

ریاست جامعه باید بر عهده کسی باشد که روحی بزرگ و سرشتی عالی دارد باید به عالی ترین درجات تعقل رسیده است

که بتواند احکام و شرایع را دریافت کند. رهبر جامعه کسی جز پیامبر خدا نیست. پیامبر می تواند با ملک وحی اتصال

دائمی داشته باشد.

۱۶- آیا اتصال دائمی با ملک وحی فقط به پیامبر اسلام اختصاص دارد؟ و این اتصال چه امکانی به پیامبران می دهد ؟

خیر- این ویژگی برای امامان و جانشینان او هم هست و همین اتصال پیوسته با عالم بالا به پیامبران امکان می دهد که جامعه را به درستی و در جهت نیل به سعادت حقیقی رهبری کنند.

۱۷- تعریف مدینه جاهله نزد فارابی چیست و این فیلسوف مسلمان ، آن را در مقابل کدام مدینه قرار می دهد و ویژگی های آن

را چه می داند؟

در مدینه جاهله هدف مردم فقط سلامت جسم و فراوانی لذت هاست.

آنها گمان می برند که اگر به چنین لذت هایی دست یافتند، به سعادت رسیده و اگر دست نیافتدند، به بدبوختی افتاده اند.

۱۸- هر یک از موارد سمت راست با کدام یک از گزینه ها در سمت چپ مرتبط است؟

۱- دستیابی به سعادت دنیا و آخرت

الف) بنیان گذار و مؤسس حکمت مشائی

۲- فقط سلامت جسم و فراوانی لذت ها

ب) اولین فیلسوف مشهور مسلمان

۳- فارابی

ج) هدف مردم مدینه جاهله از نظر فارابی

۴- ابویوسف یعقوب بن اسحاق

د) هدف اصلی تشکیل مدینه از نظر فارابی

الف : ۳ ب : ۴ ج : ۲ د : ۱

سوالات پاسخ گوایا

- ۱- از ورود فلسفه به جهان اسلام در حدود چند قرن می گذرد؟ سیزده قرن
- ۲- از حیات علمی که مسلمانان در حدود سیزده قرن گذشته داشتند به چه نوع حیاتی تعبیر می شد؟ حیات فلسفی
- ۳- «حیات علمی و فلسفی» در چه نوع جامعه ای جوانه می زند و رشد می کند؟ در جامعه ای که «حیات عقلی» وجود داشته باشد.
- ۴- حیات علمی و حیات فلسفی از میوه ها و ثمرات کدام نوع حیات به شمار می روند؟ حیات عقلی
- ۵- بحث و گفت و گوی عقلی در مسائل اعتقادی دین از چه زمانی آغاز شد؟ از عصر رسول خدا
- ۶- اولین فیلسوف مشهور مسلمان چه نام دارد و در حدود چند کتاب و رساله از خود به یادگار گذاشته است؟
ابویوسف یعقوب بن اسحاق - حدود ۲۷۰ کتاب و رساله
- ۷- سرچشمه های حیات عقلی و فلسفی مسلمانان کجاست؟
- ۸- حیات عقلی مسلمانان از همان ابتدای ظهور اسلام آغاز شد و بعد از دو قرن، به حیات فلسفی انجامید.
- ۹- «حیات عقلی» در جامعه اسلامی چگونه پایه گذاری شد؟
پیامبر اکرم (ص) و قرآن کریم حیات عقلی در جامعه اسلامی را پایه گذاری کردند.
- ۱۰- آن دسته از دانشمندانی که موضوعات اعتقادی دین را با استدلال و منطق مورد بحث قرار می دهند چه نامیده می شدند؟ متکلم
- ۱۱- متکلمان اسلامی موضوعات اعتقادی دین را با چه ابزاری مورد بحث و بررسی قرار می دادند؟ با استدلال و منطق
- ۱۲- یکی از زمینه های شکل گیری «حیات فلسفی» در جهان اسلام چه بود و از چه زمانی آغاز شد؟ نهضت ترجمه-قرن دوم هجری
فلسفه اسلامی در آغاز به چه نامی معروف بود و چرا؟
- ۱۳- تفکر فلسفی اسلامی به خاطر مؤسس اول آن، ارسطو، به «حکمت مشاء» معروف شد.
- ۱۴- فلسفه اسلامی در آغاز چه سرشتی داشت و متکی بر آراء کدام فیلسوف بود؟ سرشتی کاملاً استدلالی- متکی بر آراء ارسطو
دو حکیم از بزرگ ترین حکماء مشاء را نام ببرید. فارابی و ابن سينا
- ۱۵- بنیان گذار و مؤسس حکمت مشائی چه کسی است؟ فارابی
- ۱۶- ارسطو در مباحث فلسفی بیش از هر چیز به چه نوع قیاس تکیه می کرد و نبوغ استدلالی، کدام فیلسوف صورت استدلال را با ظرفی ترین موشكافی ها آراست؟ برهانی- ابن سينا
- ۱۷- کدام فیلسوف اسلامی در فلسفه سیاست، نظریه پرداز بود؟ فارابی
- ۱۸- دیدگاه ویژه ای که فارابی در فلسفه سیاست مطرح کرده بود، به دیدگاه کدام فیلسوف یونانی نزدیک است؟ افلاطون
- ۱۹- کدام کتاب فارابی راهنمای درک افکار فلسفی ارسطو است؟ «اغراض ارسطو فی کتاب مابعدالطبعه»
- ۲۰- کدام فیلسوف مسلمان در سیاست بسیار اندیشید و آثار متعددی در این زمینه نوشت. اما هرگز مشاغل سیاسی را نپذیرفت و با اهل سیاست معاشرت نداشت؟ فارابی
- ۲۱- هدف اصلی تشکیل مدینه از نظر فارابی چیست؟ دستیابی به سعادت دنیا و آخرت
- ۲۲- مسیر سعادت و کمال انسان نزد فارابی کجاست؟
به عقیده فارابی، مسیر سعادت و کمال انسان از زندگی اجتماعی می گذرد.
- ۲۳- چرا ریاست جامعه باید به عالی ترین درجات تعقل رسیده باشد؟ تا بتواند احکام و شرایع را دریافت کند.
- ۲۴- فارابی مدینه جاهله را در مقابل کدام مدینه قرار می دهد و معتقد است که مهم ترین تفاوت آن دو مدینه در چیست؟
فضلله - هدف

جاهای خالی را با استفاده از کلمات مناسب کامل کنید.

- سیزده قرن است که مسلمانان نوعی «حیات» دارند که از آن به «حیات» تعبیر می کنیم. علمی - فلسفی «حیات و» در جامعه ای جوانه می زند و رشد می کند که «حیات عقلی» وجود داشته باشد. علمی - فلسفی حیات علمی و حیات فلسفی از میوه ها و ثمرات «حیات» اند. عقلی اولین مشهور مسلمان به نام «ابویوسف یعقوب بن اسحاق» ظهرور کرد. فیلسوف
- در قرآن کریم و گفتار و رفتار رسول خدا شاهد ارزش قائل شدن برای اصل و بودیم. تفکر - خردورزی
- در قرآن کریم و گفتار و رفتار رسول خدا شاهد تکریم علم به عنوان ثمره و بودیم. تفکر - خردورزی
- در قرآن کریم و گفتار و رفتار رسول خدا شاهد مذمت پیوسته، بعنوان یک ویژگی در جامعه بودیم. نادانی یا جهل - منفی از عصر رسول خدا بحث و گفت و گوی در مسائل آغاز شد. عقلی - اعتقادی
- در قرن اوّل هجری، دانشمندانی تربیت شدند که در روش و در مسائل اعتقادی به تعلیم و کتابت اشتغال داشتند. عقلی - استدلالی
- ۱- دانشمندان قرن اوّل هجری به روش عقلی و استدلالی در برخی از مسائل اعتقادی مانند و متبحر بودند. جبر و اختیار (یا اثبات وجود خدا، صفات خداوند، ضرورت معاد)
- ۱۱- دانشمندانی، که موضوعات اعتقادی دین را با استدلال و مورد بحث قرار می دهند..... نامیده می شوند. منطق - متكلم
- ۱۲- حیات مسلمانان از ابتدای ظهور اسلام آغاز شد و بعد از دو قرن، به حیات انجامید. عقلی - فلسفی
- ۱۳- نهضت ترجمه متون که از قرن هجری آغاز شد، یکی از زمینه های شکل گیری «حیات» در جهان اسلام بود. دوم - فلسفی
- ۱۴- نهضت ترجمه منحصر به دانش نبود بلکه علوم گوناگون از قبیل را شامل می شد. فلسفه - سیاست (منطق نجوم، ریاضیات، طب ادب)
- ۱۵- فلسفه اسلامی در آغاز سرشتی کاملاً داشت و متكی بر آراء بود. استدلالی - ارسطو
- ۱۶- شیوه تفکر فلسفی اسلامی به خاطر مؤسس اوّل آن،، به «حکمت» معروف شد. ارسطو - مشاء
- ۱۷- و بزرگ ترین حکماء مشاه محسوب می شوند. فارابی - ابن سينا
- ۱۸- عالمان و مورخان فلسفه، را بنیان گذار و مؤسس حکمت مشائی می دانند که به «علم» شهرت یافت. فارابی - ثانی
- ۱۹- فارابی در فلسفه نظریه پرداز بود و دیدگاه ویژه ای را مطرح کرد که به دیدگاه نزدیک است. سیاست - افلاطون
- ۲۰- فارابی نقاط مشترک اندیشه های و را در کتابی با عنوان «الجمع بین رأى الحكيمين» ارائه کرد. ارسطو - افلاطون
- ۲۱- کتاب «اغراض ارسطو فی کتاب مابعدالطبيعه» راهنمای در فهم کتاب مابعدالطبيعه ارسطو شد. فارابی - ابن سينا
- ۲۲- فارابی انسان را مدنی می داند که به حسب خود به جامعه گرایش دارد و می خواهد با همنوعان خویش زندگی کند. بالطبع - فطرت
- ۲۳- به عقیده فارابی، مسیر و انسان از زندگی اجتماعی می گذرد. سعادت - کمال
- ۲۴- به عقیده فارابی، اصلی جامعه و مدینه، در دنیا و آخرت است. هدف - سعادت
- ۲۵- مدینه مدینه ای است که مردم آن به اموری مشغول و به فضایی آرایسته اند که مدینه را به سوی می برد. فاضله - سعادت
- ۲۶- فارابی مدینه فاضله را به بدنه تشبيه می کند که هر عضو آن متناسب با ویژگی خود دارد. سالم - وظیفه ای
- ۲۷- به عقیده فارابی همان طور که بر همه اعضای بدن ریاست دارد، در مدینه هم کسی باید بر دیگران برتری داشته باشد و بر آنان ریاست کند. قلب - فاضله
- ۲۸- ریاست جامعه باید بر عهده کسی باشد که بزرگ و عالی دارد . روحی - سرشتی
- ۲۹- جامعه باید به عالی ترین درجات رسیده است که بتواند احکام و شرایع را دریافت کند. ریاست - تعقل
- ۳۰- رهبر جامعه کسی جز نیست که می تواند با اتصال دائمی داشته باشد. پیامبر خدا - ملک وحی
- ۳۱- اتصال پیوسته با عالم بالا به امکان می دهد که جامعه را به درستی و در جهت نیل به سعادت ... رهبری کنند. پیامبران - حقیقی
- ۳۲- فارابی مدینه را در مقابل مدینه ، قرار می دهد. جاھله - فاضله
- ۳۳- معتقد است که مهم ترین تفاوت مدینه جاھله با مدینه فاضله در آن است. فارابی - هدف

تعیین کنید کدام عبارت صحیح و کدام غلط می باشد.

- ۱ از ورود فلسفه به جهان اسلام در حدود فقط چند قرن می گذرد. نادرست
- ۲ در حقیقت سیزده قرن است که مسلمانان نوعی «حیات فلسفی» دارند که از آن به «حیات علمی» تعبیر می کنیم. نادرست
- ۳ «حیات علمی و فلسفی» در جامعه ای جوانه می زند و رشد می کند که «حس و تجربه» وجود داشته باشد. نادرست
- ۴ حیات علمی و حیات فلسفی از میوه ها و ثمرات «حیات عقلی» اند. درست
- ۵ اولین فیلسوف مشهور مسلمان به نام «ابویوسف یعقوب بن اسحاق» ظهر کرد. درست
- ۶ وجود «حیات عقلی» در یک جامعه و حضور عقلانیت و احترام به عقل، مانند زمین آماده و مستعد برای کشت است. درست
- ۷ مورخان علم گزارش داده اند که حیات تعقّلی مسلمانان با ظهور اسلام و تشکیل جامعه اسلامی مقارن بوده است. درست
- ۸ پیامبر اکرم (ص) و قرآن کریم «حیات عقلی» جامعه اسلامی را پایه گذاری کردند. درست
- ۹ در قرآن کریم و گفتار و رفتار رسول خدا شاهد ارزش قائل شدن برای اصل تفکر و خردورزی هستیم. درست
- ۱۰ در قرآن کریم و گفتار و رفتار رسول خدا شاهد تکریم علم به عنوان ثمره تفکر و خردورزی هستیم. درست
- ۱۱ در قرآن کریم و گفتار و رفتار رسول خدا شاهد تکریم پیوسته عالمان و دانشمندان هستیم. درست
- ۱۲ دو قرن پس از نزول قرآن کریم است که مباحث علمی و عقلی و فلسفی و به کار گرفتن شیوه های مختلف استدلال در جامعه اسلامی مطرح گردید. نادرست
- ۱۳ تنها در در قرآن کریم است که ما شاهد مذمت پیوسته نادانی و جهل، بعنوان یک ویژگی منفی در جامعه بودیم. درست
- ۱۴ در قرآن کریم و گفتار و رفتار رسول خدا، هیچگاه شاهد دعوت به یادگیری علوم دیگر ملت ها و تمدن ها و استفاده از آنها نبوده ایم. نادرست
- ۱۵ بعد از عصر رسول خدا، بحث و گفت و گوی عقلی در مسائل اعتقادی آغاز شد. نادرست
- ۱۶ در قرن سوم هجری، دانشمندانی تربیت شدند که در روش عقلی و استدلالی در مسائل اعتقادی مانند اثبات وجود خدا، به تعلیم و کتابت اشتغال داشتند. نادرست
- ۱۷ دانشمندانی، که موضوعات اعتقادی دین را با استدلال و منطق مورد بحث قرار می دهند، فیلسوف نامیده می شوند. نادرست
- ۱۸ نهضت ترجمه متون که از قرن دوم هجری آغاز شد، یکی از زمینه های شکل گیری «حیات علمی» در جهان اسلام بود. نادرست
- ۱۹ نهضت ترجمه منحصر به دانش فلسفه بود و علوم گوناگون از قبیل نجوم، ریاضیات، طب و سیاست را شامل نمی شد. نادرست
- ۲۰ در نهضت ترجمه، کتاب های فراوانی از زبان های یونانی، پهلوی، هندی و سریانی و در رشته های مختلف علمی ترجمه شدند. درست
- ۲۱ حنین بن اسحاق، مترجم معروف و زیردست، گاهی معادل وزن کتابی که ترجمه کرده بود، زر دریافت می کرد. درست
- ۲۲ فلسفه اسلامی در آغاز سرشنی کاملاً استدلالی داشت و متکی بر آراء ارسطو بود. درست
- ۲۳ افلاطون در مباحث فلسفی بیش از هر چیز به قیاس برهانی تکیه کرده بود. نادرست
- ۲۴ فلسفه اسلامی تحت تأثیراندیشه های ارسطو، صورت استدلالی قوی به خود گرفت و نبوغ استدلالی ابن سینا، این صورت را با ظریف ترین موشكافی ها آراست. درست
- ۲۵ شیوه تفکر فلسفی اسلامی تحت تأثیراندیشه های مؤسس اوّل آن، ارسطو، به «حکمت مشاء» معروف شد. درست
- ۲۶ فارابی و ابن سینا بزرگ ترین حکماء مشاء محسوب می شوند. درست
- ۲۷ فارابی از محضر ابوبشر متی بن یونس که از حکیمان و مترجمان نامدار بود، بهره برد و فلسفه آموخت. درست
- ۲۸ عالمان و مورخان فلسفه، ابن سینا را بنیان گذار و مؤسس حکمت مشائی می دانند. نادرست

- ۲۹- فارابی در فلسفه سیاست نظریه پرداز بود و دیدگاه ویژه ای را مطرح کرد که به دیدگاه ارسسطو نزدیک است. نادرست
- ۳۰- ابن سینا نقاط مشترک اندیشه های افلاطون و ارسسطو را در کتابی با عنوان «الجمع بین رأي الحكيمين» ارائه کند. نادرست
- ۳۱- فارابی در کتاب «اغراض ارسسطو فی کتاب مابعدالطبیعه» با دقت و توانایی بسیار، نظرات ارسسطو را شرح کرد و نکات پیچیده آن را آشکار ساخت. درست
- ۳۲- کتاب «اغراض ارسسطو فی کتاب مابعدالطبیعه» فارابی در شرح افکار پیچیده ارسسطو، راهنمای ابن سینا در فهم کتاب ارسسطو شد. درست
- ۳۳- فارابی به علت آشنایی عمیق با تعالیم اسلام واز طریق آموخته های افلاطون و ارسسطو و سایر فیلسوفان گذشته، یک نظام فلسفی جدید عرضه کرد و فلسفه مشائی را در جهان اسلام بنا نهاد. درست
- ۳۴- فارابی پس از ارسسطو لقب «معلم» گرفت و به «معلم ثانی» شهرت یافت. درست
- ۳۵- فارابی هرگز مشاغل سیاسی را نپذیرفت و با اهل سیاست معاشرت نداشت. درست
- ۳۶- فارابی در سیاست بسیار اندیشید و آثار متعددی در این زمینه نوشت. درست
- ۳۷- فارابی انسان را مدنی بالطبع می داند. درست
- ۳۸- فارابی معتقد است که انسان به حسب فطرت و طبع خود به جامعه گرایش دارد و می خواهد با همنوعان خویش زندگی کند. درست
- ۳۹- به عقیده فارابی، مسیر سعادت و کمال انسان از زندگی اجتماعی می گذرد. درست
- ۴۰- به عقیده فارابی، هدف اصلی جامعه و مدینه، سعادت در دنیا و آخرت است. درست
- ۴۱- مردم مدینه فاضله، به اموری مشغول و به فضایلی آراسته اند که مدینه را به سوی سعادت می برد. درست
- ۴۲- فارابی مدینه فاضله را به بدنه سالم تشبیه می کند که هر عضو آن متناسب با ویژگی خود وظیفه ای دارد و آن وظیفه را به نحو احسن انجام می دهد. درست
- ۴۳- به عقیده فارابی همان گونه که در اعضای بدن، برخی بر برخی تقدم دارند، برخی از اعضای جامعه بر برخی دیگر مقدم اند. درست
- ۴۴- به عقیده فارابی چون قلب بر همه اعضای بدن ریاست دارد، در مدینه فاضله هم کسی باید بر دیگران برتری داشته باشد و بر آنان ریاست کند. درست
- ۴۵- به عقیده فارابی ریاست جامعه باید بر عهده کسی باشد که روحی بزرگ و سرشتی عالی دارد. درست
- ۴۶- به عقیده فارابی ریاست جامعه باید به عالی ترین درجات تعقل رسیده است که بتواند احکام و شرایع را دریافت کند. درست
- ۴۷- به عقیده فارابی، رهبر مدینه فاضله کسی جز پیامبر خدا نیست. درست
- ۴۸- فقط پیامبر(ص) است که می تواند با ملک وحی اتصال دائمی داشته باشد. نادرست
- ۴۹- فارابی مدینه جاهله را در مقابل مدینه فاضله، قرار می دهد درست.
- ۵۰- فارابی معتقد است که مهم ترین تفاوت مدینه جاهله با مدینه فاضله در هدف آن است. درست
- ۵۱- در مدینه جاهله هدف مردم فقط سلامت جسم و فراوانی لذت هاست. درست
- ۵۲- مردم مدینه فاضله گمان می برند که اگر به لذت هایی جسمی دست یافتنند، به سعادت رسیده و اگر دست نیافتدند، به بدبوختی افتاده اند. نادرست

سوالات تستی

- ۱- کدام عبارت با نظر پیشوایان اسلام درباره حکمت و طلب آن سازگار است ؟ (سراسری ۹۷)
- ۱) منحصر به افرادی است که عقل آنان به کمال رسیده باشد . ۲) با وجود قرآن نیازی به جستجوی آن در منابع دیگر نیست.
- ۳) در هر کجا و با هر شخصی که باشد، باید به دنبال یافتن آن بود ^۴) موهبت خاص الهی است که از راه جستجو نمی توان آن را یافت.
- ۲- کدام عبارت در مورد حیات علمی و فلسفی درست نیست؟
- ۱) حیات علمی و حیات فلسفی از میوه ها و ثمرات «حیات عقلی» اند.
- ۲) حیات عقلی مسلمانان از همان ابتدای ظهور اسلام آغاز شد و بلاعاقله به حیات فلسفی منجر شد.
- ۳) پیامبر اکرم (ص) و قرآن کریم «حیات عقلی» جامعه اسلامی را پایه گذاری کردند.
- ۴) یکی از زمینه های رشد حیات عقلی، ارزش قائل شدن برای اصل تفکر و خردورزی توسط پیامبر (ص) و قرآن کریم هستیم.
- ۳- کدام گزینه درست نیست؟
- ۱) از عصر رسول خدا بحث و گفت و گوی عقلی در مسائل اعتقادی آغاز شد.
- ۲) در قرن اول هجری، دانشمندانی تربیت شدند که در روش عقلی و استدلالی در مسائل اعتقادی مانند اثبات وجود خدا متبخر بودند
- ۳) دانشمندانی، که موضوعات اعتقادی دین را با استدلال و منطق مورد بحث قرار می دهند، متکلم نامیده می شوند.
- ۴) مورخان علم گزارش داده اند که حیات تعقلی مسلمانان یک قرن پس از ظهور اسلام شکل گرفت.
- ۴- در کدام گزینه، زمینه رشد حیات عقلی قابل مشاهده در قرآن کریم و گفتار و رفتار رسول خدا، ذکر نشده است ؟
- ۱) تکریم علم به عنوان ثمرة تفکر و خردورزی.
- ۲) طرح مباحث کلامی و به کار گرفتن شیوه های مختلف جدل از همان عصر رسول خدا.
- ۳) مذمت پیوسته نادانی و جهل، به طوری که در جامعه یک ویژگی منفی تلقی شود.
- ۴) دعوت به یادگیری علوم دیگر ملت ها و تمدن ها و استفاده از آنها.
- ۵- در زمینه نهضت ترجمه و آشنایی مسلمین با فلسفه یونان کدام گزینه صحیح نیست ؟
- ۱) نهضت ترجمه متون که از قرن اول هجری آغاز شد، یکی دیگر از زمینه های شکل گیری «حیات فلسفی» در جهان اسلام بود.
- ۲) نهضت ترجمه منحصر به دانش فلسفه نبود بلکه علوم گوناگون از قبیل منطق، نجوم، ریاضیات، طب ادب و سیاست را شامل می شد.
- ۳) در نتیجه نهضت ترجمه کتاب های فراوانی از زبان های یونانی، پهلوی، هندی و سریانی در رشته های مختلف علمی ترجمه شدند
- ۴) نهضت ترجمه چنان اهمیت یافت که گفته اند حنین بن اسحاق، مترجم معروف گاهی معادل وزن کتاب ترجمه شده زر دریافت می کرد.
- ۶- کدام حکیم اسلامی را می توان «اولين فيلسوف مشهور اسلام» دانست و کدام حکیمان بزرگ ترین حکماً مشاهء محسوب می شوند و نهضت ترجمه متون که از چه قرنی آغاز شد ؟
- ۱) ابویوسف یعقوب بن اسحاق - ابن سینا و ابن رشد - قرن اول هجری
- ۲) ابویوسف یعقوب بن اسحاق - فارابی و ابن سینا - قرن دوم هجری
- ۳) ابونصر محمد فارابی - ابن سینا و ابن رشد - قرن اول هجری
- ۴) ابونصر محمد فارابی - فارابی و ابن سینا - قرن دوم هجری
- ۷- مؤسس فلسفه اسلامی در قالب یک نظام فلسفی با سرشت کاملاً استدلالی، متکی به و بود و نبوغ استدلالی ، این صورت را با ظریف ترین موشکافی ها آراست.
- ۱) قیاس برهانی - ابن سینا - ابونصر فارابی
- ۲) آراء ارسسطو - ابن سینا - ابونصر فارابی
- ۳) قیاس برهانی - ابونصر فارابی - ابن سینا
- ۴) آراء ارسسطو - ابونصر فارابی - ابن سینا

- ۸- کدام کتاب فارابی راهنمای درک افکار فلسفی ارسسطو است؟ (خارج کشور ۹۷)
- (۱) فصوص الحكم (۲) فی معانی العقل (۳) جمع رای بین دو حکیم (۴) اغراض مابعدالطبيعه
- ۹- فیلسوف سیاسی اسلام که هرگز مشاغل سیاسی را نپذیرفت و در سیاست بسیار اندیشید و آثار متعددی در این زمینه نوشت..... و کتاب راهنمای ابن سينا در فهم کتاب ارسسطو شدو مؤسس حکمت مشاء بود.
- (۱) ابن سينا- مابعدالطبيعه ارسسطو - فارابی (۲) ابن سينا- مابعدالطبيعه ارسسطو - ابن سينا
- (۳) فارابی- اغراض مابعدالطبيعه فارابی- فارابی (۴) فارابی- اغراض مابعدالطبيعه فارابی - ابن سينا
- ۱۰- مهم ترین فیلسوف سیاسی اسلام که هرگز مشاغل سیاسی را نپذیرفت و با اهل سیاست معاشرت نداشت که بود و به کدام لقب ملقب شد و دلیل آن لقب چه بود؟ کنکور سراسری سال ۸۵ با کمی تصرف
- (۱) ابن سينا- حجه الحق- مؤسس حکمت مشایی بود. (۲) فارابی- معلم ثانی- مؤسس حکمت مشایی بود.
- (۳).فارابی- معلم ثانی- به همه علوم زمان خود احاطه داشت. (۴) ابن سينا- حجه الحق- به همه علوم زمان خود احاطه داشت.
- ۱۱- کدام کتاب نوعی شرح فلسفی به شمار می رود و سعادت حقیقی از نظر فارابی کدام است؟ کنکور خارج کشور ۹۸ با کمی تصرف
- (۱) اغراض مابعدالطبيعه- ریاست مدینه فاضله (۲) اغراض مابعدالطبيعه- اتصال با ملک وحی
- (۳) رساله جمع بین رای دو حکیم - ریاست مدینه فاضله (۴) رساله جمع بین رای دو حکیم - اتصال با ملک وحی
- ۱۲- پدیدآور کتاب اغراض ارسسطو فی کتاب مابعدالطبيعه کیست و هدف از تألیف آن چه بود؟
- (۱) ابونصر فارابی- احیای حکمت ارسسطو (۲) ابن سينا - احیای حکمت ارسسطو
- (۳) ابونصر فارابی- شرح نظرات ارسسطو (۴) ابن سينا - شرح نظرات ارسسطو
- ۱۳- کتاب «الجمع بین رأى الحكيمين» تألیف کدام فیلسوف و موضوع اصلی آن چیست؟
- (۱) ابونصر فارابی- دستیابی به نقاط مشترک اندیشه های ارسسطو و افلاطون (۲) شیخ اشراق - دستیابی به نقاط مشترک اندیشه های ارسسطو و افلاطون
- (۳) شیخ اشراق - ارزیابی نظر موافق و مخالف ارسسطو و افلاطون (۴) ابونصر فارابی- ارزیابی نظر موافق و مخالف ارسسطو و افلاطون
- ۱۴- عالمان و مورخان فلسفه کدام فیلسوف را بنیان گذار و مؤسس حکمت مشائی می دانند و دیدگاه ویژه ای که فارابی در فلسفه سیاست مطرح کرده بود، به دیدگاه کدام فیلسوف نزدیک است؟
- (۱) ابونصر فارابی- ارسسطو (۲) ابویوسف یعقوب بن اسحاق - ارسسطو
- (۳) ابونصر فارابی- افلاطون (۴) ابویوسف یعقوب بن اسحاق - افلاطون
- ۱۵- با توجه به نظر فارابی از «مدنی بالطبع بودن انسان» کدام مطلب را نمی توان برداشت کرد؟ کنکور سراسری ۹۵
- (۱) گرایش به اجتماع در بشر غیراکتسابی است . (۲) نیاز متقابل انسان ها را به سوی یکدیگر کشانده است .
- (۳) بشر ناخواسته و ناآگاهانه به تشکیل اجتماع تن داده است. (۴) بدون زندگی اجتماعی ، دستیابی به سعادت غیرممکن است .
- ۱۶- با توجه به آراء و نظرات سیاسی و اجتماعی فارابی، کدام مورد درست نیست؟
- (۱) انسان بر حسب طبیعت خود، موجودی اجتماعی است. (۲) مسیر سعادت و کمال انسان از زندگی اجتماعی می گذرد.
- (۳) هدف اصلی جامعه و مدینه، دستیابی انسان به سعادت در دنیا است. (۴) انسان به حسب فطرت و طبع خود به جامعه گرایش دارد و می خواهد با همنوعان خویش زندگی کند.

- ۱۷- گرایش فطری به سوی جامعه و زندگی کردن با همنوعان خویش و گذر مسیر سعادت و کمال انسان از زندگی اجتماعی به منظور دست یابی به طرح و نظریه بود.
- (۱) مدینه فاضله- ارسطو (۲) مدینه فاضله- فارابی (۳) سعادت دنیا و آخرت- ارسطو (۴) سعادت دنیا و آخرت- فارابی
- ۱۸- کدام یک از ویژگی های لازم برای زعیم مدینه فاضله نیست؟ کنکور سراسری ۹۶
- (۱) نبوت (۲) خردمندی (۳) سرشت عالی (۴) توانایی اداره مردم
- ۱۹- کدام مورد جزء ویژگی های زعیم مدینه فاضله نیست؟ کنکور سراسری خارج کشور ۹۵
- (۱) احاطه به علوم مختلف مورد نیاز اجتماع (۲) آراستگی به فضیلت ها و کمالات انسانی
 (۳) توانایی ایجاد شرایط لازم برای رشد جامعه (۴) توانایی بیان مصالح مردم و احکام الهی به زبان مردم
- ۲۰- از دیدگاه معلم ثانی، کدام مورد به پیامبران این امکان را می دهد که جامعه را به درستی و در جهت نیل به سعادت حقیقی رهبری کند؟
- (۱) اتصال دائمی با ملک و حی (۲) داشتن روحی بزرگ و سرشتی عالی
 (۳) قدرت عقل قوی که مرتبط با طبیعت است. (۴) وسعت روح برتر که مرتبط با طبیعت است
- ۲۱- مردم مدینه ی جاھله چنانند که کنکور سراسری ۹۳
- (۱) سلامت جسم را خیر و خوبی می شمرند و در پی آن هستند.
 (۲) اگر به سعادت دست نیابند، گمان کنند که به بدبوختی افتاده اند.
 (۳) اگر از سعادت راستین گفته شود، نظر آنان تغییری نمی کند.
 (۴) سعادت را نمی شناسند و هرگز نمی توانند آن را بشناسند
- ۲۲- فارابی مدینه جاھله را در مقابل مدینه، قرار می دهد و مهم ترین تفاوت آنها را در آنها می داند.
- (۱) مدینه های متعددی- سعادت (۲) مدینه های متعددی- هدف
 (۳) مدینه فاضله - هدف (۴) مدینه فاضله - سعادت

بخش سوم : درس دهم : فلسفه در جهان اسلام (۲)

□ شیخ الرئیس فلسفه :

حسین بن عبدالله بن سینا که در مشرق زمین به «ابن سینا» و «ابوعلی سینا» و با القاب باشکوه «شیخ الرئیس» و «حجه الحق» شهرت دارد و در اروپا او را «اویسن» و «اویستا» و «شاهزاده اطباء» می‌نامند، از داناترین و پرآوازه ترین حکما و دانشمندان ایرانی و از مشاهیر علم و حکمت در سراسر جهان است.

ابن سینا در سال ۳۷۰ هجری در یکی از روستاهای بخارا متولد شد.

ابن سینا در زندگی نامه‌ای که برای شاگرد و فادر خود، ابوعُبید جوزجانی، نگاشته مراحل رشد علمی و فلسفی خود را توضیح داده است. در این زندگی نامه آمده است که پدر ابن سینا وی را در همان کودکی به معلم قرآن و ادب می‌سپارد و او چنان در آموختن قرآن و ادب پیش می‌رود که مردم از میزان دانشش در ده سالگی تعجب می‌کرده اند.

ابن سینا در منطق و ریاضیات شاگرد ابوعبدالله ناتلی بود اماً به سرعت بر معلم خویش پیشی گرفت؛ به گونه‌ای که قسمت‌های دشوار کتاب را برای او روشن می‌کرد.

مطالعات او در فقه، ریاضیات، منطق، فلسفه و طب چنان عمیق و گستره بود که در شانزده سالگی بیشتر علوم زمان را فراگرفت

ابن سینا خود می‌گوید: «علم طب از علوم دشوار نیست و من پس از مدت کوتاهی در آن مهارت یافتم ... با این همه، از مناظره در علم فقه و آموختن آن فارغ نبودم. در آن زمان، شانزده سال از عمر من گذشته بود. پس، مدت یک سال و نیم دیگر نیز با جدیت به مطالعه پرداختم و باز دیگر منطق و سایر اجزاء فلسفه را دوره کردم. در این مدت، روزها و شب‌ها را به مطالعه و طلب علم می‌گذراندم. هنگام مطالعه، هر مطلبی به نظرم می‌آمد، مقدمات آن را می‌نوشتم، در آن نظر می‌کردم و شروط آن را منظور می‌داشتم تا آنکه حقیقت آن بر من معلوم می‌شد. اگر در مسئله‌ای حیران می‌ماندم و بر حدّ وسط قیاس آن راه نمی‌بردم، به مسجد جامع می‌رفتم و نماز می‌گزاردم و نزد مبدع کل، زاری و تضرع می‌کردم تا آنکه بر من آشکار می‌گردید و شب به خانه برمی‌گشتم و به قرائت و کتابت مشغول می‌شدم و چون خواب بر من غلبه می‌کرد یا ضعفی در خود مشاهده می‌کردم، تجدید قوا می‌کردم و باز به قرائت مشغول می‌شدم و بسیار بود که در خواب همان مسائل بر من مکشف می‌شد.»

روش ابن سینا در تحلیل مسائل فلسفی، عقلی و استدلالی است

ابن سینا این روش را که ارسسطو پایه گذاری کرد و بعدها وارد جهان اسلام شد، به اوج رساند.

ابن سینا فلسفه مشائی را به صورت مدون و نظام مند ارائه کرد.

□ تأییفات

ابن سینا در طول زندگی نسبتاً کوتاه و پر ماجرا خود بیش از دویست کتاب و رساله در شاخه های گوناگون علم و فلسفه نوشته که برخی از آنها قرن ها در مراکز علمی شرق و غرب تدریس شده اند و برخی امروز هم تدریس می شوند.
کتاب های زیر از مهم ترین آثار او هستند:

❖ قانون:

- ✓ نوعی فرهنگ نامه پزشکی است.
- ✓ از معروف ترین آثار ابن سینا به شمار می رود و به زبان های لاتین، انگلیسی، فرانسه و آلمانی ترجمه شده است.

❖ شفا:

- ✓ دایره المعارف عظیم علمی و فلسفی
- ✓ مشتمل بر موضوعاتی چون منطق، ریاضی، علوم طبیعی و الهی است.
- ✓ قسمت الهیات شفا که در بردارنده فلسفه ابن سیناست، کامل ترین مرجع حکمت مشائی است.
- ✓ هم اکنون در حوزه های علمی و مراکز دانشگاهی از مهم ترین کتب فلسفی به حساب می آید.

❖ نجات:

- ✓ شکل مختصر کتاب شفاست و به بیشتر زبان های زنده دنیا ترجمه شده است.

❖ انصاف:

- ✓ دارای بیست جزء و شامل ۲۸ هزار مسئله بوده است.
- ✓ در حمله غزنویان به اصفهان به غارت رفته و تنها چند جزء آن باقی مانده است.

❖ اشارات و تنبیهات:

آخرین دیدگاه های ابن سینا در حکمت را شامل می شود.

❖ دانشنامه علائی:

به زبان پارسی است و ابواب مختلف حکمت در آن مندرج است.
این کتاب در اصفهان و برای علاء الدوله، حاکم آن شهر نوشته شده است.

□ طبیعت شناسی ابن سینا

از نظر ابن سینا طبیعت مرتبه ای از هستی است که رو به مقصدی خاص دارد و این مقصد در ذات عالم طبیعت است.
علت نام گذاری این عالم به «طبیعت» بدان جهت است که اجزاء این عالم، هر کدام طبع و ذات خاصی دارند و خود این عالم نیز به عنوان یک «کل» طبع و ذاتی دارد که منشأ و مبدأ حرکات و تحولات آن است.
خداآنند، عالم طبیعت را با لطف و عنایت خود پدید آورده و همه اجزاء آن چنان ترکیب و تألیف شده اند که بهترین نظام ممکن، یعنی نظام احسن، را تحقق می بخشد.

به نظر ابن سینا طبیعتِ هر شیء آن را به سوی خیر و کمال مطلوبش سوق می دهد؛ به شرط اینکه مانعی در راه طبیعت قرار نگیرد. حتی آنچه ظاهرا شر و بدی به نظر می رسد، مانند پژمرده شدن یک گل یا مرگ یک جاندار یا حتی وقایع ویرانگر طبیعی همچون سیل و زلزله، همگی در یک نظم کلی جهانی تأثیر مثبت دارند و به کمال نهایی طبیعت کمک می کنند. به همین جهت، با نگاه کردن به بخش کوچکی از جهان طبیعت نمی توان درباره آن داوری کلی کرد؛ مثلاً زرد شدن برگ های سبز درختان در پاییز برای کسی که فقط پاییز را می بیند، حادثه ای ناگوار تلقی می شود اما کسی که چهار فصل را مشاهده می کند، می داند که پاییز نقش ویژه خود را در اعتدال طبیعت ایفا می کند.

ابن سینا از ما می خواهد که علاوه بر مطالعه عالم طبیعت، برای کشف ویژگی ها و روابط پدیده های آن (که به شکل گیری علوم طبیعی منجر می شود)، در رابطه وجودی این عالم با مبدأ کل جهان هستی نیز تأمل کنیم.

شیخ الرئیس می گوید:

آیا می دانی پادشاه کیست؟ پادشاه راستین آن توانگر و بی نیاز مطلق است که هیچ چیز از او بی نیاز نیست. ذات هرچیزی از اوست؛ زیرا ذات هر چیز یا از او پدید آمده یا از چیزی پدید آمده که خود آن چیز را خداوند به وجود آورده است. پس، همه چیزهای دیگر بنده و مملوک اوست و او به هیچ چیز محتاج نیست.«

از نظر ابن سینا، تأمل در رابطه طبیعت با ماوراء طبیعت و خدا در کنار تحقیق در روابط میان پدیده ها، دانشمند و محقق را از ظاهر پدیده ها عبور می دهد و به باطن آنها می رساند؛ آنها را به خشوع و خشیت در برابر حق وا می دارد و مصدق آیه شریفه «إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهُ مِنْ عِبَادِ الْعُلَمَاءِ» تنها بندگان عالم خداوند خشیت او را به دل دارند – می سازد.

□ حکیم اشراقی

شیخ شهاب الدین سهروردی از برگسته ترین چهره های حکمت اسلامی و فرهنگ ایران زمین، در سال ۵۴۹ هجری قمری در قریب سُهُرورد زنجان دیده به جهان گشود. تحصیل خود را در مراغه آغاز کرد.

پس از آن، به اصفهان رفت و با اندیشه های ابن سینا آشنا شد. سپس، عزم سفر کرد و سفرهای خود را با سلوک معنوی و عرفانی درآمیخت و به مجاهدت با نفس مشغول شد.

سهروردی اغلب ایام سال روزه داشت و در خلوت خود به ذکر و عبادت مشغول بود تا آنکه به مقامات عالی عرفان و برترین درجات حکمت نائل شد.

در همین دوره، مهم ترین کتاب خود «حکمه الاشراق» را نوشت و مکتبی جدید را در فلسفه اسلامی ارائه کرد. سهروردی در این کتاب از شیوه مشائیان فراتر می رود و حکمت اشراقی را پایه گذاری می کند.

روش فلسفی شیخ اشراق به ابن سینا احترام می گذشت و از او سپاسگزاری می کرد.

سهروردی می کوشید حکمت استدلالی ابن سینا را با چاشنی کشف و شهود قلبی به کمال رساند.

سهروردی با احیاء فلسفه نور و اشراق ایران باستان و تلفیق آن با عرفان اسلامی «حکمه الاشراق» را پایه گذاری کرد.

□ روش حکمت اشراق

- حکمت اشراق نوعی بحث از وجود است که تنها به نیروی عقل و ترتیب استدلال اکتفا نمی کند بلکه آن را با سیر و سلوک قلبی نیز همراه می سازد.
- فیلسوف اشراقی می کوشد آنچه را در مقام بحث و استدلال به دست آورده، با شهود قلبی و تجربه درونی دریابد و به ذاته دل برساند و آنچه را از طریق شهود کسب کرده است، با استدلال و برهان به دیگران تعمیم دهد.
- از نظر سهروردی، تحقیق فلسفی به شیوه استدلالیِ محض و بدون رسیدن به قلب بی نتیجه است و سیر و سلوک روحانی و قلبی هم بدون تربیت عقلانی گمراه کننده می باشد.

□ دسته بندی جویندگان معرفت

- سهروردی جویندگان معرفت را به چهار گروه تقسیم می کند:
 - آنان که تازه عطش و شوق معرفت یافته اند و جویای آن اند.
 - آنان که در فلسفه استدلالی به کمالی رسیده اند ولی از ذوق و عرفان بهره ای ندارند.
 - آنان که به طریقه برهان و فلسفه استدلالی توجهی ندارند و فقط تصفیه نفس می کنند و به شهودهایی دست یافته اند.
 - آنان که هم در صور برهانی به کمال رسیده اند و هم به اشراق و عرفان دست یافته اند. اینان حکیم متأله اند و بهترین دسته به حساب می آیند.

□ نظر شیخ اشراق حکیم متاله

«هرگاه اتفاق افتاد که در زمانی حکیمی غرق در تأله بوده و در بحث نیز استاد باشد، او را ریاست تامه بوده و خلیفه و جانشین خدا اوست ... جهان هیچ گاه از حکیمی که چنین باشد، خالی نیست زیرا برای مقام خلافت ضروری است که امور و حقایق را بی واسطه، از حق تعالی دریافت کند و البته مراد من از این ریاست، ریاست از راه قهر و غلبه نیست بلکه گاه باشد که امام تأله در ظاهر حاکم باشد و گاه به طور نهایی او راست ریاست تامه، اگرچه در نهایت گمنامی باشد. و چون ریاست واقعی جهان به دست او افتاد، زمان وی بس نورانی و درخشان شود و هرگاه جهان از تدبیر حکیمی الهی تهی ماند، ظلمت و تاریکی برآن سایه افکند»

□ اشراق نور

- شیخ اشراق مبدأ جهان و خالق هستی را نور محض می داند و او را «نورالانوار» می نامد.
- اشیاء از تابش و پرتو نور الانوار پدید آمده اند.
- هر واقعیتی «نور» است اما نه نور مطلق، بلکه درجه ای است از نور.
- تفاوت موجودات در شدت و ضعف نورانیت آنهاست.
- سه‌هودی می گوید:
- ذات نخستین، نور مطلق، یعنی خدا پیوسته نور افسانی (اشراق) می کند و بدین ترتیب، متجلی می شود و همه چیزها را به وجود می آورد و با اشعه خود به آنها حیات می بخشد.
- همه چیز در این جهان پرتوی از نور ذات اوست و هر زیبایی و کمالی، موهبتی از رحمت اوست .
- رستگاری، عبارت از وصول کامل به این روشنی است.

□ جغرافیای عرفانی سه‌هودی

- در فلسفه شیخ اشراق، مشرق و مغرب معنای زمینی خود را ندارند بلکه در جغرافیای عرفانی معنایی ویژه پیدا می کنند.
- مشرق جهان در جغرافیای سه‌هودی، نور محض یا محل فرشتگان مقرب است که به دلیل تجرّد از ماده، برای موجودات خاکی قابل مشاهده نیست.
- مغرب کامل نیز جهان تاریکی یا عالم ماده است که بهره ای از نور ندارد.
- در میان مشرق محض و مغرب کامل، مغرب وسطی قرار دارد که در آن نور و ظلمت به هم آمیخته اند.

نکات پاورقی جهت مطالعه کنکور :

- نور محض یا نورالانوار یادآور آیه ۳۵ سوره نور «الله نور السماوات و الارض» می باشد.
- مباحث سه‌هودی در عرفان و فلسفه مورد قبول برخی فقهای قشری عامه که تنها به ظواهر شریعت توجه داشته اند، واقع نمی شود. آنها از ملک ظاهر می خواهند که او را زندانی کند و به قتل برساند. ملک ظاهر که در باطن به شیخ ارادت می ورزد، چنین کاری را نمی پذیرد. فقیهان شکایت پیش پدرش، صلاح الدین، می برند و صلاح الدین دستور قتل سه‌هودی را صادر می کند. سرانجام، ملک ظاهر مخالف میل باطنی خود شیخ را در حلب زندانی می کند. شیخ در زندان و در ۳۶ یا ۳۸ سالگی از دنیا می رود. برخی گفته اند او را در زندان خفه کرده اند. برخی نیز گفته اند که وی را به دار آویخته اند. آنچه روشن است این است که روز جمعه آخر ذی الحجه الحرام سال ۵۸۷ جنازه او را از زندان بیرون آورده و به خاک سپرده اند.

سوالات تشرییتی

۱- طبیعت شناسی ابن سینا را توضیح دهید.

از نظر ابن سینا طبیعت مرتبه ای از هستی است که رو به مقصدی خاص دارد و این مقصد در ذات عالم طبیعت است.

۲- به نظر ابن سینا علت نام گذاری این عالم به «طبیعت» چیست؟

بدان جهت است که اجزاء این عالم، هر کدام طبع و ذات خاصی دارند و خود این عالم نیز به عنوان یک «کل» طبع و ذاتی دارد که منشأ و مبدأ حرکات و تحولات آن است.

۳- به عقیده ابن سینا از عالم طبیعت به چه عنوانی تغییر می شود و چرا؟
نظام احسن زیرا خداوند، عالم طبیعت را با لطف و عنایت خود پدید آورده و همه اجزاء آن چنان ترکیب و تألیف شده اند که بهترین نظام ممکن، یعنی نظام احسن، را تحقق می بخشدند.

۴- نظر ابن سینا در مورد وجود شر و بدی در طبیعت چیست؟ امتحان نهایی دی ۹۷

۵- نظر ابن سینا در مورد آنچه در طبیعت «شر و بدی» نامیده می شود، چیست؟ امتحان نهایی خرداد ۹۸

۶- نظر ابن سینا در مورد شر و بدی در طبیعت چیست؟ امتحان نهایی شهریور ۹۸

به نظر ابن سینا طبیعت هر شیء آن را به سوی خیر و کمال مطلوبش سوق می دهد. آنچه ظاهرا شر و بدی به نظر می رسد، مانند پژمرده شدن یک گل یا مرگ یک جاندار یا حتی وقایع ویرانگر طبیعی همچون سیل و زلزله، همگی در یک نظم کلی جهانی تأثیر مثبت دارند و به کمال نهایی طبیعت کمک می کنند.

۷- از نظر ابن سینا، تأمل در رابطه طبیعت با ماوراء طبیعت و خدا در کنار تحقیق در روابط میان پدیده ها، چه تاثیری در دانشمند دارد؟

دانشمند و محقق را از ظاهر پدیده ها عبور می دهد و به باطن آنها می رساند؛ آنها را به خشوع و خشیت در برابر حق وا می دارد و مصدق آیه شریفه «إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهُ مِنْ عَبَادِ الْعُلَمَاءِ» تنها بندگان عالم خداوند خشیت او را به دل دارند - می سازد.

۸- از کدام کتاب سهروردی به عنوان مهمترین کتاب وی یاد می شود و چرا؟

زیرا در آن مکتبی جدید را در فلسفه اسلامی ارائه کرد.

۹- سهروردی چگونه توانست حکمت اشراقی را پایه گذاری کند؟

سهروردی با احیاء فلسفه نور و اشراق ایران باستان و تلفیق آن با عرفان اسلامی «حکمه الاشراق» را پایه گذاری کرد.

۱۰- روش حکمت اشراق را بنویسید.

حکمت اشراق نوعی بحث از وجود است که تنها به نیروی عقل و ترتیب استدلال اکتفا نمی کند بلکه آن را با سیر و سلوک قلبی نیز همراه می سازد.

۱۱- فیلسوف اشراقی با تلاش خود در پی چیست؟

می کوشد آنچه را در مقام بحث و استدلال به دست آورده، با شهود قلبی و تجربه دریابد و به ذائقه دل برساند و آنچه را از طریق شهود کسب کرده است، با استدلال و برahan به دیگران تعمیم دهد.

۱۲- از نظر سهروردی، تحقیق فلسفی و سیر و سلوک قلبی به ترتیب چه زمانی بی نتیجه و گمراه کننده است؟

تحقیق فلسفی به شیوه استدلالی محض و بدون رسیدن به قلب بی نتیجه است و سیر و سلوک روحانی و قلبی هم بدون ترتیب عقلانی گمراه کننده می باشد.

۱۳- سهوروردي جويندگان معرفت را به چند گروه تقسيم می کند؟ آنها را توضيح دهيد.

آنان که تازه عطش و شوق معرفت يافته اند و جوبيای آن اند.

آنان که در فلسفه استدلالي به کمالی رسیده اند ولی از ذوق و عرفان بهره ای ندارند.

آنان که به طريقه برهان و فلسفه استدلالي توجهی ندارند و فقط تصفيه نفس می کنند و به شهودهایي دست يافته اند.

آنان که هم در صور برهانی به کمال رسیده اند و هم به اشراق و عرفان دست يافته اند. اينان حكيم متأله اند و بهترین دسته به حساب می آيند.

۱۴- حكيم متأله از نظر سهوروردي کیست؟

آنان که هم در صور استدلالي و طريقه برهانی به کمال رسیده اند و هم به اشراق و عرفان دست يافته اند.

۱۵- نظر شيخ اشراق در مورد حكيم متأله را بنويسيد.

«هرگاه اتفاق افتند که در زمانی حكيمی غرق در تأله بوده و در بحث نیز استاد باشد، او را رياست تامه بوده و خليفه و جانشين خدا اوست ... جهان هيچ گاه از حكيمی که چنین باشد، خالی نیست زيرا برای مقام خلافت ضروري است که امور و حقايق را بي واسطه، از حق تعالى دريافت كند و البته مراد من از اين رياست، رياست از راه قهر و غلبه نیست بلکه گاه باشد که امام تأله در ظاهر حاكم باشد و گاه به طور نهايی او راست رياست تامه، اگرچه در نهايit گمنامي باشد. و چون رياست واقعي جهان به دست او افتند، زمان وي بس نوراني و درخشان شود و هرگاه جهان از تدبیر حكيمی الهی تهي ماند، ظلمت و تاريکي برآن سايه افگند»

۱۶- منظور سهوروردي از نور کدام است؟ هر واقعیتی «نور» است اما نه نور مطلق، بلکه درجه ای است از نور.

۱۷- با توجه به ديدگاه های شيخ اشراق، ذات نخستین چگونه متجلی می شود؟

ذات نخستین، نور مطلق، يعني خدا پيوステ نور افسانی (اشراق) می کند و بدین ترتیب، متجلی می شود و همه چيزها را به وجود می آورد و با اشعه خود به آنها حیات می بخشد. همه چيز در این جهان پرتوی از نور ذات اوست و هر زیبایی و کمالی، موهبتی از رحمت اوست.

۱۸- در جغرافياي عرفاني سهوروردي، منظور از «مشرق» چيست؟

مشرق جهان در جغرافياي سهوروردي، نور محض يا محل فرشتگان مقرب است که به دليل تجرد از ماده، برای موجودات خاکي قابل مشاهده نیست.

۱۹- در جغرافياي عرفاني سهوروردي، منظور از «مغرب کامل» چيست؟

مغرب کامل نيز جهان تاريکي يا عالم ماده است که بهره ای از نور ندارد.

۲۰- در جغرافياي عرفاني سهوروردي، منظور از «مغرب وسطی» چيست؟ امتحان نهايی دی ۹۷

در ميان مشرق محض و مغرب کامل، مغرب وسطی قرار دارد که در آن نور و ظلمت به هم آميخته اند.

۲۱- هر يك از موارد سمت راست با کدام يك از گزينه ها در سمت چپ مرتبط است؟

۱- نور محض

الف) دائرة المعارف عظيم علمي و فلسفى

۲- دانشنامه علائي

ب) مبدأ جهان و خالق هستي نزد سهوروردي

۳- شدت و ضعف نورانيت

ج) ابواب مختلف حکمت در آن مندرج است.

۴- شفا

د) تفاوت اصلی موجودات نزد سهوروردي

الف: ۴ ب: ۱ ج: ۲ د: ۳

سوالات پاسخ گوایا

- ۱- روش ابن سینا در تحلیل مسائل فلسفی، چگونه روشنی است؟ عقلی و استدلالی
- ۲- ابن سینا فلسفه مشائی را به چه صورتی ارائه کرد؟ مدون و نظام مند
- ۳- دو کتاب از مهم ترین آثار فلسفی ابن سینا را نام ببرید. شفا - اشارات و تنبیهات
- ۴- دایره المعارف عظیم علمی و فلسفی و کامل ترین مرجع حکمت مشائی، کدام اثر فلسفی ابن سینا است؟ شفا
- ۵- کتاب شفای ابن سینا مشتمل بر چه موضوعاتی است؟ مشتمل بر موضوعاتی چون منطق، ریاضی، علوم طبیعی و الهی
- ۶- کدام اثر فلسفی ابن سینا شکل مختصر کتاب شفاست؟ نجات
- ۷- آخرین دیدگاه های فلسفی ابن سینا در کدام کتاب مطرح شده است؟ اشارات و تنبیهات
- ۸- کدام اثر ابن سینا به زبان پارسی است و ابواب مختلف حکمت در آن مندرج شده است؟ دانشنامه علائی
- ۹- از منابع حکمت اشراق یک مورد را نام ببرید. حکمه الاشراق
- ۱۰- سه‌روردی در کدام کتاب از شیوه مشائیان فراتر می‌رود و حکمت اشراقی را پایه گذاری می‌کند؟ حکمه الاشراق
- ۱۱- از دیدگاه سه‌روردی آنان که هم در صور برهانی به کمال رسیده اند و هم به اشراق و عرفان دست یافته اند چه نامیده می‌شوند؟ امتحان نهایی اسفند ۸۷ حکیم متله
- ۱۲- شیخ اشراق مبدأ جهان و خالق هستی را چه می‌داند و او را چه می‌نامد؟ نور محض - «نور الانوار»
- ۱۳- به نظر شیخ اشراق اشیاء چگونه پدید آمده اند؟ از تابش و پرتو نور الانوار پدید آمده اند.
- ۱۴- با توجه به دیدگاه های شیخ اشراق، تفاوت اصلی موجودات در چیست؟
شدت و ضعف نورانیت

جاهای خالی را با استفاده از کلمات مناسب کامل کنید.

- ۱- روش ابن سینا در تحلیل مسائل فلسفی، و است . عقلی - استدلالی
- ۲- ابن سینا فلسفه مشائی را به صورت و ارائه کرد. مدون - نظام مند
- ۳- نویسنده کتاب شفا.....است . امتحان نهایی شهریور ۹۸ ابن سینا
- ۴- کتابکامل ترین مرجع حکمت مشائی است و کتاب....آخرین دیدگاه های ابن سینا در حکمت را شامل می شود. شفا- اشارات و تنبیهات
- ۵- ابواب مختلف حکمت از سوی ابن سینا در.....مطرح شد . دانشنامه علائی
- ۶- از نظر ابن سینا، طبیعت مرتبه ای از ... است که رو به مقصدی خاص دارد و این مقصد در عالم طبیعت است. هستی - ذات
- ۷- خداوند، عالم طبیعت را با و خود پدید آورده است. لطف - عنایت
- ۸- به نظر ابن سینا، طبیعت هر شیء آن را به سوی و مطلوبش سوق می دهد به شرط اینکه مانعی در راه طبیعت قرار نگیرد. خیر- کمال
- ۹- نزد ابن سینا، آنچه ظاهرا شر و بدی است، همگی در یک نظم کلی جهانی تأثیر دارند و به نهایی طبیعت کمک می کنند. مشت - کمال
- ۱۰- ابن سینا از ما می خواهد که علاوه بر مطالعه عالم طبیعت، برای کشف ویژگی ها و روابط پدیده های آن در رابطه این عالم با کل جهان هستی نیز تأمل کنیم. وجودی - مبدأ
- ۱۱- به نظر ابن سینا پادشاه راستین آن توانگر و بی نیاز است که هیچ چیز در هیچ چیز از او نیست. مطلق - بی نیاز
- ۱۲- سهروردی در مهم ترین کتاب خود مکتب جدیدی را در اسلامی ارائه کرد. حکمه الاشراف - فلسفه
- ۱۳- سهروردی کتاب از شیوه فراتر می رود و حکمت اشرافی را پایه گذاری می کند. حکمه الاشراف - مشائیان
- ۱۴- سهروردی می کوشید حکمت ابن سینا را با چاشنی کشف و شهود قلبی به رساند. استدلالی - کمال
- ۱۵- سهروردی با احیاء فلسفه و ایران باستان و تلفیق آن با عرفان اسلامی « حکمه الاشراف» را پایه گذاری کرد. نور - اشراف
- ۱۶- حکمت اشراف، نوعی بحث از است که نیروی عقل و ترتیب را با سیر و سلوک قلبی همراه می سازد. وجود - استدلال
- ۱۷- فیلسوف اشرافی می کوشد آنچه را در مقام بحث و به دست آورده، با شهود قلبی و تجربه دریابد . استدلال - درونی
- ۱۸- از نظر سهروردی، تحقیق فلسفی به شیوه محض و بدون رسیدن به بی نتیجه است. استدلالی - قلب
- ۱۹- از نظر سهروردی ، سیر و سلوک و قلبی هم بدون تربیت گمراه کننده می باشد . روحانی - عقلانی
- ۲۰- طبق نظر سهروردی آنان که هم در صور برهانی و هم در اشراف و عرفان به کمال رسیده اند... نامیده می شوند. امتحان نهایی خردداد ۹۸ - حکیم مثاله
- ۲۱- از نظر سهروردی ، برای مقام خلافت ضروری است که امور و حقایق را ، از دریافت کند. بی واسطه- حق تعالی
- ۲۲- شیخ اشراف مبدأ جهان و خالق هستی را نور می داند و او را می نامد. محض - نورالانوار
- ۲۳- از نظر سهروردی، هر « نور» است اما نه نور ، بلکه درجه ای است از نور. واقعیتی - مطلق
- ۲۴- از نظر سهروردی، نخستین، نور مطلق، یعنی خدا پیوسته نور افشاری (اشراف) می کند و بدین ترتیب، می شود و همه چیزها را به وجود می آورد و با اشعه خود به آنها حیات می بخشند. ذات - متجلی
- ۲۵- همه چیز در این جهان پرتوی از نور اوست و هر زیبایی و کمالی، موهبتی از اوست . ذات - رحمت
- ۲۶- در فلسفه شیخ اشراف، مشرق و مغرب معنای خود را ندارند بلکه در جغرافیای معنایی ویژه پیدا می کنند. زمینی - عرفانی
- ۲۷- مشرق جهان در جغرافیای سهروردی، یا محل فرشتگان مقرب است که به دلیل از ماده، برای موجودات خاکی قابل مشاهده نیست. نور محض - تجرید
- ۲۸- در جغرافیای سهروردی، مغرب کامل، جهان یا عالم است که بهره ای از نور ندارد. تاریکی - ماده
- ۲۹- در جغرافیای سهروردی، در میان مشرق محض و مغرب کامل، مغرب وسطی قرار دارد که در آن و به هم آمیخته اند. نور - ظلمت

تعیین کنید کدام عبارت صحیح و کدام غلط می باشد.

- ۱- فارابی در منطق و ریاضیات شاگرد ابوعبدالله ناتلی بود . نادرست
- ۲- روش ابن سینا در تحلیل مسائل فلسفی، عقلی و استدلالی است . درست
- ۳- ابن سینا فلسفه مشائی را به صورت مدقّن و نظام مند ارائه کرد و روش استدلالی ارسطو را به اوج رساند. درست
- ۴- شفا از معروف ترین آثار ابن سینا به شمار می رود و نوعی فرهنگ نامه پژوهشی است. نادرست
- ۵- شفا دایره المعارف عظیم علمی و فلسفی و کامل ترین مرجع حکمت مشائی است . درست
- ۶- نویسنده کتاب «انصاف» ابن سینا است. امتحان نهایی دی ۹۷. درست
- ۷- اشارات و تنبیهات آخرین دیدگاه های ابن سینا در حکمت را شامل می شود . درست
- ۸- ابواب مختلف حکمت از سوی ابن سینا در دانشنامه علائی مطرح شد . درست
- ۹- از نظر ابن سینا طبیعت مرتبه ای از هستی است که رو به مقصدی خاص دارد و این مقصد در ذات عالم طبیعت است. درست
- ۱۰- خداوند، عالم طبیعت را با لطف و عنایت خود پدید آورده و همه اجزاء آن چنان ترکیب شده که نظام احسن، را تحقق می بخشد. درست
- ۱۱- به نظر ابن سینا هر شیء آن را به سوی خیر و کمال مطلوبش سوق می دهد؛ به شرط اینکه مانعی در راه طبیعت قرار نگیرد. درست
- ۱۲- به نظر ابن سینا، آنچه شر و بدی به نظر می رسد، همگی در یک نظم کلی جهانی تأثیر منفی دارند و به کمال نهایی طبیعت کمک نمی کنند. نادرست
- ۱۳- به نظر ابن سینا با نگاه کردن به بخش کوچکی از جهان طبیعت می توان درباره آن داوری کلی کرد. نادرست
- ۱۴- به عقیده ابن سینا علاوه بر مطالعه عالم طبیعت، باید رابطه وجودی این عالم با مبدأ کل جهان هستی نیز تأمل کنیم. درست
- ۱۵- از نظر ابن سینا، تأمل در رابطه طبیعت با موارء طبیعت و خدا در کنار تحقیق در روابط میان پدیده ها، دانشمند و محقق را به خشوع و خشیت در برابر حق وا می دارد . درست
- ۱۶- سهروردی ، با نگارش مهم ترین کتاب خود « حکمه الاشراق » مکتب جدیدی را در فلسفه اسلامی ارائه کرد. درست
- ۱۷- سهروردی کتاب « حکمه الاشراق » از شیوه مشائیان فراتر می رود و حکمت اشراقی را پایه گذاری می کند . درست
- ۱۸- سهروردی می کوشید حکمت استدلالی ابن سینا را با چاشنی کشف و شهود قلبی به کمال رساند. درست
- ۱۹- سهروردی با احیاء فلسفه نور و اشراق ایران باستان و تلفیق آن با عرفان اسلامی « حکمه الاشراق» را پایه گذاری کرد . درست
- ۲۰- حکمت اشراق شیوه استدلالی محض را با سیر و سلوک قلبی همراه می سازد. امتحان نهایی شهریور ۹۸ درست
- ۲۱- فیلسوف اشراقی می کوشد آنچه را در مقام بحث و استدلال به دست آورده، با شهود قلبی و تجربه دریابد. درست
- ۲۲- از نظر سهروردی، تحقیق فلسفی به شیوه استدلالی محض و بدون رسیدن به قلب بی نتیجه است. درست
- ۲۳- از نظر سهروردی سیر و سلوک روحانی و قلبی بدون تربیت عقلانی گمراه کننده می باشد. درست
- ۲۴- به آنان که در صور برهانی به کمال رسیده و به اشراق و عرفان نیز دست یافته اند، حکیم متاله می گویند. درست
- ۲۵- شیخ اشراق مبدأ جهان و خالق هستی را نور محض می داند و او را « نور الانوار» می نامد. درست
- ۲۶- به عقیده شیخ اشراق ، اشیاء از تابش و پرتو نور الانوار پدید آمده اند. درست
- ۲۷- به عقیده شیخ اشراق، هر واقعیتی « نور» است اما نور مطلق، بلکه درجه ای است از نور. درست
- ۲۸- در فلسفه اشراق، ذات نخستین و نور مطلق، پیوسته نور افشاری می کند و متجلی می شود و همه چیزها را به وجود می آوردد. درست
- ۲۹- در فلسفه اشراق ، همه چیز در این جهان پرتوی از نور ذات خداست و هر زیبایی و کمالی، موهبتی از رحمت اوست . درست
- ۳۰- در فلسفه اشراق، مشرق و مغرب معنای زمینی خود را ندارند بلکه در جغرافیای عرفانی معنایی ویژه پیدا می کنند. درست
- ۳۱- مشرق در جغرافیای سهروردی نور محض یا فرشتگان مقرب که به دلیل تجرد از ماده، برای موجودات خاکی قابل مشاهده نیست. درست
- ۳۲- در جغرافیای سهروردی، مغرب کامل جهان تاریکی یا عالم ماده است که بهره ای از نور ندارد. درست
- ۳۳- در جغرافیای سهروردی، در میان مشرق محض و مغرب کامل، مغرب وسطی قرار دارد که در آن نور و ظلمت به هم آمیخته اند. درست

سوالات قستی

- ۱- هریک از آثار باقی مانده از ابن سینا که به عنوان دایره المعارف علمی و فلسفی، فرهنگ نامه پژوهشکی، ابواب مختلف حکمت و آخرین دیدگاه های فلسفی به جای مانده به ترتیب کدام است؟ کنکور سراسری خارج کشور ۸۹
- ۱) قانون - شفا - اشارات و تنبیهات - دانشنامه علائی ۲) شفا - قانون - اشارات و تنبیهات - دانشنامه علائی
۳) قانون - شفا - دانشنامه علائی - اشارات و تنبیهات ۴) شفا - قانون - دانشنامه علائی - اشارات و تنبیهات
- ۲- به اعتقاد شیخ الرئیس، خداوند، عالم طبیعت را با خود پدید آورده و همه اجزاء آن چنان ترکیب و تألیف شده که نظام... را تحقق بخشیده است.
- ۱) لطف و عنایت - احسن ۲) لطف و عنایت - اتقن ۳) شمول علم - احسن ۴) شمول علم - اتقن
- ۳- با توجه به طبیعت شناسی ابن سینا کدام عبارت نادرست است؟ (خارج کشور ۹۴)
- ۱) شرور و نقایص طبیعی زمینه ساز خیر و کمال بیشتر در طبیعت هستند.
۲) هر موجودی با توجه به طبیعت خود ضرورتا به کمال می رسد.
۳) در هر پدیده طبیعی می توان حکمت بالغه الهی را مشاهده کرد.
۴) موجودات را فقط در ربط آنها با مبدأشان واقعاً می توان شناخت.
- ۴- از برجسته ترین چهره های حکمت اسلامی و فرهنگ ایران زمین ... است، که به مقامات عالی عرفان و برترین درجات حکمت نائل شد. و نزد او «حکیم متاله» کسی است که کنکور سراسری خارج کشور ۹۰ با کمی تصرف
- ۱) شهاب الدین سهروردی - در صور برهانی به حد کمال رسیده و به عرفان دست یافته است.
۲) ابن سینا - در صور برهانی به حد کمال رسیده و به عرفان دست یافته است.
۳) شهاب الدین سهروردی - عطش و شوق دست یابی به معرفت چراغ راه پر تلاش او است.
۴) ابن سینا - عطش و شوق دست یابی به معرفت چراغ راه پر تلاش او است.
- ۵- در مورد حکمت اشراق کدام عبارت صحیح نیست؟ (خارج کشور ۹۱)
- ۱) فیلسوف اشراقی، تحقیق فلسفی به شیوه استدلالی محض را بی حاصل می داند.
۲) حکمت اشراق، بحث از وجود است ولی استدلال را با سیر و سلوک همراه می سازد.
۳) کوشش فیلسوف اشراقی بر آن است که هر چه را بر پایه عقل استوار می سازد به ذاته دل نیز بسپارد.
۴) در مقایسه با تصور، این به برهان چندان بها نمی دهد و آن از عقل فراتر نمی رود.
- ۶- منظور سهروردی از نور کدام است؟ (سراسری ۹۶)
- ۱) هستی مطلق ۲) حقایق مجرد ۳) واقعیت اشیاء ۴) ذات باریتعالی
- ۷- با توجه به دیدگاه های شیخ اشراق، تفاوت اصلی موجودات در چیست؟ سراسری ۹۵
- ۱) مادی یا مجرد بودن ۲) نورانیت یا ظلمات ۳) شدت و ضعف نورانیت ۴) استقلال یا وابستگی وجودی
- ۸- در جغرافیای عرفانی سهروردی، مراد از «شرق» «مغرب کامل» و «مغرب وسطی» به ترتیب کدام است؟ سراسری ۷۶ با کمی تصرف
- ۱) جهان فرشتگان - عالم مثال - آمیختگی نور و ظلمت.
۲) جهان مجردات - عالم مثال - عالم ماده.
۳) جهان نور محض - عالم افلاک - عالم ماده.

بخش سوم : درس یازدهم : دوران متاخر

اگر از آغاز ظهور اسلام تا ابتدای حکومت صفویان را دوره متقدم بدانیم و از عصر صفویه تا دوره معاصر را دوره متاخر بشماریم، لازم است با اوضاع فلسفی این عصر و بزرگ ترین فیلسوف آن آشنا شویم.

قبل از ورود به دوره متاخر باید این نکته را بررسی کنیم که فلسفه، در همان ابتدا رقیبی به نام علم کلام داشت.

دانشمندان علم کلام، که به آنها متكلمان می گویند، می خواستند از طریق عقل و استدلال از معارف دینی دفاع کنند.

بسیاری از متكلمان با فلسفه مخالف بودند و از فیلسوفان انتقاد می کردند.

برخی از انتقادهای متكلمان آن قدر شدید بود که فلسفه را پس از ابن سینا، در بخش هایی از جهان اسلام به رکود کشاند.

در ایران ، انتقادهای متكلمان ، تأثیر کمتری داشت و فلسفه همچنان زنده ماند تا اینکه پس از دوره ای طولانی از کشمکش های اجتماعی، که در پی حمله مغول پیش آمد، با آغاز حکومت صفویه، ایران به نوعی ثبات و پایداری رسید. همین امر سبب شد که در پایتخت صفویان، یعنی اصفهان، علم و دانش رونق بگیرد و فیلسوفان بزرگی ظهور کنند و فلسفه وارد مرحله جدیدی شود.

میرمحمد باقر مشهور به میرداماد، شیخ بهاء الدین محمدبن حسین عاملی مشهور به شیخ بهایی، میرابوالقاسم فندرسکی مشهور به میرفندرسکی و بالآخره، محمدبن ابراهیم قوامی شیرازی معروف به ملاصدرا و صدرالمتألهین از فیلسوفان بزرگ عصر صفویه هستند. شاگردان آنها نیز یکی پس از دیگری به مرحله استادی رسیدند و راه فلسفه را تا عصر حاضر ادامه دادند.

□ صاحب حکمت متعالیه

ملاصدرا در سال ۹۷۹ هجری قمری در شیراز به دنیا آمد.

ملاصدرا ، تحصیل را در شیراز آغاز کرد اما پس از مرگ پدرش، که از رجال نامی شیراز بود، به اصفهان رفت؛ میراث پدر را صرف تحصیل علم نمود و به عالی ترین مراتب حکمت رسید.

ملاصدرا ابتدا به حلقة درس شیخ بهایی پیوست. سپس به پیشنهاد استاد، به درس فلسفه میرداماد، (بنیان گذار حوزه فلسفی اصفهان) ، وارد شد.

میرداماد که فیلسفی مشائی بود، می خواست حکمت مشاء را با حکمت اشراق درآمیزد و فلسفه مشائی را تفسیری اشراقی کند.

مشرب این دو استاد گران قدر که علاوه بر علوم روز، در عرفان و انوار قلیی هم از نوادر روزگار بودند، روح و جان ملاصدرا را با ذوق و عرفان نیز آشنا و دمساز کرد. در این دوره بود که صدرًا به درک جدیدی از علم و معرفت نائل شد.

ملاصدرا پس از تکمیل تحصیلات و کسب مقام استادی به شیراز بازگشت و تدریس را در مدرسه خان شیراز آغاز نمود . جویندگان علم و حکمت به سرعت گرد او جمع شدند اما دیری نپایید که رقیبان حسد ورزیدند و در صدد آزارش برآمدند. او به ناچار عازم قم شد و در یکی از روستاهای آن به نام « کهک » حدود پانزده سال از عمرش را به تفکر و عبادت و سیر و سلوک روزگار گذرانید. خلوت گرینی و تفکرات و تأملات عمیق و طولانی و عبادت ها و ریاضت ها به تدریج عقل و جان صدرالدین را برای جهشی بلند در سپهر معرفت و حکمت مهیا ساخت. انوار حکمت بر او تابید و الطاف الهی پیوسته بر وی جاری گشت. اسرار و رموزی بر او آشکار شد که آن زمان آشکار نشده بود . وقتی آنچه را پیش از آن به برهان فرا گرفته بود از راه شهود قلیی به نحو برتر مشاهده کرد، پس از حدود ۱۵ سال بار دیگر به شیراز بازگشت. این بار، حاکم شیراز سرپرستی « مدرسه خان » را به او سپرد و او این مدرسه را به کانون اصلی علوم عقلی در ایران تبدیل کرد و واپسین دوره زندگی خود را یک سره وقف تعلیم و تألیف کتاب نمود. بالآخره، این بزرگ مرد عرصه حکمت و عرفان، در سال ۱۰۵۰ هجری قمری در هفتاد سالگی در راه بازگشت از سفر حج، در عراق درگذشت.

□ تأثیفات

ملاصدرا تأثیفات متعددی دارد که همه آنها در جایگاه خود مهم و منشأ اثر بوده اند. برخی از این آثار عبارت اند از:

➤ الاسفار الاربعه :

- به «اسفار» مشهور است.
- دایره المعارف فلسفی ملاصدراست.
- ملاصدرا در این کتاب ضمن بیان نظر فلاسفه، نظرات ابداعی و مستقل خود را تبیین می کند
- این کتاب با الهام از سفر چهار مرحله ای عارفان تقسیم بندی و تنظیم شده و در نه جلد به چاپ رسیده است.

➤ شواهد الروبوبیه :

- کتابی فلسفی است که با شیوه اشرافی تدوین یافته و از کتاب های اویله ملاصدرا به حساب می آید.
- ملاصدرا آرآ و نظرات اویله خود را در این کتاب بیان کرده است.

➤ تفسیر قرآن : شامل تعدادی از سوره های قرآن کریم می شود.

➤ ملاصدرا دو کتاب دیگر هم درباره قرآن دارد : «مفاتیح الغیب» و «اسرار الآیات»

➤ المبدأ والمعاد :

- از کتب مهم تر ملاصدرا محسوب می شود
- خلاصه نیمه دوم اسفر
- شامل مباحث خداشناسی و معادشناسی

➤ المشاعر : کتاب کوچکی درباره وجود و موضوعات پیرامونی آن است.

➤ المظاهر الالهیه : مانند المبدأ والمعاد است، ولی در حجم کوچک تر.

➤ حدوث العالم :

- کتابی است درباره چگونگی خلق جهان از نظر فلسفی
- ملاصدرا در این کتاب، نظر فلسفه یونان و فیلسفه مسلمان را نقل و نقد می کند و نظر خود را ارائه می دهد.

□ مشرب فلسفی ملاصدرا

- فلسفه ای که ملاصدرا بنیان گذاشت و آن را رسماً «حکمت متعالیه» نامید، نتیجه تکاملی دو مشرب گذشته، «فلسفه مشاء» و «فلسفه اشراق» و نیز انس دائمی وی با وحی الهی و قرآن کریم بود.
- در شخصیت وجودی ملاصدرا برهان عقلی و شهود قلبی و وحی قرآنی با هم الفت یافته و از این الفت، فلسفه ای برآمده که سرآمد فلسفه های قبل است.
- بهره مندی ملاصدرا از عرفان و شهود یا وحی قرآنی، فلسفه او را از معیارهای پذیرفته شده در دانش فلسفه تهی نمی سازد و به عرفان یا کلام تبدیل نمی کند؛ زیرا وی در مقام فیلسوف می داند که میزان و ملاک فلسفی بودن یک متن یا سخن، این است که اولّاً هر میحتی که طرح می کند، به موضوع فلسفه، یعنی موجود بما هو موجود، مربوط باشد و به آن برگردد.
- ثانیاً متکی بر عقل و استدلال عقلی باشد، نه شهود قلبی و بیان نقلی.
- ملاصدرا این اصل را در آثار فلسفی خود، به خصوص در اسفر، مراتعات کرده و در هر موردی که از شهود یا وحی الهی بهره برده، از این دو منبع نه به عنوان پایه استدلال بلکه به عنوان تأیید و شاهد کمک گرفته است.

□ منابع حکمت متعالیه

- فلسفه مشاء، به خصوص اندیشه های مستدل و قوی ابن سینا.
- حکمت اشراق، اندیشه های شیخ شهاب الدین سهروردی.
- عرفان اسلامی، به خصوص اندیشه های محبی الدین عربی.
- تعالیم قرآن کریم و احادیث منقول از رسول خدا و ائمه اطهار(ع).

□ اصول فلسفی ملاصدرا

- فلسفه ملاصدرا یا همان « حکمت متعالیه » دارای اصول و پایه هایی است که تا عصر وی یا طرح نشده بود و ابتکار ایشان بود و یا به صورتی که ملاصدرا آنها را در کنار هم قرار داد و ترکیبی فراهم آورد، تا زمان او انجام نشده بود.

➢ اصالت وجود

- این اصل، بنیادی ترین اصل فلسفی ملاصدراست که بر سایر مباحث فلسفی او از قبیل رابطه علت و معلول، واجب و ممکن، مراتب عالم هستی و حرکت تأثیری عمیق داشته و رنگ دیگری به آنها داده است.

وقتی ما چیزی را مشاهده می کنیم و متوجه بودن آن می شویم، می گوییم « این هست » و با این جمله از « وجود » و « هستی » آن خبر می دهیم.

اگر متوجه چیستی آن هم بشویم، می گوییم مثلاً « این سبب است » و با این جمله « چیستی » و « ماهیت » آن را بیان می کنیم.
پس، از هر چیز خارجی دو مفهوم به ذهن ما می اید « وجود » و « ماهیت »
مفهوم وجود در میان همه اشیا مشترک است .

اما هر شیئی ماهیت خاص خود را دارد. لذا ماهیت، جنبه تمایز و اختلاف اشیاست و وجود، وجه وحدت آنها.

وجود ← همه اشیاء عالم در بودن با هم تفاوتی ندارند (وحدت موجودات)

ماهیت ← اشیاء عالم از حیث ماهیت با هم متفاوت اند (کثرت موجودات)

با توجه به اینکه واقعیت خارجی یک چیز است، این واقعیت حقیقتاً مصادق مفهوم « وجود » است یا « ماهیت » ؟
ملاصدرا طی مباحث مفصلی ثابت می کند که واقعیت خارجی، مصادق مفهوم « وجود » است

به عقیده ملاصدرا، آنچه واقعیت خارجی را تشکیل می دهد، وجود است نه ماهیت، و از آنجا که هر وجودی با تعیین خاص در خارج به دست می آید؛ مثلاً وجود انسان ویژگی ها و تعیینات خاصی دارد که « ماهیت » هست، از این تعیین خاص مفهوم زمینه ساز مفهوم انسان در ذهن ماست و وجود اسب ویژگی ها و تعیینات دیگری دارد که مفهوم اسب را به ذهن ما می آورد.

پس، آنچه واقعیت خارجی را تشکیل می دهد و در خارج اصالت دارد، وجود انسان و اسب و مانند آنهاست نه ماهیت. ماهیت انسان و اسب، مفهومی است که از این وجودها انتزاع می شود.

□ وحدت حقیقت وجود :

- ملاصدرا با تکیه بر اصالت وجود می گوید حال که « اصالت » با « وجود » است و وجود هم امری واحد و وجه مشترک همه اشیاست، پس، واقعیت خارجی امری واحد است.

این حقیقت واحد همان اصل هستی اشیاست و اشیا و موجودات مختلف در حقیقت هستی با هم وحدت دارند.

□ تشكیک وجود:

وجود، حقیقتی واحد است اما این حقیقت واحد، مراتب و درجاتی عالی دارد و به اصطلاح منطق دانان، حقیقتی مشگّک است. تشكیک وجود، شدت و ضعف داشتن وجود مانند شدت و ضعف در نور است. نور، حقیقتی یگانه است اما شدت و ضعف دارد. در عین حال، شدت و ضعف نور از حقیقت نور خارج نیست. نور از همان جهت که نور است قوی است؛ نه اینکه با چیزی ترکیب شده و قوی شده باشد، و نور از همان جهت که نور است ضعیف است؛ نه اینکه با چیزی مثل تاریکی ترکیب شده و ضعیف شده باشد. زیرا تاریکی همان نبود نور است. وجود هم همین گونه است. وجود قوی با چیزی خارج از خود ترکیب نشده است، زیرا خارج از وجود، چیزی نیست، وجود ضعیف هم به همین ترتیب. علاوه بر این اصول، ملاصدرا اصول و مباحث ابتکاری و بدیع دیگری مانند «حرکت جوهری» عالم طبیعت را دارد.

□ دوره معاصر

فلسفه صدرا و حکمت متعالیه، پس از ایشان به عنوان آخرین دستاورد فلسفه اسلامی در مراکز علمی و آموزشی محور تدریس قرار گرفت. فلاسفه بزرگ صدرایی تلاش کردند نظرات عمیق و گاه پیچیده ملاصدرا را تحلیل و تبیین کنند و به دانشجویان فلسفه آموزش دهند؛ تا اینکه این میراث عظیم فلسفه به روزگار معاصر رسید. در این روزگار نیز حکمایی مانند میرزا ابوالحسن رفیعی قزوینی، میرزا مهدی آشتیانی، آقامیر محمد کاظم عصّار و آقا محمد رضا قمشه ای مشعل پرخوش حکمت را روشن نگه داشتند و به نسل امروز رسانند.

از میان این فلاسفه، حوزه درس امام خمینی در قم یکی از پرخوش ترین حوزه های فلسفی بود.

حضرت امام که از متفکران بزرگ عصر ما بود و در همه علوم اسلامی تبحر بسیاری داشت، در فلسفه نیز صاحب نظر بود.

گرچه جنبه سیاسی و فقهی امام و رهبری معجزه آسای آن بزرگوار در انقلاب اسلامی باعث شد تا دیگر ابعاد شخصیت ایشان کمتر آشکار شود، واقعیت این است که ابعاد فلسفی و عرفانی شان نیز بسیار درخشان بود؛ به طوری که شخصیت های فلسفی معاصر، قبل از حضور در درس علامه طباطبائی، سال ها از درس های فلسفی امام بهره می برند.

یکی از این شخصیت ها استاد شهید مطهری که سال ها از محضر درس امام خمینی استفاده کرده و پایه های فلسفی خود را استوار ساخت. از استادان بزرگ فلسفه که در درس حضرت امام حاضر می شدند، نقل است که حضرت امام در تدریس حکمت متعالیه، بسیاری از مباحث صدرالمتألهین را با قریحه ای بی نظیر چنان تفسیر عرفانی می کرد که گاه از سطح بیان ملاصدرا فراتر بود.

ایشان در طرح مسائل عرفانی و ربط حکمت متعالیه با اصول عرفانی استعدادی کم نظیر داشت و گاه به نکاتی کاملاً تازه اشاره می کرد.

□ حکیم بزرگ دوره معاصر

استاد علامه سید محمد حسین طباطبائی بزرگ ترین شخصیت فلسفی معاصر و وارث حکمایی بزرگ اسلامی است.

علامه در سال ۱۲۸۱ هجری شمسی در تبریز متولد شد و در همان شهر مقدمات دانش را آموخت.

علامه در سال ۱۳۰۴ برای ادامه تحصیل به نجف اشرف رفت به محضر استادان بزرگ راه یافت و با همتی بلند، در تحصیل مدارج عالی علم در فقه، فلسفه، کلام، ریاضیات و برخی علوم دیگر گام نهاد.

«در اوایل تحصیل علاقه زیادی به ادامه تحصیل نداشتم. از این رو، هر چه می خواندم نمی فهمیدم و چهار سال به همین نحو گذشت. پس از آن، به یک باره عنایت خدایی دامن گیرم شد و مرا عوض کرد و در خود یک نوع شیفتگی و بی تابی نسبت به تحصیل کمال حس نمودم؛ به طوری که از همان روز تا پایان تحصیل، که تقریباً هجده سال طول کشید، هرگز نسبت به تعلیم و تفکر، درک خستگی و دلسربدی نکردم و زشت و زیبای جهان را فراموش کردم و بساط معاشرت با غیر اهل علم را به کلی برچید ... بسیار می شد (به ویژه در فصل بهار و تابستان) که شب را تا طلوع آفتاب با مطالعه می گذراندم و

همیشه درس فردا را شب پیش مطالعه می کردم و اگر اشکالی پیش می آمد، با هر خودکشی ای بود، [آن را] حل می کردم. وقتی که در درس حضور می یافتم، از آنچه استاد می گفت قبل آگاه بودم و هرگز اشکالی پیش استاد نبردم»

▪ علامه طباطبائی در سال ۱۳۲۵ برای تدریس به قم مهاجرت می کند و با این کار، تحولی عظیم را در حوزه علمیه رقم می زند. ایشان خود در این باره می نویسد:

[در آن ایام] نه از فلسفه و [دروس] معمول خبری بود و نه از تفسیر قرآن و نه سایر بخش های کتاب و سنت، بلکه فقط فقه و اصول تدریس می شد که فقط بخشی از سنت پیامبر و ائمه بود. بر خود لازم دیدم که یک درس فلسفه، یک درس تفسیر قرآن و یک درس اخلاق را در حوزه شروع کنم. نتیجه تدریس ایشان در قم تربیت تعداد زیادی شاگرد بود که با علوم عقلی آشنا بودند، مسائل فکری روز را میدانستند و برای ایجاد یک تحول فکری و فرهنگی پیش قدم شده بودند؛ شاگردانی مانند استاد شهید مطهری، شهید دکتر بهشتی، شهید دکتر باهنر، آیت الله جوادی آملی، آیت الله حسن زاده آملی و آیت الله مصباح یزدی.

□ تأثیر فرهنگی

▪ فعالیت علمی علامه طباطبائی در زمانی آغاز شد که اندیشه های جدید و مکتب های فلسفی از اروپا به ایران آمده بودند و تفکرات ماتریالیستی و مکتب مارکسیسم در حال گسترش در ایران بود. وی ابتدا جلساتی با حضور طلب با استعداد تشکیل داد و به نقد مبانی فلسفه های جدید و به خصوص مارکسیسم اقدام کرد. حاصل این مباحث کتاب «اصول فلسفه و روش رئالیسم» است که با شرح و پاورقی های استاد شهید مطهری در پنج جلد انتشار یافته است.

▪ علامه در این کتاب نه تنها ارکان ماتریالیسم را نقد می کند بلکه یک دوره فلسفه اسلامی را به گونه ای ارائه می دهد که پاسخ گوی مسئله های روز هم باشد.

▪ ایشان علاوه بر تدریس در حوزه، با استادان دانشگاه ها نیز ملاقات می کرد و برای آنها جلسات درسی تشکیل می داد. در همین ایام بود که یکی از فلاسفه بزرگ اروپایی به نام «هانری کربن» بعد از اطلاع از مقام علمی علامه، در جلسات متواالی و مکرری به حضور ایشان رسید؛ پرسش های خود را درباره فلسفه، اسلام و تشیع با علّمه در میان گذاشت و علّمه به پرسش های وی پاسخ گفت. حاصل این گفت و گوها به صورت های مختلف، از جمله در کتابی با عنوان «شیعه» به چاپ رسیده است.

▪ علامه طباطبائی صاحب اثر گران قدری است که از نظر بسیاری از صاحب نظران، از جمله استاد شهید مطهری، در تاریخ اسلام نظر ندارد و آن، کتاب تفسیر «المیزان» است که در بیست جلد و در مدت بیست سال تألیف شده است.

▪ **برداشت صفحه ۸۲** به عقیده ملاصدرا «بسیاری از منسویان به علم، علم لدنی»، غیبی را که سالکان طریقت بدان اعتماد دارند، انکار می کنند و می گویند هر چه جز از راه آموزش و تفکر حاصل شود، علم نیست. برخی هم گمان برده اند که علم حقیقی منحصر در علم فقه و ظاهر تفسیر و کلام است ... ولی این هم گمانی فاسد است و گوینده آن تاکنون معنای قرآن را نفهمیده و باور ندارد که آن اقیانوسی است که پنهان اش تمامی حقایق را فرا می گیرد .

▪ نکات پاورقی جهت مطالعه کنکور :

▪ علم لدنی علمی است که از طریق آموزش و کلاس درس حاصل نمی شود بلکه بدون واسطه از جانب خدا به کسی که در بندگی و عبودیت مراتبی را پیموده و به شایستگی کافی رسیده است، الهام و اشراق می شود. این اصطلاح از قرآن کریم گرفته شده است که می فرماید علمنا من لذنا علماء، از نزد خود، او را علمی آموختیم

▪ محیی الدین ملقب به «شیخ اکبر» که گاهی هم «ابن عربی» خوانده می شود، از عرفای قرن ششم و هفتم هجری است. او که نسبش به حاتم طایی می رسد، در اندلس تولد یافت و بیشتر عمر خود را در مکه و سوریه گذراند. محیی الدین عرفان را وارد مرحله جدیدی کرد و بخش دوم عرفان، یعنی عرفان نظری را بنیان نهاد. او بیش از ۲۰۰ کتاب تألیف کرده که «فصول الحکم» و «فتוחات مکیّه» از جمله آنهاست.

▪ در منطق، مفهوم کلی بر دو قسم است: متواطی و مشکّک؛ مثلاً مفهوم انسان را که بر افراد خود به نحو یکسان صدق می کند، متواطی می نامند. اماً مفهوم سفیدی یا شیرینی را که بر افراد خود به نحو یکسان صدق نمی کند بلکه دارای شدت و ضعف است، مشکّک می گویند.

سوالات تشرییتی

- ۱ دوره متقدم و دوره متاخر در تفکر عقلانی اسلامی به چه دوره هایی اطلاق می شود ؟
می توان از آغاز ظهور اسلام تا ابتدای حکومت صفویان را دوره متقدم بدانیم و از عصر صفویه تا دوره معاصر را دوره متاخر بشماریم.
- ۲ آغاز حکومت صفویه در ایران چه نتایج و پیامد مهم فلسفی به همراه داشت ؟
پس از دوره ای طولانی از کشمکش های اجتماعی، که در پی حمله مغول پیش آمد، با آغاز حکومت صفویه، ایران به نوعی ثبات و پایداری رسید. همین امر سبب شد که در پایخت صفویان، یعنی اصفهان، علم و دانش رونق بگیرد و فیلسوفان بزرگی ظهور کنند و فلسفه وارد مرحله جدیدی شود.
- ۳ هدف میرداماد چه بود ؟ (مشرب و روش میرداماد را بنویسید).
میرداماد فیلسوفی مشایی بود که می خواست حکمت مشاء را با حکمت اشراق درآمیزد و فلسفه مشائی را تفسیری اشراقی کند.
- ۴ مشرب فلسفی شیخ بهایی و میرداماد چه تاثیری بر ملاصدرا گذاشت ؟
مشرب این دو استاد گران قدر که علاوه بر علوم روز، در عرفان و انوار قلبی هم از نوادر روزگار بودند، روح و جان ملاصدرا را با ذوق و عرفان نیز آشنا و دمساز کرد. در این دوره بود که صدرا به درک جدیدی از علم و معرفت نائل شد
- ۵ موضوع کتاب اسفرار اربعه ملاصدرا چیست ؟
ملاصدرا در این کتاب، ضمن بیان نظر فلاسفه، نظرات ابداعی و مستقل خود را تبیین می کند و با الهام از سفر چهار مرحله ای عارفان، این کتاب تقسیم بندی و تنظیم شده و در نه جلد به چاپ رسیده است.
- ۶ موضوع دو کتاب المشاعر و حدوث العالم ملاصدرا به ترتیب چیست ؟
اولی درباره وجود و موضوعات پیرامون آن و دومی درباره چگونگی خلق جهان از نظر فلسفی
- ۷ فلسفه ای که ملاصدرا بنیان گذاشت رسماً چه نامیده می شود و نتیجه چیست ؟
حکمت متعالیه که نتیجه تکاملی دو مشرب گذشته، «فلسفه مشاء» و «فلسفه اشراق» و نیز انس دائمی وی با وحی الهی و قرآن کریم بود.
- ۸ روش تحقیق حکمت متعالیه را به اختصار بنویسید .
در شخصیت وجودی ملاصدرا برهان عقلی ، شهود قلبی و وحی قرآنی با هم الفت یافته واز این الفت، فلسفه ای برآمده که سرآمد فلسفه های قبل است.
- ۹ چرا بهره مندی ملاصدرا از عرفان و شهود یا وحی قرآنی، فلسفه او را از معیارهای پذیرفته شده در دانش فلسفه تهی نمی سازد و به عرفان یا کلام تبدیل نمی کند ؟
زیرا وی در مقام فیلسوف می داند که میزان و ملاک فلسفی بودن یک متن یا سخن، این است که اولاً هر مبحثی که طرح می کند، به موضوع فلسفه، یعنی موجود بما هو موجود، مربوط باشد و به آن برگردد. ثانیا متکی بر عقل و استدلال عقلی باشد، نه شهود قلبی و بیان نقلی.
- ۱۰ ملاصدرا این اصل را در آثار فلسفی خود، به خصوص در اسفرار، مراجعات کرده و در هر موردی که از شهود یا وحی الهی بهره برده، از این دو منبع نه به عنوان پایه استدلال بلکه به عنوان تأیید و شاهد کمک گرفته است.
- ۱۱ با توجه به دیدگاه ملاصدرا ، میزان و ملاک فلسفی بودن یک متن یا سخن چیست ؟
اولاً هر مبحثی که طرح می کند، به موضوع فلسفه، یعنی موجود بما هو موجود، مربوط باشد و به آن برگردد. ثانیا متکی بر عقل و استدلال عقلی باشد، نه شهود قلبی و بیان نقلی.
- ۱۲ منابع حکمت متعالیه ملاصدرا را بنویسید .
فلسفه مشاء، به خصوص اندیشه های مستدل و قوی ابن سینا.- حکمت اشراق، اندیشه های شیخ شهاب الدین سهروردی. عرفان اسلامی، به خصوص اندیشه های محیی الدین عربی- تعالیم قرآن کریم و احادیث منقول از رسول خدا و ائمه اطهار(ع).

- ۱۲- بنیادی ترین اصل فلسفی ملاصدرا کدام اصل است و بر چه مباحث فلسفی تأثیری عمیق داشته و رنگ دیگری به آنها داده است ؟

اصل وجود - بر مباحثی مانند رابطه علت و معلول، واجب و ممکن، مراتب عالم هستی و حرکت

- ۱۳- نظریه اصل وجود ملاصدرا را با ذکر مثال توضیح دهد.

лагаصردا طی مباحث مفصلی ثابت می کند که واقعیت خارجی، مصادق مفهوم « وجود » است. به عقیده ملاصدرا، آنچه واقعیت خارجی را تشکیل می دهد، وجود است نه ماهیت، و از آنجا که هر وجودی با تعیینی خاص در خارج به دست می آید؛ مثلاً وجود انسان ویژگی ها و تعیینات خاصی دارد که « ماهیت » هست، از این تعیین خاص مفهوم زمینه ساز مفهوم انسان در ذهن ماست و وجود اسب ویژگی ها و تعیینات دیگری دارد که مفهوم اسب را به ذهن ما می آورد. پس، آنچه واقعیت خارجی را تشکیل می دهد و در خارج اصلت دارد، وجود انسان و اسب و مانند آنهاست نه ماهیت. ماهیت انسان و اسب، مفهومی است که از این وجودها انتزاع می شود.

- ۱۴- وحدت حقیقت وجود نزد ملاصدرا را توضیح دهد.

лагаصردا با تکیه بر اصل وجود می گوید حال که « اصلت » با « وجود » است و وجود هم امری واحد و وجه مشترک همه اشیاست، پس، واقعیت خارجی امری واحد است. این حقیقت واحد همان اصل هستی اشیاست و اشیا و موجودات مختلف در حقیقت هستی با هم وحدت دارند.

- ۱۵- نظریه تشکیک وجود ملاصدرا را با ذکر مثال توضیح دهد.

وجود، حقیقتی واحد است اما این حقیقت واحد، مراتب و درجاتی عالی دارد و به اصطلاح منطق دانان، حقیقتی مشگک است. تشکیک وجود، شدت و ضعف داشتن وجود شدت و ضعف در نور است. نور، حقیقتی یگانه است اما شدت و ضعف دارد. در عین حال، شدت و ضعف نور از حقیقت نور خارج نیست. نور از همان جهت که نور است قوی است؛ نه اینکه با چیزی ترکیب شده و قوی شده باشد، و نور از همان جهت که نور است ضعیف است؛ نه اینکه با چیزی مثل تاریکی ترکیب شده و ضعیف شده باشد. زیرا تاریکی همان نبود نور است. وجود هم همین گونه است.

وجود قوی با چیزی خارج از خود ترکیب نشده است، زیرا خارج از وجود، چیزی نیست، وجود ضعیف هم به همین ترتیب.

- ۱۶- با توجه به مبانی حکمت متعالیه، منظور از تشکیک وجود چیست؟ (امتحان نهایی خرداد ۹۸)

- ۱۷- در حکمت متعالیه با کمک نظریه تشکیک وجود، اختلاف موجودات چگونه تفسیر شده است؟ (امتحان نهایی دی ۹۷)

- ۱۸- در حکمت متعالیه با کمک نظریه تشکیک وجود، اختلاف موجودات چگونه تفسیر می شود؟ (امتحان نهایی شهریور ۹۸)

وجود، حقیقتی واحد است اما این حقیقت واحد، مراتب و درجاتی عالی دارد و به اصطلاح منطق دانان، حقیقتی مشگک است. تشکیک وجود، شدت و ضعف داشتن وجود شدت و ضعف در نور است.

- ۱۹- تلاش فلاسفه بزرگ صدرایی جهت روشن نگه داشتن مشعل پر فروغ حکمت متعالیه چه بودو چه کسانی در این زمینه نقش داشتند؟

فلاسفه بزرگ صدرایی تلاش کردند نظرات عمیق و گاه پیچیده ملاصدرا را تحلیل و تبیین کنند و به دانشجویان فلسفه آموزش دهند؛ تا اینکه این میراث عظیم فلسفه به روزگار معاصر رسید. در این روزگار نیز حکمایی مانند میرزا ابوالحسن رفیعی قزوینی، میرزا مهدی آشتیانی، آقامیر محمد کاظم عصتار و آقا محمد رضا قمشه ای مشعل پر فروغ حکمت را روشن نگه داشتند و به نسل امروز رساندند.

- ۲۰- مباحث کتاب « اصول فلسفه و روش رئالیسم » علامه طباطبایی چه بود؟

علامه در این کتاب نه تنها ارکان ماتریالیسم را نقد می کند بلکه یک دوره فلسفه اسلامی را به گونه ای ارائه می دهد که پاسخ گوی مسئله های روز هم باشد.

- ۲۱- هر یک از موارد سمت راست با کدام یک از گزینه ها در سمت چپ مرتبط است؟ (امتحان نهایی خرداد ۹۸)

الف) نویسنده کتاب اصول فلسفه و روش رئالیسم

۱- ملاصدرا

۲- علامه طباطبایی

ب) حکمت متعالیه را بنیان نهاد.

الف: ۲ ب: ۱

سوالات پاسخ گوایا

- ۱- رقیب همیشگی فلسفه ، کدام علم بود ؟ علم کلام
- ۲- هدف متكلمین چه بود ؟ می خواستند از طریق عقل و استدلال از معارف دینی دفاع کنند.
- ۳- کدام گروه با فلسفه مخالف بودند و از فیلسوفان انتقاد می کردند ؟ بسیاری از متكلمان
- ۴- چه عاملی سبب شد که فلسفه پس از ابن سینا، در بخش هایی از جهان اسلام به رکود بنشیند ؟ برخی از انتقادهای شدید متكلمان
- ۵- در چه سرزمینی، انتقادهای متكلمان ، تأثیر کمتری داشت و فلسفه همچنان زنده ماند ؟ در ایران
- ۶- دو فیلسوف مشهور از فیلسوفان بزرگ عصر صفویه را نام ببرید . میرداماد - ملاصدرا- شیخ بهایی - میرفدرسکی
- ۷- میرداماد و محمد بن ابراهیم قوامی شیرازی به ترتیب ملقب به چه القابی شدند؟ میرداماد - ملاصدرا و صدرالمتألهین
- ۸- صاحب و مؤسس حکمت متعالیه چه فیلسوفی است؟ ملاصدرا (صدرالمتألهین)
- ۹- بنیان گذار حوزه فلسفی اصفهان چه نام دارد؟ میرداماد
- ۱۰- ملاصدرا ابتدا به حلقه درس چه کسی پیوست و سپس به پیشنهاد استاد خود ، فلسفه را نزد چه کسی آموخت ؟ شیخ بهایی - میرداماد
- ۱۱- میرداماد چگونه فیلسوفی بود ؟ فیلسوفی مشائی
- ۱۲- مفسر فلسفه اسلامی به روش اشراقی که بود ؟ میرداماد
- ۱۳- دو اثر از آثار فلسفی ملاصدرا را نام ببرید . اسفار اربعه - شواهد الربویه
- ۱۴- از کدام اثر فلسفی ملاصدرا به عنوان دایره المعارف فلسفی یاد می شود ؟ الاسفار الاربعه (اسفار).
- ۱۵- ملاصدرا در کدام کتاب، ضمن بیان نظر فلاسفه، نظرات ابداعی و مستقل خود را تبیین می کند؟ اسفار
- ۱۶- نویسنده کتاب شواهد الربویه کیست ؟ امتحان نهایی شهریور ۹۸ ملاصدرا
- ۱۷- موضوع کتاب شواهد الربویه چیست و به چه شیوه ای تدوین شده است ؟ فلسفی است که با شیوه اشراقی تدوین شده است.
- ۱۸- نام دو کتاب ملاصدرا در زمینه قرآن کریم را بنویسید . مفاتیح الغیب و اسرار الآیات
- ۱۹- کتاب المبدأ والمعاد ملاصدرا شامل چه مباحثی است ؟ مباحث خداشناسی و معادشناسی
- ۲۰- سه مورد از اصول فلسفی ملاصدرا را نام ببرید . اصالت وجود - تشکیک وجود - حرکت جوهری
- ۲۱- مفاهیمی که از هر چیز خارجی به ذهن ما متبار می شود کدامند ؟ وجود و ماهیت
- ۲۲- به ترتیب ، کدام مفهوم بیانگر جنبه تمایز و اختلاف اشیاست و کدام مفهوم وجه وحدت آنها را بیان می کند ؟ ماهیت و وجود
- ۲۳- به ترتیب ، کدام مفهوم بیانگر وحدت موجودات و کدام یک بیانگر کثرت آنهاست ؟ وجود و ماهیت
- ۲۴- کدام فلسفه به عنوان آخرین دستاورده فلسفه اسلامی در مراکز علمی و آموزشی محور تدریس قرار گرفت ؟ فلسفه صدرا و حکمت متعالیه
- ۲۵- از میان فلاسفه معاصر، حوزه درس کدام شخصیت در قم یکی از پررونق ترین حوزه های فلسفی بود؟ حضرت امام خمینی (ره)
- ۲۶- یکی از این شخصیت های بزرگی که سال ها از محضر درس امام خمینی(ره) استفاده کرده و بر اساس آن پایه های فلسفی خود را استوار ساخت چه کسی بود ؟ استاد شهید مطهری
- ۲۷- از چه کسی به عنوان بزرگ ترین شخصیت فلسفی معاصر و وارث حکماء بزرگ اسلامی نام برده می شود؟ علامه طباطبایی
- ۲۸- یکی از فلاسفه بزرگ اروپایی که در جلسات متوالی و مکرّری به حضور علامه طباطبایی رسید که بود ؟ هانری کربن

جاهای خالی را با استفاده از کلمات مناسب کامل کنید.

- ۱- فلسفه، در ابتداء رقیبی به نام داشت و می خواستند از طریق عقل و استدلال از معارف دینی دفاع کنند. علم کلام - متكلمين
- ۲- بسیاری از متكلمان با فلسفه بودند و از فیلسوفان می کردند. مخالف - انتقاد
- ۳- برخی از انتقادهای متكلمان چنان شدید بود که فلسفه را پس از..... در بخش هایی از جهان به رکود کشاند. ابن سینا- اسلام
- ۴- در ، انتقادهای متكلمان ، تأثیر کمتری داشت و فلسفه همچنان زنده ماند. ایران
- ۵- از فیلسوفان بزرگ عصر صفویهمی توان به ... و اشاره کرد. ملاصدرا- میرداماد (شیخ بهایی - فندرسکی)
- ۶- ملاصدرا ابتدا به حلقه درس پیوست. سپس به پیشنهاد استاد، به درس فلسفهوارد شد. شیخ بهایی - میرداماد
- ۷- به ترتیب بنیان گذار حوزه فلسفی اصفهان است و مفسر فلسفه ابن سینا به روش اشراقی بود. میرداماد - میرداماد
- ۸- الاسفار الاربعه ملاصدرا که به مشهور است یک دایره المعارف به شمار می رود. اسفار - فلسفی
- ۹- کتاب شواهد الربویه کتابی است که با شیوه تدوین یافته و از کتاب های اویله ملاصدرا به حساب می آید. فلسفی- اشراقی
- ۱۰- موضوع بحث دو کتاب و ملاصدرا درباره قرآن می باشد . مفاتیح الغیب - اسرار الآیات
- ۱۱- کتاب المبدأ والمعاد ملاصدرا شامل مباحث و است . خداشناسی - معادشناسی
- ۱۲- کتاب کوچک المشاعر درباره و موضوعات پیرامون آن و کتاب حدوث العالم درباره چگونگی از نظر فلسفی است. وجود - خلق جهان
- ۱۳- فلسفه ای که ملاصدرا بنیان گذاشت « حکمت » نامیده می شود. متعالیه
- ۱۴- حکمت متعالیه، نتیجه تکاملی و..... و نیز انس دائمی وی با وحی الهی و قرآن کریم بود. فلسفه مشاء- فلسفه اشراق
- ۱۵- در شخصیت وجودی ملاصدرا برهان عقلی و قلبی و قرآنی با هم الفت یافته است. شهود - وحی
- ۱۶- از جمله منابع حکمت متعالیه می توان به و اشاره کرد . فلسفه مشاء - فلسفه اشراق (عرفان اسلامی- تعلیم قرآنی)
- ۱۷- اصل بنیادی ترین اصل فلسفی ملاصدراست . اصالت وجود
- ۱۸- به نظر ملاصدرا، از هر چیز خارجی دو مفهوم و به ذهن متبار می شود . وجود - ماهیت
- ۱۹- به نظر ملاصدرا، مفهوم در میان همه اشیا مشترک است اما هر شیئی خاص خود را دارد. وجود - ماهیت
- ۲۰- به عقیده ملاصدرا،، جنبه تمایز و اختلاف اشیاست و، وجه وحدت آنها. ماهیت - وجود
- ۲۱- به عقیده ملاصدرا، همه اشیاء عالم در با هم تفاوتی ندارند اما از حيث با هم متفاوت اند . بودن - ماهیت
- ۲۲- به عقیده ملاصدرا، وجود بیانگر موجودات و ماهیت بیانگر موجودات است وحدت - کثرت
- ۲۳- به عقیده ملاصدرا، کثرت و وحدت به ترتیب اوصاف و هستند. ماهیت - وجود
- ۲۴- ملاصدرا طی مباحث مفصلی ثابت می کند که واقعیت خارجی، مصادق مفهوم است نه وجود - ماهیت
- ۲۵- طبق نظر ملاصدرا، مفهوم دارای اصالت است . امتحان نهایی دی ۹۷
- ۲۶- طبق نظر ملاصدرا، مفهوم اصیل است . امتحان نهایی شهریور ۹۸
- ۲۷- ملاصدرا با تکیه بر اصالت وجود ثابت می کند که واقعیت خارجی امری است که همان اصل اشیاست . واحد - هستی
- ۲۸- به عقیده ملاصدرا، حقیقتی واحد است که مراتب و درجاتی عالی دارد و به اصطلاح منطق دانان، حقیقتی ... است. وجود- مشکل
- ۲۹- تشکیک وجود به معنی شدت و ضعف داشتن وجود مانند شدت و ضعف در است. نور
- ۳۰- ملاصدرا اصول و مباحث ابتکاری و بدیعی مانند عالم طبیعت دارد . حرکت جوهری
- ۳۱- حوزه درس در قم یکی از پررونق ترین حوزه های فلسفی بود. امام خمینی
- ۳۲- بزرگ ترین شخصیت فلسفی معاصر و وارث حکمای بزرگ اسلامی است. علامه طباطبائی
- ۳۳- علامه طباطبائی در کتاب « اصول فلسفه و روش رئالیسم» به نقد ارکان می پردازد. ماتریالیسم
- ۳۴- کتاب تفسیر علامه طباطبائی اثر گران قدری است که از نظر استاد شهید مطهری، در تاریخ اسلام بی نظیر است. المیزان
- ۳۵- یکی از فلاسفه بزرگ اروپایی به نام در جلسات متوالی علامه طباطبائی حضور و گفت و گو داشت که حاصل این گفت و گوها در کتابی با عنوان به چاپ رسیده است. هانری کربن - شیعه

تعیین کنید کدام عبارت صحیح و کدام غلط می باشد.

- ۱- می توان آغاز ظهور اسلام تا ابتدای حکومت صفویان را دوره متقدم و از عصر صفویه تادوره معاصر را دوره متاخر تفکر فلسفی نامید. درست
- ۲- فلسفه، در همان ابتدا رقیبی به نام علم کلام داشت. درست
- ۳- فیلسوفان اسلامی می خواستند از طریق عقل و استدلال از معارف دینی دفاع کنند. نادرست
- ۴- بسیاری از متكلمان با فلسفه موافق بودند و از فیلسوفان انتقاد نمی کردند. نادرست
- ۵- برخی از انتقادهای متكلمان چنان شدید بود که فلسفه را پس از ابن سینا، در بخش هایی از جهان اسلام به رکود کشاند. درست
- ۶- در ایران، انتقادهای متكلمان، تأثیر کمتری داشت و فلسفه همچنان زنده ماند. درست
- ۷- در اصفهان علم و دانش رونق گرفت و فیلسوفان بزرگ ظهور کردنکه سبب شد فلسفه وارد مرحله جدیدی شود. درست
- ۸- میرداماد، شیخ بهایی، میرفندرسکی و ملاصدرا از فیلسوفان بزرگ عصر صفویه هستند. درست
- ۹- میرداماد، بنیان گذار حوزه فلسفی اصفهان بود. درست
- ۱۰- میرداماد بعنوان یک فیلسوف مشائی می خواست حکمت مشاء را با حکمت اشراق درآمیزد و فلسفه مشائی را تفسیری اشراقی کند. درست
- ۱۱- اسفار اربعه، دایره المعارف فلسفی ملاصدراست. درست
- ۱۲- ملاصدرا با الهام از سفر چهار مرحله ای عارفان، کتاب اسفار اربعه را تقسیم بندی و تنظیم کرده است. درست
- ۱۳- شواهد الربویه کتابی عرفانی است که با شیوه اشرافی تدوین یافته و از کتاب های اویله ملاصدرا به حساب می آید. نادرست
- ۱۴- کتاب المبدأ والمعاد خلاصه نیمه دوم اسفار و شامل مباحث فلسفی و معرفت شناسی است. نادرست
- ۱۵- کتاب المشاعر، درباره وجود و موضوعات پیرامون آن و کتاب حدوث العالم درباره چگونگی خلق جهان از نظر فلسفی است. درست
- ۱۶- فلسفه ملاصدرا به نام حکمت متعالیه نتیجه تکاملی «فلسفه مشاء» و «فلسفه اشراف» و انس دائمی با وحی الهی و قرآن بود. درست
- ۱۷- در شخصیت وجودی ملاصدرا برها عقلی و شهود قلبی و وحی قرآنی با هم الفت یافته است. درست
- ۱۸- اصالت وجود، بنیادی ترین اصل فلسفی ملاصدرا برساير مباحث فلسفی مانند واجب و ممکن تأثیری عمیق داشت و رنگ دیگری به آنها داد. درست
- ۱۹- به نظر ملاصدرا، از هر چیز خارجی دو مفهوم وجود و «ماهیت» به ذهن ما مبادر می شود. درست
- ۲۰- به نظر ملاصدرا، مفهوم وجود در میان همه اشیا مشترک است. درست
- ۲۱- به نظر ملاصدرا، وجود، جنبه تمایز و اختلاف اشیاست و ماهیت، وجه وحدت آنها. نادرست
- ۲۲- به عقیده ملاصدرا، وجود بیانگر وحدت موجودات و ماهیت بیانگر کثرت موجودات است. درست
- ۲۳- به نظر ملاصدرا، همه اشیاء عالم در بودن با هم تفاوتی ندارند اما از حیث ماهیت با هم متفاوت اند. درست
- ۲۴- ملاصدرا طی مباحث مفصلی ثابت می کند که واقعیت خارجی، مصدق مفهوم «ماهیت» است. نادرست
- ۲۵- به عقیده ملاصدرا، آنچه واقعیت خارجی را تشکیل می دهد، وجود است نه ماهیت. درست
- ۲۶- ملاصدرا با تکیه بر اصالت وجود نتیجه می گیرد که واقعیت خارجی امری واحدی است که همان اصل هستی اشیاست. درست
- ۲۷- ملاصدرا با تکیه بر اصالت وجود نتیجه می گیرد که اشیا و موجودات مختلف در حقیقت هستی با هم وحدت دارند. درست
- ۲۸- به عقیده ملاصدرا، وجود، حقیقت واحد است اما این حقیقت واحد، مراتب و درجاتی عالی دارد. درست
- ۲۹- به عقیده ملاصدرا، تشکیک وجود، به معنی شدت و ضعف داشتن وجود مانند شدت و ضعف در نور است. درست
- ۳۰- به نظر ملاصدرا، همانگونه که نور، حقیقتی یگانه است اما شدت و ضعف دارد. ماهیت نیز همین گونه است. نادرست
- ۳۱- به نظر ملاصدرا، وجود قوی برخلاف، وجود ضعیف با چیزی خارج از خود ترکیب نشده است، زیرا خارج از وجود، چیزی نیست. نادرست
- ۳۲- ملاصدرا اصول و مباحث ابتکاری و بدیع متفاوتی از جمله «حرکت جوهری» دارد. درست
- ۳۳- حوزه درس امام خمینی در قم یکی از پر رونق ترین حوزه های فلسفی بود. درست
- ۳۴- استاد علامه طباطبایی از بزرگ ترین شخصیت فلسفی معاصر و وارث حکمای بزرگ اسلامی به شمار می آید. درست
- ۳۵- علامه طباطبایی در کتاب «اصول فلسفه و روش رئالیسم» تنها به نقد ارکان ماتریالیسم می پردازد. نادرست
- ۳۶- کتاب تفسیر «المیزان» علامه طباطبایی اثر گران قدری است که از نظر استاد شهید مطهری، در تاریخ اسلام بی نظیر است. درست

سوالات قستی

۱- می توان درباره متکلمان گفت :

- ۱) می خواستند از طریق عقل واستدلال از معارف دینی دفاع کنند.
- ۲) همه متکلمان با فلسفه مخالف بودند و از فیلسوفان انتقاد می کردند.
- ۳) برخی از این انتقادها آن قدر شدید بود که فلسفه را پس از ابن سینا، در ایران به رکود کشاند.
- ۴) در اصفهان، رونق گرفت و متکلمان بزرگی ظهور کردند و علم کلام وارد مرحله جدیدی شد.

۲- کدام یک جزء آثار آغاز حکومت صفویه شمرده می شود و از فیلسوفان بزرگ این دوره می توان به و اشاره کرد.

- ۱) رونق گرفتن علم و دانش - میرداماد - میرزا علی آقا قاضی
- ۲) ظهور فیلسوفان بزرگ و ورود فلسفه به مرحله جدید - شیخ بهایی - میرزا علی آقا قاضی
- ۳) رونق گرفتن علم و دانش - ملاصدرا - میرزا ابوالحسن رفیعی قزوینی
- ۴) ظهور فیلسوفان بزرگ و ورود فلسفه به مرحله جدید - ملاصدرا - میرفندرسکی

۳- صدرالمتألهین در ابتدا به حلقه درس چه کسی رفت و فلسفه را نزد چه کسی آموخت ؟

- ۱) حاج میزا علی آقا قاضی - میرداماد
 - ۲) شیخ بهایی - میرداماد
 - ۳) حاج میزا علی آقا قاضی - شیخ بهایی
 - ۴) شیخ بهایی - آقا سید حسین بادکوبه ای
- ۴- مفسرفلسفه اسلامی به روش اشراقی که بود و کدام حکیم رسمآ حکمت متعالیه را بنیان گذاشت ؟

۱) میرداماد - ابن سینا ۲) صدرالمتألهین - میرداماد ۳) میرداماد - ملاصدرا ۴) صدرالمتألهین - ابن سینا

۵- کدام متفکر فلسفه ابن سینا را به روش اشراقی کرد و حکمت متعالیه نتیجه تکاملی کدام مکاتب فکری گذشته است ؟

۱) صدرالمتألهین - مشاء و اشراق ۲) صدرالمتألهین - اشراق و وحی قرآنی ۳) میرداماد - اشراق و کلام ۴) میرداماد - مشاء و اشراق

۶- کدام مورد درباره میرداماد درست نیست ؟

- ۱) بنیان گذار حوزه فلسفی اصفهان بود.
- ۲) بزرگترین احیاگر فلسفه مشایی بود.
- ۳) حکمت مشاء را با حکمت اشراق در آمیخت ۴) مفسر فلسفه مشاء به روش اشراقی بود.
- ۷- کدام بیان در مورد علم لدنی درست نیست ؟ کنکور سراسری خارج کشور ۹۱
- ۱) علم لدنی بدون کتاب و معلم و اندیشه دریافت می شود و آموزش نقشی در آن ندارد.
- ۲) به نظر همه حکیمان و فیلسوفان ، علم لدنی از دیگر دانش ها قوی تر و استوار تر است.
- ۳) در قرآن آیاتی وجود دارد که می توان در اثبات علم لدنی به آن استشهاد کرد.
- ۴) به اعتقاد صدرالمتألهین امکان ندارد کسی قرآن را فهمیده باشد و علم لدنی را انکار کند.

۸- دایره المعارف فلسفی ملاصدرا ، کتاب است و کتاب کتابی فلسفی است که با شیوه اشراقی تدوین یافته است.

۱) اسفار - المشاعر ۲) اسفار - شواهدالربویه ۳) المبدأ و المعاد - شواهدالربویه ۴) المبدأ و المعاد - اسفار

۹- موضوع کتاب المبدأ و المعاد ، حدوث العالم و المشاعر است و کدام کتاب مانند المبدأ و المعاد است اما در حجمی کوچکتر ؟

- ۱) خداشناسی و معاد شناسی - چگونگی خلق جهان از نظر فلسفی - وجود - المظاهر الالهیه
- ۲) خداشناسی و معاد شناسی - چگونگی خلق جهان از نظر فلسفی - وجود - مفاتیح الغیب
- ۳) خداشناسی و معاد شناسی - وجود - چگونگی خلق جهان از نظر فلسفی - المظاهر الالهیه
- ۴) خداشناسی و معاد شناسی - وجود - چگونگی خلق جهان از نظر فلسفی - مفاتیح الغیب

- ۱۰- میزان و ملاک فلسفی بودن یک متن یا سخن نزد ملاصدرا در کدام گزینه آمده است ؟
- (۱) متکی بر عقل و استدلال عقلی - متکی بر شهود قلبی و بیان نقلی
 - (۲) به موضوع فلسفه مربوط باشد- از شهود یا وحی الهی بهره برده باشد.
 - (۳) به موضوع موجود بما هو موجود مربوط باشد - متکی بر شهود قلبی و بیان نقلی
 - (۴) متکی بر عقل و استدلال عقلی - به موضوع موجود بما هو موجود مربوط باشد.
- ۱۱- چه کسی عرفان را وارد مرحله جدیدی کرد و عرفان نظری را بنیان نهاد و به کدام لقب ملقب شد و کدام اثر از اوست ؟
- (۱) محیی الدین - شیخ اکبر - **فصول الحکم**
 - (۲) ابن عربی - شیخ الرئیس - فصوص الحکم
 - (۳) محیی الدین - شیخ اکبر - المشاعر
- ۱۲- آن گاه که واقعیت خارجی را به وجود نسبت دهیم ، چه چیز اثبات شده است و اگر مفهومی به نحو یکسان بر افراد خود صدق کند ، کدام مفهوم تحقق پیدا کرده است ؟
- (۱) اصالت ماهیت - تشکیک
 - (۲) اصالت ماهیت - متواطی
 - (۳) اصالت وجود - تشکیک.
 - (۴) اصالت وجود - متواطی
- ۱۳- به عقیده ملاصدرا ، آنچه واقعیت خارجی یک شی را تشکیل می دهد و در خارج اصالت دارد..... است نه و از آنجا که هر وجودی با تعیینی خاص در خارج هست ، از این تعیین خاص مفهوم به دست می آید .
- (۱) ماهیت - وجود - ماهیت
 - (۲) وجود - ماهیت - ماهیت
 - (۳) ماهیت - وجود - وجود
- ۱۴- کدام مورد در توضیح مفهوم اصالت در بحث اصالت وجود یا ماهیت مناسب تر است ؟ کنکور سراسری ۹۶
- (۱) آن چیز که قائم به چیز دیگر نیست
 - (۲) مفهومی که دارای منشاء واقعی است
 - (۳) چیزی که دارای نوعی مصدق باشد
 - (۴) آنچه واقعیت را تشکیل می دهد
- ۱۵- کثرت و وحدت به ترتیب اوصاف و وجود هستند و مفهوم در میان همه اشیا مشترک است و جنبه تمایزو اختلاف آنهاست.
- (۱) ماهیت - وجود - ماهیت - وجود
 - (۲) وجود - ماهیت - ماهیت - وجود
 - (۳) ماهیت - وجود - وجود - ماهیت
- ۱۶- بر اساس اعتقاد به اصالت وجود ، واقعیت خارجی امری است و همان اصل اشیاست و موجودات مختلف در حقیقت هستی با هم دارند.
- (۱) واحد - هستی - وحدت
 - (۲) کثیر - هستی - کثرت
 - (۳) کثیر - چیستی - وحدت
- ۱۷- محمول واحدی که تمام را شامل می شود، همان است که امری می باشد . کنکور سراسری ۸۴
- (۱) واقعیات - وجود - مشک و ذومراقب .
 - (۲) موجودات - ماهیت - مشک و ذومراتب .
 - (۳) موجودات - ماهیت - مطلق و تشکیک ناپذیر .
- ۱۸- بر اساس اعتقاد به اصالت وجود ، آثار مختلف موجودات را بهتر است به کدام مورد استناد کنیم؟ کنکور سراسری خارج کشور ۹۷
- (۱) مرتبه وجودی هر موجود.
 - (۲) نوع هر موجود
 - (۳) حقیقت وجود هر موجود

۱۹- کاربرد مفهوم کلی انسان بر افرادش و کاربرد مفهوم کلی حیوان بر افرادش به ترتیب ، موصوف به کدام وصف است ؟ کنکور سراسری ۸۴

۱) مشکک - متواطی ۲) متواطی - متواطی ۳) متواطی - مشکک . ۴) مشکک - مشکک .

۲۰- حوزه درس کدام شخصیت در قم یکی از پررونق ترین حوزه های فلسفی بود و کدام شخصیت پایه های فلسفی خود را بر درس آن حوزه استوار ساخته بود ؟

۱) امام خمینی - استاد مطهری ۲) امام خمینی - دکتر بهشتی ۳) علامه طباطبایی - آیت الله جوادی آملی ۴) علامه طباطبایی - آیت الله جوادی آملی

۲۱- کدام مورد درباره امام خمینی درست نیست ؟

۱) حوزه درس امام خمینی در قم یکی از پررونق ترین حوزه های فلسفی بود .

۲) شخصیت های فلسفی معاصر، بعد از حضور در درس علامه طباطبایی، سال ها از درس های فلسفی امام بهره برداشتند.

۳) امام بسیاری از مباحث صدرالمتألهین را با قریحه ای بی نظیر چنان تفسیر عرفانی می کرد که گاه از سطح بیان ملاصدرا فراتر بود .

۴) امام ایشان در طرح مسائل عرفانی و ربط حکمت متعالیه با اصول عرفانی استعدادی کم نظیر داشت و گاه به نکاتی کاملاً تازه اشاره می کرد

۲۲- عبارت "آن بزرگوار در سال ۱۲۸۱ هجری شمسی در تبریز متولد شد و در سال ۱۳۰۴ عازم نجف گردید درباره زندگی کدام حکیم است و کدام اثر از اوست ؟

۱) علامه طباطبایی - **تفسیر المیزان**

۲) علامه طباطبایی - شرح مبسوط منظومه

۳) سید مرتضی علم الهدی - شرح مبسوط منظومه

۴) کدام مورد درباره علامه طباطبایی درست نیست ؟

۱) فعالیت علمی علامه طباطبایی در زمانی آغاز شد که اندیشه های جدید و مکتب های فلسفی از اروپا به ایران آمده بودند .

۲) فعالیت علمی علامه طباطبایی در زمانی آغاز شد که تفکرات ماتریالیستی و مکتب مارکسیسم در حال گسترش در ایران بود .

۳) علامه در کتاب اصول فلسفه و روش رئالیسم فقط ، ارکان ماتریالیسم را نقد می کند .

۴) کتاب تفسیر «المیزان» علامه طباطبایی اثر گران قدری است که از نظر استاد شهید مطهری، در تاریخ اسلام بی نظیر است.

« من اعتز بغير الله ذل »

حیدر جلالی دبیر فلسفه و منطق شهرستان سوسنگرد

شهریورماه ۹۸

